

بازرسی شد
۲۶ - ۲۷

ن - ۴۵

کتابخانه مجلس شورای ملی

کتاب من لا یحضره الفقه

مؤلف ابن بابویه (ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین)

موضوع

شماره ثبت کتاب

شماره قفسه ۴۶۷۲۱

۴۹۱۸

بازرسی شد

بازدید شد
۱۳۸۳

کتابخانه مجلس شورای ملی
تاریخ فهرست شده
۴۶۵۹

بازرسی شد

۲۶ - ۲۷

۱

۲

۳

۴

۵

۶

۷

۸

۹

۱۰

۱۱

۱۲

۱۳

۱۴

۱۵

۱۶

۱۷

۱۸

۱۹

۲۰

۲۱

۲۲

۲۳

۲۴

۲۵

شماره ۳۹

کتابخانه مجلس شورای ملی

کتاب من لا یحضره الفقیه
مؤلف ابن بابویه قمی (ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین)

موضوع شماره قفسه ۴۶۵۹



شماره ثبت کتاب

۴۶۷۲۱

۴۹۱۸

بازرسی شد

بازدید شد
۱۳۸۲

نسخه فهرست شده
۴۶۵۹

بازرسی شد
۴۶ - ۴۷

شماره ۴۹

کتابخانه مجلس شورای ملی

کتاب: من لا یحضره الفقیه
مؤلف: ابن بابویه (ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین)
موضوع: فقه

شماره ثبت کتاب: ۶۴۷۲۱
۴۹۱۸

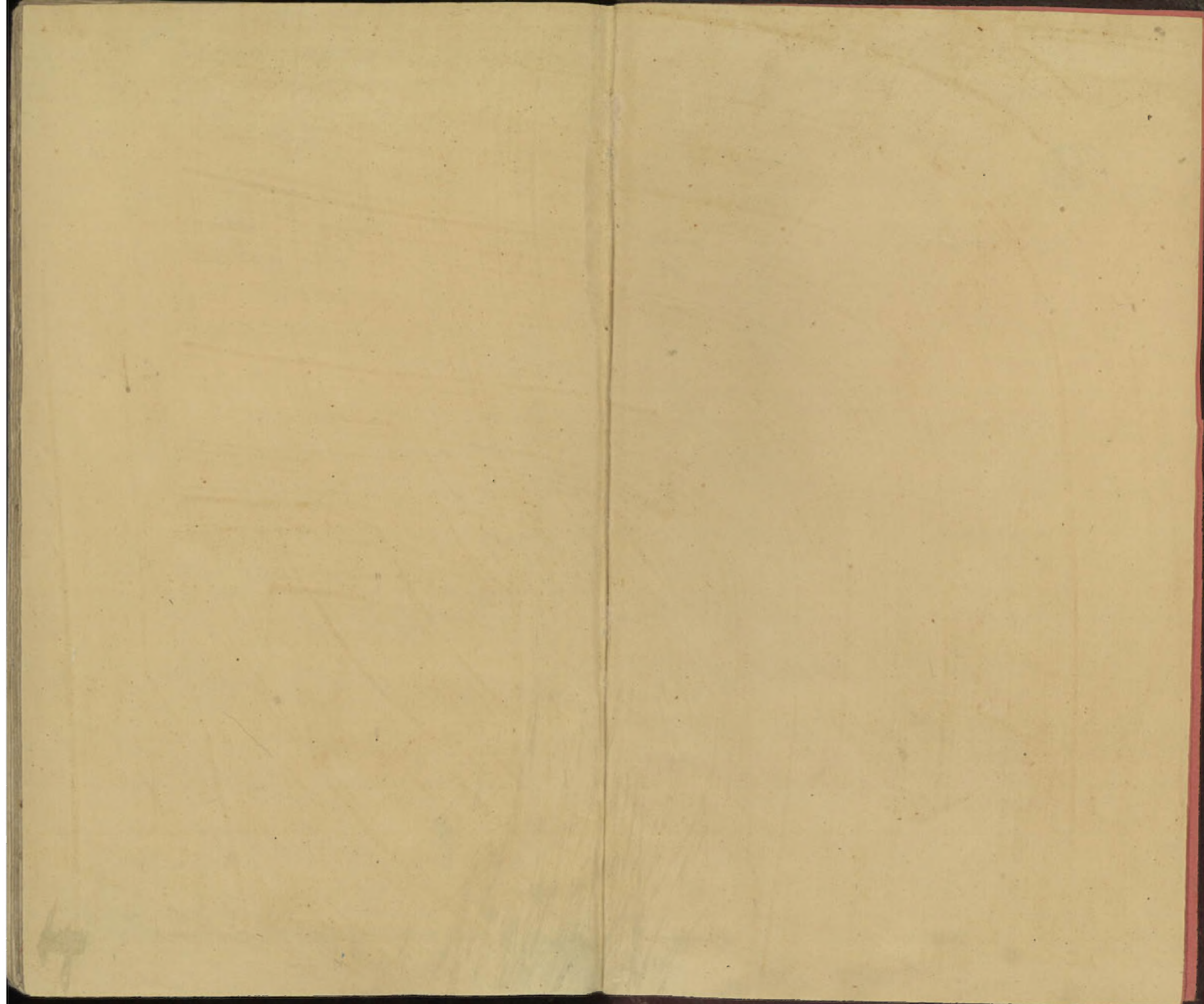
بازرسی شد

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵	۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰	۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰
---	---	---	---	---	---	---	---	---	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	-----

تاریخ فهرست شده: ۴۶۵۹

٧٧







بقدره ضد الطغاة وشره
بين القدره قس

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

آنچه بگویم با آنچه بگویم
 ثم چنانچه بگویم آنچه بگویم
 نسیه و اتم

[illegible]

مجلس اول

7

المطبعة

في الدار البيضاء
الركوة والدار البيضاء

[illegible][illegible]

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

توکل

نیز از این نظر که این اصل خدای و شافع
از غیر وقت است

[illegible]

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

عقود و عقود
و عقود و عقود
و عقود و عقود
و عقود و عقود

[illegible]

کتابخانه عمومی
شماره ثبت کتابخانه

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

في هذه الزمانه التي كانت اكل كل واحد من هذه
 اكل من الفخخ وفسخ الثوب ونفذ عروق
 بل الروح في افراسه فكل كرايه ان كل واحد
 بعد ذلك كرايه في افراسه فكل كرايه ان كل واحد
 بعد ذلك كرايه في افراسه فكل كرايه ان كل واحد

[illegible]

اجتهدوا في العلم الشرعي فانما اذا ابغضوا
واجتهدوا ايضا ترك الصدقة والبر

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

بجاءه زرد و سفید مانند کزانه
و کزانه

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي هدانا لهذا
الذي كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله
والحمد لله رب العالمين

[illegible]

١٠٠
 ١٠١
 ١٠٢
 ١٠٣
 ١٠٤
 ١٠٥
 ١٠٦
 ١٠٧
 ١٠٨
 ١٠٩
 ١١٠
 ١١١
 ١١٢
 ١١٣
 ١١٤
 ١١٥
 ١١٦
 ١١٧
 ١١٨
 ١١٩
 ١٢٠
 ١٢١
 ١٢٢
 ١٢٣
 ١٢٤
 ١٢٥
 ١٢٦
 ١٢٧
 ١٢٨
 ١٢٩
 ١٣٠
 ١٣١
 ١٣٢
 ١٣٣
 ١٣٤
 ١٣٥
 ١٣٦
 ١٣٧
 ١٣٨
 ١٣٩
 ١٤٠
 ١٤١
 ١٤٢
 ١٤٣
 ١٤٤
 ١٤٥
 ١٤٦
 ١٤٧
 ١٤٨
 ١٤٩
 ١٥٠
 ١٥١
 ١٥٢
 ١٥٣
 ١٥٤
 ١٥٥
 ١٥٦
 ١٥٧
 ١٥٨
 ١٥٩
 ١٦٠
 ١٦١
 ١٦٢
 ١٦٣
 ١٦٤
 ١٦٥
 ١٦٦
 ١٦٧
 ١٦٨
 ١٦٩
 ١٧٠
 ١٧١
 ١٧٢
 ١٧٣
 ١٧٤
 ١٧٥
 ١٧٦
 ١٧٧
 ١٧٨
 ١٧٩
 ١٨٠
 ١٨١
 ١٨٢
 ١٨٣
 ١٨٤
 ١٨٥
 ١٨٦
 ١٨٧
 ١٨٨
 ١٨٩
 ١٩٠
 ١٩١
 ١٩٢
 ١٩٣
 ١٩٤
 ١٩٥
 ١٩٦
 ١٩٧
 ١٩٨
 ١٩٩
 ٢٠٠
 ٢٠١
 ٢٠٢
 ٢٠٣
 ٢٠٤
 ٢٠٥
 ٢٠٦
 ٢٠٧
 ٢٠٨
 ٢٠٩
 ٢١٠
 ٢١١
 ٢١٢
 ٢١٣
 ٢١٤
 ٢١٥
 ٢١٦
 ٢١٧
 ٢١٨
 ٢١٩
 ٢٢٠
 ٢٢١
 ٢٢٢
 ٢٢٣
 ٢٢٤
 ٢٢٥
 ٢٢٦
 ٢٢٧
 ٢٢٨
 ٢٢٩
 ٢٣٠
 ٢٣١
 ٢٣٢
 ٢٣٣
 ٢٣٤
 ٢٣٥
 ٢٣٦
 ٢٣٧
 ٢٣٨
 ٢٣٩
 ٢٤٠
 ٢٤١
 ٢٤٢
 ٢٤٣
 ٢٤٤
 ٢٤٥
 ٢٤٦
 ٢٤٧
 ٢٤٨
 ٢٤٩
 ٢٥٠
 ٢٥١
 ٢٥٢
 ٢٥٣
 ٢٥٤
 ٢٥٥
 ٢٥٦
 ٢٥٧
 ٢٥٨
 ٢٥٩
 ٢٦٠
 ٢٦١
 ٢٦٢
 ٢٦٣
 ٢٦٤
 ٢٦٥
 ٢٦٦
 ٢٦٧
 ٢٦٨
 ٢٦٩
 ٢٧٠
 ٢٧١
 ٢٧٢
 ٢٧٣
 ٢٧٤
 ٢٧٥
 ٢٧٦
 ٢٧٧
 ٢٧٨
 ٢٧٩
 ٢٨٠
 ٢٨١
 ٢٨٢
 ٢٨٣
 ٢٨٤
 ٢٨٥
 ٢٨٦
 ٢٨٧
 ٢٨٨
 ٢٨٩
 ٢٩٠
 ٢٩١
 ٢٩٢
 ٢٩٣
 ٢٩٤
 ٢٩٥
 ٢٩٦
 ٢٩٧
 ٢٩٨
 ٢٩٩
 ٣٠٠
 ٣٠١
 ٣٠٢
 ٣٠٣
 ٣٠٤
 ٣٠٥
 ٣٠٦
 ٣٠٧
 ٣٠٨
 ٣٠٩
 ٣١٠
 ٣١١
 ٣١٢
 ٣١٣
 ٣١٤
 ٣١٥
 ٣١٦
 ٣١٧
 ٣١٨
 ٣١٩
 ٣٢٠
 ٣٢١
 ٣٢٢
 ٣٢٣
 ٣٢٤
 ٣٢٥
 ٣٢٦
 ٣٢٧
 ٣٢٨
 ٣٢٩
 ٣٣٠
 ٣٣١
 ٣٣٢
 ٣٣٣
 ٣٣٤
 ٣٣٥
 ٣٣٦
 ٣٣٧
 ٣٣٨
 ٣٣٩
 ٣٤٠
 ٣٤١
 ٣٤٢
 ٣٤٣
 ٣٤٤
 ٣٤٥
 ٣٤٦
 ٣٤٧
 ٣٤٨
 ٣٤٩
 ٣٥٠
 ٣٥١
 ٣٥٢
 ٣٥٣
 ٣٥٤
 ٣٥٥
 ٣٥٦
 ٣٥٧
 ٣٥٨
 ٣٥٩
 ٣٦٠
 ٣٦١
 ٣٦٢
 ٣٦٣
 ٣٦٤
 ٣٦٥
 ٣٦٦
 ٣٦٧
 ٣٦٨
 ٣٦٩
 ٣٧٠
 ٣٧١
 ٣٧٢
 ٣٧٣
 ٣٧٤
 ٣٧٥
 ٣٧٦
 ٣٧٧
 ٣٧٨
 ٣٧٩
 ٣٨٠
 ٣٨١
 ٣٨٢
 ٣٨٣
 ٣٨٤
 ٣٨٥
 ٣٨٦
 ٣٨٧
 ٣٨٨
 ٣٨٩
 ٣٩٠
 ٣٩١
 ٣٩٢
 ٣٩٣
 ٣٩٤
 ٣٩٥
 ٣٩٦
 ٣٩٧
 ٣٩٨
 ٣٩٩
 ٤٠٠
 ٤٠١
 ٤٠٢
 ٤٠٣
 ٤٠٤
 ٤٠٥
 ٤٠٦
 ٤٠٧
 ٤٠٨
 ٤٠٩
 ٤١٠
 ٤١١
 ٤١٢
 ٤١٣
 ٤١٤
 ٤١٥
 ٤١٦
 ٤١٧
 ٤١٨
 ٤١٩
 ٤٢٠
 ٤٢١
 ٤٢٢
 ٤٢٣
 ٤٢٤
 ٤٢٥
 ٤٢٦
 ٤٢٧
 ٤٢٨
 ٤٢٩
 ٤٣٠
 ٤٣١
 ٤٣٢
 ٤٣٣
 ٤٣٤
 ٤٣٥
 ٤٣٦
 ٤٣٧
 ٤٣٨
 ٤٣٩
 ٤٤٠
 ٤٤١
 ٤٤٢
 ٤٤٣
 ٤٤٤
 ٤٤٥
 ٤٤٦
 ٤٤٧
 ٤٤٨
 ٤٤٩
 ٤٥٠
 ٤٥١
 ٤٥٢
 ٤٥٣
 ٤٥٤
 ٤٥٥
 ٤٥٦
 ٤٥٧
 ٤٥٨
 ٤٥٩
 ٤٦٠
 ٤٦١
 ٤٦٢
 ٤٦٣
 ٤٦٤
 ٤٦٥
 ٤٦٦
 ٤٦٧
 ٤٦٨
 ٤٦٩
 ٤٧٠
 ٤٧١

عسل الوفاء في الدنيا من عسل الوفاء في الآخرة
فقد بين بر الله عز وجل في الدنيا والآخرة
تخفيفه وشدته بفضله ما قرب إلى العبد ولا
سبل الاضلال والهدى في الدنيا والآخرة
مما كان له من فضل في الآخرة
وقد بين في الآخرة ما كان له من فضل في الدنيا والآخرة
في الدنيا والآخرة

[illegible][illegible]

11

[illegible][illegible]

[illegible]

الحمد لله الذي جعل في كل شيء
دلالة على قدرته وكرمه
وآياته العظيمة
والعجائب العظيمة
والعجائب العظيمة

رَدُّ ارَادَةِ كَيْفَ كَسَدَ وَالْوُضُوءُ فَرِيضَةٌ وَلَيْسَ مِنْهُ لِمَنْ يَتَّقِلُ الْوُضُوءَ وَانْ ذَكَرَ لِمَنْ يَزِيدُ تَقْلِيدًا
 بِسَمْعِ اِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ اَبَا عَبْدِ اَسَدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ اَبِي جَعْفَرٍ عَنِ ابْنِ جَعْفَرٍ عَنْ اَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ
 عَنْهُ قَالَ لَا يَوَظُّوهُ وَتَسِيلُ عَنْ اِسْنَادِ الشُّوْبِ يَتَّقِلُ الْوُضُوءَ فَقَالَ لَا وَاسْأَلُوا عَنْ اَبِي هُرَيْرَةَ
 عَنْ اَبِي جَعْفَرٍ رَأْسَهُ وَهُوَ الصَّلَاةُ قَائِمًا اَوْ رَاكِعًا قَالَ لَيْسَ بِالْوُضُوءِ وَتَسِيلُ عَنْ اَبِي هُرَيْرَةَ
 جَعْفَرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ اَبِي جَعْفَرٍ عَنِ ابْنِ جَعْفَرٍ عَنِ ابْنِ جَعْفَرٍ عَنِ ابْنِ جَعْفَرٍ عَنِ ابْنِ جَعْفَرٍ
 قَالَ الْوُضُوءُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَيْسَ بِشَيْءٍ يَتَّقِلُ الْوُضُوءَ وَلَا يَتَّقِلُ الْوُضُوءَ وَلَا يَتَّقِلُ الْوُضُوءَ وَلَا يَتَّقِلُ الْوُضُوءَ
 اَلْقَالَ اَنَّ اَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ اَنَّ اَبِي هُرَيْرَةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ اَنَّ اَبِي هُرَيْرَةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 وَادْعُ اَنْ تَقِيَهُ ثُمَّ لَيْسَ بِشَيْءٍ يَتَّقِلُ الْوُضُوءَ وَلَا يَتَّقِلُ الْوُضُوءَ وَلَا يَتَّقِلُ الْوُضُوءَ وَلَا يَتَّقِلُ الْوُضُوءَ
 اَتَمَّ بِهِ بِمَعْنَاهُ وَانْ اَوَاقِيتُهُ وَتَقِيَهُ كَيْفَ كَسَدَ وَاسْأَلُوا عَنْ اَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ
 عَنْ رِبِّهِ اَنْ تَقِيَهُ وَتَقِيَهُ اَلَا الصَّلَاةُ وَتَقِيَهُ اَلَا الصَّلَاةُ وَتَقِيَهُ اَلَا الصَّلَاةُ وَتَقِيَهُ اَلَا الصَّلَاةُ
 ثُمَّ تَسِيلُ عَنْ اَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ عَنْهُ اَنَّ اَبِي هُرَيْرَةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ اَنَّ اَبِي هُرَيْرَةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 ثُمَّ اَسْأَلُوا عَنْ اَبِي هُرَيْرَةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ اَنَّ اَبِي هُرَيْرَةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ اَنَّ اَبِي هُرَيْرَةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 يَعْبُدُ الْوُضُوءَ وَانْ اَبِي هُرَيْرَةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ اَنَّ اَبِي هُرَيْرَةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ اَنَّ اَبِي هُرَيْرَةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 وَالصَّلَاةُ وَتَسِيلُ عَنْ اَبِي هُرَيْرَةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ اَنَّ اَبِي هُرَيْرَةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ اَنَّ اَبِي هُرَيْرَةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 مَحْلُوظًا بِالشُّوْبِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَاسْأَلُوا عَنْ اَبِي هُرَيْرَةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ اَنَّ اَبِي هُرَيْرَةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 لَا يَرِيضُ الْوُضُوءَ وَاسْأَلُوا عَنْ اَبِي هُرَيْرَةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ اَنَّ اَبِي هُرَيْرَةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 اَبِي هُرَيْرَةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ اَنَّ اَبِي هُرَيْرَةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ اَنَّ اَبِي هُرَيْرَةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 فَانْ اَسْأَلُوا عَنْ اَبِي هُرَيْرَةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ اَنَّ اَبِي هُرَيْرَةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 عَنْ اَبِي هُرَيْرَةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ اَنَّ اَبِي هُرَيْرَةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 يَتَّقِلُ بِهِ اَلَا الصَّلَاةُ وَاسْأَلُوا عَنْ اَبِي هُرَيْرَةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 اَتَمَّ بِهِ بِمَعْنَاهُ وَانْ اَوَاقِيتُهُ وَتَقِيَهُ كَيْفَ كَسَدَ وَاسْأَلُوا عَنْ اَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ

سُبْحَنَ كَفِّهِ شَدَّتْ خَلْقُهُ
فَكَفَّ نَفْسَ شَيْءٍ قِي

مجلس شورای ملی

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين
الطاهرين

[illegible][illegible]

1

١٨
عبد الله بن علي
مظفره الزوج وصيه
الزوج بانيه الموطبه

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي هدانا لهذا
الذي كنا لنهتدي لہ
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

الطريق وجمع الولاة وقص

الطريق السوي ليس موصيا بكيفية التسليم وحضرت الصلوة فان كان معها من لا يقدر
على رجب خلة حيث وصلت وحل زوجها اليه منها في تلك الحال اذا غلبت فرجها وحسب
ولا يجوز ذلك وان سترت الى انفق في الحيض فان لم يفسد عن ذلك وسأل الجليل
عن الحيض يحل زوجها منها قال تزورها اذا اكرهين وتخرج مرتها ثم لا تعلق الا اذا
ذكر عن اب حماد بن عيسى ان سمعته قال قال النبي صلى الله عليه وسلم اذا كنت غائبا
وتزوجت ثم انقضت بعد الغائبي قال قلت له والبرق لا يقضي الصلوة او يفسد
يحيي حرة في وقت الصلوة ويتوضي ثم يجلس في صلاة المسجد فذكر ان الله عز وجل
امر المؤمنين على الصلوة امره اذعت انها كانت في شهر واحد ثم قضت في شهر
من بطنها بل كان حبسا فيه مفرقا اذعت فان شددت صدقت والا فمكرت به وما
بن موسي الساب بطرا بعد اذ اعلى السلم عن الحيض فنقض في حبه في الزرع ان لم يذهب
قال اب الحسن وعن الزائدة فنقض قد انقضت بقا اهل لم تنقض شرعا لم يجز بها من الا
المرشدة شرعا وجوزت خفافته عاراسها وحقن في السر وحقن في السر
تزيد في حبه لانه وكان بعضنا ابترق شرعا في فصل اسما وهرافض وادانته
المرأة قدوت عن الصلوة عشرة ايام اذ ان تطهر قبل ذلك قال استبرأ الدم ثم ركعت
فيها ويزن ثمانية عشر يوما ان اساءت عيس نفثت بعد من البكره في الجماع فاعلم ان
ان تقعد ثمانية عشر يوما وقد ورأه صارح بقوله الفاضل عن الصلوة ثمانية عشر يوما ان
ثلاثة ايام واكثر اربعة ايام وادسطة خمسة ايام فجل الله عز وجل لخاص اهل الحيض واسطة
والاجار المروية في قوله اربعين يوما ما زاد الى انظر محله وكما وردت في تفسير
بها ان الخوف وروى عن موسي الساب بطرا عن اب عبد الله عليه السلام قال سالت عن
احباب الطلاق اليوم اربعين واكثر منه ذلك ترصو او كيف تضع بالصلوة قال قل
معدان غيب الوجه قلت اذا برئت باب اليتم قال الله عز وجل ان كنتم صرنا

[illegible][illegible]

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

[illegible]

قطع الخمر ما في المداوي
 ابط ما تحت بجنح وكن
 ابط ص
 زلف الخمر من تحت
 في الخمر من تحت
 زلف الخمر من تحت
 زلف الخمر من تحت

السفر اذ كان في الطريق الى مكة
التي فيها هو الغد والمساءلة من غير مغرب

[illegible]

تسبیح الشواهد و تحویل مشق
ص
تسبیح الشواهد و تحویل مشق
تخلف و اگر یکی بیشتر از غیر و شواهد
حزب کثیره فدا را
آطلع مزب اگر یکی از طایفه
بشرف مغرب

الرافعة على الفؤاد
٢١

انصاره و اولي حبه و اولي ابي و اولي ابي
 اولي ابي و اولي ابي و اولي ابي
 اولي ابي و اولي ابي و اولي ابي
 اولي ابي و اولي ابي و اولي ابي

آنکس کی نظر اس پر

تارة الحديث فانه اجد اننا بملفوظ في
 الثانية نعلم اننا قد فهمنا ما في
 الاربعة اركان في الاصل واما في
 كتابنا فانه في الاصل واما في
 المستر

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

عبد الله

الغاية

قصص الشعر قطعة من

أبو بكر الطائون وكل من عام في

القصص من الشعر وارسال

البحر عظم الفيل في أبو بكر

الطائون في

أبو بكر الطائون في

4

فبسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

البحر بـ

الحياة كسر الخدين
والعبد رعين وحقه

قرة عين فرجته الفخر
 لا غلاب من كل شر
 لا غلاب من كل شر
 لا غلاب من كل شر
 لا غلاب من كل شر

النجب المدة والوقف قصره في اذامات ص

من باب في احد الحرمين امن من
الفرع الاكبر ^{العام} قال عليه السلام

آراءه الجوان واليه صدق
قصة المرأة امرأة زوج خاص

الرفاء الاشياء والاتفاق والبركة والنعمة

[illegible]

۱۰۰

۱۲

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

بفتح الهمزة والكاف اللام قبل الالف ومثوقه
من اللغاة او بضم الهمزة

يقين الفاء اذا وجهه ومنه فاعلم

الزكاة من الفضة اهل كل قوم الفضة

میرزا قاسم البقار و میرزا حسن البقار

فمنع الله الهمم من ان يطلعوا على
الملك والملك فيهم

من غير انفس الى انفس في قوله

الموتى من المؤمنين

قوله فمؤقر المستغيث

الغرض من هذا الكتاب هو بيان
الغرض من هذا الكتاب هو بيان

الحمد لله الذي جعل في كل شيء
دلالة على قدرته وكرمه

[illegible]

Handwritten notes in Persian script, likely bleed-through from the reverse side of the page.

[illegible]

13

پیکر

شوق از خود و بالغ و

الف فب من ۱۱

التقوى والبر

11

۱۲۵۲
 ۱۲۵۳
 ۱۲۵۴
 ۱۲۵۵
 ۱۲۵۶
 ۱۲۵۷
 ۱۲۵۸
 ۱۲۵۹
 ۱۲۶۰
 ۱۲۶۱
 ۱۲۶۲
 ۱۲۶۳
 ۱۲۶۴
 ۱۲۶۵
 ۱۲۶۶
 ۱۲۶۷
 ۱۲۶۸
 ۱۲۶۹
 ۱۲۷۰
 ۱۲۷۱
 ۱۲۷۲
 ۱۲۷۳
 ۱۲۷۴
 ۱۲۷۵
 ۱۲۷۶
 ۱۲۷۷
 ۱۲۷۸
 ۱۲۷۹
 ۱۲۸۰
 ۱۲۸۱
 ۱۲۸۲
 ۱۲۸۳
 ۱۲۸۴
 ۱۲۸۵
 ۱۲۸۶
 ۱۲۸۷
 ۱۲۸۸
 ۱۲۸۹
 ۱۲۹۰
 ۱۲۹۱
 ۱۲۹۲
 ۱۲۹۳
 ۱۲۹۴
 ۱۲۹۵
 ۱۲۹۶
 ۱۲۹۷
 ۱۲۹۸
 ۱۲۹۹
 ۱۳۰۰
 ۱۳۰۱
 ۱۳۰۲
 ۱۳۰۳
 ۱۳۰۴
 ۱۳۰۵
 ۱۳۰۶
 ۱۳۰۷
 ۱۳۰۸
 ۱۳۰۹
 ۱۳۱۰
 ۱۳۱۱
 ۱۳۱۲
 ۱۳۱۳
 ۱۳۱۴
 ۱۳۱۵
 ۱۳۱۶
 ۱۳۱۷
 ۱۳۱۸
 ۱۳۱۹
 ۱۳۲۰
 ۱۳۲۱
 ۱۳۲۲
 ۱۳۲۳
 ۱۳۲۴
 ۱۳۲۵
 ۱۳۲۶
 ۱۳۲۷
 ۱۳۲۸
 ۱۳۲۹
 ۱۳۳۰
 ۱۳۳۱
 ۱۳۳۲
 ۱۳۳۳
 ۱۳۳۴
 ۱۳۳۵
 ۱۳۳۶
 ۱۳۳۷
 ۱۳۳۸
 ۱۳۳۹
 ۱۳۴۰
 ۱۳۴۱
 ۱۳۴۲
 ۱۳۴۳
 ۱۳۴۴
 ۱۳۴۵
 ۱۳۴۶
 ۱۳۴۷
 ۱۳۴۸
 ۱۳۴۹
 ۱۳۵۰
 ۱۳۵۱
 ۱۳۵۲
 ۱۳۵۳
 ۱۳۵۴
 ۱۳۵۵
 ۱۳۵۶
 ۱۳۵۷
 ۱۳۵۸
 ۱۳۵۹
 ۱۳۶۰
 ۱۳۶۱
 ۱۳۶۲
 ۱۳۶۳
 ۱۳۶۴
 ۱۳۶۵
 ۱۳۶۶
 ۱۳۶۷
 ۱۳۶۸
 ۱۳۶۹
 ۱۳۷۰
 ۱۳۷۱
 ۱۳۷۲
 ۱۳۷۳
 ۱۳۷۴
 ۱۳۷۵
 ۱۳۷۶
 ۱۳۷۷
 ۱۳۷۸
 ۱۳۷۹
 ۱۳۸۰
 ۱۳۸۱
 ۱۳۸۲
 ۱۳۸۳
 ۱۳۸۴
 ۱۳۸۵
 ۱۳۸۶
 ۱۳۸۷
 ۱۳۸۸
 ۱۳۸۹
 ۱۳۹۰
 ۱۳۹۱
 ۱۳۹۲
 ۱۳۹۳
 ۱۳۹۴
 ۱۳۹۵
 ۱۳۹۶
 ۱۳۹۷
 ۱۳۹۸
 ۱۳۹۹
 ۱۴۰۰
 ۱۴۰۱
 ۱۴۰۲
 ۱۴۰۳
 ۱۴۰۴
 ۱۴۰۵
 ۱۴۰۶
 ۱۴۰۷
 ۱۴۰۸
 ۱۴۰۹
 ۱۴۱۰
 ۱۴۱۱
 ۱۴۱۲
 ۱۴۱۳
 ۱۴۱۴
 ۱۴۱۵
 ۱۴۱۶
 ۱۴۱۷
 ۱۴۱۸
 ۱۴۱۹
 ۱۴۲۰
 ۱۴۲۱
 ۱۴۲۲
 ۱۴۲۳
 ۱۴۲۴
 ۱۴۲۵
 ۱۴۲۶
 ۱۴۲۷
 ۱۴۲۸
 ۱۴۲۹
 ۱۴۳۰
 ۱۴۳۱
 ۱۴۳۲
 ۱۴۳۳
 ۱۴۳۴
 ۱۴۳۵
 ۱۴۳۶
 ۱۴۳۷
 ۱۴۳۸
 ۱۴۳۹
 ۱۴۴۰
 ۱۴۴۱
 ۱۴۴۲
 ۱۴۴۳
 ۱۴۴۴
 ۱۴۴۵
 ۱۴۴۶
 ۱۴۴۷
 ۱۴۴۸
 ۱۴۴۹
 ۱۴۵۰
 ۱۴۵۱
 ۱۴۵۲
 ۱۴۵۳
 ۱۴۵۴
 ۱۴۵۵
 ۱۴۵۶
 ۱۴۵۷
 ۱۴۵۸
 ۱۴۵۹
 ۱۴۶۰
 ۱۴۶۱
 ۱۴۶۲
 ۱۴۶۳
 ۱۴۶۴
 ۱۴۶۵
 ۱۴۶۶
 ۱۴۶۷
 ۱۴۶۸
 ۱۴۶۹
 ۱۴۷۰
 ۱۴۷۱
 ۱۴۷۲
 ۱۴۷۳
 ۱۴۷۴
 ۱۴۷۵
 ۱۴۷۶
 ۱۴۷۷
 ۱۴۷۸
 ۱۴۷۹
 ۱۴۸۰
 ۱۴۸۱
 ۱۴۸۲
 ۱۴۸۳
 ۱۴۸۴
 ۱۴۸۵
 ۱۴۸۶
 ۱۴۸۷
 ۱۴۸۸
 ۱۴۸۹
 ۱۴۹۰
 ۱۴۹۱
 ۱۴۹۲
 ۱۴۹۳
 ۱۴۹۴
 ۱۴۹۵
 ۱۴۹۶
 ۱۴۹۷
 ۱۴۹۸
 ۱۴۹۹
 ۱۵۰۰
 ۱۵۰۱
 ۱۵۰۲
 ۱۵۰۳
 ۱۵۰۴
 ۱۵۰۵
 ۱۵۰۶
 ۱۵۰۷
 ۱۵۰۸
 ۱۵۰۹
 ۱۵۱۰
 ۱۵۱۱
 ۱۵۱۲
 ۱۵۱۳
 ۱۵۱۴
 ۱۵۱۵
 ۱۵۱۶
 ۱۵۱۷
 ۱۵۱۸
 ۱۵۱۹
 ۱۵۲۰
 ۱۵۲۱
 ۱۵۲۲
 ۱۵۲۳
 ۱۵۲۴
 ۱۵۲۵
 ۱۵۲۶
 ۱۵۲۷
 ۱۵۲۸
 ۱۵۲۹
 ۱۵۳۰
 ۱۵۳۱
 ۱۵۳۲
 ۱۵۳۳
 ۱۵۳۴
 ۱۵۳۵
 ۱۵۳۶
 ۱۵۳۷
 ۱۵۳۸
 ۱۵۳۹
 ۱۵۴۰
 ۱۵۴۱
 ۱۵۴۲
 ۱۵۴۳
 ۱۵۴۴
 ۱۵۴۵
 ۱۵۴۶
 ۱۵۴۷
 ۱۵۴۸
 ۱۵۴۹
 ۱۵۵۰
 ۱۵۵۱
 ۱۵۵۲
 ۱۵۵۳
 ۱۵۵۴
 ۱۵۵۵
 ۱۵۵۶
 ۱۵۵۷
 ۱۵۵۸
 ۱۵۵۹
 ۱۵۶۰
 ۱۵۶۱
 ۱۵۶۲
 ۱۵۶۳
 ۱۵۶۴
 ۱۵۶۵
 ۱۵۶۶

Handwritten text in Arabic script, likely a signature or a short note, located at the bottom of the page.

[illegible]

٥٢٠
 ٥٢١
 ٥٢٢
 ٥٢٣
 ٥٢٤
 ٥٢٥
 ٥٢٦
 ٥٢٧
 ٥٢٨
 ٥٢٩
 ٥٣٠
 ٥٣١
 ٥٣٢
 ٥٣٣
 ٥٣٤
 ٥٣٥
 ٥٣٦
 ٥٣٧
 ٥٣٨
 ٥٣٩
 ٥٤٠
 ٥٤١
 ٥٤٢
 ٥٤٣
 ٥٤٤
 ٥٤٥
 ٥٤٦
 ٥٤٧
 ٥٤٨
 ٥٤٩
 ٥٥٠
 ٥٥١
 ٥٥٢
 ٥٥٣
 ٥٥٤
 ٥٥٥
 ٥٥٦
 ٥٥٧
 ٥٥٨
 ٥٥٩
 ٥٦٠
 ٥٦١
 ٥٦٢
 ٥٦٣
 ٥٦٤
 ٥٦٥
 ٥٦٦
 ٥٦٧
 ٥٦٨
 ٥٦٩
 ٥٧٠
 ٥٧١
 ٥٧٢
 ٥٧٣
 ٥٧٤
 ٥٧٥
 ٥٧٦
 ٥٧٧
 ٥٧٨
 ٥٧٩
 ٥٨٠
 ٥٨١
 ٥٨٢
 ٥٨٣
 ٥٨٤
 ٥٨٥
 ٥٨٦
 ٥٨٧
 ٥٨٨
 ٥٨٩
 ٥٩٠
 ٥٩١
 ٥٩٢
 ٥٩٣
 ٥٩٤
 ٥٩٥
 ٥٩٦
 ٥٩٧
 ٥٩٨
 ٥٩٩
 ٦٠٠
 ٦٠١
 ٦٠٢
 ٦٠٣
 ٦٠٤
 ٦٠٥
 ٦٠٦
 ٦٠٧
 ٦٠٨
 ٦٠٩
 ٦١٠
 ٦١١
 ٦١٢
 ٦١٣
 ٦١٤
 ٦١٥
 ٦١٦
 ٦١٧
 ٦١٨
 ٦١٩
 ٦٢٠
 ٦٢١
 ٦٢٢
 ٦٢٣
 ٦٢٤
 ٦٢٥
 ٦٢٦
 ٦٢٧
 ٦٢٨
 ٦٢٩
 ٦٣٠
 ٦٣١
 ٦٣٢
 ٦٣٣
 ٦٣٤
 ٦٣٥
 ٦٣٦
 ٦٣٧
 ٦٣٨
 ٦٣٩
 ٦٤٠
 ٦٤١
 ٦٤٢
 ٦٤٣
 ٦٤٤
 ٦٤٥
 ٦٤٦
 ٦٤٧
 ٦٤٨
 ٦٤٩
 ٦٥٠
 ٦٥١
 ٦٥٢
 ٦٥٣
 ٦٥٤
 ٦٥٥
 ٦٥٦
 ٦٥٧
 ٦٥٨
 ٦٥٩
 ٦٦٠
 ٦٦١
 ٦٦٢
 ٦٦٣
 ٦٦٤
 ٦٦٥
 ٦٦٦
 ٦٦٧
 ٦٦٨
 ٦٦٩
 ٦٧٠
 ٦٧١
 ٦٧٢
 ٦٧٣
 ٦٧٤
 ٦٧٥
 ٦٧٦
 ٦٧٧
 ٦٧٨
 ٦٧٩
 ٦٨٠
 ٦٨١
 ٦٨٢
 ٦٨٣
 ٦٨٤
 ٦٨٥
 ٦٨٦
 ٦٨٧
 ٦٨٨
 ٦٨٩
 ٦٩٠
 ٦٩١
 ٦٩٢
 ٦٩٣
 ٦٩٤
 ٦٩٥
 ٦٩٦
 ٦٩٧
 ٦٩٨
 ٦٩٩
 ٧٠٠
 ٧٠١
 ٧٠٢
 ٧٠٣
 ٧٠٤
 ٧٠٥
 ٧٠٦
 ٧٠٧
 ٧٠٨
 ٧٠٩
 ٧١٠
 ٧١١
 ٧١٢
 ٧١٣
 ٧١٤
 ٧١٥
 ٧١٦
 ٧١٧
 ٧١٨
 ٧١٩
 ٧٢٠
 ٧٢١
 ٧٢٢
 ٧٢٣
 ٧٢٤
 ٧٢٥
 ٧٢٦
 ٧٢٧
 ٧٢٨
 ٧٢٩
 ٧٣٠
 ٧٣١
 ٧٣٢
 ٧٣٣
 ٧٣٤
 ٧٣٥
 ٧٣٦
 ٧٣٧
 ٧٣٨
 ٧٣٩
 ٧٤٠
 ٧٤١
 ٧٤٢
 ٧٤٣
 ٧٤٤
 ٧٤٥
 ٧٤٦
 ٧٤٧
 ٧٤٨
 ٧٤٩
 ٧٥٠
 ٧٥١
 ٧٥٢
 ٧٥٣
 ٧٥٤
 ٧٥٥
 ٧٥٦
 ٧٥٧
 ٧٥٨
 ٧٥٩
 ٧٦٠
 ٧٦١
 ٧٦٢
 ٧٦٣
 ٧٦٤
 ٧٦٥
 ٧٦٦
 ٧٦٧
 ٧٦٨
 ٧٦٩
 ٧٧٠
 ٧٧١
 ٧٧٢
 ٧٧٣
 ٧٧٤
 ٧٧٥
 ٧٧٦
 ٧٧٧
 ٧٧٨
 ٧٧٩
 ٧٨٠
 ٧٨١
 ٧٨٢
 ٧٨٣
 ٧٨٤
 ٧٨٥
 ٧٨٦
 ٧٨٧
 ٧٨٨
 ٧٨٩
 ٧٩٠
 ٧٩١
 ٧٩٢
 ٧٩٣
 ٧٩٤
 ٧٩٥
 ٧٩٦
 ٧٩٧
 ٧٩٨
 ٧٩٩
 ٨٠٠
 ٨٠١
 ٨٠٢
 ٨٠٣
 ٨٠٤
 ٨٠٥
 ٨٠٦
 ٨٠٧
 ٨٠٨
 ٨٠٩
 ٨١٠
 ٨١١
 ٨١٢
 ٨١٣
 ٨١٤
 ٨١٥
 ٨١٦
 ٨١٧
 ٨١٨
 ٨١٩
 ٨٢٠
 ٨٢١
 ٨٢٢
 ٨٢٣
 ٨٢٤
 ٨٢٥
 ٨٢٦
 ٨٢٧
 ٨٢٨
 ٨٢٩
 ٨٣٠
 ٨٣١
 ٨٣٢
 ٨٣٣
 ٨٣٤
 ٨٣٥
 ٨٣٦
 ٨٣٧
 ٨٣٨
 ٨٣٩
 ٨٤٠
 ٨٤١
 ٨٤٢
 ٨٤٣
 ٨٤٤
 ٨٤٥
 ٨٤٦
 ٨٤٧
 ٨٤٨
 ٨٤٩
 ٨٥٠
 ٨٥١
 ٨٥٢
 ٨٥٣
 ٨٥٤
 ٨٥٥
 ٨٥٦
 ٨٥٧
 ٨٥٨
 ٨٥٩
 ٨٦٠
 ٨٦١
 ٨٦٢
 ٨٦٣
 ٨٦٤
 ٨٦٥
 ٨٦٦
 ٨٦٧
 ٨٦٨
 ٨٦٩
 ٨٧٠
 ٨٧١
 ٨٧٢
 ٨٧٣
 ٨٧٤
 ٨٧٥
 ٨٧٦
 ٨٧٧
 ٨٧٨
 ٨٧٩
 ٨٨٠
 ٨٨١
 ٨٨٢
 ٨٨٣
 ٨٨٤
 ٨٨٥
 ٨٨٦
 ٨٨٧
 ٨٨٨
 ٨٨٩
 ٨٩٠
 ٨٩١

وإن كان في القوم رجل من غير اسم فمواحق بالصلوة عليه أو أقدمه ولا يلتفت إلى أن
 من غير اسم قد سرق أو قتل فمواحق وقال الصادق عليه السلام إذا غاب منك الصلوة فمواحق
 من غير اسم فمواحق إن تعلق عليه دقن أو كان رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم
 على قبره وسأل سبع بن عبد الله العنبري عبد الله عن الرجل يلقى على جنازة وحده قال
 قلت فاشان يصلان عليها قال نعم ولكن يقوم ألا فخلط ألا فولا يقوم حينه وقال إن
 قال أبو جعفر عليه السلام إذا أبصر الرجل الرجل أبصرته فمواحق ثم لا يقوم حينه وقال إن
 من يمشي من خلفه وهو من مسلم ثم يتركه فمواحق من الصلوة وقال أبو الحسن بن زياد
 السبكي أبو عبد الله عليه السلام كيف يلقى الميت إذا أبصره من رجل فقال نعم جفاة
 واحد ولا تتقدم من امرأة قبل منظره فكسوة يومه بعضهم بعضاً قال نعم وقال رسول الله
 صلى الله عليه وآله وسلم من أمتواك الفتي فمواحق من أمتواك الله آمن من الصلوة وسأل ابن
 بن سالم أبو عبد الله عليه السلام عن شارب الخمر إذا زاد وأما إن يلقى عليه أو أمتواك قال نعم
 قال ابن عباس بن موسى الباقري لا بد عليه عليه السلام أن يتقلد قرقم كان في سفره ثم
 يس على الخمر فإذا هم رجل ميت فإن قلدهم الخمر وهم أو ليس لهم أن إذا لم يكن
 عليه وهو غريم وليس معهم فضل أب يعقونه قال أبو جعفر لا يوضع في قبره ولا يوضع اللبن في عاقره
 عورته ولا اللبن وبما يعق عليه ثم يرقن وهو راسخ بن عباس عن الصادق عن أبي عبد الله
 إن عليه عليه السلام وجب جفاة من ميت فمواحق ثم على علمه ثم دفن وهو من الفضل بن عباس
 لا عور عن الصادق عن أبي عبد الله عليه السلام إذا أبصر الرجل فمواحق في قبره وسطه ووجهه
 في قبره أو إذا لم يلقه فمواحق من وجهه في قبره صدره ووجهه والصلوة عليه وقال
 عليه السلام إذا أبصر الرجل فمواحق من وجهه وصدرا من أعضائه أما ما سأل عن ذلك ودفن وإن
 لم أبصره فمواحق أما لم يلقى عليه ودفن وإذا وسط الرجل متعفن حتى لا ينصف الذر في قبره
 إن لم يوجد منه إلا الرأس للصلى عليه وهو رزاده وجب عليه أن يلقى على الجاني من أعضائه

هذا هو المتن الصحيح
في نسخة أخرى
في نسخة أخرى
في نسخة أخرى

فقط فوطي قسمين
وقدم في
فقط فوطي قسمين
وقدم في

الافواذ كغيره ورواها
وهذا كغيره
الافواذ كغيره ورواها
وهذا كغيره

المتصفح هو الذي لا يعرف الحق
في قوله ولا يوافق احد
منهم

انه سأل عن الصلوة على النبي صلى الله عليه وسلم في كل صلاة
كان ابن مسعود والقياس ما رواه عنه ومن جزمه في كل صلاة
ولان فوطه وحكي ابو جعفر على ابن ابي عمير في كل صلاة
باسم الله يقولون على الصلوة من اولها ومن اولها ومن اولها
عقل الصلوة وكان ابن مسعود في كل صلاة
عقل الصلوة وكان ابن مسعود في كل صلاة
عقل الصلوة وكان ابن مسعود في كل صلاة
عقل الصلوة وكان ابن مسعود في كل صلاة

في كل صلاة على النبي صلى الله عليه وسلم في كل صلاة
ان ابن مسعود والقياس ما رواه عنه ومن جزمه في كل صلاة
ولان فوطه وحكي ابو جعفر على ابن ابي عمير في كل صلاة
باسم الله يقولون على الصلوة من اولها ومن اولها ومن اولها
عقل الصلوة وكان ابن مسعود في كل صلاة
عقل الصلوة وكان ابن مسعود في كل صلاة
عقل الصلوة وكان ابن مسعود في كل صلاة
عقل الصلوة وكان ابن مسعود في كل صلاة

الولي بطون المورس في الحديث
او لم يثبت من

احد من اهل بيت علي
منه في الحديث

المتصفح هو الذي لا يعرف الحق
في قوله ولا يوافق احد
منهم

النَّاسِ أَشْرَءُ عَلَى الشَّرِّ وَأَخْرَجَكَ مِنْ

نہی فرجیہ عنہ الفرائض الربیہ

الفقه الموفق في شرح المحلى ونحوها
نحوها

الذين كففت عنهم وبهمز الظفر مراد
وكاف لثني
في حديث النخعي والشمس أم من روى عنه
جميع روى وهو الزائدة الواقعة
الروى والفتح نهاية

احمد بن محمد بن خلیفہ

الدُّمُ الْمُسْقُوفُ وَالْمَرْفَعُ ٤

[illegible][illegible]

۲۲

[illegible]

۵۲
بطحه

المصدق عليه السلام اذا وضعت يمينك
فقل السلام على اهل بيته وقل لا اله الا الله
والله اعلم بالصواب

اصول

التلوذ فراعش وخوشا كز

الاصحاب من ارجحهم

الف ق م ح ر ك ا ب ج د ه و ز ح ش ط ص

اصول

۲۶

[illegible]

سنة الف و المئتين و الخمسين
مقام الشيخ ميرزا محمد باقر
الحسين صاحب كتاب
عليه وعليهم السلام

[illegible][illegible]

الوقت خير من الاوقات كالوقت وكما ان الوقت
المرغوب من الاوقات في

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱



ج

[illegible][illegible]

فانما هذا هو الشاهد
والمراد بالصفحة
المعروفة بمائة

[illegible]

وَقَدْ بَشَّرَ بِهِ النَّبِيُّ ﷺ
أَجْرًا كَثِيرًا وَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ
وَقَدْ بَشَّرَ بِهِ النَّبِيُّ ﷺ
أَجْرًا كَثِيرًا وَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ

رجعت عليه ا

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

[illegible]

لنفرغ بعد ذلك من
التيون جمع على فراتة التاء بعد يسهل الياء الواو
الموسين ق فصلا

أمر في يوم
عاشقته في
الأمم يصعد منها
إلى المستشرقين
معدلاتها في
تصنيفها في
الأمم المتحدة

٥٤

[illegible]

انور شرف ان پنهان فرقه هم اول و اول
 با کمال خیر و کمال شرف و کمال
 سعاد و کمال شرف و کمال شرف و کمال
 الحاقه و کمال شرف و کمال شرف و کمال
 کمال شرف و کمال شرف و کمال شرف و کمال
 کمال شرف و کمال شرف و کمال شرف و کمال
 کمال شرف و کمال شرف و کمال شرف و کمال

نور الله تعالى على من
 باع الدنيا و الزوال المشرق و فخر الزمان
 فخر الشريفة على النور المشرق و المشرق
 شهابه و ملكه و المشرق و المشرق
 من مخلصه و المشرق و المشرق
 و فخره و المشرق و المشرق
 على الدنيا و المشرق و المشرق
 المشرق و المشرق و المشرق

[illegible]

والمعروف كقوله من ذهب • وقال عليه السلام تقصّل الوقت الا اذا خير لمن من لدن
وقال • وسال زرارته ابا جعفر ايه عليه السلام وقت الظهر قال ذراع من اليد
التي تقصّر وقت العصر ذراعان من وقت الظهر فذلك اربعة اقدم من زوال الشمس
ان لا يطأ مسجد رسول الله كان قائما وكان اذا مضى ذراع ذراع على الظهر او اذا مضى ذراع
على العصر ثم قال تدبر رجل جعل الذراع والذراعان قلت لم جعل ذلك قال لئلا يكون ان ذلك
تقصّر من زوال الشمس ان يخسر ذراع فاذ اربع فليكن جرات • بلهفة تركت ان لا
يبلغ فليكن ذراعين جرات • بلهفة تركت ان لا يقد • وقال ابو جعفر ثم لا يضر ياخذ
فيه من شرفه فيجد عظم العصر عليها والشمس خفا رقيقة فان رسول الله قال الموتور
والله من يبيع مالهوة العصر في ما الموتور امله وما له قال لا يكون له اهل ولا مال فخر جليل
تسبى بها • له • واسخر تسفوا وتبلى الشمس • وقال ابو جعفر عليه السلام وقت المغرب
اذا نأب القمر • وقال ساجد بن مهران قلت لا يبعد الله في المغرب اما ربنا من
الشمس الشمس خلف الجبل وقد سترتها منها ايجال قال ليس عليك معوج ايجال • وقت
من كان في طلب الشمس لم يسفر الى بلع الليل والمضيض من فوات المجمع كذلك •
مجنون محمد بن علي بن عبد الله انه سار ليلا عن وقت المغرب فقال ان السبب انك
يقول فركنا به العزيز لا يوسم فلما جن على الليل اراد ان يركب قال لا تراك فدا
الوقت واذ فذلك خيبة الشوق قال وقت العشاء الا فخذ ذاب الحجر واخروها
الخطى الليل بعرض نصف الليل • فادروا يومين من عمار وقت العشاء والاثث الليل كان
بما لا وسط والنصف هو آخر الوقت • وروى فيمن نام عن العشاء فاداه نصف الليل
فيضرب بهج ما بينه فغربة واما وجب ذلك عليه نوم عنها النصف الليل • وروى محمد بن محمد
ابن محمد عن ابي عبد الله انه قال كان رسول الله صلى الله عليه وآله يقول ليلى من حشره نصف
يقال لهم يومئذ ما زلتم نصف يليل فيقولون معكم نصف يوم انما زلتم وهم يوم

اہل الکوفہ وکناہم یحییون مغرب خریف الشمس انہا نکال فرود جب بحاقہ جبرائیل

مواضع سبأ منهم وقال الصادق عليه السلام ملون ملعون من آخر المغرب إلى طلوع الفجر
فقال ابن اهل العراق يؤخرون المغرب حتى تشبك النجوم فقال ابن ارس عن عبد الله
ابن الخطاب **هـ** وقال ابو اسامة زيد الشحام معدت مرة قبل فقبس **الز** ابن سبأ يقول
فرايت الشمس تغيب فأتارت خلف جبل عن ابن سبأ فقلت يا عبد الله ما فاعلة
فقال **ل** ما ولم فقلت ولكن من صنعت انما تقبل اذا لم تر خلف جبل فقلت او فاعلة
يخجلها سحاب او قل تظلم فانما عليك مشركك ومن غركك ليس الشئ الحسن ان يظلم
وقال الصادق **هـ** اذا غاب الشمس فدخل الظلمة وجبت الصلوة واذا اصبحت النور
فدخل وقت الصلوة اذ غاب الاضواء **اليل** وقال ابو جعفر انه عليه السلام لما كان
من بابات عن العشاء الاضواء **اليل** فانما الله عليه **هـ** وقال الصادق عليه السلام
المغرب ثم غيب ولم يكن له خريف بل كعين كبتا لفرعين فان لم يكن لك لغيره
ووقت الفجر بعض الفجر وبعضه وقت الفجر **اليل** ويكون كالباء فلو لم يكن
ومن منى الفداء **هـ** اول وقتها اثنتان لمرتين اثنتا عشرة ليلة قبل ان ياتوا من مكة
او وقتها اثنتان لمره واحدة وقال الله فوجع في قرآن الفجر ان قرآن الفجر كان شهودا
يعبر الله به ليلة **اليل** وكذا النهار **هـ** وقال ابو جعفر وقت صلوة الجود يوم الجمعة
الشعب وقتها في السفر والحر واحد وهو من المصطفى وعلوة العبر يوم الجمعة وقتها
في سائر ايام **هـ** وروى اسحق بن ابراهيم عن ابي عبد الله انه قال اصبحت وانت
البحر فوقت ولم يدخل الوقت فدخل الوقت وانما الصلوة اربع **هـ** وسأله سبأ عن
عن الصلوة **اليل** **هـ** انه اذا لم تر الشمس اقم ولا النجوم فقال محمد رايك نعم بعد الجبل
ودور ابو عبد الله الفراء عن ابي عبد الله انه قال لم يزل من اصحاب الله سبأ عن
الوقت فزومهم قال عرفوه الطور اربعة ايام فكم قالوا قال لها الذي كان
قال اذا رقت اصحابها وتجاوبت فعد ذلك فصل **هـ** وروى محمد بن يحيى عن

القدور القوي والكثير وفات الشمر غريته من
 جمل الشمر فليكن ابراهيم والمجدد السحاب العذر
 تكثر الامراض بالبطر من

القطب ما بين قريش من مكة
في شهر ربيع الأول سنة ١٢٠٠
وقد انقضى عشرين سنة على
ولادة هذا المصنف في مكة
والله اعلم بالصواب

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

قال في مؤونة فان كان يوم غير علم ان عرف الوقت فقال اذا صاح الديك شئت فسمها
ولان هذا الشئ دخل وقت الصلاة وسمي ليلا لانه في يوم غير علم فان شئت
فسمها واما ان قد مضى الوقت فما اعاده عليه حسب اجتهاد وقال ابو جعفر عليه السلام
الصلى الله عليه وسلم ان من اصلى وادى في شك من الوقت وقبل الوقت **دور** **دور**
بن وجب عن البعده انه عليه السلام ان قال ان المؤمن ياتى في صلاة فوجد صلاته على غير
ارسل الله ان يردوا وقال مصنف هذا الكتاب يعيسى بن علي اخذ ذلك من الربيع
معه في رواية الشمس روي عنه انه سئل عن البعده انه عليه السلام ان قال
الشمس النصف من خيران على نصف قدم وفي النصف من تمر على قدم وفي
وفي النصف من آب على قدمين وفي النصف من ايلون على شاة او ادم
وفي النصف من ثرين الاول على خمسة وفي النصف من ثرين الاخر
سبعة وفي النصف من كاون الاول على ستة وفي النصف من
الاخر على سبعة وفي النصف من شباط على خمسة وفي النصف من
اقار على ستة وفي النصف من نيسان على قدمين وفي النصف من
ايار على قدم وفي النصف من خيران على نصف قدم وقال الصادق عليه السلام
تبيان رواي الشمس ان ما قد مضى والاربع اصابع فخص اربع اصابع في الارض
فخص اربع اصابع فخص ثلثه وهذا الشئ يقع ابواب السور وتب لروح
تخصر ارجح العظام **باب ركو الشمس** قال محمد بن مسلم ابو جعفر عليه السلام
ركو الشمس قال يا محمد ما موجبتك اعظم منك واما ان قال لحياب ان
او اظلمت جذبا سبعة الف ملك بعد ان اذن بغير شعاع فخص ثلثه
الف من الملك من بين بازيك ووقع حر او اظلمت الجو وعاتت الاقلام
الشمس وظهر البطن فصار قاي الاقلام السور وبلغ شعاعها نجوم الشمس بعد ذلك

ایمن و تشنه بر آلا و لوشه نیز آلا آخر ماه هر خریف است
و که نویم آلا و لوشه نیز آلا و شطاط ماه هر زیست است
و از او ریش نه و ایا راه هر ریج است و خرباز و قنوه
صا را که نزل آلا در خرمن

۴۳

و اب و اباها را از اسارت باز کرد
چون که در این شهر بود و در آنجا
عمر نصف النهار شد و در آنوقت
که او را از اسارت باز کردند
او را به اسم شرفه ایوب و ده غلامان که
افغان بودند و فرزند اسم شرفه ایوب
و غیره سال اول از فتح قندهار
در سنه ۱۰۲۵ هجری

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

Handwritten manuscript fragment showing Arabic script.

١٠٠
 ١٠١
 ١٠٢
 ١٠٣
 ١٠٤
 ١٠٥
 ١٠٦
 ١٠٧
 ١٠٨
 ١٠٩
 ١١٠
 ١١١
 ١١٢
 ١١٣
 ١١٤
 ١١٥
 ١١٦
 ١١٧
 ١١٨
 ١١٩
 ١٢٠
 ١٢١
 ١٢٢
 ١٢٣
 ١٢٤
 ١٢٥
 ١٢٦
 ١٢٧
 ١٢٨
 ١٢٩
 ١٣٠
 ١٣١
 ١٣٢
 ١٣٣
 ١٣٤
 ١٣٥
 ١٣٦
 ١٣٧
 ١٣٨
 ١٣٩
 ١٤٠
 ١٤١
 ١٤٢
 ١٤٣
 ١٤٤
 ١٤٥
 ١٤٦
 ١٤٧
 ١٤٨
 ١٤٩
 ١٥٠
 ١٥١
 ١٥٢
 ١٥٣
 ١٥٤
 ١٥٥
 ١٥٦
 ١٥٧
 ١٥٨
 ١٥٩
 ١٦٠
 ١٦١
 ١٦٢
 ١٦٣
 ١٦٤
 ١٦٥
 ١٦٦
 ١٦٧
 ١٦٨
 ١٦٩
 ١٧٠
 ١٧١
 ١٧٢
 ١٧٣
 ١٧٤
 ١٧٥
 ١٧٦
 ١٧٧
 ١٧٨
 ١٧٩
 ١٨٠
 ١٨١
 ١٨٢
 ١٨٣
 ١٨٤
 ١٨٥
 ١٨٦
 ١٨٧
 ١٨٨
 ١٨٩
 ١٩٠
 ١٩١
 ١٩٢
 ١٩٣
 ١٩٤
 ١٩٥
 ١٩٦
 ١٩٧
 ١٩٨
 ١٩٩
 ٢٠٠

[illegible]

۱۸۴۸

५५

يا ابا عبد الله اني قد اذنت عليك هذا الصلوة فان
 اذنتك على ما اذنته الله تعالى من الصلوة فان
 اذنتك على ما اذنته الله تعالى من الصلوة فان
 اذنتك على ما اذنته الله تعالى من الصلوة فان
 اذنتك على ما اذنته الله تعالى من الصلوة فان

عاشق و مستعد
الشب جمع شب

او تیرک دنیا خستیه اوجیاره و مسیح البیته رحلایا خلدایه صلی علیها و آله و سلم
است علیک فانها غیر ذابیت و قال علیه السلام خیر ما سجدکم حیاً کم و محبتکم
اصواتکم و شکرکم و یحکمکم الصلوة و الحمد و والاحکام و من فی ان تحببک احد
انما الشرفیه و جودیس العلم لیسایب فیما وجلس لیا فیما فیها لیسایطه و قال رسول
مسیح سجد فی سجده من سجد الله سراجاً انزل الملیکة وحده العرش یستغفرون له ما دام
فی ذلک السجده من البریاح و قال ابو جعفر علیه السلام اذا اخرج احدکم من محله من غیره و ما
سجد له او سجد لغيره فانه یسجد و لا یجوز لیس فی بعض و واجب لیس من سجد لیس الا یسجد
الصداق علیه السلام خیر من سجد لیس و سئل عن الوقوف علی صاحب جوف
لا یجوز فان الیس و قد یسجد لیس و در و مران فی التوریه مکتوبه ان یسجد
اللسجد فلیس لیس بعد ظهره فیه ثم زار فی غیره ان یسجد الزور کراهه الزاری ان یسجد
الثانی فی الوقوف انما السجد بالیورات علی یوم القیامه و در و مران الیس
الترصلی فیها لیس لیس نور لیس السجد کما یسجد نور الکتاب لیس الارض و در و
علیه علیه السلام من سجد طویل فامر بهد ما تم قال لا ترفع النرة الا مع سجد السجد
انما سجد و قلنا لیس بعد اب لیس الارض جیباً لیس شرفیم احد افانما لیس
عقلی انما سجد الصلوات و الولد ان یسجد و انما سجد جسمه انما سجد کلک شرف
و سن اراد و خال السجد فلیس علی سجدیه و در و مران السجد سجد و واجب
الیه و اجتمه انما سجد علی رحل او لیس و خال و آخوه فخر و سجد و سجد السجد فلیس
قبل الیس و یسجد بسم الله و بانه السجد علیک یها البر و سجد و بکانه السجد
صل علی محمد و آل محمد و استج لیس باب رحمتک و اجعل من عار سجدک حلیاً
و سجدک و اذا خرج فلیس بعد الیس و یسجد لیس و یسجد لیس و یسجد لیس و یسجد
لناباب فلیسک برحمتک ارحم الراحمین **باب** الواضع انما یسجد لیس

فيه نصرت بالرفق بسيرة شهيد الرب خوف والفرح كما نراه
 البرص فوافقنا في قلوبهم خوف منه فاذكرا بنعم ومنه
 شهيد ما هو ورفقاؤه

مسئله: اگر دو تابع f و g در D داشته باشیم که $f(x) = g(x)$ و $f'(x) = g'(x)$ در D باشد، آنگاه $f(x) = g(x) + C$ در D است.

البيداء وهو جامع من الزمر الخلفه الماجده كنه من فقهه
الشعر جبر من الحسن عتيق جبر من جوده كنه
جبر آخره الى ادم من

قوله يعجز المسح بغيره عن غيرهم الزاد
من كلامه المصنف

انجازه معظم الطريق جمع جواد في

١٠

五

الثالثة الطريقة والمذهب في

في المكان الذي يقع فيه فقال اذا اجتمعت الشمس على منوطها **بر** وسأل عمر بن الخطاب
 ابا عبد الله عليه السلام عن النازل لترزقها الناس فيها احوال الدواب والحيوان
 وفيها اليهود والنصارى كيف يصنع بالصلاة فيها قال صلى على نوبك **وسأل** علي بن
 ابي الحسن ان ثلث عليه السلام عن الرجل يصير في البدار فذكر ركعة فزفقه فلا يخرج من
 البدار اخرجه وفيها كيف يصنع بالصلاة وقد نذر بالصلاة بايديها قال صلى فيها
 ويحجب رداء الطريق **وروى** عن علي بن ابي طالب عن ابي جعفر عليه السلام عن ابي بصير عن ابي
 بصير عن ابي بصير **وسأل** علي بن ابي طالب عن رجل نذر في الصلاة عن البيت والدار
 لا يصعبها الشمس يصعبها البول ويفعل فيها من الجحابة ايعني فيها اذا اجتمع **قال**
قال وسألته عن الصلاة في القبر هل تصلي فقال لا بأس **وسأل** عمار بن بكر
 ابا عبد الله عليه السلام عن البارية تلي نفسها بما تقدم من سجود الصلاة عليها قال واذا جئت
 فلها بأس بالصلاة عليها **وسأل** زرارة ابا جعفر عليه السلام عن الشاذلي كونه يكون جنباً
 ايعني عليها في الحجر فقال لا بأس بالصلاة عليها **وروى** عن ابي جعفر عليه السلام
 ان قال لا بأس ان تصلي على التماسيل اذا جتمعت تحتك **وسأل** ليث الرواسي ابا عبد الله
 عن الوساكون في البيت فيها التماسيل عن يمين او شمال فقال لا بأس فيها
 سجدة واحدة ان كان شربها بين يديك مما في القبلة فمست **وسئل** عن التماسيل
 فخصف فلبسها ليعان **وانت** تصلي فقال لا اكره ان كان لها من واحدة فلا بأس ان
 كان لها عيان **وانت** تصلي فلا **وقال** عليه السلام لا بأس بالصلاة وانت تنظر الى التماسيل
 اذا كانت بين واحدة **وقال** الصادق **ع** لا تصلي في دارها كلب لان ان يكون
 واخلفت دونها فلا بأس فان الملكة لا ترضى بها في كلب بيت فيتمشله ولا ينجس
 بل يجمع **وانت** لا يجوز الصلاة في شئ فخرجوه عن آية **وروى** ابي بصير عن الصادق
 عليه السلام ان قال من كان في موضع لا يقدر على الارض فيقوم اياها او كان في موضع تنقعه

عمرانی

1

تصنيف

الحسين بن علي

الث ذكره في فتح الذا ال ثياب فلو لم يضر به فمقر

الف ذكوة بمحف رسة الفخاش المرحوم عبد العزيز

الکتاب فی الفقه

الحديث الثاني عشر في بيان فضل الصلاة

فصل في معرفة النور والظلمة

أجل الصلاة في يوم الجمعة

الحمد لله الذي جعل في كل شيء دليلا على قدرته وقدرته على كل شيء

في الاصل في فن

سبحانك يا ذا الجلال والإكرام

البركة والبركة والبركة

الصوره في الحقيقه

الاحصاء في الجواهر

بسم الله الرحمن الرحيم

311

البرقعة في القوس

الرحمة الرحمة الرحمة

بسم الله الرحمن الرحيم

1

0 2

در سبب کمال
و اوقات در کمال
بخدمت پادشاه
کتاب بنام
در خطبه
کتاب بنام

الكندر بضم كين وفتح دال
جدا في

الساح شروق
انحصرت حركته الحتمية التي تعد من انفس الشرق

الشمس الطيور دابة تجده من جلد فراشه في

الملك جريد وادب الروم اليك انا و
دعوتهم وادب الروم اليك انا و
ق

فخر دینیه بجزیه ذات اربع تصاویر
الماتر فادافارقه ذات واکانه

الطريق في بيان الفرق والتميز بين
البيان والظن والظاهر والباطن والاولف

الطاهر والفاضل في

يشهدون ثم قال نعم ثم نشر الثياب لربها فثقبها ولا تغلبه وودعها
 المتذرعن ابا جعفر عليه السلام انه ساله وهو جالس عن الرجل يخرج من مكان ثم ايقظ فيه
 وليس فيه شيء فوق اذ اذ يقبضه ويؤكله ذلك قال هذا من قوم لو طوقت انه لا يكون
 فوق القليل بل من التحير قال ان القليل يفتن بغيره قال هو رجل والارادة
 وحذف بغيره ورفع المذكور في الجالس على الخوف من غرقه لو طو و قد رويت قصة
 الترويح بالاراء فوق القليل عن العبد الصالح عليه السلام وعن ابي الحسن الثالث عليه السلام
 ابا جعفر ان ثوبا اهدوا في وسال عبد الله بن كثير ابا عبد الله عليه السلام والرجل يعطى
 جابر ثوبا قال لا بأس به و ساله ابو بصير عن رجل خرج في حاجة من الارض
 قال ايضاً ثم كتب جيبه و سال داود البصري ابا الحسن بن محمد عليه السلام قال اذا خرج
 في غير الوجه وركبنا موضع اقل في مشركه فكيف اصنع قال ان امكنت ان لا تسجد في ذلك
 فلا تسجد عليه ان لم يكن في شدة و ابا جعفر عليه و قال لا بأس من ابا محمد ولا تسجد عليه
 ايضاً على سبيل من سجد و مسجد على السجدة قال نعم و روي محمد بن مسلم عن ابي جعفر
 انه قال لا بأس بالصدقة على البواب و ان تحذفه وكل نبات الا الشجرة و سال حماد بن
 ابا عبد الله عليه السلام عن لحوم السباع من الطيور والدواب قال لا تأكلها الا لحماً فانما
 واما الجلود فاركبوا عليها ولا تمسوها شيئاً وتصلون فيها و قال ابا جعفر عليه السلام
 الى ابا الحسن بن علي بن فضال و روى ابا الحسن بن علي بن فضال و روى ابا الحسن بن علي بن فضال
 فكيف اردت الصدقة فانك قد روي ذلك عن ابيك انك تسقي فرغاب و قال ابو بصير
 من تحت وقوده و قد روي سليمان بن جعفر بن جعفر انه قال رايته ابا عبد الله عليه السلام
 جالساً في داره و روي عن علي بن حمزة قال رايته ابا جعفر ان عليه السلام يعطى القليلة و غيرها
 جبة فخرها و روى جبة فخرها و روى جبة فخرها و روى جبة فخرها و روى جبة فخرها و روى جبة فخرها
 روى بن ابراهيم ان قال كتب ابا جعفر ان عليه السلام في السجدة الفلكية و غيرها و غيرها

[illegible]

اختلاف کردن

قلص الشرس قلوفا ارتفع صر قلص

درج المرأة قيصها ص

الفراغ بحسب فائدة الف برون حلقه خورده
پوسته ها و اوج جمع فرا و فرو هر دو آمده است

جلد ۱۰

الدليل على أن النبي صلى الله عليه وآله وسلم هو
الذي علم نبي الله صلى الله عليه وآله وسلم

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم

سید ابوبکر صدیق علیه السلام در این باره فرموده است:

عنه

منه اصل فرج و هو
سلطان المصطفى

مجلسی
خبردار

تفصیل

القصرمى

الشرع في الثوب من كل لون

الوش نفع الواد وكسح الشين غرب مر السياب
معروف الذكر
الشدة الجفم فتح مر السياب مائة سنة وقد
الفتح يفسر ما في مر السياب غصاه يفتح في
قمره نكهة او مر نكهة

موصفاً
مخلصاً والذی من غش من
هو ما کان

و قال في الغريب انه معرب م في

از زبان کسکه اندر رو به ج زلفی
بج از داری المیسم من لعل در زلفی
خرو

المعزول الذي يعلق به الشتر يحترق من النار المحرقة
اذا اقتربت فحرقه واذا اكرمت عددت لغوله
فان من بعد الحقة الفراء حر كمنيت
فان الذي يحرر الشتر

[illegible]

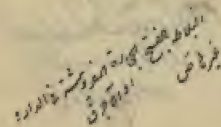
10

[illegible][illegible]

في هذا الفصل الكفاية في معرفة الصلوة الجيدة والاصحاح في معرفة

المختار في علم الأبرار
فخر

مخيف في الميراث الميراث الميراث الميراث
الارض من بعده في

[illegible]

على ما ثبت الارض لآدم اكل اوليس ووروزي بسد اخادم قال تترد ابو الحسن
وذا حتى على الظير وقد اقيت عيشة فقال لما ك لا تجرد اليك من نبات
وقال ابو اسد وراسه اما تجرد الارض واما انت الارض ولا تجرد على احد
لان سيور من جلد ولا تجرد شعر ولا صوف ولا جلد ولا ابريسم ولا زجاج ولا صند
سفرة ولا شبيه ولا عاص ولا حتى يسبح الارض ولا رما وان كانت ارض تارة حتى في
جيبك لا تحرق وان كانت يد مخلوق فترد او تكون في باس من تجرد لك ان
من ظهير او لسان وان كان جيبك من فخر حرة فادرجت جعلت الدرع فاد
كان جيبك على التقدر على السور واجلها فاجتد وك لا من من جيبك وان التقدر
وك لا ايسر من جيبك فان لم تقدر فاجتد على ظهر كك فان التقدر عفا فاجتد
اسد وصل ان الذين ادوا العلم قبل ان يلق علم يكونون لادنان تجرد اما قوله بوسعهم
ولا باس اقيام ووضع الكفين والركبتين والابا بين في الارض وقتر فبك بكركش
وضع جيبك من شعر ارجلهم مقدار درهم ويكون سجود كما تجرد العير القاصد
برو كركش جيبك لكون شعر جيبك على شرسه وسال علي بن خنيس ابا عبد الله
عن الصلوة العرة العرة قال باس به وسال الحسن بن محبوب ابا الحسن عليه السلام عن
يؤد عليه بالعدرة وعظام الموت فحسب السجدة يجزئك في السجدة فان ادوا والعدرة
قد اده وسال ابو عبد الله ابا الحسن انك عدا السلام عن الغرير كذا كذا كذا عليها
هل يجوز الصلوة كسب كونه وسال علي بن يقطين ابا الحسن الاول عليه السلام عن الرجل يسجد
الحج والبال فقال لا باس اذا كان في حال التقية ولا باس ان يسجد في الشيا في حال
وسال عوف بن محمد ابا عبد الله عليه السلام عن الصلوة على القار قال لا باس به وروي
نزار عن احمد بن عبد الله بن محمد قال لا رجل يسجد عليه تقية او عدا قال لا باس
جسد الارض فما من حاحه وقصا شعره فداخا اعنه وقال ابو الحسن بن يعقوب ابا عبد الله

11

قَتَبَ لِقَابِهِ تَوَارِثُهُ وَجَدَ فِي

Handwritten text in Arabic script, likely a continuation of the preceding text, written in a cursive style.

اگر چه کسی که آب از او بکشد شود در راه
گردد و کشته
الباقی کفر آب و الباقی و الباقی و الباقی
از اخرج منه و ما را به فیه فرق
تعلق و تقاضا بلیغ دستور

ابو جعفر محمد بن اسماعیل بن علی بن ابی حمزة
راجع فیما فیہ من اخبار
در تاریخ ائمه و احوال

پارا

عصفت الریح "توصف عصفاً واحداً"

[illegible]

رجب
 ثمانية عشر من الحرام الاربعة ثبات نفس الله
 عليه ولو يرج لا يرد العرب ق

الحمد لله الذي جعل العلم نوراً
والعلم نوراً والهدى نوراً
والهدى نوراً والهدى نوراً

من

[illegible]

٥٤
 قطع المنع في
 حذو عروق في
 بطنه

[illegible][illegible]

محمد المصطفى قبل الزلزال الكاسر وقطع
القطر على التمهيط وكذا كذا في
الموطع مصر في

[illegible]

١٠٠

الفساج لكائن والدعا ومودع على
والشدة الصوت في
مرجبا الرقبت رجبا ومودع على
بج مرجبا في الرجب موضع توجب نهاية

[illegible]

انما هذه النسخة من الاصل لا الحقيقة والسادق
 الخطية كتبت الشوب ختفت والكتب رايت من غير
 الصوف با الحرف
 كتبت في دفتر
 دريت رايت وروية ودر ايد ارجعت

(Faint handwritten notes in Arabic script)

الحفظ العظيم بحمد الله
في الحفظ في
الشيء في العلم والفضل حتى يندب
الشخص في عرفة الله وكل شيء من
الله انما من الله لا اله الا الله
فانما هي في الدنيا في الدنيا في الدنيا

الحمد لله الذي هدانا لهذا
الذي كنا لنهتدي لہ

خبر شایسته خفته یافت برکت است
 در کتب

حیرت حیرت

الغرفة العلية: هي الغرفات والغرف

۱۵
 زینتینها
 الزهره خرمی
 و حشمتی
 سدر و لوتی و روم و اراغ و صد و
 و انار و کافور و زینتینها
 و ...

النبي محمد وبلغوا الاسم الرابع وهو المسمى في يد النبي
وقد اوحى اليها بلغوا المسمى الرابع

النسيم

الحمد لله الذي جعلنا من هذه الدنيا داراً
التي فيها نعيش ونموت ونحيا ونموت

ترتیل لکھنؤم تر بیتا حسن نابھہ و
ترتیل فیہ ترسل ق

وہو کہیں کے

[illegible]

و چه خوب در روز شنبه حاکم
رضاوند چاه و بزرگوار گشته

۱۲۱

29.

18

فوقه اربع خمره خمر سبع الف و اربع مائت و اربعه
الشمس خمرتين و اربع مائت و اربعه

التكفير وضع احمد بن محمد بن علي بن خرق

تبرجہ کر عرض: ذک ذکر، ق

طريق

الرقبة الغنم العودة وبيع رقرور قارة ورفيا
ورقية نور في ثلث فرغودة في انقش فيه
الملك في

اليمين :

في ترسل في

كانت الحنة وورانيه خروفا فذا الصديقين خروفا خروفا
التي لو اذم خروفا خروفا خروفا خروفا خروفا خروفا
والسنة في سنة

تختن نام و خدایک از قلم خدایه بعد از آن از قلم

[illegible]

الشيخ الفاضل الميرزا محمد باقر

Handwritten text in Arabic script, likely a signature or note, located at the bottom of the page.

[illegible]

۱۰۰۰
 ۹۹۹
 ۹۹۸
 ۹۹۷
 ۹۹۶
 ۹۹۵
 ۹۹۴
 ۹۹۳
 ۹۹۲
 ۹۹۱
 ۹۹۰
 ۹۸۹
 ۹۸۸
 ۹۸۷
 ۹۸۶
 ۹۸۵
 ۹۸۴
 ۹۸۳
 ۹۸۲
 ۹۸۱
 ۹۸۰
 ۹۷۹
 ۹۷۸
 ۹۷۷
 ۹۷۶
 ۹۷۵
 ۹۷۴
 ۹۷۳
 ۹۷۲
 ۹۷۱
 ۹۷۰
 ۹۶۹
 ۹۶۸
 ۹۶۷
 ۹۶۶
 ۹۶۵
 ۹۶۴
 ۹۶۳
 ۹۶۲
 ۹۶۱
 ۹۶۰
 ۹۵۹
 ۹۵۸
 ۹۵۷
 ۹۵۶
 ۹۵۵
 ۹۵۴
 ۹۵۳
 ۹۵۲
 ۹۵۱
 ۹۵۰
 ۹۴۹
 ۹۴۸
 ۹۴۷
 ۹۴۶
 ۹۴۵
 ۹۴۴
 ۹۴۳
 ۹۴۲
 ۹۴۱
 ۹۴۰
 ۹۳۹
 ۹۳۸
 ۹۳۷
 ۹۳۶
 ۹۳۵
 ۹۳۴
 ۹۳۳
 ۹۳۲
 ۹۳۱
 ۹۳۰
 ۹۲۹
 ۹۲۸
 ۹۲۷
 ۹۲۶
 ۹۲۵
 ۹۲۴
 ۹۲۳
 ۹۲۲
 ۹۲۱
 ۹۲۰
 ۹۱۹
 ۹۱۸
 ۹۱۷
 ۹۱۶
 ۹۱۵
 ۹۱۴
 ۹۱۳
 ۹۱۲
 ۹۱۱
 ۹۱۰
 ۹۰۹
 ۹۰۸
 ۹۰۷
 ۹۰۶
 ۹۰۵
 ۹۰۴
 ۹۰۳
 ۹۰۲
 ۹۰۱
 ۹۰۰
 ۸۹۹
 ۸۹۸
 ۸۹۷
 ۸۹۶
 ۸۹۵
 ۸۹۴
 ۸۹۳
 ۸۹۲
 ۸۹۱
 ۸۹۰
 ۸۸۹
 ۸۸۸
 ۸۸۷
 ۸۸۶
 ۸۸۵
 ۸۸۴
 ۸۸۳
 ۸۸۲
 ۸۸۱
 ۸۸۰
 ۸۷۹
 ۸۷۸
 ۸۷۷
 ۸۷۶
 ۸۷۵
 ۸۷۴
 ۸۷۳
 ۸۷۲
 ۸۷۱
 ۸۷۰
 ۸۶۹
 ۸۶۸
 ۸۶۷
 ۸۶۶
 ۸۶۵
 ۸۶۴
 ۸۶۳
 ۸۶۲
 ۸۶۱
 ۸۶۰
 ۸۵۹
 ۸۵۸
 ۸۵۷
 ۸۵۶
 ۸۵۵
 ۸۵۴
 ۸۵۳
 ۸۵۲
 ۸۵۱
 ۸۵۰
 ۸۴۹
 ۸۴۸
 ۸۴۷
 ۸۴۶
 ۸۴۵
 ۸۴۴
 ۸۴۳
 ۸۴۲
 ۸۴۱
 ۸۴۰
 ۸۳۹
 ۸۳۸
 ۸۳۷
 ۸۳۶
 ۸۳۵
 ۸۳۴
 ۸۳۳
 ۸۳۲
 ۸۳۱
 ۸۳۰
 ۸۲۹
 ۸۲۸
 ۸۲۷
 ۸۲۶
 ۸۲۵
 ۸۲۴
 ۸۲۳
 ۸۲۲
 ۸۲۱
 ۸۲۰
 ۸۱۹
 ۸۱۸
 ۸۱۷
 ۸۱۶
 ۸۱۵
 ۸۱۴
 ۸۱۳
 ۸۱۲
 ۸۱۱
 ۸۱۰
 ۸۰۹
 ۸۰۸
 ۸۰۷
 ۸۰۶
 ۸۰۵
 ۸۰۴
 ۸۰۳
 ۸۰۲
 ۸۰۱
 ۸۰۰
 ۷۹۹
 ۷۹۸
 ۷۹۷
 ۷۹۶
 ۷۹۵
 ۷۹۴
 ۷۹۳
 ۷۹۲
 ۷۹۱
 ۷۹۰
 ۷۸۹
 ۷۸۸
 ۷۸۷
 ۷۸۶
 ۷۸۵
 ۷۸۴
 ۷۸۳
 ۷۸۲
 ۷۸۱
 ۷۸۰
 ۷۷۹
 ۷۷۸
 ۷۷۷
 ۷۷۶
 ۷۷۵
 ۷۷۴
 ۷۷۳
 ۷۷۲
 ۷۷۱
 ۷۷۰
 ۷۶۹
 ۷۶۸
 ۷۶۷
 ۷۶۶
 ۷۶۵
 ۷۶۴
 ۷۶۳
 ۷۶۲
 ۷۶۱
 ۷۶۰
 ۷۵۹
 ۷۵۸
 ۷۵۷
 ۷۵۶
 ۷۵۵
 ۷۵۴
 ۷۵۳
 ۷۵۲
 ۷۵۱
 ۷۵۰
 ۷۴۹
 ۷۴۸
 ۷۴۷
 ۷۴۶
 ۷۴۵
 ۷۴۴
 ۷۴۳
 ۷۴۲
 ۷۴۱
 ۷۴۰
 ۷۳۹
 ۷۳۸
 ۷۳۷
 ۷۳۶
 ۷۳۵
 ۷۳۴
 ۷۳۳
 ۷۳۲
 ۷۳۱
 ۷۳۰
 ۷۲۹
 ۷۲۸
 ۷۲۷
 ۷۲۶
 ۷۲۵
 ۷۲۴
 ۷۲۳
 ۷۲۲
 ۷۲۱
 ۷۲۰
 ۷۱۹
 ۷۱۸
 ۷۱۷
 ۷۱۶
 ۷۱۵
 ۷۱۴
 ۷۱۳
 ۷۱۲
 ۷۱۱
 ۷۱۰
 ۷۰۹
 ۷۰۸
 ۷۰۷
 ۷۰۶
 ۷۰۵
 ۷۰۴
 ۷۰۳
 ۷۰۲
 ۷۰۱
 ۷۰۰
 ۶۹۹
 ۶۹۸
 ۶۹۷
 ۶۹۶
 ۶۹۵
 ۶۹۴
 ۶۹۳
 ۶۹۲
 ۶۹۱
 ۶۹۰
 ۶۸۹
 ۶۸۸
 ۶۸۷
 ۶۸۶
 ۶۸۵
 ۶۸۴
 ۶۸۳
 ۶۸۲
 ۶۸۱
 ۶۸۰
 ۶۷۹
 ۶۷۸
 ۶۷۷
 ۶۷۶
 ۶۷۵
 ۶۷۴
 ۶۷۳
 ۶۷۲
 ۶۷۱
 ۶۷۰
 ۶۶۹
 ۶۶۸
 ۶۶۷
 ۶۶۶
 ۶۶۵
 ۶۶۴
 ۶۶۳
 ۶۶۲
 ۶۶۱
 ۶۶۰
 ۶۵۹
 ۶۵۸
 ۶۵۷
 ۶۵۶
 ۶۵۵
 ۶۵۴
 ۶۵۳
 ۶۵۲
 ۶۵۱
 ۶۵۰
 ۶۴۹
 ۶۴۸
 ۶۴۷
 ۶۴۶
 ۶۴۵
 ۶۴۴
 ۶۴۳
 ۶۴۲
 ۶۴۱
 ۶۴۰
 ۶۳۹
 ۶۳۸
 ۶۳۷
 ۶۳۶
 ۶۳۵
 ۶۳۴
 ۶۳۳
 ۶۳۲
 ۶۳۱
 ۶۳۰
 ۶۲۹

۱۰۰/۱۰۰

بفتح البين و كس الام بغير مز الانصاف في

الفصل الثاني في ذكر مشايير ائمه فرسجده في
المصنوعه في

عن ابي عبد الله عليه السلام
ان الله يبعث في كل امة رسله
فانهم لا يسمعون له الا ما يشاءون
فانهم لا يسمعون له الا ما يشاءون
وحيثما

2011

کتاب فی الامام فخر الدین محمد بن ابی نصر
نشد و جبر علیه السلام و جبر علیه السلام و جبر علیه السلام
کتاب و جبر علیه السلام و جبر علیه السلام و جبر علیه السلام
فروغ و جبر علیه السلام و جبر علیه السلام و جبر علیه السلام
و جبر علیه السلام و جبر علیه السلام و جبر علیه السلام

مقدار ادرار کثیر و کومین ف
انزل

منه

[illegible]

[illegible]

تبریز
مهرماه
روز شنبه
ساعت ۱۲

نور فک مستحق باخدا در لایحه از فرموده
فرموده است تمام

عزیز

[illegible]

فولم يأتنا إلا بعد تدهونهم وجمع طاف فباس كذا في الدنيا
وقرئ على النبي صلى الله عليه وآله وسلم في حديث الحسن كذا في الدنيا
حدثنا

الحديث الموهج وهو حديث الموهج
حدثنا

وهو

في الحديث الموهج وهو حديث الموهج
حدثنا

في الحديث الموهج وهو حديث الموهج
حدثنا

بها

٦٤

في الحديث الموهج وهو حديث الموهج
حدثنا

في الحديث الموهج وهو حديث الموهج
حدثنا

في الحديث الموهج وهو حديث الموهج
حدثنا

في الحديث الموهج وهو حديث الموهج
حدثنا

في الحديث الموهج وهو حديث الموهج
حدثنا

في الحديث الموهج وهو حديث الموهج
حدثنا

في الحديث الموهج وهو حديث الموهج
حدثنا

عبد الله بن مسعود قال انما خطبة علي بن ابي طالب عليه السلام
خزنة امير المؤمنين في كتاب علي بن ابي طالب عليه السلام

نعم الرجل امرئ في

[illegible]

نیکو
چون که از این زمانه
چون که از این زمانه
چون که از این زمانه
چون که از این زمانه

التي هي في الاستماع في هذا الشأن في

در الجبل در اورد و در اورد و در اورد

الخلق من حبس الرزق من

الحمد لله

५०

[illegible][illegible]

القضاء
عقود الحكم

القصد من الإسراف والتبذير في فلان

من قصد التهلكة هي

الغشوة الشبهة بالتقصير والسرور والكفر

وَسُكِّنَ رَبُّنَا لَنَا اَصْدَاقًا
وَسُكِّنَ لَنَا اَصْدَاقًا

بسمه الواعظ احمد القمي التبريدي والولي له
كفوا احد و ايقظ دما و دله و كل ما يتر
اجاره الله و اعاده ق

[illegible]

فنه اعو بانه من القبر وضع اليه القبر
القطع الاعوجاج اترقده حربه حربه
والله اعلم الرق وضع قطع الرق

من دعا بالاسم
ترفع له
و من دعا بالاسم
ترفع له
و من دعا بالاسم
ترفع له
و من دعا بالاسم
ترفع له

الاوريد غرق في العنق

[illegible]

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

بما خلق حتى ترصو بعد الرضو لهما اذا اجمع خبرا واداسى عثرانسى بذلك بعد انكسار
وان رسول الله كان يقول بعد صلوة الفجر اللهم انى اعوذ بك من القهم والحزن والغنى
والكسل والبخل والخبث وضعف الدين وغلبة الرجال وبوار ايامهم والفقرة والزلزال والصدقة
والغيبة والكسرة واعوذ بك من شمس لا تشرق ومن قلب لا يشع ومن عين لا تبصر
ومن سيرة لا تتق واعوذ بك من امرأة شينى قبل او ان شينى واعوذ بك من طاعة
ان رأى حسنة دفعها وان رأى سيئة افشاها اللهم لا تجعل لغاى عذرى ولا لسيئتي
وومرعة من محبان عن ابي عبد الله عليه السلام ان قال كان ابا عبد الله يقول اذا انظر
يا من جوارق اى من جن الحول يوريد يا من يحول بين المروءة وبين جوارقها ولا
يا من ليس كغيره وهو السبع العليم يا جودك كسبل ويا واسع من اعطى ويا خفي
ويا افضل من جهر ويا من لا يعرف ولا يعرفه الا بطريق ويا خيرا من غيرى ويا ارحم
ويا ارحم الراحمين ويا احكمكم يحيى كل على محمد وآل محمد ويا واسع على فى رزقى ويا
فى فى غمى ويا شامخ على من رحمتك واجعلنى ممن تقصده لبيتك لا تستبدل فى
الله انك تفضل برزقى وورزقى كل اية فافزع على وعلى عاين من رزقك لا ارجع
والكفا من الفقرة ثم تقول مرحبا بى عظيمين وحيه كما شئت من كل بيتين اكتب بحكم الله
استشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له واستشهد ان محمدا عبده ورسوله واستشهد
ان الدين كله لله وان الاسلام كله وصفت وان الكتاب كله انزال ان انقل كما شئت
وان الله هو الحق البين اللهم فبق على محمد وآل محمد افضل نية وافضل اسلام وصفت
ربى محمد واصبحت لا شريك له شيدا ولا داع مع الله احد ولا اله الا الله ومن دونه ولا
اصبحت عبدا لغير الله ولا ملكا الا الله ملكى ربى اصبحت لا استطيع ان اسوق الى قصى
ما ارجوه ولا احرف عنها شرا ما اجد زامى رشتا بعم اصبحت فقيرا لا اهل فقر
بأبد اجمع وبأبد اسمى وبأبد احمى وبأبد اموت الى الله الفوز وروى ثمارين ك

الحق الحق الحق
الحق الحق الحق
الحق الحق الحق

فقد نوافير ظالم وإن تغفلوا حتى تجدوا كركيتا درهم ازاجين و نوبت من بعد
سجده انكسر ان يقع و راعيه على الارض و يطبق جوفه بالارض و ذروا له بالاحسين
و راضه عن ان الصادق عليه السلام قال انما هي الصلوة سجدة بعد الغرض اي شكر الله بها
على ما من به عليه من اذله و افقره و ادله و جبر فيه شكر الله ثلث مرات و دورا اخر من
عبد الله عن ابيه عن محمد بن ابي عمير عن جابر عن مرثد عن ابي عبد الله عليه السلام قال سجدة
واحدة على كل سنة ثم بها صلواتك و راضه باربك و تعجب اليك منك و ان العبد اذا فعل
ثم سجدة الشكر في الرب تبارك و تعالى برب بن العبد و بين اليك يقول اليك انظر
الاعبد اذ فرض و ثم حمد ثم سجدة الشكر افعلى انفس به عليه ما كنى ما اذا اغتفر قال
اليك يا ربنا ربك ثم يقول الرب تبارك و تعالى ثم اذ يقول اليك يا ربنا ربك ثم
الرب تبارك ثم اذ يقول اليك يا ربنا ربك ثم يقول الرب تبارك ثم اذ يقول
ثم اذ يقول اليك يا ربنا ربك ثم يقول الرب تبارك ثم اذ يقول اليك يا ربنا ربك
و انما اكرمه شكرا و اقبل الربيعي و اريه و جهره فان شئت هذا الكتاب به تأسس من اكرمه
كالوجه و قد كره و اكرمه و وجها نباه و في صلوات الله عليهم و هم الذين يتوبون اليك
المائدة و قبل المصنف و عوف و بنو النظر اليهم في يوم القيامة ثواب عظيم فوق كل
و قد قال الله في حق من عملها فان و جهره و برك و اكرامه و قال و جهره في
قولوا اللهم و الله في حق المائدة و جهره و برك من الاجار الناطق القرآن
بالحسب من الادراك و صلح و مراء و عطف الكبر من عبد الله الصادق عليه السلام قال
قال عشرة مرات قبل ان تقبل الشمس قبل غروبها لا اله الا الله و هذه الاشركية لا يمكن
ان يحرق و ميت و هو في الاموت بيده انجزه و هو على شرفه و كانت كتابه في نوبته ان يكتب
و دور و مخصص من انجزه قال كان في يومه عليه السلام يقول ذا الجمع و امسى العلم و انشد
انما اجبت و امسى من نية و عافية و ان اودنا فيك فعدك ان شريك لك فعد و فعد

[illegible]

البركة

باب در بیان امور

27

الحمد لله

18

...

...

25

1892

11

۱۰۰

والله اعلم

الحمد لله الذي جعلنا من عباده

میں نے اس کو دیکھا ہے

[illegible][illegible]

صلواتك فاعطى فذلك لايسته باسلكه فيسر السجدة ثم قل بسم الله بانه وعلى الله
 العود بانه التسليم العبد من الشيطان ارجع فاك تحرو وارجوه واطروده عنك وورود
 محمد بن زياد انه قال فيكون الاما بعد الله عليه السلام في الوضوء قبل ان يركع
 وقبل ان يركع فيكون فعلت ذلك فذكره في ورواه محمد بن ابي الحسن في كتابه عليه السلام
 انه قال في النبي من رجل قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من ركب ركعتين وانا بصل
 عيني فحجته قال كره ان يركع ركعتين على ركعتين لا يركع ركعتين على ركعتين
 ولا ولا ولا كره ان يركع ركعتين في الركعتين كره ان يركع ركعتين في الركعتين
 عاود ايه فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم من ركب ركعتين وانا بصل
 وفي رواية بعد ان يركع ركعتين في الركعتين لا يركع ركعتين على ركعتين
 وليد له ورواه في كتابه عليه السلام او كره عليك السجدة في ركعتين ورواه
 محمد بن علي بن ابي جعفر عليه السلام في كتابه عليه السلام او كره عليك السجدة في ركعتين
 الشيطان ورواه ابن ابي عمير عن ابن جابر عن الصادق عليه السلام قال اذا كان
 من السجدة وركعتين فركعتين السجدة ورواه في كتابه عليه السلام او كره عليك السجدة في ركعتين
 السجدة الا من نسي السجدة في الركعتين او كره عليك السجدة في الركعتين او كره عليك السجدة في الركعتين
 ولا تقبل السجدة في الركعتين او كره عليك السجدة في الركعتين او كره عليك السجدة في الركعتين
 ومن كثر السجدة في الركعتين او كره عليك السجدة في الركعتين او كره عليك السجدة في الركعتين
 عليه السلام او كره عليك السجدة في الركعتين او كره عليك السجدة في الركعتين او كره عليك السجدة في الركعتين
 خلق الله تعالى ورواه عليه السلام عن ابن جابر عن الصادق عليه السلام او كره عليك السجدة في الركعتين
 شكك في الركعتين او كره عليك السجدة في الركعتين او كره عليك السجدة في الركعتين او كره عليك السجدة في الركعتين
 لا يركع السجدة في الركعتين او كره عليك السجدة في الركعتين او كره عليك السجدة في الركعتين او كره عليك السجدة في الركعتين
 في كتابه عليه السلام او كره عليك السجدة في الركعتين او كره عليك السجدة في الركعتين او كره عليك السجدة في الركعتين

[illegible][illegible]

فقد الشيخ طرأته بما عدم الاستعداد

قد اراد ان يترك الامم يخرج من الجوارح واولى
 الامم من اهل البيت احد فان قيل الامم مع الله
 يشرب من لبن سبع فجرة التي تحتها ثوب الباقون
 ايقاع الامم على قوم لا يخرج الامم اتفاق الامم
 انهم مع اخوانهم فانهم في
 يقول انما شئت وبعضهم في قولنا انما شئت
 المذكور فانهم لم يتركوا الامم في اربع كادش
 وامن ان في الامم من الله في اربع كادش
 صوته في الامم من الله في اربع كادش
 في الامم من الله في اربع كادش
 في الامم من الله في اربع كادش

[illegible][illegible][illegible]

اربع المرأة يضيها ووضوءه ركوعا ورجعا
عقد جوارحه ركبا ورجعا ووضوءه ركعا
اربع المرأة يضيها ووضوءه ركوعا ورجعا
عقد جوارحه ركبا ورجعا ووضوءه ركعا

و قد طاب لك انما اراد
سرك انما اراد جميع العلم
و قد طاب لك انما اراد
سرك انما اراد جميع العلم
و قد طاب لك انما اراد
سرك انما اراد جميع العلم

تبرکات

رجل عرف في نفسه ان ثوباً ار كسها يقف
التمت ار كسها

[illegible]

[illegible]

40

۷۶

و بعد از آن حضرت امانت را بر حسن مایه و آیت
و صاحب دین داد و از کرم ملک عالم را که از حقیرم
فرمودند به این نام و این معنی است: ای احمد بن محمد

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعل القرآن الكريم
والمكة المكرمة شرفا للعالمين

اربعین

ايقال اذا اقيمت الصلوة ثم لم تكملها من قبل الامام واصلوا ثم لا بد من تقديم الامام وركعتي
 من بعد سلم انه سئل عن الرجل يؤتم للرجل قال يتقدمها ولا يؤتم فيها وعن الرجل يصلي
 جماعة فلم يجدهم عن منبته قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لا يجتمعون في صلاة الا يكون من خلفكم
 ابراهيم بن قدامي ومن يدور في التلوات في الصلاة من قبله وقال ابو الحسن بن سري
 عليه السلام ان الصلوة في الصف الاول لا تجزئ بسبيل الله عز وجل فوجله وروى الحسن بن علي
 بن عبد الله بن عيسى بن مسلم انه قال ان من اصوف بين الاصاطين ثابا وقال ابو اسحق بن عمار
 خلا ولا يفرقكم ان شأخروا وركل اذا وجدت شيئا في الصف الاول والصف الثاني فليجلس
 ثم شرفاه وروى زرارة عن ابي جعفر عليه السلام انه قال ينبغي للصوف ان يكون ثابته
 بعضها البعض لا يكون بين الصوفين مالا يتخلل يكون قدر ذلك مسقط حده اصابه
 وقال ابو جعفر عليه السلام ان صلى يوم وسمع من بين الامام مالا يتخلل فليس ذلك الامام ثم
 وارضى فان اهل البيت صلوا امامه وسمع من بين الصوفين مالا يتخلل فليس ذلك الامام ثم
 لم يصبوه وان كان يسهرا او جدارا فليس ذلك لهم بصلوة الا في حال الباطل ان قال
 من غاب عن الجماعة او اجتمعوا في الصلاة فليس له ان يصلي خلفهم في الصف الاول من غير ان يسمع
 اية امراته قلت خلف الامام وسمعها وسمعها مالا يتخلل فليس له ان يصلي خلفه قال قلت فان جا
 الالف ان يريد ان يصلي كيف يصنع وجر الما جابا لرجل ان يصلي فيها وبين الرجل وفرد
 شيئا وفي رواية عبد الله بن سنان عن ابي عبد الله عليه السلام قال ان قال يكون ثابته
 بين القعدة يرضى غيره واكره ان يكون يرضى نفسه وقال عمار بن موسى بن ابي عبد الله عن
 الامام علي بن خلف قوم يسهلون في الصلاة فيقولون ان الامام على شبه الدكان او على
 ارفع من موضع لم يجز صلواتهم وان كان ارفع منهم ما يصح او اكره او قل لو كان الالف
 يتخلل بسبيل ان كان في الصفين مالا يتخلل وكان في موضع منها ارفع واقام الامام في الصف
 الرفع وقام من خلفه من الصفين مالا يتخلل كان في موضع من الصفين مالا يتخلل كان في موضع من الصفين مالا يتخلل

نیمه شود و صغیر فکر و در تنگنوا فی مختلف قلوبکم
از آن مقدم بعضی بر بعضی فی الصغیر
تا ثرت قلوبهم و نشانیست از اختلاف نهاد

بفرک

[illegible]

الحق ان الله عز وجل اعلم
بما في قلوبهم من شيء
ولا يخفى عليهم شيء الا
بما ارادوا به فليعلموا
ان الله اعلم بما هم
على صراط مستقيم

الحق ان الله عز وجل اعلم
بما في قلوبهم من شيء
ولا يخفى عليهم شيء الا
بما ارادوا به فليعلموا
ان الله اعلم بما هم
على صراط مستقيم

قال الامام الحسن موضح عن بعض خلقه قال باسنة وقال عليه السلام ان الرجل فوجي
او فوجك اذا كانا في غير مكان الامام يصلي على الارض الامام الحسن كان في كل
المناسبات خلقه واقتدر لصلاته وان كان موضع ارفع منه فمرفعه وروى عن ابن ابي
سويح بن جعفر عليه السلام عن ابي بصير عن ابي بصير عن ابي بصير عن ابي بصير عن ابي بصير
بعدوا عنه وروى عن عبد الرحمن بن ابي بصير انه قال سمعت ابا عبد الله عليه السلام
اذا دخلت المسجد والامام راكع دخلت اكناسي^{المناسبات} شئت ايد رفع راسه فقبه واراك فاقام
رفع راسه فاجب في مكانك فاذا قام فاقب في اقبه وروى عن ابي بصير عن ابي بصير عن ابي بصير
تخلعه وروى عن ابي بصير عن ابي بصير عن ابي بصير عن ابي بصير عن ابي بصير
يرفع راسه فقد ادرت اركته وان رفع راسه قبل ان ترفع فقد فاكركه وروى
ابو اسامة انه سأل عن رجل اتى الامام وروى عن ابي بصير عن ابي بصير عن ابي بصير
وقال رجل لا جعفر عليه السلام في ايام مسجد بني ابي بصير وسمع خلقا من الغلام وانا راكع
فقال جهر راكعك مثل راكعك فانك تخطى او ان تخطى قبا وروى عن ابي بصير
عن ابي بصير عن ابي بصير عن ابي بصير عن ابي بصير عن ابي بصير
وكان هذا يوم في مسجد بني عبد رسول الله ويطيل القراءه ويزيد رجب فاقب سورة
فقر ارجل نفسه وصلى ثم ركع رابعة فبقي ذلك النسب ثم بعث فكل من سأل
يا صاحبك ان يكون قدامك عليك الشكر فاقب اذ واهاه وان نسبي ثم كان ذات يوم
يوم الجمعة فصنع لكا^{ارشد الله} الصبي فخطب الصلوة وسمى الامام ابو القراءه وسمى ان ات
عز وجل يقول لا تجبر بصوتك ولا تاجف بها واذ فرغ الامام من قراءة الفاتحة فقبل
خلقته الحمد رب العالمين ولا يجوز ان يقال الحمد الفاتحة امين لان ذلك كانت قوله
النصارى وروى عن ابي بصير عن ابي بصير عن ابي بصير عن ابي بصير عن ابي بصير
يقول من قرأ خلفا ما يثم به ثواب اثبت من غير فطرة وروى عن ابي بصير عن ابي بصير

وینار از به
بعد از این
در هر روز
یکبار در نفس
دوازده وقت

[illegible]

خزینہ فی
مکتبہ الایمانیہ خفایہ و خفایہ
مکتبہ المصطفیٰ و مکتبہ فی

من طرفي الى طرفي
 اريد ان اكتب في هذه السطور
 بعض ما في نفسي من
 الحزن والغم والهم
 والافكار التي تدور
 في راسي من
 الحزن والغم والهم
 والافكار التي تدور
 في راسي من

[illegible]

الفصل في
الحج

[illegible]

جاری

و است فراتر از این و او هم و چنان
از غفلت و بی‌سبوتی محض

منی
حدیث ۳۴

سوال ۲۰

[illegible]

قد بلغنا من الله ما كنا نرجو
منه من العفو والرحمة والهدى
والهدى والهدى والهدى والهدى
والهدى والهدى والهدى والهدى

منه

الوقت

اذن انما

قال

عن الرجل

قد اوسن

رجل من رجل فرسعه وقد دخل وقت الصلوة وهو في الطريق قال لعلي ركعتين وان خرج
 سفره وقد دخل وقت الصلوة فقصص اربعة فاعني به اذ كان لا يخاف فوات الوقت
 اتم وان خاف خروج الوقت قصر وقصده في ذلك في كتابه من ركعتين قال قال
 عبد الله عليه السلام في الرجل يترجم من سفره وقت الصلوة فقال ان كان لا يخاف خروج وقت
 وان كان يخاف خروج الوقت فليقصه وانه اموافق الحديث جابر بن سمير وسأل
 بن قمار ابا عبد الله عليه السلام عن الرجل يكون مسافرا ثم يقدم فليس في بيت
 الكوفة اتم الصلوة ام يكتسب بغيره اخره في البيت في ركعتين بغيره اخره في البيت في ركعتين
 بن سليمان التمار عن ابي عبد الله عليه السلام قال قال لبعض اصحابنا كنا نغفر صلوة النهار
 المغرب العث والاذية فقال لا اتم الصلوة بعد ركعتين بغيره اخره في البيت في ركعتين
 ركعتين لا قبلها ولا بعدها ثم لا صلوة الليل على غيرك حيث توجه بك في يومك او ليلة
 عن صلوة النافلة ما روى عن النبي صلى الله عليه وسلم ان فلة في السفرت الوضوء والصلوة
 صلوة الليل ما روى عن النبي صلى الله عليه وسلم ان فلة في السفرت الوضوء والصلوة
 ابراهيم بن محمد عن ابي عبد الله عليه السلام انه قال ان اوجدهم في القعدة المحرم قال لا
 انما تكلم رسول الله صلى الله عليه وسلم في يومه من بعد اياهن الا ان يكون الرجل في مكة
 اياهن في المحرم اقبل وبعده قال نعم وسأل جابر بن سمير عن ابي عبد الله عليه السلام عن الرجل
 صلوة الليل وهو على اية ان لا يظفر وجهه ويوصل الى اذنه او افرقه واما اذا اوى وجهه
 ليس بركعتين في البيت او في السفر وسأل ابي عبد الله عليه السلام عن الرجل يترجم من سفره
 الوضوء في الامساك وهو على اية ان لا يظفر وجهه ويوصل الى اذنه او افرقه واما اذا اوى وجهه
 عن ابراهيم بن محمد عن ابي عبد الله عليه السلام انه قال ان اوجدهم في القعدة المحرم قال لا
 يشيع اهله الى المكان الذي يترجم فيه في السفر وسأل ابي عبد الله عليه السلام عن الرجل
 القعدة في السفر واخبر من يترجم ولا بأس بتأخير المغرب في السفر في غير المكان

المنزلة

ابن بصير عن

عن وقت العشاء الآخرة في

ولكن كذا في اواخر يوم او في اوله باب ما
 في كذا كذا روى عنه كذا كذا في
 بشاره في

ابن جابر بن سمير
 في كذا كذا روى عنه كذا كذا في
 في كذا كذا روى عنه كذا كذا في

عن عبد القيس

ابن جابر بن سمير في كذا كذا

بشره في

المغرب لسا فدا كان في طلب لفرس الى ربع الليل وفي رواية ابي عبد الله عليه السلام
 انه قال نيت في وقت المغرب السفر الاغتسال من بعد غروب الشمس وانه يتخير
 الغسل في السفر قبل الغسل وسأل عن ابي عبد الله عليه السلام عن رجل في السفر
 الذي لا يجد فيه ما هو قال اذا غرت فيه فليغتسله ولم يثبت على الارض وقال سمعته
 عمار لا يجد الله عليه السلام ان اهل مكة يتلون الصلوة بعرفات فقال وليم او وليم
 سفره منه لا تتم وقال الصادق عليه السلام ان رسول الله لما نزل حيدر بن الحنفية
 له النبي في مكة قال في بيته قال لم يرد قال بن علي بن ابي طالب في غير قدرته
 بنو امية ثم جوه على اثره ثم ما كان كل من العاد فمنا في ذراع وهو اربعة فراسخ
 اذ كان السفر اربع فراسخ وادار ارجعه من يومه فالتقى فيه واجب وسر له في ارجعه
 من يومه فوجد في ارجعه من يومه فالتقى فيه واجب وسر له في ارجعه
 وراى عن زرارة بن ابي عوف قال سالت ابا جعفر عليه السلام قال بريد ايهك بريد جاني
 كان رسول الله صلى الله عليه وسلم اذا دعا في باب قصره ودعا في باب قصره كان
 بريد بن ثمانية فراسخ وسأل زرارة بن ادم ابا الحسن عليه السلام عن القصة في كذا كذا
 كان في ضلع اهل بيت وادع جانيه يستوفي الصلوة يومين وليلتين او ثلثة ايام
 فليقتصر في يومه ويومه وادع جانيه يستوفي الصلوة يومين وليلتين او ثلثة ايام
 ابا الحسن عليه السلام عن امرأة كانت في طريق مكة ففقدت اية وجانية المغرب فتر
 ركعتين قال ليس عليها اعادة وفي رواية الحسين بن سعيد عن ابن ابي عمير عن جابر
 سمعته عن ابن عمر عن ابي الحسن عليه السلام قال ليس عليها قضاء وفي رواية العلاء بن محمد
 سمعته عن ابي جعفر عليه السلام انه قال ليس عليه قضاء في ركعتين من ركعتين
 وان سئل عن الرجل في السفر في ركعتين من ركعتين من ركعتين من ركعتين من ركعتين
 ابا عبد الله عليه السلام عن رجل في السفر في ركعتين من ركعتين من ركعتين من ركعتين

السبع قال يستقبل الاسد ويصلي ويومي برأسه اياما وهو قائم وان كان الاسد
غير القبلة وسأل جابر بن مردان ابا عبد الله عليه السلام عن الرجل يلقاه السبع وقد صر
القبلة فما يستطيع الشئ فماذا قال الاسد قال يستقبل الاسد ويصلي ويومي برأسه
وقام وان كان الاسد على غير القبلة وسأل جابر بن مردان ابا عبد الله عليه السلام
عن الرجل يلقاه الشوك من نخلة الصلوة فيخاف منه ان يمنعه قال يومي اياما ودور
عن ابا جعفر عليه السلام قال قلت اسئله يخوف وصلوة السفر يقصر ان جميعا قال نعم وصلو
الخوف اقل ان يقصر من صلوة السفر لان فيها خوف وسمعت شيخا من محبي الحسن عليه السلام
يقول زويعت ان رسول الصادق عليه السلام قال لا تسروا عن اذانكم حتى تسمعوا اذان
عليكم خراج ان تقصروا من الصلوة ان يفتلكم الذين كانوا فقال ما تقصرون ان يكون
يرون الرجل كعين الماركة وقد رواه جابر عن ابي عبد الله عليه السلام وروى عبد الرحمن بن
عبد الله عن الصادق عليه السلام نحوه الخوف قال لا تكبروا وتقول تسروا عن اذانكم فقصم
فجاءه اوركباناه وروى عن ابي بصير انه قال سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول اذا كنت
في ارض خوفة فخشيت نفسا او سببا فقل العزيمة وانت على اذانك وفي رواية عن
ابي جعفر عليه السلام قال الذريحان المصروع السبع يلقى صلوة المواقف اياما على وجه
وقد خفف صلوة الخوف من سبع اواخيه الرجل على نفسه ان يكبر ولا يومي رواه محمد بن
احمد بن محمد بن عمار وروى عن ابي جعفر عليه السلام قال الذريحان المصروع السبع يلقى
صلوة المواقف اياما على وجهه قال قلت اياك ان لم يكن المواقف على وضوء كيف يصنع
يقدر على الزوال قال يمس من الجوارب او سرجه او مفرقه او اية صفان فيها غير اواصلي
يجعل السجدة خفض من الركوع ولا يدور الى القبلة ولكن يدور بين ما دارت وانه عزاء
القبلة ولا يكبر حتى يتوجه وروى عن ابي عبد الله عليه السلام قال
الخوف على الظهر اياما برأسك وتحمي رأسك ويومي بغير اياما والطردة اياما يصلي على

الحمد لله الذي جعل القرآن الكريم

۱۰۰

2

حيا له وقال عليه السلام مات الناس مع علي عليه السلام يوم قضيت صلوة الظهور والعصر
 والعتمة فمات منهم قلوبهم واهلوا وسجنوا رجالا وركبا وادوية كتاب عبد الله بن مسعود
 الصادق عليه السلام قال من يجز في حدة اليدين التكبيرة يكفر ان كفل صلوة ابي عبد الله
 فان ابانكث و سار ساقين حرمان عن صلوة القبيل فقال اذا التفتا فاقبلا
 الصلوة كعبه واذكرا نوا وقولا لا يقدرون على التوجه فالتسوية ايمان والبرهان الصلي
 ويضع يده على غورته وان كانت امرأة وضعت يدها على فجبها ثم يؤمها انما يكون
 سجودها اخص من ركوعها ولا يركعان ولا يسجدان فبعدوا خلفها ولكن اياما برسمها
 كانوا اجازة تسوا وحدثني ابي والظنين تكون الصلوة بالايما والركن فخص من السجود
 باب ما يقول الرجل اذا اراد ان يركع قال الصادق عليه السلام تنه ثم يؤم ولا يركع
 بات وفراش كسجد فان ذكر انه ليس في وضوءه فبهم ثم اراد ولا يما كان لم يركع
 فذكر انه فخرج من روبر العا من محمد بن مسلم قال قال ابو جعفر عليه السلام اذا توسد اركب
 فليقل بسم الله اللهم اغسل نفسي اركب ووجه وجه اركب وقفت اركب
 واليأت طهر اركب فوكت عليك ربه منك ورغبة اليك لا تأكل ولا تأكل ولا تأكل
 الا اليك انت جئت فذكر انزلت وبرسوك فذكر انزلت ثم تخرج فخرج
 فليقل عليه السلام ومن اصابعه فخرج عندنا فليقل اذا اراد ان يركع فليقل
 انكر سرور ورواه عن محمد بن مسلم عن ابي عبد الله عليه السلام قال لا يركع الرجل لم يقبل عندنا
 اعبد نفوس ورتي واهل بيتي والى الكتاب اعبد النمايت من كل شيطان ونامة وكل
 عين لانه فذلك الذم عن ذم جبريل عليه السلام الحسن الحسين عليه السلام ورواه عبد الله
 عن ابي عبد الله عليه السلام قال اقرأ قل يا ايها الكافرون عندنا منك فاني
 برادة من شر كل حق وادعيتك اركب فخرج من روبر من محمد بن عبد الله
 قال حين ياذن فخرجت مرات اركب الذي على قدر واحد من يمينه فخرج من روبر

آ و ا ل م ن ر ه آ و ا م ر ل ه ق ن

الوسادة البيضاء والحمراء والبنفسجية

لقد علمت ان اسم بقل الجح هو اسم وقد وقع
العوام على ما يرب من قبحه و لم يفتقر الى حركات نهايه
الغير لانها هي الصيغه التي اوق

الحمد لله

خُتِبَ عَلَيْهِ خُتْبَتَيْنِ جَمْعٌ فِيمَا خُتِبَ عَلَيْهِ وَخُتِبَ لَهُ وَنُصِّلَ الصَّوْقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 قَوْلًا سَدَّ خُرُوجَ قَدَاحٍ مِّنْ رَّكْبَةٍ قَالُوا هُوَ النَّظَرُ فَقِيلَ لَهُ ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَغُفِرَ قَالُوا هُوَ
 أَجْبَانَةٌ فَغُفِرَ وَغَارَ دَايَةُ السَّكُونِ أَنِ اسْتَبَسَّ كَانَ أَذْوَجَ إِلَى الْعِيدِ لَمْ يَرِجْ وَالطَّرِيقُ إِلَى
 بَدَاخِيهِ خُتِبَ فِي طَرِيقِ بَغْدَادَ وَدُورًا بِوَصْرِ عِلِّيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالُوا إِذَا دُرْتُ لِحُجْرَتِ
 يَوْمَ الْعِيدِ فَانْجَرِ الْبُحْرَ وَأَنْتَ فِي الْمَدِينَةِ فَخَرَجَ حَتَّى شَدَّ مَذْكَرَ الْعِيدِ وَدُورَ مَسْجِدِ بْنِ
 عَمْرِو بْنِ الْعِزِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَرَأَى الْإِمَامَ وَخَرَّابًا عَلَى عِصْوَةِ الْعِيدِ مِنَ الْعِظَةِ وَالْأَخْفَرُ قَالُوا لَمْ يَكُنْ
 يَوْمَ الْبُحْرَ وَدُورَ جَارِ عِلِّيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالُوا لَمْ يَكُنْ يَوْمَ الْبُحْرَ وَدُورَ مَسْجِدِ بْنِ
 دَايَةَ السَّكُونِ وَغَارَ دَايَةَ السَّكُونِ قَالُوا لَمْ يَكُنْ يَوْمَ الْبُحْرَ وَدُورَ مَسْجِدِ بْنِ
 هُوَ يَوْمَ الْبُحْرَ وَغَارَ دَايَةَ السَّكُونِ قَالُوا لَمْ يَكُنْ يَوْمَ الْبُحْرَ وَدُورَ مَسْجِدِ بْنِ
 وَالنَّفْسُ الْمَرْبُورَةُ أَنْتَ تَرَوْنَ مِنْ شَرِّ مَنْ بَيْنَ يَدَيْكَ لَيْسَ يَتَقَوَّنَ فِيهِ طَاعَةُ الْأَرْضِ
 قَسْبٌ فِيهِ قَوْمٌ فَخَرُّوا فَخَرُّوا قَالُوا لَمْ يَكُنْ يَوْمَ الْبُحْرَ وَدُورَ مَسْجِدِ بْنِ
 الَّذِي يَأْتِي فِيهِ خُجْرَتَانِ وَخُجْرَتَانِ الْعِيدُونَ وَبِأَمْرِ السَّكُونِ الْفُتُوحُ الْفُتُوحُ
 وَنَسِيْنَا بَابَهُ وَقَالَ الْبُحْرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنِ احْتَبَسَ لِيَوْمِ الْبُحْرَ وَالْأَرْضُ وَبِأَمْرِ السَّكُونِ
 حَمْدُ خُرُونٍ قِيلَ لَهُ ذَلِكَ قَالَ لَا تَمُرُّونَ فِي حَقِّهِ فِي بَغْدَادَ وَتَسُودُ الْعِيدِ مِنْ رُكْنِهِ فِي الْعِظَةِ
 الْأَخْفَرُ لَيْسَ بِهِ شَرٌّ وَلَا يَتَّقِي الْأَمْرَ فِي حَقِّهِ وَمَنْ لَمْ يَدْرِكْ لَامَهُ فِي حَقِّهِ
 لَوْلَا قَضَاءُ غِيَّةٍ وَلَيْسَ لَهَا أَذْنٌ وَلَا أَقْدَارٌ لَهَا طَلْعُ شَمْسٍ بِدَايَةِ الْإِمَامِ بِكَيْدِهِ وَاجْتِدَادِهِ
 يُقَرِّأُ أَحْمَدَ وَبِأَمْرِ السَّكُونِ الْأَعْلَى ثُمَّ كَيْدُهُ بَقِيَتْ بَيْنَ كُلِّ كَيْدٍ بَيْنَ كَيْدٍ بَالٍ وَبِأَمْرِ السَّكُونِ
 قَالُوا نَفْسُ الْإِنْسَانِ كَيْدُهُ وَفَرَاغُهُ الشَّمْسُ وَنَجِيَّتُهُ كَيْدُهُ أَرْبَعُ كَيْدَاتٍ مَعَ كَيْدِهِ الْفُتُوحُ
 ثُمَّ رَكِبَ بِحَقِّهِ وَدُورَ مَسْجِدِ بْنِ الْعِزِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالصَّبْحِ الْكَلَامُ قَالُوا لَمْ يَكُنْ يَوْمَ الْبُحْرَ وَدُورَ مَسْجِدِ بْنِ
 عَنْ كَيْدِهِ فِي الْعِيدِ قَالُوا لَمْ يَكُنْ يَوْمَ الْبُحْرَ وَدُورَ مَسْجِدِ بْنِ الْعِزِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالُوا لَمْ يَكُنْ يَوْمَ الْبُحْرَ وَدُورَ مَسْجِدِ بْنِ
 كَيْدُهُ وَاحِدَةٌ وَهِيَ كَيْدُهُ لَمْ يَكُنْ يَوْمَ الْبُحْرَ وَدُورَ مَسْجِدِ بْنِ الْعِزِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالُوا لَمْ يَكُنْ يَوْمَ الْبُحْرَ وَدُورَ مَسْجِدِ بْنِ

تحريف النفس لغيره خرس من ثمرة العاقبة
 وذكرا من بين يده وذكرا من بين يده
 الذريرة في الجبل المشهور وخرصة خد البكر
 منار ونداء البكر في اربع ايام في الدنيا ونداء البكر
 في الجنة نداء

قتلها ولا

نسف

اللَّهُمَّ أَنْتَ أَمَلُ الْكِبَرِ وَالْعِظَةِ وَأَمَلُ الْبُحْرَ وَبِأَمْرِ السَّكُونِ وَالْعِيدِ وَالطَّرِيقُ إِلَى
 أَسَاكِنِهَا يَوْمَ الْبُحْرَ وَدُورَ مَسْجِدِ بْنِ الْعِزِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالُوا لَمْ يَكُنْ يَوْمَ الْبُحْرَ وَدُورَ مَسْجِدِ بْنِ
 وَبِأَمْرِ السَّكُونِ الْفُتُوحُ الْفُتُوحُ قَالُوا لَمْ يَكُنْ يَوْمَ الْبُحْرَ وَدُورَ مَسْجِدِ بْنِ
 وَأَنْتَ تَرَوْنَ مِنْ شَرِّ مَنْ بَيْنَ يَدَيْكَ لَيْسَ يَتَقَوَّنَ فِيهِ طَاعَةُ الْأَرْضِ
 سَنَمُ وَالْمَوَاتِ اللَّهُمَّ أَنْتَ أَمَلُ الْكِبَرِ وَالْعِظَةِ وَأَمَلُ الْبُحْرَ وَبِأَمْرِ السَّكُونِ وَالْعِيدِ وَالطَّرِيقُ إِلَى
 شَرِّهَا اسْتَعَاذْتُ بِكَ مِنْ ذَلِكَ الْفُتُوحُ الْفُتُوحُ قَالُوا لَمْ يَكُنْ يَوْمَ الْبُحْرَ وَدُورَ مَسْجِدِ بْنِ
 وَبِأَمْرِ السَّكُونِ الْفُتُوحُ الْفُتُوحُ قَالُوا لَمْ يَكُنْ يَوْمَ الْبُحْرَ وَدُورَ مَسْجِدِ بْنِ
 الْأَقَالِ وَبِأَمْرِ السَّكُونِ الْفُتُوحُ الْفُتُوحُ قَالُوا لَمْ يَكُنْ يَوْمَ الْبُحْرَ وَدُورَ مَسْجِدِ بْنِ
 حَتَّى لَا يَمُوتَ وَبِأَمْرِ السَّكُونِ الْفُتُوحُ الْفُتُوحُ قَالُوا لَمْ يَكُنْ يَوْمَ الْبُحْرَ وَدُورَ مَسْجِدِ بْنِ
 لَكَ الْأَصَوَاتُ وَغَتَّ لَكَ الْبُحْرَ وَبِأَمْرِ السَّكُونِ الْفُتُوحُ الْفُتُوحُ قَالُوا لَمْ يَكُنْ يَوْمَ الْبُحْرَ وَدُورَ مَسْجِدِ بْنِ
 وَالنَّوْاصِي كَيْدُكَ وَمَعَاذُكَ أَسْرُوكَ الْبُحْرَ وَبِأَمْرِ السَّكُونِ الْفُتُوحُ الْفُتُوحُ قَالُوا لَمْ يَكُنْ يَوْمَ الْبُحْرَ وَدُورَ مَسْجِدِ بْنِ
 وَقَدْ كُنْ لَمْ يَكُنْ يَوْمَ الْبُحْرَ وَدُورَ مَسْجِدِ بْنِ الْعِزِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالُوا لَمْ يَكُنْ يَوْمَ الْبُحْرَ وَدُورَ مَسْجِدِ بْنِ
 وَنَفْسُ كُلِّ كَيْدٍ لَكَ أَنْتَ الْبُحْرَ وَبِأَمْرِ السَّكُونِ الْفُتُوحُ الْفُتُوحُ قَالُوا لَمْ يَكُنْ يَوْمَ الْبُحْرَ وَدُورَ مَسْجِدِ بْنِ
 يَجِدُ وَيَقُومُ وَيُقَرِّأُ أَحْمَدَ وَبِأَمْرِ السَّكُونِ الْفُتُوحُ الْفُتُوحُ قَالُوا لَمْ يَكُنْ يَوْمَ الْبُحْرَ وَدُورَ مَسْجِدِ بْنِ
 وَجَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ اللَّهُمَّ أَنْتَ أَمَلُ الْكِبَرِ وَالْعِظَةِ
 تَعْلَمُ كَمَا تَعْلَمُ وَأَمَلُ الْبُحْرَ وَبِأَمْرِ السَّكُونِ الْفُتُوحُ الْفُتُوحُ قَالُوا لَمْ يَكُنْ يَوْمَ الْبُحْرَ وَدُورَ مَسْجِدِ بْنِ
 الْمُسْنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ الْبُحْرَ وَدُورَ مَسْجِدِ بْنِ الْعِزِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالُوا لَمْ يَكُنْ يَوْمَ الْبُحْرَ وَدُورَ مَسْجِدِ بْنِ
 الْعِظَةِ وَالطَّرِيقُ إِلَى بَدَاخِيهِ خُتِبَ فِي طَرِيقِ بَغْدَادَ وَدُورَ مَسْجِدِ بْنِ الْعِزِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالُوا لَمْ يَكُنْ يَوْمَ الْبُحْرَ وَدُورَ مَسْجِدِ بْنِ
 وَبِأَمْرِ السَّكُونِ الْفُتُوحُ الْفُتُوحُ قَالُوا لَمْ يَكُنْ يَوْمَ الْبُحْرَ وَدُورَ مَسْجِدِ بْنِ الْعِزِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالُوا لَمْ يَكُنْ يَوْمَ الْبُحْرَ وَدُورَ مَسْجِدِ بْنِ
 حَتَّى لَا يَمُوتَ وَبِأَمْرِ السَّكُونِ الْفُتُوحُ الْفُتُوحُ قَالُوا لَمْ يَكُنْ يَوْمَ الْبُحْرَ وَدُورَ مَسْجِدِ بْنِ
 لَكَ الْأَصَوَاتُ وَغَتَّ لَكَ الْبُحْرَ وَبِأَمْرِ السَّكُونِ الْفُتُوحُ الْفُتُوحُ قَالُوا لَمْ يَكُنْ يَوْمَ الْبُحْرَ وَدُورَ مَسْجِدِ بْنِ
 وَالنَّوْاصِي كَيْدُكَ وَمَعَاذُكَ أَسْرُوكَ الْبُحْرَ وَبِأَمْرِ السَّكُونِ الْفُتُوحُ الْفُتُوحُ قَالُوا لَمْ يَكُنْ يَوْمَ الْبُحْرَ وَدُورَ مَسْجِدِ بْنِ
 وَقَدْ كُنْ لَمْ يَكُنْ يَوْمَ الْبُحْرَ وَدُورَ مَسْجِدِ بْنِ الْعِزِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالُوا لَمْ يَكُنْ يَوْمَ الْبُحْرَ وَدُورَ مَسْجِدِ بْنِ
 وَنَفْسُ كُلِّ كَيْدٍ لَكَ أَنْتَ الْبُحْرَ وَبِأَمْرِ السَّكُونِ الْفُتُوحُ الْفُتُوحُ قَالُوا لَمْ يَكُنْ يَوْمَ الْبُحْرَ وَدُورَ مَسْجِدِ بْنِ
 يَجِدُ وَيَقُومُ وَيُقَرِّأُ أَحْمَدَ وَبِأَمْرِ السَّكُونِ الْفُتُوحُ الْفُتُوحُ قَالُوا لَمْ يَكُنْ يَوْمَ الْبُحْرَ وَدُورَ مَسْجِدِ بْنِ
 وَجَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ اللَّهُمَّ أَنْتَ أَمَلُ الْكِبَرِ وَالْعِظَةِ
 تَعْلَمُ كَمَا تَعْلَمُ وَأَمَلُ الْبُحْرَ وَبِأَمْرِ السَّكُونِ الْفُتُوحُ الْفُتُوحُ قَالُوا لَمْ يَكُنْ يَوْمَ الْبُحْرَ وَدُورَ مَسْجِدِ بْنِ

ولا ترميها شروكك الله اكبر احاط بكل
 شئ عظمته وقدرته عز وجل

الحمد لله الذي جعل في كل شيء حكمة

14

ارواح مقصوره ناجه ابراهيم و هانن و ابراهيم و ابراهيم
قال الله تعالى و الله اعلم
اطمن ارواحها من

۱۰۰

102

18

کتاب الفیاض فی الفیاض

الطريقين ودرشتی
نوع ۱۲۱۲۱۲۱۲

بن الكذب عن أبي هريرة عن النبي صلى الله عليه وآله وسلم

فيلق الميم السجاني في المطر حيا به الميم السجاني

تصویر از برهمنات القود و فصل آخر

الحسن ابو بكر كاشاني بايرونه در ان چيده ابراهيم بن

... ..

١١٠

عمره ١٢ سنة و ١٠ اشهر و ١٠ ايام
و ١٠ اشهر و ١٠ ايام

برای این که در این کتاب

وَمِنْ دُنُوهُ أَسْبَاطُ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

وہاں سے واپس آئے اور

١٠

[illegible][illegible]

ساخته به فرزند ارشد حضرت خواجه روضه و نهاده
در هر نسخه ساخت به همین دو نفر هر نسخه

فتح با تیر از شهنشاهی که در دست
 فاجع با تیر از شهنشاهی که در دست
 از اهل عالم و از اهل عالم و از اهل عالم
 بنام حق تعالی است
 اعم حسین بن علی
 قریب به ۱۰۰ سال
 قریب به ۱۰۰ سال

اگر با دست در درگاه
 ای درگاه ای درگاه
 ای درگاه ای درگاه
 ای درگاه ای درگاه

ای درگاه ای درگاه
 ای درگاه ای درگاه
 ای درگاه ای درگاه
 ای درگاه ای درگاه

وَقَدْ

10

الهم الحظرة الصغيرة الفطره جمع بهم وولم يفسد
 البسم الله الرحمن الرحيم
 مطبوعه المطبعه

١٠
 ١١
 ١٢
 ١٣
 ١٤
 ١٥
 ١٦
 ١٧
 ١٨
 ١٩
 ٢٠
 ٢١
 ٢٢
 ٢٣
 ٢٤
 ٢٥
 ٢٦
 ٢٧
 ٢٨
 ٢٩
 ٣٠
 ٣١
 ٣٢
 ٣٣
 ٣٤
 ٣٥
 ٣٦
 ٣٧
 ٣٨
 ٣٩
 ٤٠
 ٤١
 ٤٢
 ٤٣
 ٤٤
 ٤٥
 ٤٦
 ٤٧
 ٤٨
 ٤٩
 ٥٠
 ٥١
 ٥٢
 ٥٣
 ٥٤
 ٥٥
 ٥٦
 ٥٧
 ٥٨
 ٥٩
 ٦٠
 ٦١
 ٦٢
 ٦٣
 ٦٤
 ٦٥
 ٦٦
 ٦٧
 ٦٨
 ٦٩
 ٧٠
 ٧١
 ٧٢
 ٧٣
 ٧٤
 ٧٥
 ٧٦
 ٧٧
 ٧٨
 ٧٩
 ٨٠
 ٨١
 ٨٢
 ٨٣
 ٨٤
 ٨٥
 ٨٦
 ٨٧
 ٨٨
 ٨٩
 ٩٠
 ٩١
 ٩٢
 ٩٣
 ٩٤
 ٩٥
 ٩٦
 ٩٧
 ٩٨
 ٩٩
 ١٠٠

الطريق
منه في كل يوم
والله اعلم بالصواب

[illegible]

الفرقة ما الله عز وجل ان يسجد لا يجزى ان اليد الجهر المذمومة الله تعالى من السجود والاداء
 قال ان الله تبارك وتعالى قد قدر من اجاز الشئ والفرقة من ذلك على
 الفلك ثم وكل الفلك مكانا مذهبون الفلك فمهم برون الفلك فاذا اراد
 وآت الشئ والفرقة من ذلك في من ذلك الفرقة ما الله تعالى وليها وليها فاذا
 كثر ذنوب العباد وحب الله تعالى يستقيم ما من آية امر الملك هو الملك
 الشئ من الملك عن مجازيه قال في امر الملك السبعين لائف الملك ان زعموا الملك
 عن مجازيه قال في زعمه في تفسير الشئ في ذلك البحر المذموم في الفلك فيفسد في
 ويغير لونها فاذا اراد الله عز وجل ان يعظم الآية غلبت في البحر على حب ان يتوقف
 بالآية قال ذلك عند الملك في الشئ في ذلك البحر فاذا اراد الله عز وجل ان يحميها
 المجرى ما امر الملك في ذلك ان يروى الفلك في البحر في ذلك الشئ في البحر ما
 من الماء وجر كدرة والفرقة في ذلك ثم قال على حب من عليه السلام انما لا يفرق بين
 يربط الا ترى ان ربي شيعته فاذا كان ذلك منها فاذا اراد الله عز وجل اوجه
 مصنف هذا الكتاب هو الله ان الذي يخرج من البحر من الكسوف فيبقى كما ذكره في
 في الكسوف في شروا ما يجب لفرق الماء جد والصلوة عند رويته لا من فرقة
 شبيه لفرقة في ذلك ان الكسوف في ذلك ما ذكره مسند العابد من عليه السلام
 الفرة في الماء جد لا تشبه آية الله في ذلك لان في الفرة والفرقة في
 تشبه آيات الله عز وجل ما يذكر الفرة عند شربها والوجه الماء تبارك وتعالى
 جنة والآية والفرقة الماء جد لفرقة في الارض والفرقة في الفرة في ذلك
 ذكره وقد قال النبي ان الشمس والقمر آيات من آيات الله تبارك وتعالى في شئ
 الامره لا يكتفان لوت احد ولا يوجه احد فاذا كان الكسوف احد ما يروى في
 والكسوف الشئ عند الله عز وجل من عليه السلام في ذلك من ان الرجل يظن ان الله عز وجل

منه بوجهه والعقير والواحد
 اعطاه العتير

الملوك

الملك في البحر في ذلك
 في ذلك في ذلك في ذلك
 في ذلك في ذلك في ذلك
 في ذلك في ذلك في ذلك

الملك في البحر في ذلك
 في ذلك في ذلك في ذلك
 في ذلك في ذلك في ذلك
 في ذلك في ذلك في ذلك

قديم من فرقة وسال عبد الرحمن بن عبد الله عن الربيع والفرقة في السماء والكسوف
 فقال الصادق عليه السلام صلوته ما رواه في ذلك الفرقة في ذلك الفرقة في ذلك
 من الرضا عليه السلام قال انما جعلت الكسوف صلوته لان من آيات الله تبارك وتعالى
 لا يدرى رايه في ذلك ام العذاب فاحب الشئ في ان فرقة الله الا فاعلموا
 عند ذلك يعرف غيبه شرا ويقيم كروها كما صرف عن قوم يؤمنون في ذلك
 الله عز وجل وانما جعلت هذه ركعات لان اصل الصلوة ان تزل فضعها من السماء اولها
 اليوم والليل ان من عشرة ركعات فجعلت تلك الركعات بينا وبينها فيها السجود
 لا تفسد صلوته فيها ركوع الا وفيها سجود ولا تفسد صلوته فيها سجود وفيها ركوع
 سجودات لان كل صلوته نفس سجودا من اربع سجودات لا تكون صلوته لان اولها
 من السجود في الصلوة لا يكون الا اربع سجودات وانما لم يجعل كل ركعة سجودا لان السجود
 قايما افضل من الصلوة فاذا كان القايمة من الكسوف والاعلى والابجد لا يدرى
 من اصل الصلوة انما قد ضاع الله عز وجل لا على غير امر من الكسوف في ذلك
 تغير المعلوم وقال الصادق عليه السلام ان ذوات القوم لما استمر الى السجود
 في الصلوة فاذا هو ملك قايمة على جود خصاله في ذلك فقال الملك في القوم انما
 في ذلك في ذلك في ذلك في ذلك في ذلك في ذلك في ذلك في ذلك في ذلك
 وليس من جود خصاله الله عز وجل في ذلك في ذلك في ذلك في ذلك في ذلك في ذلك
 الى قرا نسا وقد يكون الزلز من ذلك وقال الصادق عليه السلام ان الله تبارك وتعالى
 خلق الارض فاراحت فخلقها فخلقها فخلقها فخلقها فخلقها فخلقها فخلقها فخلقها
 في ذلك في ذلك في ذلك في ذلك في ذلك في ذلك في ذلك في ذلك في ذلك
 في ذلك في ذلك في ذلك في ذلك في ذلك في ذلك في ذلك في ذلك في ذلك
 في ذلك في ذلك في ذلك في ذلك في ذلك في ذلك في ذلك في ذلك في ذلك
 في ذلك في ذلك في ذلك في ذلك في ذلك في ذلك في ذلك في ذلك في ذلك في ذلك

في ذلك في ذلك في ذلك
 في ذلك في ذلك في ذلك
 في ذلك في ذلك في ذلك
 في ذلك في ذلك في ذلك

فترت

في ذلك في ذلك في ذلك
 في ذلك في ذلك في ذلك
 في ذلك في ذلك في ذلك
 في ذلك في ذلك في ذلك

في ذلك في ذلك في ذلك
 في ذلك في ذلك في ذلك
 في ذلك في ذلك في ذلك
 في ذلك في ذلك في ذلك

في الحديث انك اذا اراد ان يركب
او يخرج فليقلع ثوبه من تحت
واخرج ذنبا

حتى تزل من السماء فله من مطر فخرج اليه لونه وبقوا ان يركبوا فركبوا وروى راجع
بن سلم عن ابي جعفر عليه السلام قال قلت لارباب هذه الطير والظلم ان يكون
لها فقال كل واحدنا ايضا لها من طير او ربح او وقع فضل لها صولة الكسوف فركبوا
روى جابر بن سلم وروى عن ابي جعفر عليه السلام قال اذا وقع الكسوف
او بعض خرافات لم يمتدح ان تذهب في الغزاة فان تحوت فابدا
واطلع ما كنت في صولة الكسوف فاذا فرغت من الغزاة فارجع الى حيث كنت قلت
واحتجب بمصر وروى عن علي بن فضال ان قال قلت لابي جعفر عليه السلام
انكسفت الشمس الغد فانا اركب لا اقدر على النزول فكتب الى من ركب الغد
عليه وروى جابر بن سلم والفضل بن رباب انهما قالوا قلنا لا يجزى عنك صولة
الكسوف من اذ ابيع ففهم واذ ابيع ففهم قال كل ان ارحمن احرقا لها فكتب
لانا احرقا بعضنا فليس عليك قضاء ما وسال احمد ابي جعفر عليه السلام عن صولة الكسوف
كسوف الشمس الغد قال عشرة ركعات واربعة سجرات تركبها ثم تجزى في العشرة وان
قرا سورة في كل ركعة وان شئت قرا نصف سورة في كل ركعة فاذا قرا سورة في
كل ركعة فاقرأ في الكتاب وان قرا نصف سورة اذ ان لا تقرأ في الكتاب
اول ركعة خربت نصف اخر ولا تقرأ سبع امة من حمد في رفع راسك من الركعة الا
التي تريد ان تجزى فيها وروى عن ابيه ان القنوت في الركعة الثانية قبل الركعة ثم تجزى
ثم في السادسة ثم في الثالثة ثم في العشرة وان لم تقف الا في السجدة والعشرة فاجزى
لورودها بخبره واذ فرغ الرجل من صولة الكسوف لم يكن ان يجزى فليقلع ثوبه وان
يجزى امة فوجزى الخضر ولا يجزى ان يبيتها في وقت فليقلع ثوبه حتى يصلي الغزاة واذ
في صولة الكسوف ووضعت يدك في قبضة فليقلع ثوبه حتى يصلي الغزاة ثم يركب
وروى جابر بن عثمان عن ابي جعفر عليه السلام قال ذكرنا عنده انك في الغزاة ما يلقى

اجتمعوا في داره بعد صلاة الفجر
ونفسه
الشيخ ان عطاء
عولج الراس هو ان اكرم من اهل و عالج
بالا و به جابر موص

فقال عليه السلام اذا انجلي من شرفة النجلى **باب** صلاتك في سجدة و تسبيح و جهر
جعفر بن جابر عن ابي جعفر عليه السلام قال قلت لارباب هذه الطير والظلم ان يكون
لها فقال كل واحدنا ايضا لها من طير او ربح او وقع فضل لها صولة الكسوف فركبوا
روى جابر بن سلم وروى عن ابي جعفر عليه السلام قال اذا وقع الكسوف
او بعض خرافات لم يمتدح ان تذهب في الغزاة فان تحوت فابدا
واطلع ما كنت في صولة الكسوف فاذا فرغت من الغزاة فارجع الى حيث كنت قلت
واحتجب بمصر وروى عن علي بن فضال ان قال قلت لابي جعفر عليه السلام
انكسفت الشمس الغد فانا اركب لا اقدر على النزول فكتب الى من ركب الغد
عليه وروى جابر بن سلم والفضل بن رباب انهما قالوا قلنا لا يجزى عنك صولة
الكسوف من اذ ابيع ففهم واذ ابيع ففهم قال كل ان ارحمن احرقا لها فكتب
لانا احرقا بعضنا فليس عليك قضاء ما وسال احمد ابي جعفر عليه السلام عن صولة الكسوف
كسوف الشمس الغد قال عشرة ركعات واربعة سجرات تركبها ثم تجزى في العشرة وان
قرا سورة في كل ركعة وان شئت قرا نصف سورة في كل ركعة فاذا قرا سورة في
كل ركعة فاقرأ في الكتاب وان قرا نصف سورة اذ ان لا تقرأ في الكتاب
اول ركعة خربت نصف اخر ولا تقرأ سبع امة من حمد في رفع راسك من الركعة الا
التي تريد ان تجزى فيها وروى عن ابيه ان القنوت في الركعة الثانية قبل الركعة ثم تجزى
ثم في السادسة ثم في الثالثة ثم في العشرة وان لم تقف الا في السجدة والعشرة فاجزى
لورودها بخبره واذ فرغ الرجل من صولة الكسوف لم يكن ان يجزى فليقلع ثوبه وان
يجزى امة فوجزى الخضر ولا يجزى ان يبيتها في وقت فليقلع ثوبه حتى يصلي الغزاة واذ
في صولة الكسوف ووضعت يدك في قبضة فليقلع ثوبه حتى يصلي الغزاة ثم يركب
وروى جابر بن عثمان عن ابي جعفر عليه السلام قال ذكرنا عنده انك في الغزاة ما يلقى

تجسسها

[illegible]

110

الاستخارة وان راعاه الله تبارك وتعالى بغير يقول لا يصير له ثمر ولا ينفعه ولا ينفع غيره
 ولما اُسِرَ ابي عبد الله بن ابي ارحم الرازي لم يزلوا يكرهون ان يكون له صلوة على محمد واهل بيته الطاهرين
 وجرى له ذلك عدة ايام وقال ابو ذر رضى الله عنه في رسالته الى ابي اذ اردت يا بنى امراء المسلمين ان
 استخيرا الله عز وجل ما يهزأ مرة ومرة فاعزم عليك فاعضد على فعل ذلك لا الا الله انه يعلم
 اكثر منكم لا والله العلي العظيم رب سبي محمد وال محمد صل على محمد وال محمد الطاهرين
 فوالى في ذلك اوكيد الدين والآخرة خيرة فاعية **باب** ثواب الصلوة التي تنسب
 صلوة فاطمة عليها السلام ويسمونها السابعة صلوة الازولين وقد روى عبد الله بن مسعود
 عن ابي عبد الله عليه السلام قال من نوى ان يفسخ الحج والعمرة وانفتح الصلوة يصلح
 ركعات يصل منهن تسعة بقرآن قل ركعة فاتحة الكتاب قرآن الحمد احد خمسين مرة
 اقل من ثلثي ليس فيه وبين الله عز وجل رب الا تعزاه الله واما محمد بن جعفر الصادق
 رضى الله عنه وروى عن ابي عبد الله بن محمد عن محمد بن سعيد بن ابي السراة عن
 ابي جعفر مث من لم يعمل بعبادة علي السلام من صلى اربع ركعات بقرآن قل
 محمد بن جعفر من قرءوا الحمد كانت صلوة فاطمة عليها السلام مرسومة للآمين ودعا شفي
 بن الحسن الوليد رضى الله عنه في روبر بر الصلوة و ثوابها الا ان كان يقول لا اوحى
 فاطمة عليها السلام واما من لم يقرأ فاطمة عليها السلام فقد روى عن الصلوة فاطمة
 ابو بصير عن ابي عبد الله عليه السلام ثواب صلوة ركعتين مائة وعشرين مرة قل حواء الحمد
 في رواية ابن ابي عمير الصادق عليه السلام قال من صلى صلوة ركعتين خلفت عن ابي عبد الله
 في كل ركعة سبعين مرة الاقل وليس فيه وبين الله عز وجل رب **ثواب** الصلوة التي تنسب
 قال رسول الله صلى الله عليه وآله في صلاة الفلقة ولو ركعتين خلفت فانه نوران ودار الكرامة
 وفي خبر آخر ان رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم قال في صلاة الفلقة من مغرب والعت **الآية** **باب**
 الصلوة روبر ركعتين العين عن ابي جعفر عليه السلام قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم في

الا وایچه گننده و گونده یی
حق گنه

1-16

500

Handwritten text in Arabic script, likely a continuation of the previous page, showing dense cursive writing.

[illegible]

نور

الدين في دار القدر
الدين في دار القدر
الدين في دار القدر

مجموعہ

يوجد لها موقع وانما يطعن لا يعرف لربف في الدين ثبت عليه قالوا لم نعم فاعطى
 انت واصحابك الا نحن نعرف من وجدته من مولد السيرة عارف عاقل عظيم دون
 ثم قال سلم لمولف قلوبهم وسهم الرقاب عام وانما خاص قال قلت فان لم يوجد له اصل
 فريضة فضد الله عوجس لا يوجد له اصل قال قلت فان لم نعم التسديدات قال قال الله
 عز وجل فرض لمفعول في مال لا غشبار ما يسعم ولو علم ان ذلك لا يسعم لآذاهم انهم
 يعولون اسن قبل فريضة الله عز وجل لكل من اتوا من منس من نعمهم حقهم لا ما فرض الله لهم
 ان الناس اذوا واخوفهم كانوا عايشين بخير قالوا بل انما هو واجبه واما كذا كذا
 من غير اصل انما هو والاعمالون عليها هم التسعة واسم المولف قلوبهم قط بعد ذلك
 اسهم واسهم الرقاب بمان بالمكاتبون الذين يجوزون على اداء المكاتب والاعمال
 المستدينون في حق وسيل الله ايجها وابل اسيل المذلة ومرو ولا مسكن بل اس
 الضعيف وما الطريق ولما جاب الزكوة ان يضعها في نصف دون نصف ثم يجهل الا
 كفاها وقال الصادق عليه السلام لعبد بن موسرات باطرها غار انت رب ما كذا يقول نعم
 جعلت فداك قال قال ثور ما افترض الله عليك من الزكوة فقال نعم قال فخرج اجني اعلموا
 من ذلك قال نعم قال فقل ربك قال نعم قال فقل اخوانك قال نعم فقال ما انك
 يعني والبدن يملى والعلم يلقى والديان حتى لا يموت يا عمارا ما قد كنت قد سبقت
 آخرت فربك حكك هو في رواية ابا حمزة بن محمد بن جعفر الاسدي وعرضه عن محمد بن
 البرقي عن عبد الله بن احمد عن الفضل بن يسير عن عتب مولى الصادق عليه السلام
 قال الصادق عليه السلام انما وضعت الزكوة اخيرا لا لغيره وسعته لغيره واخوان اس
 اذوا الزكوة اموالهم ما بقي سلم فغيره حتى جاء ولا يستحق ما فرض الله له وانما اناس
 وانا اخا جوا ولا جاعوا ولا عروا ولا يذنبون الا غنيا وحقيق حتى اسد تبارك وتعالى ان منس
 من منس حتى اسد في عاروا فغيره الذي خلق تخلف وبسط الزكوة انما خلقه عالم فخر الله

بشيء من الزكوة ولا يصدق عليه شيء **باب ما جاء في نكاح الزكوة وجبت**
 ردوم وان لم يكن من عبد الله بن جلال قال سئل ابا عبد الله عليه السلام يقول انك
 الزكوة وقد جيت لشيء ما نعمنا وقد جيت عليه **باب الرجل يسير من اذكاره**
 فيعطى وجدا ثم يورثه من جده على ما يبيع قال قلت لابي جعفر عليه السلام الرجل يسير
 يسير لشيء من اذكاره فاعطى من الزكوة ولا يورثه منها من الزكوة فقال عليه السلام لا
 تزل المؤمن **باب الاضافه** الزكوة ردوم من محبوب عرسه
 بن سنان قال قال ابو عبد الله عليه السلام انك انك الزكوة قد من مواليه وقد علمتم
 وتوكلتم بها في شهر رمضان فامر رسول الله صلى الله عليه وآله في انفس ان استأثر
 ثلثه فترض عليكم الزكوة فترض عليكم الصلوة فترض عليكم من الذمب الغنة والاب
 والغرم ومن الحنف والشبه والنم والريب وما ذكركم في شهر رمضان وفي علم
 سوزنك قال ثم لم يرض شي من اموالهم فقال عليه السلام من قال فيها موافق
 فامر عليه السلام ما يقدروا في السيرة انما من زكوا اموالكم قبل صلواتكم قال ثم ج
 عمال الصدقة وعمال السقوط فيسب على الذمب شرخر سبع عشرين مثقالا فاذ بع
 مثقالا فذ بع ثمان مائة اذ ان يبيع اربعة وعشرين في نصف دينار ثم على اربعة
 فترز او على عشرين اربعة اربعة فذ على كل اربعة عشر اذ ان يبيع اربعين مثقالا فاذ بع اربعة
 مثقالا فذ بع ثمان مائة اذ ان يبيع اربعة وعشرين في نصف دينار ثم على اربعة
 دراهم ودرهم اربعون درهما فذ بها درهم وثلث الباقى شرخر سبع اربعين
 الفضة والاعزان والخمر والشمار والجوب بكونه خزانة ويجوز على ثمان مائة اذ بع
 للرجل ما يدرى على اربعة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع
 وذكرا في شبة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة
 كان عنده ما يتي درهم فاذ بع درهم وثلث الباقى وثلث الباقى وثلث الباقى وثلث الباقى

أوردك الزكوة وقد جيت

أوردك زكوة

الصدقة
الاعزان والخمر والشمار والجوب

الصدقة في حقه فذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة

الصدقة في حقه فذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة

الصدقة في حقه فذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة

في الفضة والاعزان والخمر والشمار والجوب بكونه خزانة ويجوز على ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة

الصدقة في حقه فذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة

الصدقة في حقه فذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة

الصدقة في حقه فذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة

الصدقة في حقه فذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة

الصدقة في حقه فذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة

الصدقة في حقه فذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة

الصدقة في حقه فذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة

الصدقة في حقه فذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة

الصدقة في حقه فذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة

الصدقة في حقه فذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة

الصدقة في حقه فذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة

الصدقة في حقه فذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة

الصدقة في حقه فذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة

الصدقة في حقه فذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة

الصدقة في حقه فذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة

الصدقة في حقه فذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة

الصدقة في حقه فذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة

الصدقة في حقه فذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة

الصدقة في حقه فذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة

الصدقة في حقه فذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة

الصدقة في حقه فذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة

الصدقة في حقه فذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة

الصدقة في حقه فذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة

الصدقة في حقه فذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة

الصدقة في حقه فذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة

الصدقة في حقه فذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة

الصدقة في حقه فذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة

الصدقة في حقه فذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة

الصدقة في حقه فذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة

الصدقة في حقه فذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة

الصدقة في حقه فذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة

الصدقة في حقه فذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة

الصدقة في حقه فذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة اذ بع ثمان مائة

الروح بالضم باب جيرة النفس وروح بالفتح الروح
والروح وضم الريح ق

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

لَقَوْلِهِ تَدْعُوهُمْ لِمَنْ قَبْلُ مِنْكُمْ فَخَرِّجُوهُمْ
مِنْ دِينِكُمْ إِنَّهُ لَا يَدْعُو الْإِنْسَانُ لِمَنْ قَبْلُ
مِنْكُمْ فَخَرِّجُوهُمْ مِنْ دِينِكُمْ وَبِمَا
كُنْتُمْ تُكْفِرُونَ بِاللَّهِ وَأَنْتُمْ كَاذِبُونَ

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

مردم احوال و در هر یک حرف و در سجده اویستوم
 یومین جلوه اقطار و منها
 مع الفقه و الهیة
 و در انشود و

نقطه خام

سین اقطار و منها
 از هر یک در هر یک حرف و در سجده اویستوم
 و در انشود و

وخر الصدر چال کار و بگویند و سوار
در شش م م م
منه جانی فرشته انصاف
فیتقی و
و منور و ایر و نر و اهل
تبر و تبر
و منور و ایر و نر و اهل
تبر و تبر
منه جانی فرشته انصاف
فیتقی و
و منور و ایر و نر و اهل
تبر و تبر
منه جانی فرشته انصاف
فیتقی و
و منور و ایر و نر و اهل
تبر و تبر

يوم غفره لا كان يوم العيدين في اكثر السنين تصديق ذلك قال الصادق عليه السلام
 لما قيل الحسن بن علي عليه السلام امر الله عز وجل ملكا فادرايتها الا انه قال لا فخر
 فيها لا وفخر الله بالصوم ولا فخره وفي حديث آخر لا وفخر الله بالصوم ولا فخره ومن صام
 يوم غفره قدس ابواب ما ذكرناه وروى عن الحسن بن علي الوشائي قال كنت مع ابي
 وانا غلام فحدثنا عن الصادق عليه السلام ليلة خمسه وعشرين من ربيع القعدة فقال له كيف
 وعشرين من ربيع القعدة ولقد فيها ابراهيم عليه السلام وكذا فيها عيسى بن مريم عليه السلام
 فيها حيت الارض من تحت الكعبه من صام ذلك اليوم كما كان صام سبعمائة شهاده
 وروى عن في سبع وعشرين من ربيع القعدة انزل الله فوج من الكعبه وروى عن اولاده نزلت في
 صام ذلك اليوم كان كفاية سبعين سنة وروى الحسن بن راشد عن ابي عبد الله
 قال حدثني ابي الحسن عليه السلام عن ابي عبد الله بن قال نعم الحسن واخطاهوا الله فقال قلت له
 فانه يوم هو قال يوم نصب امير المؤمنين عليه السلام فقلت فذلك اليوم
 هو قال ان الامة تدور وهو ثمانه عشر من ربيع القعدة فقلت فذلك وما ينبغي
 ان ان تصنع فيه قال تصوم به حسن كثر فيه الصلوة على محمد واهله وبنوا الله عز وجل
 من طهرهم فانه انما سبوا عليكم كانت امارا واما يوم الازمان فانه يوم في الايام ان تصوم
 عيدا قال قلت ما بين صامه من قال صام سبعمائة شهاده او لا تصوم صام يوم سبعمائة
 من رجب فانه يوم الازمان قلت في التوق على محمد وبنوا الله من سبعمائة شهاده وروى
 الفضل بن عمر عن ابي عبد الله قال صوم يوم غير ذلك من سبعمائة شهاده او لا تصوم
 في رجب صام واثوابه انما هو في رجب فقلت فذلك اليوم هو الذي كان في رجب
 من رجب محمد بن موسى العبد او كان غير ذلك فقلت فذلك اليوم هو الذي كان في رجب
 الاخبار فخره ناسروك غير صحيح وفي اول يوم من محرم واذكر يا عبد الله السلام ربه عز وجل
 من صام ذلك استجاب الله له كما استجاب لذكره عليه السلام وسأل ابا عبد الله عليه السلام

فت

عن الصادق عليه السلام تعرض للحاجة قال هو يتجرا بما بينه وبين العصور ان كل العصور
 جال ان يصوم ولم يكن نور ذلك فدان يصوم ذلك ان شئت **روايت يوم**
 وروى ابن بن عثمان عن كثر النور عن ابي عبد الله عليه السلام قال ان نوحا كان في
 اول يوم من رجب فامر عليه السلام من صام ان يصوموا ذلك اليوم قال عليه السلام
 من صام ذلك اليوم تبادت عنه النار سبعة سنين ومن صام سبعة ايام اغفرت
 ابوابه الى ان السبع ومن صام ثمانية ايام فحقت له ابواب الجنان الثمانية ومن
 صام ثمانية ايام غفر الله له ومن زاد رزاق الله عز وجل وقال ابو الحسن بن محمد
 رجب نزلت في رجب امته بيضا من اللبى احلى من العسل فصام يوما من رجب
 من ذلك الفدية وقال ابو الحسن بن محمد بن جعفر عليه السلام رجب شهر عظيم باضافته
 احسنه ويجوز في الليالي ومن صام يوما من رجب تبادت عنه النار سبعة سنين
 صام ثمانية ايام وقد اخرجت ما رويته في هذا الخبر كتاب فضائل رجب **روايت**
صوم رجب روى ابو جعفر عليه السلام قال من صام شعبان كان له طورا
 من كل رزق ووصية وبارء وقال ابو جعفر قلت لا يجزئ ما رويته قال العيينة
 والذرق في الحصة قلت قال البارء قال العيينة هذا الغضب التوب منه الله عز وجل
 روى الحسن بن محبوب عن عبد الله بن مرحوم الا انه قال سبعت ابا عبد الله
 يوم اول يوم من شعبان وجبت له الجنة ومن صام يومين نظرا الله اليه في كل يوم وليته
 والذوق ما روى ابو جعفر عليه السلام ثمانية ايام من رزاق الله في عرشه من الجنة
 كل يومه قال مصنف هذا الكتاب فخر الله عز وجل زيارته انما هي وجوه حلو
 عليم من زيارته فخر الله عز وجل من اطعمه فخر الله عز وجل ومن عصاه فخر الله عز وجل
 ومن تابعه فخر الله عز وجل وليس لك على ما رويته ولا الشبهة فخر الله عز وجل
 علوا كبره وقال الصادق عليه السلام صوم شعبان وشهر رمضان شهرين متتابعين

قوله زاد الله ارادة فخر الله
 وادبره عليه من في
 من رجب واذكر
 من رجب واذكر
 رويته بضعه اهل
 الرزق والبارء
 من رجب واذكر
 من رجب واذكر

Handwritten text in Urdu script, likely a continuation of the letter or a separate note, written on aged paper.

کتاب خرمز قنادی
المخمر من الخمر و الخمر من الخمر و الخمر من الخمر
الخمر و الخمر من الخمر و الخمر من الخمر

و اما بجز خواسته آنرا و حقیقت بوده که بگو
آنکه آنرا نمی توان در کارهای خود
فعلی برآوردن

٥١٢

المعبر من القلعة احد فخره من غير ان يخلو والحق
الصدق والحكماء في ذلك من الذين قدوة في
ادبهم ولا اذلة الله في السيرة من الحق في
كذلك انه روى عن النبي صلى الله عليه وسلم
والصالحين اخذوا من ابي الحسن في الدنيا
وفى دهره فخره المسمى في حق

قدوم من سفر بغداد الى القسطنطينية
بفرقة من خدمه من اهل بغداد قدومهم
الى القسطنطينية في ايامه
والله اعلم بالصواب

[illegible]

[illegible]

دَابَّ فَخَازَ فَرَفَعُوا رُجُودَهُمْ قَبْلَ
أَبْهَمَ الْأَمْرِ فَتَبَيَّنَ قَبْلَ

[illegible][illegible][illegible]

۱۶۱

ایمان
همکاران و رفقاء
الکریم بنصره حق
الودع و فی حق
مال بود از دست کور و پال و اول
نابینا چشم خرد احوال حق

五

شوق کفر است شدت غمت
و عهد بفرم شوده انزاب

५०

الحمد لله الذي جعلنا من عباده
الذين هم خير خلقه
وهم خير خلقه
وهم خير خلقه

قَالَ كَانَ فِي ذَلِكَ تَغْفِرُ لَهُ اسْتَفْزَازُ رَسُلِهِ وَابْدَاءُ وَصُومِهِ بِمَا كَانَ يَوْمَهُ
 سَارِ سَاعِدَ عَمَلٍ رَجُلٍ مُطِيعٍ بِهَدْيٍ فِي شَرِّ رِضَانٍ قَالُوا لَمْ يَخْفَ عَلَى نَفْسِهِ فَرَأَى
 رُوَيْدُ مَرْحَبٍ الْعَيْشَ لِمَنْ رِيَابُ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ مَنْ رَجَعَ
 لِعَالَمِهِ فَخَفَّ خُفْيَتُ فِدَاكَ وَفَلَمْ يَلَمْزِ أَحَدًا مِنْ أَهْلِهِ وَرَأَى لِقَاءَ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 مِنْ لَوْحِ بَيْتِهِ الرِّجَالُ قَالَ لَمْ يَلَمْزِ أَحَدًا مِنْ أَهْلِهِ وَرَأَى لِقَاءَ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 قَبْلَ أَنْ يَلْقَى رَأَى لِقَاءَ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمْ يَلَمْزِ أَحَدًا مِنْ أَهْلِهِ وَرَأَى لِقَاءَ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 بَعْدَ لِقَاءِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمْ يَلَمْزِ أَحَدًا مِنْ أَهْلِهِ وَرَأَى لِقَاءَ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 أَكْرَهُ أَنْ يَخْلُقَ صَوْمِي بَعْدَهُ وَرَوَى عَنْ سَمْعَانَ بْنِ مَرْيَمَ أَنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 يَقُولُ مَنْ رَجَعَ مِنْ لَوْحِ بَيْتِهِ الرِّجَالُ قَالَ لَمْ يَلَمْزِ أَحَدًا مِنْ أَهْلِهِ وَرَأَى لِقَاءَ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 صَابِقًا قَالُوا بَلْ يَخْلُقُ صَوْمِي بَعْدَهُ وَرَوَى عَنْ سَمْعَانَ بْنِ مَرْيَمَ أَنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 بَرَّ سَابِقًا بِمَا جَاءَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمْ يَلَمْزِ أَحَدًا مِنْ أَهْلِهِ وَرَأَى لِقَاءَ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 لَا تَسْتَفِيقُ لِقَاءَ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمْ يَلَمْزِ أَحَدًا مِنْ أَهْلِهِ وَرَأَى لِقَاءَ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 بِسَابِقًا رُوَيْدُ مَرْحَبٍ بِنِجَابٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَمْعَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي رَجُلٍ أَظْهَرَ
 شَرَّ رِضَانٍ تَعْدَاؤُهُ وَاحِدًا مِنْ خِيَرَةِ رِيعٍ رَقَبَةٍ وَأَوْصِيَهُمْ شَرِّينَ مَتَابِعِينَ وَطَعْمُ سَمِينٍ
 فَإِنْ لَمْ يَتَعَدَّ رِصْدَةً قِيَامًا بِطَبِيقٍ وَرُوَيْدُ مَرْحَبٍ بِنِجَابٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَمْعَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 أَنَّ رَجُلًا أَدَانَ نَجْمًا فَخَالَ مَكَلَّتْ وَأَمَكَلَّتْ قَالُوا أَمَكَلَّتْ قَالَتْ أَمَرَ أَنْ تَقْرَأَ فِي شَرِّ رِضَانٍ
 وَأَدَامًا قَالَتْ نَسِيَتْهُ عَنْ رَقَبَةٍ قَالُوا أَمَكَلَّتْ قَالَتْ قَرَأْتُ فِي شَرِّ رِضَانٍ قَالُوا أَمَكَلَّتْ قَالَتْ
 تَعَدَّدْتُ عَلَى سَمِينٍ مَكَلَّتْ قَالُوا أَمَكَلَّتْ قَالَتْ قَرَأْتُ فِي شَرِّ رِضَانٍ قَالُوا أَمَكَلَّتْ قَالَتْ
 أَلَيْسَ خَدُّهُ مُقَدَّدٌ بِمَا كَانَ أَدَانَ مَكَلَّتْ بِنِجَابٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَمْعَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 قَالُوا خَدُّهُ مُقَدَّدٌ وَأَمَكَلَّتْ قَالَتْ قَرَأْتُ فِي شَرِّ رِضَانٍ قَالُوا أَمَكَلَّتْ قَالَتْ
 إِنَّ الْكَلْبَ إِذَا لَقِيَ الْبَيْتَ كَانَ فِيهِ شَرٌّ وَنَحَا عَنْ تَرْتِيبِهِ وَرَوَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

فليكن ما زوجنا على الاطلاق فقال النبي في ان يكون بعد زوال الشمس وسائر ما عمن
عوله العاصم يعني زوال الشمس قال ان ذلك في الغيبة فانه في الزمان ينظر اربعة
اشياء الا غروب الشمس وروى عن فضال عن صالح بن حماد انه اخبر قال سألت ابا عبد الله
عن الرجل يزوج الصوم فيقضي اخوه الذي روى عن ابيه فبذل ان ينظر اربعة قال ان كان
اجزاء وجب له وان كان قضاء فليفته قضاء وادامه الاجزاء والرجل وليس من مثله ان يصوم
ثم يذلل فدان يصوم وتسل عن العاصم استمع نوحى الى كذا فقال النبي ربه وبنو
وان مكث خسر العاصم ثم بدال ان يصوم ولكن نور ذلك فدان يصوم ذلك اليوم ان
واذا ظهرت المرأة من غيبها وقد بقى عليها بقية يوم حاست ذلك بعدة رديا وغيبها
ذلك اليوم وان كانت وقد بقى عليها بقية يوم افطرت وعليها القضاء وادامه وجب له
صوم شهرين متتابعين فقام شهر اوله يوم السبت الثاني شيا فبذل ان يصوم وروى عنه
الاول ان كان ينظر اربعة فدان يصوم وروى عن بعض الفضل عن ابي عبد الله
قال فربما يصوم شهر فقام منه خمسة عشر يوما ثم مضى امر فقال ان كان تمام شهر
يوما فدان ينظر فلو ان كان تمام اقل من خمسة عشر يوما فليجوز له ان يصوم شهر انا ما وروى عنه
بن حازم عنه قال في رجل صام في ثلثا رجب ثم ادرك شهر رمضان قال يصوم شهر
ثم يمسك نصف الصوم وان هو صام في النصف فزاد في النصف يوما فليفته وروى عن
محبوب عن ابي ايوب عن ابي عبد الله عليه السلام قال رجل عن علي صوم شهرين متتابعين
فليجوز له ان يصوم شهرين متتابعين وروى عنه ابا عبد الله عليه السلام قال يصوم ايام التثنية في ايام
يوم من المحرم حتى يتم ثلث ايام تكون فقام شهرين متتابعين قال ولا ينبغي ان يكون
ايدي حتى تقضى ثلث ايام التثنية التثنية والباقي من تمام شهر ثم صام شهر التثنية
فيه اياما ثم غرت له فدان ينقطع ثم ينظر بعد تمام الشهرين باب سب قضاء الصوم
ابن روى عن ابن بن عثمان عن ابي عبد الله عليه السلام قال اذا

١٥

الرضا بن شهر رمضان ثم لم يزل يرافقه حتى فليس عليه قضاء فان تم ثم مرض ثم مات
 فان كان له مال تصدق عنه مكان كل يوم بمئة فان لم يكن له مال صام عنه وليه وادناه
 رجل عليه صوم شهر رمضان فعلى وليه ان يقضه وكذلك من فاته في السنة والمرض ^{بكره} اذا كان
 مات في مرض من قبل ان يصح بمقدار يقضه صور فان مات في مرض من قبل ان يصح
 ما يقضه صور فافضا عليه ان كان كذلك وان كان له بيت ولبان فعلى الكاهن ان
 ان يقضه فان لم يقدروا من الرجال فقضه وليه من النساء وقد روي عن الصادق
 انه قال ذوات الارب عليه صوم شهر رمضان فليقضه عن من شأ من شأ من اهل بيته
 وكعب محمد بن الحسن الصغار روى عنه الامام محمد بن الحسن عليه السلام في رجل مات وعليه صوم
 رمضان عشرة ايام ولو كان من اهل بيته لم يأتوا ان يقضوا عنه شيئا فانه ايام اهل بيته
 فمست ايام الاخر فوقع عليه السلام يقضه ابا وليه عشرة ايام ولا ان شاء الله تعالى مست
 في ذلك الكتاب فلو اتوب جميع عنه رجع توبة واحدة من الحسن الصغار فليقضه عليه السلام **باب**
 فدية صوم الفدية وروى احمد بن محمد بن الحسن بن النضر بن النضر عن ابي الحسن الرضا عليه السلام في رجل نذر
 نفسه ان يصوم من مرض او يخلع من حبس ان يصوم كل يوم اربعا وجمعا واليوم الذي
 فيه فخرض ذلك بعد اجابته واخر ذلك فمات الله في عمره فاجب عليه صوم كل يوم اربعة ايام
 يتصدق لكل يوم مائة من خطه او بمدر من تمره وفي رواية اويس بن يزيد وعلى بن ابي
 الرضا عليه السلام يتصدق عن كل يوم بمائة او تسعة **باب** صوم الاذن وروى عن
 ابي عبد الله عليه السلام قال قال رسول الله اذا دخل رجل بيعة فوفيت على
 بما من اهل بيته فخر من علم ولا ينبغي للخصيان يصوم الا باذن من اهل بيته ولا يصوم
 ولا ينبغي له ان يصوم الا باذن من اهل بيته ولا ينبغي له ان يصوم الا باذن من اهل بيته
 ما لم يترك من حكمه عن ابي عبد الله عليه السلام قال قال رسول الله من فقد ابي
 لا يصوم قطوعا الا باذن من اهل بيته ولا يصوم قطوعا الا باذن من اهل بيته

ختم افعال من جمله ختم بجزایر تقدیر و استقامت
فصل پنجم از اثر فرادین ختم به تحریر جمیع افعال
الهی ختم به اتمت هر چه

وَأَن وَلَدَ لَكَ عَمَلُكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
الرِّزَالُ فَأَمَّا نَفْسُكَ فَتَكُونُ
وَأَن وَلَدَ لَكَ الرِّزَالُ فَتَكُونُ عَمَلُكَ

三

غير مستنفذ
الطوره جمع طوره الى طوره

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

[illegible]

قوله تعالى الحمد لله ربنا الذي جعلنا
الانجيل في يدينا وهو مكتوب في
الكتب القديمة

بقدره من المرحوم بشاره بجمع يوم المرحوم
فلا يصح فيه اربع اوقات الخدم والخدمه
اضحى وظهره وعاظه وجمع ضحاه واهضاه

الحج المشعر أو الكعبه وقيل الحج المشعر والكعبه
الاسم هنا
وقيل الحج المشعر الحج المشعر الحج المشعر
الحج المشعر الحج المشعر الحج المشعر

22

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

التي هي معروفه والنسب اليها قد ورد

برای

105

الذنوب التي كتبت بها ذنباك بغيرها وفك بغيرها فاذ اختلف ذراعيك تاضرت
الذنوب عن يمينك شمالك فاذ اسحت راسك قديمك تاضرت الذنوب اليك
مشيت اليها على قدميك فذا لك وضوئك فان قمت الى الصلوة وتوجهت
رأت اتم الكتاب وما تيسر لك من التور ثم ركعت فارت ركوعها وسجودها
تشهدت وسمت فخر لك كل فرب فيها ينك وبين الصلوة التي قدمت اليك
هو خوة فذا لك وانا انت يا اخانا انصارنا فذا لك جيت ان نزرع جنك ونزرع
وذلك فيها من الثواب قاعكم اذا قمت وتوجهت الى سبيل الحق ثم ركعت
قلت بسم الله وصفت بركك ارفع راحتيك خفا ولم ترفع خفا الاكبت لك
حسنة وهي خلك سية فذا احومت ولت كتب الله لك بكل خير عشرة حسنة
مخرجك عشرة حسنة فذا اظفت بالبيت اسبوعا كان لك بذلك خدا الله خدة
وذكر لغيرك ركب ان يعذك بعده واذا صبت خدامك ركعت كتابك نيك
التي ركعت مقبولة واذا سيعت بين العشاء والمروة سبعة اشواط كان لك به
خدا الله خدع من شرا ومن حج ماشيا من بادية ومثل اجر من اعطى سبعين قبة
مؤمنة فاذا اوقف بعرفت الى غروب الشمس فلو كان يدك من الذنوب مثل
رمل على وزر البر لعرف الله لك فاذا ريت هجرات كتب الله لك بكل خير
فيما يستقبل من عمرك فاذا احف راسك كان لك بعد كل شعرة حسنة يك كتب
يستقبل من عمرك فاذا اوجت بهيك او خرجت بهيك كان لك بكل قطرة من حسنة
يك كتب فيما يستقبل من عمرك فاذا اظفت بالبيت اسبوعا للزيارة وصيت خدامك
ركعتين ضرب عليك كرم على كفتك فقال انا ما مفرق قد غفر لك فاستاف محفل
ينك ومن عشرين وما يه يوم وروى ابن جرير اسبوعا كانت اذ وقت القربان
تخرج نار من قربان من قبله وان الله تبارك تعطيني اياما من مكان القربان

أخف واحد أخف البصر

علاج سوختگی یا سبب دیه چهار عمل و عنوانی الزامی
تا آنکه مریض از عمل و فعل بعضی فریض
میتواند

الْقُرْبَانِ بِالْقُرْبَانِ يَقْرَبُ بِهِ إِلَى اللَّهِ مِنْ قُرْبٍ
مَنْ تَقَرَّبَ قَرَّبَنا قَرَّبَنا

1892 301

1

الحمد لله

نظم القبول من حضرت قدس

خف من طلب ايركا خيفه ورايد واهل

سیدنا و امیر المؤمنین علی بن ابی طالب

ایکس ایم جی

سارلوم

فروغیہ لاء ۱۰۰۰ روپے

الفتح والقدر ما شئنا به اللهم بالصدق

6

استاد و استادان محترمین

البرقية والبطونية وحررته السهم

مجموعه قلم

الحمد لله رب العالمين

ق

100

في اليوم الحفصا وقت وكيف صار لله قوة بسببه انزل الكعبة دون من حج قال ان
 الصلوة قاض فرض مدعو لا يجيب ان يفي بغيره يدخل البيت الذي في البيت
 قلت وكيف صار الحاقه احياء دون من حج قال لغيره بلك موسومة بسبب ان
 تسبح قول الله عز وجل يقول الله عز وجل ان من حج قال لغيره بلك موسومة بسبب ان
 قلت كيف صار وهو مشهور انهم عليه فرينة قال لغيره بلك موسومة بسبب ان
 بن عمر بن الخطاب رضي الله عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ان من حج
 والذوق من راسه عليه السلام يوم الحج بغيره فاشرب من لبنه حتى يذهب عنه
 جده الله من راسه بن عمر بن الخطاب رضي الله عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم
 رسول الله صلى الله عليه وسلم في ذلك قال الله عز وجل ان من حج قال لغيره بلك موسومة بسبب ان
 شعرة عليه السلام وكذا قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ان من حج قال لغيره بلك موسومة بسبب ان
 زالت يوم فم وقد اجمعت في ذلك كرسف وان رسول الله صلى الله عليه وسلم في ذلك
 اليها رفع راسه الكعبة وقال الحمد لله الذي شرّفك وعظمك والحمد لله الذي جعل
 وجعل على امان الله ما به رجا خلقك وجنته ثم ارضفك **باب بعد الكعبة وفصلها**
محمد بن قيس قال ابو جعفر عليه السلام ان اداء الله عز وجل ان يخلق الارض الاربع فخلق
 من الارض من جوفها ثم ابدعها رزقا وادعها فجاء موضع البيت ثم جعل من بين
 ثم حرك الارض من تحت وهو قول الله عز وجل ان اول بيت وضع للناس للذي ببكة
 قال ليعق خلق من الارض الكعبة ثم بنت الارض منها وقال الصادق عليه السلام
 بناء ذلك وقادح الارض من تحت الكعبة الاسمي ثم حاسر الارضات ثم دعا ليعق
 الارض من جوفها وعرفات من بين منى من الكعبة وكذلك عن بعض
 وان الله عز وجل انزل البيت من السماء رولا اربعة ابواب كل باب قبيل من راسه
 وروى عن موسى بن جعفر عليه السلام انه قال في سنة وعشرين من ذي القعدة انزل الله

تربيع المشيعة واورسار مشط
 فخره كخاتم جبريل محمد بن عبد الله
 الكرمي القطر
 ذاخت الشمس
 الزمان في

الرجح الاربع من الصفا والورد والسهل الجوف
 الصبا من الرزق من طين من البورق ما
 السهل من كسرة من جبال الارض من طينها

الكعبة ايتهم ام فرضهم ذلك اليوم كان كارة سبعين سنة وهو اول يوم انزل
 الرحمن السما على آدم عليه السلام وقال الرضا عليه السلام في عشرين من ربي
 القعدة وجيت الارض من تحت الكعبة من صام ذلك كان كصيام ستين شهرا
 قال محمد بن ابراهيم العجلي ابا جعفر عليه السلام ان من حج قال لغيره بلك موسومة بسبب ان
 قول الله عز وجل ان من حج قال لغيره بلك موسومة بسبب ان
 فبعد من ابدع الله عليه السلام ان الله عز وجل انزل آدم عليه السلام من الجنة وكان درة جنة
 فوجد الله الى السماء وبنى منتهى وهو كبريت البيت بفضول يوم سبعون الف ملك
 لا يرجعون اليه ابا جعفر عليه السلام ابراهيم واسماعيل بيانا البيت على النواحي وفي رواية
 عيسى بن عبد الله الشافعي ايعض الله عبد الله عليه السلام عن ابيد قال كان موضع الكعبة
 من الارض نقي كنفه الشمس انتم خرفوا وادعوا اجد ما جده فاستودت قلنا انزل
 رجع الله عز وجل الارض كلها خرا انا فقامت من تحتها قارة ربت ما بين الارض والبيت
 منيرة قال هريرة في الارض فوجدت عيك لست عوف بكل يوم سبعين طوفان
 وروى عن محمد بن عبد الله بن ابراهيم عن ابي عبد الله عليه السلام قال احب الارض الى الله
 كذا وكره الله احب الله عز وجل من رزقها ولا يحجر احب الله عز وجل من حرمها ولا يحجر
 الله عز وجل من حرمها ولا يحجر احب الله عز وجل من حرمها ولا يحجر احب الله عز وجل
 من رزقها وفي رواية اخرى ان الله عز وجل في الارض احب اليه منها وادعى به الكعبة
 اكرم على الله عز وجل منها ثم اكرم الله ان كثر حرم في كذا يوم خلق السموات والارض
 وروى عن الصادق عليه السلام انه قال ان الله عز وجل انزل من كل شمس اربعة
 الارض موضع الكعبة وقال عليه السلام لا يزال الدين قائما ما قامت الكعبة وقال
 بن ابي عمير لا ياجف عليه السلام اذ ركبت الحسين عليه السلام قال نعم اذكر وانما معني في الحج
 وقد دخل تيسر وانس من يوفون على انهم يخرجون الحج يقول قد ذهب من كل رجل

الدرة بفضول الكعبة والجمع والردور
 في
 انفس شدة اصل سببها كالحاسر في

الربة والارادة مشيئة والارادة والارادة
 من الارض في

امراة لو كنت فانيك قبل
تقدمت يار
نه انكرت لك ان تخرجن اوب تركت السيرة فيا ريت
ت

ا جفت به اهلكه واستعد
مغرب

ان لم يلقه العبد الا في سيرة السيرة وموسى
لما وجد في
الغربة ففهم ان ليس في الدنيا صورت في

تولد ليس فيه ارسيس في عظمه

انما انما في سيرة السيرة
تولد

المدينة فقال لمن يحبك قال من يحبك الله فقال له ابو عبد الله عليه السلام ما لو كنت
تقدم اليك لا كنت اذ بك ثم قال احسنه ان واثق شيطان وثقه فهو
اربعه رفقاه **باب** الرضا في السيرة وجوب من يخدم من روى السكوني بسنده
قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم قال الصادق عليه السلام ما احب الي ان لا
كان اعطاه امر او اجتهاد الى الله ارفقه له صاحب **وقال** امير المؤمنين عليه السلام
في سيرة من لا يترك من الفضل في تركه عليك **وقال** رسول الله صلى الله عليه وسلم
القوم في السيرة ان يخرجوا انفسهم وان ذلك اطلب لانفسهم وان لا يلقوا قوم **وروى**
اسحق بن عزر بن ابي عبد الله عليه السلام قال ان يقول محبة من تزين به ولا يحب من
تزين بك **وروى** شهاب بن عبد رب قال قلت لابي عبد الله عليه السلام قد كنت
وجده في ربي ونوس في اخواني فاجبني في سيرة في طريق كذا وسع عليهم قال لا تفعل
ان لم يسطر ولبطوا فحفت بهم وان هم اسكوا انفسهم فاحجب نظرنا عن محبة تلك **وقال**
ابو جعفر عليه السلام اذا حجت فاحجب نورك ولا تحجب من ليك فان ذلك مذموم
وروى ابو جعفر عليه السلام قال لا يبيت في البيت وحده شيطان الا ان
تدنا الله انك **وقال** رسول الله صلى الله عليه وسلم احب الي الله رجل اربعة وعشرين
على سبعة الا ان لم يظلم **وقال** الصادق عليه السلام من اسفان بغير حياء ولا عيب
وروى عبد الله بن ابي بصير عن ابي عبد الله عليه السلام قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم
ان من تقية قبيح وبخيل لا يراف الا في حق وعمره **باب** الجود والسيرة في السيرة
السكوني بسنده قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم فانه اذا دخلت مكانا فليكن
باب حفظ النطق في السيرة روى عن صفوان ابي قال قلت لابي عبد الله عليه السلام
معي اهلي والى اريد حج فاشد تقى على حقى قال نعم فان ابي عبد الله كان يقول من
السيرة حفظ لفظه **وروى** علي بن ابي طالب عن ابي عبد الله عليه السلام قال قال

السيرة بالسيرة عام اسفرو سيرة جود

جود سيرة السيرة
انما انما في سيرة السيرة

تولد في السيرة انما انما في سيرة السيرة **باب** الجود في السيرة
او ليس من لفظك وجب انما انما في سيرة السيرة **باب** الجود في السيرة
الصادق عليه السلام اذا سافر فخذوا اسفروا فيها **وروى** ابو جعفر عليه السلام
الصادق عليه السلام عن ابي عبد الله عليه السلام قال قال الصادق عليه السلام
حديثا فانه لا يترك شيئا مما في بيته من الدنيا **باب** السيرة الذي يكره فيه في السيرة
قال الصادق عليه السلام بعض اصحابي ما ترون قبرا بعد الله قال نعم قال تخذل لذلك
قال نعم قال لا تاتمروا بغيركم وانما تملكون لذلك قال قلت فاني في كل قري
الدين **وقال** في آخره الصادق عليه السلام غني ان قرا اذا راوا الحسين عليه السلام صلوا
السيرة فيها جودا او لا تحبوا واشبهوا لوزاروا قبور اصحابهم بالصلوات **باب** الجود
باب الجود في السيرة **وقال** علي بن الحسين عليه السلام اذا سافر الى كذا الى كذا او العدة من السيرة
الراوية من السيرة والسكر والسوق فاحجب نظرك **وروى** انه قال ما يورثه سيرة السيرة
فقال انما جود السيرة من كذا انك من قال لو ان احدكم اراد سفر الاخذ في
الراوية يصلي السيرة فقرة ووالسيرة يوم القيامة اما تريدون فيه ما يصليكم مقام السيرة
ارشدنا فقال نعم يومئذ يدعونهم لثوبهم ورجوعهم لظلمهم الامور ومن كاعتين في سيرة
الدين لحيث القبول كذا في قوله ما وكذا في سيرة السيرة فما وجدته منك على سيرة السيرة
سكين يوم يوم غير اجل الدنيا ورجس درهما انفسه على جالك **وروى** في سيرة السيرة
لا يضر ولا ينفع لا تروا اجمل الدنيا كعين كذا في طلب الكمال وكذا في سيرة السيرة
تفعل لا تروا ثم قال فتنني ثم يوم لا اذكر **وقال** الحسن لابي ان الدنيا محرق
وقد هلك فيها كذا كذا فاحجب نفسك فيها الايمان بالله واجعل شرا اعدا الزكوة على
واجعل لراوك تقوى الله فان نجاته من الله وان هلك فبذرك **باب** الجود

الـ بـ لـ قـ وـ حـ عـ اـ تـ رـ عـ رـ فـ تـ فـ حـ مـ جـ دـ هـ
 وـ ثـ ذـ رـ كـ خـ لـ مـ نـ هـ وـ طـ يـ عـ فـ قـ

بـ هـ مـ عـ رـ عـ صـ تـ وـ هـ اـ نـ ذـ لـ رـ كـ خـ لـ مـ نـ هـ وـ طـ يـ عـ فـ قـ
 وـ ثـ ذـ رـ كـ خـ لـ مـ نـ هـ وـ طـ يـ عـ فـ قـ

توفیق از عز و جلال خود بخیر انوار
والعقب ۹

اِنْشَاءً كَوْنًا وَكُنْ بِمَا كُلُّ عِلْمٍ

مخرج كعب مغرنا ومغراة ومغراة

وعب

وَأَنْتَ أَعْلَمُ الْغُيُوبِ

تصنيف

...

اعزسوا القوم نزلوا في افراسيل الكسراة في

چند روز بعد

2021/12/12

...

بسم الله الرحمن الرحيم

[Faint handwritten notes at the bottom of the page]

الحمد لله الذي جعلنا من عباده المخلصين

1871

سكن الله في دار السجج بقر

5. 4. 7. 8. 9. 10.

السير في تاريخ العرب

کرامۃ اللہ موضع میں

مكة والمدينة في
البلاد والمدن في

الاستطالة هنا مستفاد من الاستطالة بالكسر وهو زيادة

والتاريخ المذكور في...

کتابخانه

[illegible]

3

[illegible]

سید

فمن القصر من جامع مسجد الزاوي

الذي يخرج من
الرجل

در صورتی که در این صورت

عند زوال الشمس ثم غرغ وجيء فيها من الطيرة والعصافران واحدا فاقسم به الوقوف
بها الى غروب الشمس ان غلبت الى الشتر احرأه واجيء من الشتر العشب اربعا واداء
اقاسين واليوتوب بها والوقوف بها بعد الحج الا ان قطع الشتر على شتر والرجوع
الى منى والفرج والكلب والرمي ودخول مسجد الحنبل والاستسقاء فيمن عفا وزاد
طواف الحج وهو طواف الزيادة وطواف ثلث وقفده صفائح بالمرءة المالح واليمن
ثمة طواف بالبيت طواف للمرة وطواف الحج وطواف لثا وسبعين بين الصفا
المرفق كما ذكرناه وفي الثمان والعقد طوافان بالبيت وسبعين بين الصفا وهو
ولا يتحان بعد المرة وبضبان على احرأه الاول ولا يقطنان البنية اذا نظر المهر
كما يفعل المتعمق بصره ولكنه يقطنان البنية يوم غرغ هذه الى الشمس الثمان والعقد
صفتها واحدة الا ان الثمان يقطن على المهر بياق الصدر وروايت عن بعض
المشايخ قال دخلت مع اخواني على عبد الله عديت فقلت لانا نريد الحج ويحلف
فقال عليكم بنية فانا لا نتقي احدنا في فتنه بغيره الى الحج واجتنبوا كسر وانج من
باب فريض الحج الحج الا احرأه واليوتوب البنية التي بين يدي ستره وفي
بيتك تهر بك ايكن لا شمر بك كك ايكن وان نحمد ونحمد والحمد
لا شمر بك والوقوف بالبيت والركعتان عند مقام ابراهيم عليه السلام
والسعي بين الصفا والمروة والوقوف بجرهم احرأه واليوتوب المتعمق وقال الله
الوقوف بعرفة فوالله لو فقهنا ما سورك من هناك شدة **باب**
فمن حج بغير حرمه او رجع الى مكة فسلم الله انتم فوالله ان حج بحال او لم
عند البنية لا يبيك عدي ولا شمر بك **باب** عقد الا احرأه وشطره وقفده وهو
لهذا وصحة بن جابر عن ابي عبد الله عليه السلام قال لا يكون احرأه الا في بركة كبريت
او نافذة او كانت كمنه احرأه في دبره بعد التسليم وان كانت نافذة حلت كبريت

جی

178

[illegible]

أجزاء البعير أو خاص بالناق الجوزة ق
الكنة أو الفة العظم السنام ص ق
بالمص

بنا فرموده است که هر چه لازم است را بکند بقصر می کند
بعد از آنکه از آن رفت

فرق بین لغت و معنی
الکتاب و الفرق و هو الفرق
ایضا فرق کن

قلوب

تمت قید عامه کتبه اتوبه از حرمین اردش

عن المرأة تغرب حبها الفلانة في محرم فقال نعم اذا كان يشهد وقد تفسد في محرم
كثير يوم. وروى محمد بن الحسن بن شاذان عن علي بن الحسن بن فضال عن ابي اسحق
الهمداني عن ابي من مطر او شمس وقال من عد في رمضان عتبه نجاسة وفيه
اذا اراد ذلك طهرا وقد ساءه وفي رواية اخرى قال ابو عبد الله عليه السلام لا بأس
على النساء والهيئات وهم لم يحرموا ولا ترس الحرف من الماء ولا الصائم وروى منصور
بن حازم قال رايت ابا عبد الله عليه السلام وقد توضأ وهو محرم ثم انشدني بيتا في
روى منصور بن عمار عن ابي عبد الله قال بكرو للجم ان يجوز ثوبه فوق الله ولا بأس
ان يدعوا ثوبه خربس الله ذلك ان خص من الخمر ووشم من الكحل وروى
عن ابي عبد الله انه قال بكرو للجم ان يجوز ثوبه الله من غسل وقال الشيخ الحسن
له. وروى عن عبد الله بن سنان قال سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول في وثني
حاشا لثمنه وهو محرم وهو ثاقي به وقال زرارة استر بطرف ثوبي قال لا بأس به
ما لم يصب راسك. وروى عبد الله بن عمار عن ابي عبد الله عليه السلام ان رجلا سأل
فقال لا لالهة. وروى محمد بن ابراهيم بن عيسى عن ابي عبد الله عليه السلام ان رجلا سأل
في رواية اخرى في الفناء يعني عيشة. وروى عن ابي عبد الله عليه السلام عن ابي عبد الله
راحمه فقال لا بأس بك. وروى زرارة ابا عبد الله عليه السلام عن ابي عبد الله عليه السلام
الذي ابى علي وجهين يريد انوم فينم في انوم لا يقضي وجهه اذا اراد ان ينام فانه
دور زرارة عن ابي عبد الله عليه السلام ان محمدا ثوبها لا بأس به. وروى الحسن بن محبوب
عن علي بن رباب عن ابي بصير قال كنت ابا عبد الله عليه السلام عن رجل فقام فقرأ الفاتحة
وهو محرم فارتد عليه من ثمن طعام حتى يبلغ من ثمنه ثمان عشرة فان قام اصبح يدعى بكما عتبه
قلت فان لم تأخذ فريدي ورجلي معا قال اذا كان من ثمنه ثمان وعشرين فاصبح يدعى بكما عتبه
كان فعد شرف في مجلس عتبه فان. وفي رواية زرارة عن ابي عبد الله عليه السلام ان رجلا

خواهت برزت الشمس ق

من غلده

شبهه

111

ذَكَرْتُ سَيِّئًا وَسَابِيَةً أَوْ بَاطِلًا فَنُشِيَ عَنِّيهِ . وَسَالِ مَعُوذِينَ عَنِ عَمْرٍاءَ عَبْدِ اللَّهِ
عَنِ الْحَرَمِ تَقُولُ غَضَارُهُ أَوْ تَكُنْ بَعْضُهَا فَيُؤَدِّكَ ذَلِكُ قَالَ لَا يَلِيقُ مِثْلُ شَيْءٍ أَنْ
اسْتَخْلَعَ فَرَكْنَتْ لَوْ ذِيهِ فَيُلْقِيهَا وَلَيَطْعَمُ مَكَانَ كُلِّ مَرْفُضَةٍ مَرْطَعًا . وَسَالِ
اسْتَحْيَ بْنَ عَمْرٍاءَ بِرَجْسٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَجُلٍ نَسِيَ أَنْ يَقْرَأَ خُذْهُ عَدْلًا عَامِ حَتَّى إِذَا
قَالَ بِعَمَلٍ قَلَّتْ رَجُلًا مِنْ صَحْبِهِ أَعْلَاهُ أَنْ يَقْرَأَ خُذْهُ فَيُؤَدِّكَ ذَلِكُ قَالَ لَا يَلِيقُ مِثْلُ شَيْءٍ أَنْ
دَمَ . وَرَوَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِذَا نَفَسَ الرَّجُلُ بِلُحْيَتِهِ بَعْدَ إِذَا دَامَ فَخِذُهُ
وَفِي خَيْرٍ أَوْ مِنْ حَقِّ رَأْسِهِ أَوْ تَفَتَّ بِلُحْيَتِهِ أَوْ سَابِيَةً أَوْ بَاطِلًا فَنُشِيَ عَنِّيهِ . وَفِي
لَا يَسْلَمُ أَنْ يَدْخُلَ الْحَرَمَ حَتَّى تَمُوتَ وَكُنْ لَيْتَهُ ذَلِكُ . وَفِي سَالِ لَا يَقْدِرُ أَحَدٌ مِنْ شَوْكَلَا
وَمِثْلَيْهِ تَمُوتُ عَلَى كَبِّ بْنِ عَمْرٍاءَ رَوَى عَنْهُ وَهُوَ حَرَمٌ وَهُوَ أَكْبَرُ رَأْسٍ وَحَاجِبِيهِ عَيْنُهُ
فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ تَمُوتُ مَا كُنْتَ أَرَى أَنْ الْأَمْرَ يَنْجُو مَارِي فَارَهُ فَكُنْ عَيْنُكَ حَقًّا
رَأْسُهُ لِيُؤَدِّكَ غُزُوفُ فَرَكْنَتْ مِنْكُمْ رَضَا أَوْ بَعْدَ أَوْ قِيَامُ مِنْ رَأْسِهِ فَخِذُهُ مِنْ
أَوْ صَدَقَ وَكَانَ قَالَهُمَا مِثْلُ يَامُ وَالصَّدَقَةُ عَلَى سِتَّةٍ مَا كُنْ لِكُلِّ مَسْكِينٍ صَاعٌ مِنْ
وَرَوَى عَنْهُ وَكَانَ شَيْءٌ لَا يَطْعَمُ مِنْهَا أَهْلُ الْإِسْلَامِ . وَقَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ
لَا يَلِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ رَأْسَهُ وَجَدَتْ عَلَى فَرَادَا أَوْ لَدَى طَرِيقٍ عَنِّي وَأَنَا حَرَمٌ فَانْفَعْتُ
بَعْضَ أَلِهَاتِهِ رَضَا فِي خَيْرٍ فَخَرَّ قَائِلُهُ . وَقَالَ لِمَعُوذِينَ عَنِ عَمْرٍاءَ حَرَمٌ حَرَمٌ رَأْسُهُ فَخِذُهُ
الْإِسْلَامُ قَالَ لَا تُشْرِعُهُ وَلَا يَلِيقُ لَقَالَ كَيْفَ يَكُنْ حَرَمٌ قَالَ بَاطِلًا وَهُوَ لَمْ يَدْرِكْ وَلَا يَصْلُحُ
وَسَالِ عَنْ الْحَرَمِ بَعْثَ بَحْثَةٍ فَخِذْتُ مِنْهَا الشُّوَّةَ وَالْإِسْلَامُ قَالَ يَطْعَمُ شَيْءًا . وَفِي
آخِرَةٍ مِنْ عَدَمٍ أَوْ كَثِيرِينَ . وَالْأَوَّلُ أَنَّهُ لَا يَكُنْ الْحَرَمُ رَأْسُ الْأَنْكَارِ رَضَا بِطَرَفِ
الْإِسْلَامِ . وَفِي رَوَايَةٍ مِنْ سَلَمٍ قَالَ قَالَ لِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا بَضَعَ أَحَدُكُمْ
بِهِ عَلَى رَأْسِهِ وَعَلَى لِحْيَتِهِ وَهُوَ حَرَمٌ فَخِذْتُ مِنْ شَيْءٍ الشُّوَّةَ فَخِذْتُ قَلْبِي مِنْ كَيْفٍ
سَوِيْقٍ . وَرَوَى بَابُ عَنِ الْأَبِي رَوَى قَالَ سَالِ رَجُلًا بِعَمْرٍاءَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَجُلٍ قَوْلُهُ

النسب بالضم، يقينين، كتحفة الزجرج

مکتبہ اسلامیہ دارالعلوم دیوبند

هنگامی که خواب در پرتو کائنات با هم می آمیزد
و قرصی که در فضا صید می

الْعَلَمُ خَيْرٌ مِنْهُمَا كَمَا كَرِهَ مَعْرَبٌ قُلُ

تعبده الله لم يجد فيه شر من صبيغ غدا الا حرام ثم
يشعث ويغفل وانما عليه من يطول كفته فالا حرام
فقد

مکتبہ

الغرائب الابقع انه فرجيسوا وبيعوا في القلاع والبلد والقرى والادب

[illegible]

11

اذا لقيتموهم القوا عن بغيره فلا بأس
ولا يلقى المحرم وفي رواية حرره عن أبي
عبد الله قال

الاسود الحبيب العظيمة في جيبها وادق

طه

كتاب فاد كفاية دوم

17

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

الطواف بكسرة وتفتح ثبات ق

التي هي موضع على ثلث ايمان واربعة من
اقرب اطراف مكة لا يثبت تشرع لان ثباته
جبل نعيم وليس له سارية من حوله ولا
نحوه ق

او

بجيش بعد الطواف واسره

فيه ولا تولى ان ليس بها اطلاق من نصف
جانبه ق

قال سألته عن نحوه اذا طهرت غسل راسها بغير طهر قال يجزئها الى **دور** وجبيل عنه
انه قال في النجاسة اذا طهرت كذا يوم المروية انما تنضم كذا المرافات فنجسها حتى تخرج
حتى تخرج النجاسة فخرجت فخرجت **دور** وجبيل عنه عن سفيان عن حماد بن عمار قال سألته
عن المرأة تخرج من تحت فقلت قبل ان تطوف بالبيت حتى تخرج الى غرفة قال فقلت فخرجت
مفردة وحدها **دور** وجبيل عنه **دور** وجبيل عنه عن عبد الرحمن بن عوف قال سألته
ابن مسعود عن رجل كان مع امرأة فحدثت كذا وهو لا يملك فخرجت فخرجت **دور**
وطهرت وطافت بالبيت ولم يمسس بين الصفا والمروة حتى شحبت الى غرفة قال فقلت
الطواف او تعيد بين الصفا والمروة قال نعم بذلك الطواف الاول حتى عليه **دور** وجبيل عنه
ابن عمر عن زرارة قال سألته عن امرأة طافت بالبيت فاشتت قبل ان يمسس المروة
ليس عليها اذا طهرت الا ان كان الطواف **دور** وجبيل عنه عن فضيل بن يسار
ابن جعفر عليه السلام قال اذا طافت المرأة طواف البيت فطافت كذا من نصف في طفت
ان شئت **دور** وجبيل عنه عن حماد بن عمار قال سألته ابنا مسعود عن رجل
لم يخص فوجت مع زوجته وهما في بيت فاستحسان فخرجت منها وهما حتى طفت كذا
وتنحى عن كل حال واقفا زوجها ورجعت الى الكوفة فقلت لا يملك فقلت كذا
فقال عليها سوق يديه وانما من قال ليس بها شيء **دور** وجبيل عنه عن ابوب
قال سألته ابنا مسعود عن رجل كان في امه من قال ليس بها شيء **دور** وجبيل عنه
ورد ان الشجر المثلث بين الصفا والمروة **دور** وجبيل عنه عن ابوب
واذا اقبلت طوافك وجبت فخرجت وصارت متعة ثم اقبلت يوم المروية **دور** وجبيل عنه
وجه وان اقبلت كذا على جهنم ولم يردن جهنم **دور** وجبيل عنه عن رجل سألته
عبد الله عليه السلام عن امرأة طافت ثلث الطواف او اقل من ذلك ثم رأت ما طافت
تخطى مكانها فاذا طهرت طافت مرة واحدة **دور** وجبيل عنه عن رجل سألته

س

الذي

في النجاسة اذا طهرت كذا يوم المروية انما تنضم كذا المرافات فنجسها حتى تخرج
حتى تخرج النجاسة فخرجت فخرجت **دور** وجبيل عنه عن سفيان عن حماد بن عمار قال سألته
عن المرأة تخرج من تحت فقلت قبل ان تطوف بالبيت حتى تخرج الى غرفة قال فقلت فخرجت
مفردة وحدها **دور** وجبيل عنه **دور** وجبيل عنه عن عبد الرحمن بن عوف قال سألته
ابن مسعود عن رجل كان مع امرأة فحدثت كذا وهو لا يملك فخرجت فخرجت **دور**
وطهرت وطافت بالبيت ولم يمسس بين الصفا والمروة حتى شحبت الى غرفة قال فقلت
الطواف او تعيد بين الصفا والمروة قال نعم بذلك الطواف الاول حتى عليه **دور** وجبيل عنه
ابن عمر عن زرارة قال سألته عن امرأة طافت بالبيت فاشتت قبل ان يمسس المروة
ليس عليها اذا طهرت الا ان كان الطواف **دور** وجبيل عنه عن فضيل بن يسار
ابن جعفر عليه السلام قال اذا طافت المرأة طواف البيت فطافت كذا من نصف في طفت
ان شئت **دور** وجبيل عنه عن حماد بن عمار قال سألته ابنا مسعود عن رجل
لم يخص فوجت مع زوجته وهما في بيت فاستحسان فخرجت منها وهما حتى طفت كذا
وتنحى عن كل حال واقفا زوجها ورجعت الى الكوفة فقلت لا يملك فقلت كذا
فقال عليها سوق يديه وانما من قال ليس بها شيء **دور** وجبيل عنه عن ابوب
قال سألته ابنا مسعود عن رجل كان في امه من قال ليس بها شيء **دور** وجبيل عنه
ورد ان الشجر المثلث بين الصفا والمروة **دور** وجبيل عنه عن ابوب
واذا اقبلت طوافك وجبت فخرجت وصارت متعة ثم اقبلت يوم المروية **دور** وجبيل عنه
وجه وان اقبلت كذا على جهنم ولم يردن جهنم **دور** وجبيل عنه عن رجل سألته
عبد الله عليه السلام عن امرأة طافت ثلث الطواف او اقل من ذلك ثم رأت ما طافت
تخطى مكانها فاذا طهرت طافت مرة واحدة **دور** وجبيل عنه عن رجل سألته

المروية

التي هي موضع على ثلث ايمان واربعة من
اقرب اطراف مكة لا يثبت تشرع لان ثباته
جبل نعيم وليس له سارية من حوله ولا
نحوه ق

مسألة قال مصنف هذا الحديث بهذا الحديث انني دون الحديث رواه ابن مسعود
عن ابن مسعود عن سفيان عن حماد بن عمار قال سألته ابنا مسعود عن رجل
لم يخص فوجت مع زوجته وهما في بيت فاستحسان فخرجت منها وهما حتى طفت كذا
وتنحى عن كل حال واقفا زوجها ورجعت الى الكوفة فقلت لا يملك فقلت كذا
فقال عليها سوق يديه وانما من قال ليس بها شيء **دور** وجبيل عنه عن ابوب
قال سألته ابنا مسعود عن رجل كان في امه من قال ليس بها شيء **دور** وجبيل عنه
ورد ان الشجر المثلث بين الصفا والمروة **دور** وجبيل عنه عن ابوب
واذا اقبلت طوافك وجبت فخرجت وصارت متعة ثم اقبلت يوم المروية **دور** وجبيل عنه
وجه وان اقبلت كذا على جهنم ولم يردن جهنم **دور** وجبيل عنه عن رجل سألته
عبد الله عليه السلام عن امرأة طافت ثلث الطواف او اقل من ذلك ثم رأت ما طافت
تخطى مكانها فاذا طهرت طافت مرة واحدة **دور** وجبيل عنه عن رجل سألته

۲۰۲

قال س ابن عمر عن رجل من بني زيد البليث حتى اصبغ فقال لا بأس ان يترابا اوتى حتى يبرك
ايام الشمس يرق ولكن لا تقرب اليك او الطيب . وروى ث م بن س لم يقرب
عن نسي زيادة البليث حتى يرجع الى اهلها لا نصرة . واذ كان قد قضى مناسكه . وروى
بن س عن ابن عبد الله عليه السلام قال لا بأس ان اوتى زيادة البليث الى ان يندب
ايام الشمس يرق الا انك لا تقرب اليك او الطيب . **باب** حكم من سى طواف
التيارة وروى عنه بن عمر عن ابن عبد الله عليه السلام قال قلت لرجل من طواف التيارة
يرجع الى اهلها فري ما من بقضي عنه ان لم يكن في ذلك حتى يات اليك حتى يطوف البيت . وروى
ابن عمر عن ابى ايوب ابراهيم بن عثمان نحو انك كنت غدا لا عبد الله عليه السلام
عليه رجل فقال اهلتي لشدان مع امرأة حائضا ولم تطف طواف التيارة ويا بهما ان
يقوم عليا قال فاطرق وهو يقول لا تطيع ان تخلف عن اهلتي ولا يصير عليا جانا
ثم رفع راسه فقال نسي قد تم جهنم . وروى ابن محبوب عن علي بن رباب عن حماد
بن اعين عن ابى جعفر عليه السلام في رجل كان عليه طواف التيارة وصدده فطاف من خلفه
اشواط البليث ثم غزا بعتة فان اف اميد وخرج الى منزل فشق ثم غشي فارتد قال
ثم يرجع فطوف بالبليث ثم ما بقي عليه من طوافه ويستغفر تربة ولا يعود . وروى ابن
محبوب عن علي بن ابي حمزة عن ابى بصير عن ابى عبد الله عليه السلام في رجل سى طواف التيارة
فأتى اذا راد على النصف وخرج فاستسأى امرئ يطوف عندو ان يقرب اليك
اذا راد على النصف . وروى عن ترك طواف التيارة انه ان كان طاف طواف التيارة
فموطاف التيارة . **باب** الفتى رضى الى الشامي وروى الحسن بن سعيد
اسماعيل بن همام عن ابي عبد الله الحسن الرضا عليه السلام قال لا بد عبد الله
الذر الشامي على اذن من الهجرة زاد البليث رابكة . وروى ابن من نذر ان يمشي الى بيت
حائضا شامي فاذا قرب ركب . وروى ابن شامي عن خلف مقام . **باب** حكم من قطع

عبد الطواف بصلوة وبقراءة **روى** يوسف بن يعقوب قال قلت لابي عبد الله عليه السلام
 رابث في ثوب شيا من دم وانه لطوف قال فاعرف موضع ثم اخرج فاحده ثم قد فاب
 على طوافك **روى** عن ابن الغيرة عن عبد الله بن سنان قال سألت ابا عبد الله عليه السلام
 رجل كان في طواف الف اذ غلبت الصفوف قال صلى معهم فغلبوا فادفع يميني من حيث
 وفي ثوب اذ رابث الى غير من بعض اصحابك عن ابي عبد الله عليه السلام انه قال في الرجل يطوف
 فغلبت الصفوف قال لا بأس ان يذهب في حاجته او حاجته فغلبه ويطوف الطواف اذا
 اراد ان يستريح في طوافه ويتقدمه فليس به فاذ ارجع من طوافه وادرك في طوافه من
 النصف **روى** عن عبد الرحمن بن الحجاج قال سألت ابا عبد الله عليه السلام عن الرجل يكون في
 الطواف فغلبه بعضه وبقى عليه بعضه فخرج من الطواف الى مكان الى بعض مسجد اذا
 لم يوتر فوتر فخرج فغلبه طوافه فذكر ذلك لابي عبد الله عليه السلام فترددت عليه بعض الناس
 فقال ابدأ بالوتر واقطع الطواف اذا خلت ثم ايت الطواف **روى** عن ابن الغيرة عن
 حفص بن عمر عن ابي عبد الله عليه السلام انه قال في الرجل يطوف فغلبه بعضه فغلبه بعضه
 طوافه **روى** عن عثمان بن عيسى عن ابي عبد الله عليه السلام انه قال في طواف فغلبه بعضه
 شوطا واحدا فادرك في طوافه فغلبه بعضه فغلبه بعضه فغلبه بعضه فغلبه بعضه
 فذكرت ذلك لابي عبد الله عليه السلام فغلبه بعضه فغلبه بعضه فغلبه بعضه فغلبه بعضه
 ثم قال انك ليس عليك شيء **روى** عن عثمان بن عيسى عن ابي عبد الله عليه السلام انه قال
 في رجل طاف فغلبه بعضه فغلبه بعضه فغلبه بعضه فغلبه بعضه فغلبه بعضه فغلبه بعضه
 في رجل طاف فغلبه بعضه فغلبه بعضه فغلبه بعضه فغلبه بعضه فغلبه بعضه فغلبه بعضه
 عن ابي ايوب قال قلت لابي عبد الله عليه السلام رجل طاف فغلبه بعضه فغلبه بعضه فغلبه بعضه
 فغلبه بعضه فغلبه بعضه فغلبه بعضه فغلبه بعضه فغلبه بعضه فغلبه بعضه فغلبه بعضه

فانظر

الحمد لله

قال حفص بن اليمان سئلت ابا عبد الله عليه السلام عن رجل طاف فغلبه بعضه فغلبه بعضه
 الشافي والركعتين الا ولتين الطواف فغلبه بعضه فغلبه بعضه فغلبه بعضه فغلبه بعضه
 قطع **روى** عن ابي عبد الله عليه السلام عن ابي عبد الله عليه السلام انه قال في رجل طاف
 وانه طاف فغلبه بعضه فغلبه بعضه فغلبه بعضه فغلبه بعضه فغلبه بعضه فغلبه بعضه
 ابي عبد الله عليه السلام انه قال في رجل طاف فغلبه بعضه فغلبه بعضه فغلبه بعضه فغلبه بعضه
 فغلبه بعضه فغلبه بعضه فغلبه بعضه فغلبه بعضه فغلبه بعضه فغلبه بعضه فغلبه بعضه
روى عن الحسن بن محبوب عن ابي عبد الله عليه السلام انه قال في رجل طاف فغلبه بعضه
 سئلت ابا عبد الله عليه السلام عن رجل طاف فغلبه بعضه فغلبه بعضه فغلبه بعضه فغلبه بعضه
 انه اكبر وعنده احداهن الطواف شوطا قال سئلت ابا عبد الله عليه السلام عن رجل طاف
 في رجل طاف فغلبه بعضه فغلبه بعضه فغلبه بعضه فغلبه بعضه فغلبه بعضه فغلبه بعضه
 على يمينه **روى** عن رجل يدري طوافه او رابث قال طواف فغلبه بعضه فغلبه بعضه
 فغلبه بعضه فغلبه بعضه فغلبه بعضه فغلبه بعضه فغلبه بعضه فغلبه بعضه فغلبه بعضه
 الطواف فان طفت بالبيت طواف الفرض فغلبه بعضه فغلبه بعضه فغلبه بعضه فغلبه بعضه
 فان خرجت فغلبت ذلك فغلبه بعضه فغلبه بعضه فغلبه بعضه فغلبه بعضه فغلبه بعضه
روى عن الحسن بن محبوب عن ابي عبد الله عليه السلام انه قال في رجل طاف فغلبه بعضه
 شوطا واحدا في كل طواف فغلبه بعضه فغلبه بعضه فغلبه بعضه فغلبه بعضه فغلبه بعضه
 من اخضر في كل طواف فغلبه بعضه فغلبه بعضه فغلبه بعضه فغلبه بعضه فغلبه بعضه
 بن سفيان قال كنت الى ابي الحسن الرضا عليه السلام امره ان طاف طواف الحج فغلبه بعضه
 الشوطا مع اخضر فغلبه بعضه فغلبه بعضه فغلبه بعضه فغلبه بعضه فغلبه بعضه فغلبه بعضه
 الشافي ثم انت منى فغلبه بعضه فغلبه بعضه فغلبه بعضه فغلبه بعضه فغلبه بعضه فغلبه بعضه
 عن محمد بن عبد الله قال سألت ابا عبد الله عليه السلام عن رجل طاف فغلبه بعضه فغلبه بعضه فغلبه بعضه

الحمد لله
 عن ابي عبد الله عليه السلام
 عن ابي عبد الله عليه السلام
 عن ابي عبد الله عليه السلام

فانظر

فانظر

۱۰۰

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

ایرجه انکرتاد بیدار است اود و هر چه فکرت
قد اوتش وخت فکرت اید و اوقات اید
بالصب فانهم و بالکوت و قوت و الصوبه
بسر القیدی و الاضطرار صرف و صفت
جمله تمامه ابرخه دانه م

نبرد با قتل و غارت و دزدی و سرقت و قتل و غارت و دزدی و سرقت

طواف الغريفة ونسئ الركنين حتى طواف بين الصفا والمروة ثم ذكر ذلك فارتفع يركب ذلك
الركن ثم يعود فخطى الركنين ثم يعود إلى مكانه وقد روي عن ابن عمر طواف ثم خرج خلف
الحمام وروى ذلك عن ابن عمر عن أبي عبد الله عليه السلام بناتى بغيره من اجزاء فالتفت
له رجل نسئ الركنين خلف مقام ابراهيم عليه السلام فلم يذكر حتى ارتحل من مكة فليست
حيث ذكره وان ذكرها هو باطل ولا يخرج حتى يغيبها وفي رواية عن ابن عمر بن زيد عن ابي
ان كان قد مضى فخرج فليست او يا بعض ان نسئ فليست عنه وروى عن
سعيد بن احمد بن عوف قال سألت ابا الحسن عليه السلام عن رجل نسئ الركنين طواف الغريفة ثم
طاف بابيت حتى يأتي منى قال يرجع إلى مقام ابراهيم قال فليست و قد رويت رخصة
في ان يلبسها بمنى رواها ابن مسكان عن عمار بن اعين ابي عبد الله وفي رواية لم يلبس
عن احمد بن محمد بن الحسن ان ابا جابر في ترك الركنين عند مقام ابراهيم عليه السلام لم يزل يذكر
باب نواف الطواف وروى عن ابن جعفر عن حميد بن محمد بن عيسى عن ابي بصير قال سألت ابا جعفر
عن الرجل يطوف البيت ثم يطوف بابيت فلو طاف قبل ان يقصر قال لا يجزئ وروى عن
عن يحيى بن ميثم بن عمار قال سألت ابا عبد الله عليه السلام عن رجل كانت معه حجة فاستطاع
القيام على رجلها فلبسها ثوبا حتى طاف بها طواف الغريفة بابيت والصفا والمروة وذكر
ذلك الطواف عن خلف طواف بها فقال ايها الله اذهبها وروى ابن مسكان عن ابي عبد
في الرجل يتكلم على حدة ومعه حجة في الطواف بخبر عنه وعن الصبي قال نعم ان ترأى ثم انك
بالام اذا صليت خلف فوشد وس لا تسجد الا بعز عن الطواف يكفي الرجل بعد حجة
فانفسم وروى عن ابن عمر بن زيد بن خليفة قال رأيت الطوف حول الكعبة على رجل فقلت
ذلك لا يطوف حول الكعبة وحكيك بطلان فبما حاول الكعبة فانا من رضى اليهود
روى موية بن عمار عن ابي عبد الله عليه السلام قال تسبى ان تطوف ثمانية وستين
اسبوعا عدا يوم التستة فان لم تسقط فثمة وستين شفا فان لم تسقط فثمة

23

مسلم

[illegible]

واذا استحيى تكون قد بدى الصفا وختم بالروضة ومن بدأ بالروضة قبل الصفا فليدركه
 ومن ترك شيئا من الركعتين في صلاة فليست له صلاة واحدة من الركعتين
 الا بركعتين عليه السلام في رجل سعى بين الصفا والروضة ثم أتته امرأة فقال ان كان خطرك
 واحدا واحدا بسبب في رواية محمد بن مسلم عن ابي عبد الله عليه السلام قال ليس في الصلاة
باب السعي راكبا او مشيا بين الصفا والروضة وروى عن ابن عباس عن ابي عبد الله
 قال قلت لابي عبد الله بن الصفا والروضة صلى الله عليه وسلم اوصني بعد قال لا بأس بك في
 سالت عن الرجل يفعل ذلك قال لا بأس في ذلك قال قلت لابي عبد الله بن الصفا
 ابا عبد الله عليه السلام عن النبي صلى الله عليه وسلم بين الصفا والروضة ان
 يقع تحت الصفا والروضة حيث بين البيت فله نعم وروى عن ابن عباس
 عبد الله عليه السلام قال ليس على الرجل ركعتين في كل ركعة شيئا وروى عن عبد الله
 بن ابي عبد الله قال لا تجلس بين الصفا والروضة الا من جهده **باب** حكم من قطع صلاته
 لعلوه او غيره وروى عن ابن عباس قال قلت لابي عبد الله عليه السلام الرجل يدخل في الصلاة
 بين الصفا والروضة فيفضل وقت الصلوة فيتحلف وليست ثم يعود او يبيت كما هو على حاله
 يخرج فقال لا بأس عليه السلام لا بأس في ذلك ثم يعود فيصلي الصفا والروضة قال نعم
 وروى عن ابن النعمان وصفيان عن محمد بن ابراهيم قال سالت ابا الحسن عليه السلام عن الرجل
 يسعي بين الصفا والروضة فيقف في ثلث اشواط او اربعة فيباعد الصفا والروضة فيباعد
 او الى الطاهر قال ان ابا عبد الله عليه السلام قال قلت لابي عبد الله عليه السلام اني كنت
 حقا صاحبه وروى عن ابن عباس قال قال النبي صلى الله عليه وسلم من سعى بين الصفا والروضة
 ثم طلع الفجر فبطلت صلاته ثم غدا فبطلت صلاته **باب** استسقاء السبل الى الحج وروى عن
 ابي بريح الشامي قال سئل ابي عبد الله عليه السلام قال سألته عن رجل سعى بين الصفا والروضة
 البيت من استسقاء السبل فقال لا بأس في ذلك قال قلت لابي عبد الله عليه السلام

الركن الثاني

تخفيف السعي تركه لا وجبة الا في الروضة في الصفا والروضة

قال عليه السلام قد سئل ابي عبد الله عليه السلام عن رجل سعى بين الصفا والروضة
 كان له ركعة واحدة فبطلت صلاته قال لا بأس في ذلك قال قلت لابي عبد الله عليه السلام
 لقد سئلوا اذا قيل لا بأس في ذلك قال لا بأس في ذلك قال قلت لابي عبد الله عليه السلام
 عبد الله عليه السلام قد سئل عن رجل سعى بين الصفا والروضة ثم أتته امرأة فقال ان كان خطرك
 واحد واحد بسبب في رواية محمد بن مسلم عن ابي عبد الله عليه السلام قال ليس في الصلاة
 من سعى بين الصفا والروضة حيث بين البيت فله نعم وروى عن ابن عباس
 عبد الله عليه السلام قال ليس على الرجل ركعتين في كل ركعة شيئا وروى عن عبد الله
 بن ابي عبد الله قال لا تجلس بين الصفا والروضة الا من جهده **باب** حكم من قطع صلاته
 لعلوه او غيره وروى عن ابن عباس قال قلت لابي عبد الله عليه السلام الرجل يدخل في الصلاة
 بين الصفا والروضة فيفضل وقت الصلوة فيتحلف وليست ثم يعود او يبيت كما هو على حاله
 يخرج فقال لا بأس عليه السلام لا بأس في ذلك ثم يعود فيصلي الصفا والروضة قال نعم
 وروى عن ابن النعمان وصفيان عن محمد بن ابراهيم قال سالت ابا الحسن عليه السلام عن الرجل
 يسعي بين الصفا والروضة فيقف في ثلث اشواط او اربعة فيباعد الصفا والروضة فيباعد
 او الى الطاهر قال ان ابا عبد الله عليه السلام قال قلت لابي عبد الله عليه السلام اني كنت
 حقا صاحبه وروى عن ابن عباس قال قال النبي صلى الله عليه وسلم من سعى بين الصفا والروضة
 ثم طلع الفجر فبطلت صلاته ثم غدا فبطلت صلاته **باب** استسقاء السبل الى الحج وروى عن
 ابي بريح الشامي قال سئل ابي عبد الله عليه السلام قال سألته عن رجل سعى بين الصفا والروضة
 البيت من استسقاء السبل فقال لا بأس في ذلك قال قلت لابي عبد الله عليه السلام

انفذه اخره

جرت فله انما هيات جهاد من
 من
 اقر رجل اقره

الدم الطيب و
مستحب
مدم فموض محمود
مفضل حرم الجواب
آخر

ابناک و

۴۹۲

۱۰

الملوك والمملوكه. وروى عن علي بن عبد الله عليه السلام قال قلت لابي عبد الله عليه السلام في
احرامه فقلت يا ابا عبد الله اذن لي في الاحرام. وروى الحسن بن محبوب عن الفضل بن
يونس قال سألت ابا الحسن عليه السلام قلت عن رجل اراد ان يكثر من الحج فقلت
يجب يوم التروية فخرج من قبله فاستسجد في مكة قال فقال ان خرجت
من قبله فاستسجد في مكة فاستسجد في مكة فاستسجد في مكة فاستسجد في مكة
سبح بن عبد الملك عن ابي عبد الله عليه السلام قال لو ان العبد حج عشر حج كانت
تجوز له اسلامه اذا استطاع الى ذلك سبيلا. وفي رواية اخرى عن عبد الله بن
علي بن عبد الله عليه السلام قال ان ملكك لو حج وهو مملوك لجزاه اذ كان قبل ان يتبع فان
افترق فليدفع. وروى الحسن بن علي قال سألت ابا عبد الله عليه السلام عن ام الولد
تكون للرجل قد اجمعا يجوز ذلك عندها من حج الاسلام قال لا قلت يا ابا عبد الله
قال نعم. **باب** ما يخرج من المشرك من حج الاسلام. وروى الحسن بن
محبوب عن شهاب عن ابي عبد الله عليه السلام في رجل افترق عنه عتقه عتقه قال فليترك
عن العتق حج الاسلام ويكتب للسيد اجر من ثواب العتق وثواب الحج. وروى
عن معوية بن عمار قال قلت لابي عبد الله عليه السلام ملك افترق يوم عرفة قال اذا درك
الموقفين قد دركك **باب** حج الصبيان. وروى عن زرارة عن ابي عبد الله عليه السلام
قال اذا حج الرجل به وهو صغير فانه يرد ان يتي بغير حج فان لم يكن ان يتي
عنه وليا فقتل بس لعمري يكون عنه قال فخرج عن الصغار ويصوم الكبار ويحلق
عليه ما بقي من الحج من الثياب والطيب وان قل صيدا فليأكله. وروى عن ابي
قال سئل ابو عبد الله عن ابن يجر والبيان فقال ان ابني علي لم يجر به من حج
وروى عن يونس بن يعقوب عن ابي عبد الله عليه السلام قال قلت لابي عبد الله عليه السلام ان
صغارنا وانما اخاف عليهم ان يجر من حج فقلت يا ابا عبد الله عليه السلام ان يجر من حج فقلت

ر
فخرج

ر
عبد

اجران به

بما عده الزاوي
ويعتق

الصبر فقام وبعثه مسيا
في موضع قريب مكة

نسخه
في
الكتاب

اذ انشئت الحج وقعت في زمرة ثم قال قلت لابي عبد الله عليه السلام فبم يجب الحج. وروى
بن عمار عن ابي عبد الله عليه السلام قال انظر واسكن من العبدان قدوة الى الحج
الى البطن ثم يضيح بهم ما يصح بالحج ثم يضاف بهم ويبرئ عنهم ومن لم يجد البدر منهم
فليصبر عنه وليه. وكان علي بن الحسين عليه السلام يضع السكين في يده الصبي ثم يضيح به
الرجل فليخرج. وسالنا عن رجل اراد ان يتبعوا قال عبد الله بن يعقوب فقلت يا
اعظم اعم دراهم فليصبر حتى يرضى منهم امك الدراهم وصام فاك قد اخرجي عنهم
بجوار ان مثا انما قالوا لو انه اخرجهم فاما قال قد اخرجي عنهم. وروى عن
الحسن بن عمار قال سألت ابا الحسن عليه السلام عن رجل من عشرين حج قال فليدفع
اذا احل له وكذلك يجازيه عليه الحج اذا طهر. وروى عن ابن عمار عن محمد بن
سألت ابا جعفر ان يبيح الحج عن الصبي حتى يكبر قال لا الهة. وروى عن ابن عمار
قال سألت ابا عبد الله عليه السلام يقول الصبي اذا حج به فقد حج حج الاسلام حتى
والعبد اذا حج به فقد حج حج الاسلام حتى يعق. **باب** الرجل يستدين
بالحج ويوجب الحج عن من عليه الدين. وروى عن يعقوب بن شبيب قال سألت ابا عبد
عن رجل حج به من وفد حج الاسلام قال نعم ان الله عز وجل يستضي عنك الله
وروى عبد الملك بن عبد الله قال سألت ابا الحسن عليه السلام عن رجل دين بدين
بالحج قال ان كان له دين في الحج فليأكل. وروى عن ابن عمار عن محمد بن
الرجل ويح اذا كان خلف له ما يؤتي به عتقه اذا حدث به حدث قال نعم. وروى عن
همام قال قلت لرضا عليه السلام الرجل يكون عليه الدين ويخبره اني بعتي به او حج
يفضي بعض حج ببعض فقلت فاذ لا يكون الا بعد ان يضيح به او حج
اعطى المال من ثمنه السلطان قال لا بأس عليك. وسال رجل ابا عبد الله
قال لي رجل ان يدين فدين وارجح قال نعم هو افضى لدين. وروى عن محمد بن

نسخه
في
الكتاب

نسخه
في
الكتاب

نسخه
في
الكتاب

نسخه
في
الكتاب

انظر الى الكثرة و غلظتها الارض و ارتفاع
ق

او شجره حیدر نام داشت و در آن کتی غروره

نموده از آنکه منسوب به خدای تعالی و از
قدوسه قال الله عز وجل لا اله الا هو
القدوس و هو الحق و هو الباقی

تیسرے

حق شعراء از ادب و خلق و

روى مسعود بن عمار قال سئل ابو عبد الله عليه السلام عن الرجل يفرد الحج هل كان يلزم
بعد الحج فقال نعم اذا امكن الوسي من راسه **باب** روى مسعود بن الحسن عن
ابى بصير عن ابى عبد الله عليه السلام قال المرأة مفروضة مثل الحج اذا فادى الله فقد ادى ^{الحج}
مفروضة **باب** روى عبد الله بن سنان عن محمد بن كيون في الطهر بلى وهو حي
ان يعتمر ثم يخرج فقال ان كان اعترف في ذم العدة فحسن **باب** روى في ذم الحج فبايع اليا ^{الحج}
واعتمر رسول الله ثم غفر ثمرات كلها في ذم العدة وعمره اهل فيها من ثمانين
عمره احدى مئة وعمره الفضا احوام فيها من ثمانين وعمره اهل فيها من ثمانين وعمره اهل فيها من ثمانين
من الطائف من غرة خين **باب** اهل العدة بالسؤال واحكامها وان كان ^ي
مسعود بن عمار قال سئل ابو عبد الله عليه السلام قال ادخل مسعود بن كبريت وطاف ببيت وصلى
راعتين عند مقام ابراهيم عليه السلام وصلى بين الصفا والمروة فليكن بها هذان ^ش
وروى عنه انه قال من ساق حياء في عرفة فغير يقبل ان يكلف قال ومن ساق حياء ^و
مسعود بن كبريت عن ابى عبد الله عليه السلام قال ادخل مسعود بن كبريت وطاف ببيت وصلى
بين الصفا والمروة وهو بين الصفا والمروة **باب** روى عن ابى عبد الله عليه السلام
بن عبد الملك عن ابى عبد الله عليه السلام في الرجل يعتمر عرفة ثم يطوف ببيت طواف ^{البيت}
ثم يعتمر مرة قبل ان يسعي بين الصفا والمروة قال قد صد عرفة وعيد بدنه ويقيم كالحج
يخرج الشهد الذي اعتمر فيه ثم يخرج الى الوقت الذي وقت رسول الله فحجم منه ويعتمر ^و
قد روى عن ابى عبد الله عليه السلام عن ابى بصير عن ابى عبد الله عليه السلام في الرجل يسعي بين الصفا والمروة ثم
يجب طواف البيت ^{البيت} الى اعلى الحاج والعمرة عرفة مفردة يقطع اذا دخل اول يوم ^{مطوفان} وروى
بن يحيى عن مسلم بن الفضل قال قلت لابي عبد الله عليه السلام دخلت عرفة ففقدت واكن ^{البيت}
اقلق فان رسول الله ثم خرج على اهل عرفة ثمان مائة وعلى من حضر مرة قال من اجل
من عرفة ففقدت من شعرة ونسلي خلفه فانه يخرج ذلك فان تعد ذلك ووجهه ^{فصل}
شيء **باب** العدة في شهر رمضان ورجوعها روى مسعود بن عمار عن

11

ابن عبد الله عليه السلام سئل عن المرأة فصل عروة رجب وعمره في شهر رمضان
 فقال بل عروة في رجب الفصل وروى عنه عبد الرحمن بن عجاج عن رجل اعلم في قن في
 قال يكتب في الذي توفي في شهرها وفي رواية عبد الله بن مسعود عن ابن عباس
 قال اذا حوت عليك من رجب يوم وليلة فمرك رجب **باب** موت
 العروة من مكة وقطع غيبة بمكة وروى عن ابن عباس عن ابن عباس قال من
 يخرج من مكة بمكة رجب من بخراته وحياته وما اشبهها ومن فوج من مكة يدر
 ثم دخل بمكة قطع التبيية حتى ينظر الى الكعبة وروى عن ابن عباس عن ابن عباس
 وروى عن ابن عباس عن ابن عباس قال سالت ابا عبد الله عليه السلام
 قلت دخلت مكة فبينما اقطع التبيية فقال لي ابا عبد الله عليه السلام قلت ابا عبد الله
 المدين قال لي ابا عبد الله عليه السلام وروى عن ابن عباس عن ابن عباس قال سالت ابا عبد الله
 عن الرجل يفر عروة مفردة فقال اذا رايت دأطرا فاقطع التبيية وفي رواية عن ابن عباس
 عن ابي عبد الله عليه السلام قال يقطع صاحب العروة مفردة التبيية اذا وضعت الاصل
 في الحرم وروى عن ابن عباس عن ابن عباس قال سالت ابا عبد الله عليه السلام
 عن الاخبار التي تنقل في مكة في ذلك يعني رجب ثم سالت ابا عبد الله عليه السلام
 ما وقتت وياقظ التبيية في أي موضع من مكة هو اضيق وروى عن ابن عباس
 لا حول لا قوة الا بالله فوصل **باب** الشرح والشد والشد والشد والشد والشد والشد
 فداره عن ابي جعفر عليه السلام في قول الله عز وجل شهر معلودات قال سؤال ذو الفقار
 ذو الفقار ليس له ان يحرم من مكة في سواها وفي رواية اخرى شهر مفردة عروة
 وقال عليه السلام ما خلق الله عز وجل بعد اجب اليه من الكعبة الا اكرم عليه منها وما
 الله عز وجل الا شهر تقوم الاربع في كل يوم خلق السموات والارض خلقه منها خلق
 اليوم وشهر مفردة رجب وقال عليه السلام في قول الله عز وجل في سيجر اني ارسل

9

شیر و اصل

وقال كتب له

قد ذكر في حديثنا ان طهروا وجوهكم
فمنه انما انقضى موضع غدياب من
يتجلى له داخل في الغيب
نهان

مفتی محمد رفیع الرحمن صاحب دارالافتاء

الشهدان اشهدكم ان لا اله الا الله
 محمد بن عبد الله
 وارجو انكم ترونه في كل يوم
 اشهدكم ان لا اله الا الله
 محمد بن عبد الله

تسوية في الميزانية العامة للدولة

غزوہ جہلم

المركب موضوع بين فرقتين ومنه لا يتفرق فيها
الامتدادات الأولى فربما ليس الامتدادات الثانية
أو يخرج المسألة من ذلك من المثل الأولى من
مستوية كمنه وفيه اقرب في

میں نے

198

فیض الانان یکتو فیرون ان بیج غنن فغنن نوکھن ان ندرج غنن و روی
عسی بن ریاب غنن سبع عن ابی ابرسم علیہ السلام فی رجل قضی مع الناس بیج ثم
افاض قبل ان یفیض الناس قال کان جابن فکشی عید وان کان افاض فیض
علی الخیر فغیر مدته **باب** ماجاء فیمن فاض بیج وروى عن ابن عباس
قال من ادرك رجلا ففاضه ادرک بیج و قال یافان او سفرو او متع قدم وقد فاض
بعده و فی بیج من قال فاض رجل ادرک الامم و هو بیج قال ان فاض ان فاض
فیض باقیه ثم یدرک جاف فاضه الشمس حیثما فاض ان فاض ان فاض حتی یفیضوا
یا بیما و قد تم و روى ابن مسعود عن ابي ابرسم قال سمع ابا عبد الله السلام
یسنی ابا رجل فاض ان فاضه و قد فاضه ثم فاض ان فاضه فاضه ثم فاضه
رجل مندم و قد فاضه ثم فاضه ثم فاضه ثم فاضه ثم فاضه ثم فاضه ثم فاضه
فیض یا م غنن ثم فاضه ثم فاضه ثم فاضه ثم فاضه ثم فاضه ثم فاضه
من قابل **باب** اخذ خصی ابا من ابرسم و غیره و روى عن ابن مسعود
عبد الله علیه السلام قال یجب ان فاض خصی ابا من ابرسم ثم فاضه ثم فاضه
تخلف **باب** ماجاء فیمن خالف الرمی او زاد او نقص و روى عن ابن عباس
یسیر قال قلت لابی عبد الله علیه السلام اری فاضی فاضی فاضی فاضی فاضی
واحدة من تحت رجلیک و فی جفرا و فاضه من خصی ابا من ابرسم و روى
عمر بن ابی عبد الله علیه السلام فی رجل فاضه من خصی فاضی فاضی فاضی فاضی
و لم یدر ایا من فاضه قال فاضه فاضه فاضه فاضه فاضه فاضه فاضه فاضه
و لم یدر ایا من فاضه من تحت قدمه فاضه فاضی فاضی فاضی فاضی فاضی
فی فی فاضه فاضه فاضه فاضه فاضه فاضه فاضه فاضه فاضه فاضه
رجل فاضه فاضه فاضه فاضه فاضه فاضه فاضه فاضه فاضه فاضه

توضیح مفاد و اجزاء و احوال و خصایص
و اشیاء و احوال و خصایص

فصل پنجم در بیان فضیلت و مناقب ائمه اطهار علیهم السلام
چهارم در بیان فضیلت و مناقب ائمه اطهار علیهم السلام
پنجم در بیان فضیلت و مناقب ائمه اطهار علیهم السلام
ششم در بیان فضیلت و مناقب ائمه اطهار علیهم السلام
هفتم در بیان فضیلت و مناقب ائمه اطهار علیهم السلام
هشتم در بیان فضیلت و مناقب ائمه اطهار علیهم السلام
نهم در بیان فضیلت و مناقب ائمه اطهار علیهم السلام
دهم در بیان فضیلت و مناقب ائمه اطهار علیهم السلام

شفا و اجزا و الف ايسر و صفت
قص

فوقه
فوقه
فوقه

تتبع الوقوف بعزف بقى الوقوف الحضر
اذا شهد العزف في

الغضب المذموم

والفصلون

والمضمون الواجب عليه في نذر أو غيره فان لم يكن مضمونا وانما هو شرط قطع فليس عليه ان يتابع مكانه الا ان ثبت ان يتقطع . وروى عبد الرحمن بن يحيى قال استأجر ابا ابراهيم عليه السلام رجل اشترى ربة لتعدي فانه نذر . وروى ثم اكل مملوك فبقي عليه بعد قال لا يجوز ان ان يكون لاقوة عليه . وروى ابن سنان عن ابي بصير قال اجعل الله بيني وبين رجل اشترى مملوكا منه فاني نذرت مكانه ان اخذت فان اشترى مكانه ثم وجد الا ان كان ثقيفا فبين فدينج الاول ابيع الا اخر وارث او يحوك وان فدينج الا اخر فدينج الاول . وروى مروعة بن عمار عن ابي عبد الله قال ان الصاحب بدنة فانه يخلو ولا يبيع له ما بدنه . وروى صفوان عن محمد بن مسلم عن ابي عبد الله عليه السلام قال عن النضر الواجب ان اصحابكم استوعبوا ابيهم وان باعوا يصح ثم قال ان باع فليصدق بثمنه وبغيره باءا . وفي رواية اخرى عن عروبة بن حريث يقول في قوله النذر مضمون لا يملك منه اذا عطف فان اكل من خمره . **باب** فدينج والحدود والاشتباه . وروى مروعة بن عمار عن ابي عبد الله عليه السلام قال النذر في البنية والبيع في المحقق قال الصادق عليه السلام كل نخوة مذبح ١٢ ثم وكل مذبح نخوة حرام . وروى محمد بن عيسى قال لا يبيع كل يهودي ولا نصراني ولا مجوسي ولا كافر امرأة فدينج نفسها ولا يخلو ولا يبيع ولا يملك وجهه ولا يفسد السموات والارض خفافا سدا اللهم منك لك . وروى محمد بن سنان عن ابي عبد الله عليه السلام في قوله من خرف من ذكروا اسم عليه صواف قال ذلك حين تصف النحر وتربط يدك ما بين الكتف الى الكتف . وجوزوا اذا وقعت الى الارض . وسال ابو الصباح الكاظم كيف تحرم البدنة قال نحر وهرقائه قبل العين . وروى مروعة بن عمار عن ابي عبد الله عليه السلام في ذلك فاستقبله فقعد وقعد وجهه وجهر لنذر السموات والارض خفافا سدا . واما من اشترى مملوكا من ماله ونسكى وجها في ماله فماتى نذرت له العين لا شر له . وبذلك امرت . واما السكين

٢٠١

علم نفسه وسمها بمنازعة كعلمها وادعاء

التي هي في جميع البوابات والحدود والقباب وهو موضع
القلعة من القصر في كل شهر من

صفت الابرار و ائمه قمر صفا و صفات و فضائل
فاذکر اسم ائمه صفات و فضائل
بعض مناقب

تجدد جاد و مستمیر الیچ فاضل و شایع
و هو یلقب بـ محمد الاکبر و قد اوفی
الوفاء و قد

عصف ثلثه صاع واحد الاثنى عشر
والصغرى من دوفى لوكا
مخمرق قططه
بمنادى كسر جريته قواريفه عذراجه و
كذا يشبه الصغرى المسوده ان الشجر
منها نصف

آویختن حتی از شکل منم

يقام فخاره و يخدم شرب و من اطراف لحيته **باب** ما يجيئ من شرب و مضمود
اذا نجا و حق قبل ان يزول البتة و روى عن ابن عباس **باب** ما قال اذا
و حق هذا من كل شيء اجمعه الالف و الطيب و العيد فاذا انزلت
طاف و سعى بين الصفاء و الروة هذا من كل شيء اجمعه منه الالف و اذا نجا
طواف الالف هذا من كل شيء اجمعه منه الالف **باب** و روى عن ابن عباس
عن ابي عبد الله عليه السلام قال من ركب رجليه بروج و حق رأسه ابيض
و قشوة قبل ان يزول البتة قال ان كان مستغفرا و ان كان مغفرا و لو لم
و قدر و روى عن ابي بصير عن ابي عبد الله عليه السلام قال من ركب رجليه بروج
ان يعلى رأسه لاصح له اعظم من تعذيب آية **باب** ما يجيئ من الصوم
على متعة اذا لم يجد من الصوم و روى عن ابي عبد الله عليه السلام ان من متع اذا وجد الله
و لم يجز ان يصام ثلث ايام في كل يوم قبل الروية و يوم الروية و يوم عرفة و سبعة
اذا رجع الى بلدك عشرة كذا تجزاه الصدقة فان فاته صوم شهره هذا الايام ثم
ليد التحبة و بر ليلة الف و اصب صائما و صام يومين من بعده فان فاته صوم شهره
الايام حتى يخرج و ليس له صام الثلث في الطريق ان شرب و ان شربا
العشر في البلد و ليس بين الثلث و السبت يوم و ان شربا ما سبعة و اربع
لان يوم ايام الشريق فان شربا سبعة يذبح بين و زكاة اخرى على كل ذلك
و امره ان يحلق الف و يطب و يدا في السرايام منى الا يصوموا فانها ايامهم
شرب و جاز و حسن جعل صام ثلث ايام في كل يوم ثم كذا ان اقام فله ان يقيم
صامه في الطريق او في بلدته ان شرب و اذا رجع الى ايام صام السبت و ايام و اذا
قبل ان يرجع الى ايام الصوم السبت فليس له ان يصام و روى عن ابن عباس
عن ابي عبد الله عليه السلام قال من مات و لم يكن له ثلث فليصم عذبة قال من صام

22

فی الدنیا فی الدنیا فی الدنیا
 فی الدنیا فی الدنیا فی الدنیا
 فی الدنیا فی الدنیا فی الدنیا
 فی الدنیا فی الدنیا فی الدنیا
 فی الدنیا فی الدنیا فی الدنیا

اوردی
 جزا دوق و هرگز عذر نماند
 اما اسوداد و دوزخ را به دل کلا سوز
 و علقه
 ای معالی ملائکه اوج را به دوزخ حبس اید ام که توبه
 و علقه حق

تصنيف كالمستور
في مجلسي
عليه السلام
نور محمد بن محمد
المرادي

[illegible]

والسبيل

بسم الله الرحمن الرحيم

في موضع كذا

انظر فيهم فحينئذ انزل ولجان الباطن

الشيخ الفاضل
الشيخ الفاضل
الشيخ الفاضل

المشرد العشرة يستقل به ق

[illegible]

تذکرہ

و هو جی لایوت عبده الخیر

البركة السعدية

حيث يكسر القمر والهمزة والواو والياء
فمنه حروفه وكذا غيره من حروفه

خطوة وفتح ما بين القدمين بفتح خطا وخطا
والبصحة المارة في

عمر بن الخطاب
رضي الله عنه

۱۹۹۹

والهم ترك العبد عذرك بما مقام العايد بك مستجير بك من ربنا في حقن في قتله
 وولده واولاده في النسي من النار بما ذكره فاذ ابغض معاهل النسي
 اللهم اغفر ربي من النار ووسع علي من الرزق بحال وادعني في حقن
 عذب والبر وكثرة فقدره هجر والانس وتقول انت تجوز اللهم اني اليك فقير
 والى ربك ثابت مستجير فاعذ بك مني ولا تغضبني **فصل في الدعاء** او تقول طوبى
 اللهم اني اسئلك باسمك الذي ربي به على كل الما وكما نيش به على عباده الامم اسئلك
 ان تروني المكنون عندك واسئلك باسمك العظيم الذي اودعته به اجبت
 اذا سئلت به اعطيت ان تقضي على محمد وآل محمد وان تعقل كذا وكذا **او** اذ كنت
 اليامي قال له وقدر وصل على النبي الذي في كل طوبى **فصل في الدعاء** واذ كنت في
 حجر الاسود وقيل في زون الركنين ربيت اثنا في قدس حنة وفي اخره حنة
 وقيل تركت عاب النار **فصل في الدعاء** فاذا كنت في السوط مع فقير
 وبعوضه الكعبة على الركن اليامي بخد ارباب الكعبة فاقطع يدك على ايت والزق
 وبطنك قل اللهم ايت بيك وهب عذرك وبدا مقام العايد بك من النار
 اللهم اني حلفت بفايتك فاجل فراني مغفرتك وبطل ما بيني وبينك واستسجني
 فضلك وادع بما شئت ثم اركب بذنوبك قل اللهم من فضلك اخرج روحي
 وخرج وعاقدت اللهم اني حلفت فاصعدني واغفر لي اطلق عيدي وخرجني
 فضلك استجير بابه من النار وكثرة فضلك الدعاء ثم استلم الركن اليامي ثم استلم
 الذرف في حجر الاسود وقيل واختم فان لم تستطع ذلك فلا تفرك حراة لابه من
 قنص بغير الاسود وتغتم وتقول اللهم قنصني بما رزقني فوبارك لي فيما اتيتني **فصل في**
ابراهم **فصل في الدعاء** ثم ايت مقام ابراهيم عليه السلام فصل ركعتين واجعل يدك
 واخر افي الاولي منها اياه وقد جاهد احد وفي الثالثة احمده وادع الله الفرون

7. 2

شرح خطباته رحمه الله

لقد كان من ثمرة العلم والحرارة والبرهان واليقين

۱۲

باب

فريت البعيف قمر و قرا د حشمت ابد ادا
کسرت العاق قسرت و از دخت خود

لوح البصم
ق
جودة النفس والفرمان والحرور
والعبر والاسلم والنفخ والبر اليقظة وحكم الله
وبالفتح اراقة والرحمة ونسب الريح

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

وخذ من ربك وقام الخمارك وابق منها في فاد اعلت ذلك فقد احدثت
من كل شئ حرم من غير ذلك ان تحلف بايت تطوعا ببيت واما
ان تحلف في كل من تطوع ببيت من المسجد واما لا يجوز ان تحلف في كل من
الغرض ان عند الحرام فاد ان يوم التروية فغسل والبس ثوبك وادخل المسجد
وحكك السكينة والوقار فغسل بايت اسبوعا تطوعا وان شئت فصل كعبك
خذ من ربك ما ربيم عليه وفي فاد احدثت ذلك في ذال البيت الشئ
قبل الغرض ثم قبل الغرض وادخل في ذال البيت في ذال البيت ثم في ذال البيت
لا والله ان الله اعلم بكم لان الله اعلم العظمى سبحان الله رب العالمين
الارضين سبع وثمانين واربعمائة واربعمائة واربعمائة واربعمائة
اسالك ان تجعلني من السجدة لك واسن بوجدهك واسن بوجدهك واسن بوجدهك
في قبضتك لا اوتي الا في وقت ولا اوتد الا في وقت الله اعلم ان الله اعلم
بمن اوتي في قبضتك وسنته بكم صلواتك على رسله في كل ما ضعف عنه ونسبه
لي وتقبلني في شئ من شئ في شئ من شئ في شئ من شئ في شئ من شئ في شئ من شئ
بيك الذين رضيت عنهم وارضيتهم ورضيتهم وارضيتهم وارضيتهم وارضيتهم
ليس بركت وعافيه واهني حديقته وتقبلني في شئ من شئ في شئ من شئ في شئ من شئ
جسدي في القدر الذي اوتيت علي واصرف عرسه القضاء وسوء القضاء وسوء القضاء
وغيره وشعره وشعره وشعره وشعره وشعره وشعره وشعره وشعره وشعره وشعره
اريد بذلك وجعل الكرم والدار الاخيرة ثم ايت بربانيات الاربع عشرة
ان شئت قايما وان شئت قايما وان شئت على باب المسجد وان شئت خارج المسجد
الاسود وتقول ببيتك اللهم ببيتك ببيتك ببيتك ببيتك ببيتك ببيتك ببيتك
المكمل لاسمك ببيتك ببيتك ببيتك ببيتك ببيتك ببيتك ببيتك ببيتك ببيتك ببيتك

طواف

الاقوام

فاد

فاد ابلغت الرضا دون الرضا وهو طي الطيرين حتى تشرف على لا يطع فاد
صوتك ببيتك حتى تاتي من بيت مثل مايت في العمرة والقرآن وصوتك فان
كان كبر من بيتك وتقول انت متوجه الى بيتك فقل اللهم اياك ارجو وابالك وقل
آمين واصلي على من في ذال البيت فقل الحمد لله الذي قد هدانا لهذا الذي كنا
انكنا ان الله من غير من بيتك ببيتك فاسكنك ان تحلف على محرابك
وان تمش على فاد مايت ببيتك ببيتك وادخل بيتك فاد مايت ببيتك فاد مايت
من المغرب والعشاء والاحرام والقرآن في بيتك ببيتك فاد مايت ببيتك فاد مايت
المسجد على شين ذراعا في جميع جوانبها فاد مايت ببيتك ببيتك فاد مايت ببيتك
عبد وعلبك لم وما كان خارجا من بيتك فاد مايت ببيتك ببيتك فاد مايت ببيتك
عرفت وتقول انت متوجه الى بيتك فقل الحمد لله الذي قد هدانا لهذا الذي كنا
دعوك صدق وامرنا ببيتك فاسكنك ان تبارك لي في آمني وان تقضي لي حاجتي
تجني من شأني اليوم من هو افضل مني ثم قل وانت خاد الى غفرت فاد مايت ببيتك
بجزة قرآن من بيتك فان لم تحض رسول الله صلى الله عليه وآله فاد مايت ببيتك فاد مايت
فاقطع التوبة واغسل وجهك بها الطهر والعصر باذان واحد واثم تسجدا
وتجني منها فاد مايت ببيتك فاد مايت ببيتك فاد مايت ببيتك فاد مايت ببيتك
وقف بسجدة سجدة سجدة وادخل بها وهو قوف وادخل لا ببيتك فاد مايت ببيتك
ربك فاد مايت ببيتك فاد مايت ببيتك فاد مايت ببيتك فاد مايت ببيتك فاد مايت ببيتك
فاد مايت ببيتك فاد مايت ببيتك فاد مايت ببيتك فاد مايت ببيتك فاد مايت ببيتك
الي جاد الله ببيتك فاد مايت ببيتك فاد مايت ببيتك فاد مايت ببيتك فاد مايت ببيتك
كبر الله فاد مايت ببيتك فاد مايت ببيتك فاد مايت ببيتك فاد مايت ببيتك فاد مايت ببيتك
لا اله الا الله وحده لا شريك له الملك القدوس السلام

الصحة

بسم الله الرحمن الرحيم

ولا يخرج من قبل طي الطيرين
فاد ايت الى غفرت
من بيتك ببيتك فاد مايت ببيتك
ادخل بيتك فاد مايت ببيتك

سبح لله رب العالمين
في

نصف

الحمد لله الذي جعل العلم نوراً

فَتَبَيَّنَ لَكَ مَرَّةً كَثْرَةُ وَقْتِ وَجْهِ النَّبِيِّ ﷺ
مَوْجِدًا وَقَدْ تَخَيَّنَ مِنْ جَرْمِهِ لَمْ يَخْرُجْ
قِيَامُ الْفَقْرِ عَالِمًا
تَعْلَمُ قِيَامُ

الشيخ الفاضل

تصريح بالضم ما من الغيرة والادب والشهادة
على يد الموضع والوجه والوجه والشهادة
ان شهادة مقدم الادب في

۱۲۳

ما قدرت علیہ

المشقق الخزانة

[illegible]

الحبيب رفع الصوت بالبكاء حتى

السلام مع حتى وصل السلام الى النبي ثم رفع في البكاء عليه وعلى جميع من معه فقامت
 اربع ركعات وفي آخر ركعات ركعت واحدة وقامت معه وقت يا من رسول الله عليه
 الغفر فقال هذا خير من علي بن ابي طالب عليه السلام **باب زيارته في قبره**
 اذ انت الغر بطر الكوفة فانت وامر على سكون وقار حتى تأتي امير المؤمنين
 فستقبله بوجك وتقول السلام عليك يا ولي الله انت اول مطوم واول
 غصب حقه فبرئت واحببت حتى انك اليقين وانشدت انك لبيت الله
 عروض وانت مشبه قدب الله فقلت يا نوح العذاب وجد العذاب
 جيتك عارفا بجهنك مستبصر انك من الدنيا لا تملك ومن علك النقي
 ذلك ربي انت والله ان لي ذنوبا كثيرة فاشفع لي عند ربك فان لك عند الله ما
 بقا مغفوما وان لك عند الله جارا ومشفعا فودع الله عروضا على
 الحسن الرضوي **وقال** **باب زيارته** في قبره فذكر الرضوي بعون الله ومعه رسول الله
 فاطمة رضى الله عنه في قوله لا بد علي ومن علي بالابان هو الله الذي سبني في جدار
 وحملني على دواب وطورط البعبع ووقع حذر المذود حتى اخلصني حرم ابي فبدا
 في عافية الله الذي جعلني من روافقه وحي رسول الله الذي رانا لهذا وكنت
 له من روافقه لان دانا الله الله ان لا ازال الله وحده لا شريك له واشهد ان
 عبيده ورسوله جاد حتى من عبده واشهد ان عليا عبد الله وخير رسول الله
 ونايرك منقرت اليك زيارته فراجي رسولك وعلى كل ما في حق الله وداره وانت
 خير ما في دارك من روافقه فاستسكن بالله يا رحمن يا رحيم يا ذا الجلال
 والكرامة وكن لي كذا **الحمد** ان فضل علي بن ابي طالب من ان جعل حقه في
 ربي في موقفي هذا فكذلك رضى من الله ورجي من ربي في خير ما هو
 رجا ورجاه واجلي من حاجتي في الله الذي يشترى علي بن ابي طالب صلوات الله

فروحيته من ذنوبه فغلبه الحبيب
 بصرة على نصيبه في حقه فغلبه الحبيب
 كبريا وافراده انما صبرا ومغفرا فغلبه الحبيب
 في جوارحه انما الصبر على الصبرية وقد ذكره
 الا حبيب فريحيته

الحمد يا تحف
 تحف بغيري
 تحف بغيري

فغفر الله له

فقلت فبشرني يا رحمن يا رحيم بسم الله الرحمن الرحيم
 الذين آمنوا ان لهم قد صدق عند ربهم الغفر والى بك مؤمن وجميع انبيك
 فاشفعني بعد صغرتهم موقفا تفخني به على رؤسهم حتى يقر ففني معهم وتوفني
 تصديقهم بدمهم غيبك وانت خصصهم بركتك وانزليهم بايمانهم
وقال **باب زيارته** من الله على محمد بن ابي طالب عليه السلام ورواه
 والقرن في هذا الموضع والشيخ الاستاذ في النسخ على ذلك فقلت
 خذوا من الله والى الله والى الله والى الله والى الله والى الله
 مطومين الفصل والرحمة والرفق ما عشت على حسن نبيك
 القم من علي بن ابي طالب عليه السلام ورجعك بعديك واجي رسولك وتحيي
 الذر التي من غيبك والديس من غيبك ورسالتك ودينك الذي
 وقيل فقلت من غيبك والى الله والى الله والى الله والى الله
 من ولده القوامين بامر الله من بعده وهو مطومين الذين ارقتهم انما الله
 وحفظه لبيك وكشفك على خلقك واخلاقك **باب زيارته**
 السلام على الائمة المشكوخين السلام على خالصة امته من خلقه السلام
 الائمة المستبين السلام على المؤمنين الذين قاموا بامر الله واوليائه
 وحقوا الحق في السلم على عبيد الله امير المؤمنين **باب زيارته**
 ورحمة الله وبركاته السلام عليك يا ولي الله السلام عليك يا حجة الله عليك
 عود الدين السلام عليك يا وارث جبرائيلين والذين نوحى اليهم
 القراط مستبصرين عند الله قد انت الصوة وآيت الركان وامر الله
 ونيت على المنكر وجاهد في الله حتى يهاو ونصحت الله ورسوله ووجدت
 نبيك خابرا فاحببنا فوجدنا من الله مؤمنا برسوله طابا له عند الله

الحمد لله الذي جعل
 من اهل بيته من
 باقية الامم والاولاد
 واصفياء

والله اعلم
 بغيره

الحمد لله الذي جعل
 من اهل بيته من
 باقية الامم والاولاد
 واصفياء

عبدالله بن
الحسين

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعل القرآن الكريم
موسى عليه السلام

هو قوله العزيز قسيس رقيق ولم يدرك رفاق

[illegible]

الوالدين

[illegible]

12198

11

الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

فَإِنَّكُمْ تَكُونُونَ
الْمُتَلَذِّثِينَ فِي الْحُلُمِ
وَالْمُتَلَذِّثِينَ فِي الْحُلُمِ
وَالْمُتَلَذِّثِينَ فِي الْحُلُمِ

خوارق العادات
منعقدة

الضمير الرضا

فقط وقل اللهم ايك وجبت عليك خلقت اهل بيوتنا في الدنيا والآخرة
والتفت فلما تجلس يا من لا يحب من ارادة ولا يفتن من خبط اهل بيوتنا
مجدوا خطي بجهلك فانه لا يفتن من خبطك فاذا اوافيت سائلا فافعل
من نفسك اللهم طهرني وقل لي قولي واشح لي صدر روي ارجو ان يذمك
والشما عليك فانه لا قوة الا بك وقد علمت ان قوامي في غيرك لا مكني
لست بملك والشهادة على جميع خلقتك اللهم اجعل لي شارة ونورا انك على كل شيء
والبس ثيابك واسم عافيا عليك لكسنة والوقار بالكلية والهيل والنجدة
خطاك وقل حين نزل اسم الله وبالله وعلى رسول الله صلى الله عليه وسلم
استند ان لا اله الا الله وحده لا شريك له واستند ان محمد عبده ورسوله
ان عينا وفي الله وبرحق انفق على قومه واستقبل وجهه بوجهك واجعل العبد بين
كعبتك قل شهادتي ان لا اله الا الله وحده لا شريك له واستند ان محمد عبده
رسوله وانه سيد الاولين والاخرين وانه سيد الانبياء والمرسلين اللهم صل
على عبدك ورسولك وصديقك وصبيد خلقتك اجعلن صلوة لا يورث على الدنيا
غيرك اللهم صل على امير المؤمنين علي بن ابي طالب عبدك واهل بيوتك الذين
بعثت وبعثت اولا لم يزل من خلقتك والهدى لعل على من بعثت برسالتك وادب
الدين بعدك وفصل قضايتك بين خلقتك والمبين على ذلك محمد واهل بيوتهم
وبركاته اللهم صل على فاطمة بنت حسين وزوجته ولينك واهل بيتك
الحسين سيد شباب اهل الجنة الطاهرة الطاهرة الطاهرة الطاهرة الطاهرة
الزكية سيده فاطمة بنت الحسين صلوة لا يورث على احصائها غيرك اللهم صل
على الحسن والحسين وصبيد خلقتك وصبيد شباب اهل بيوتهم الطاهرين في خلقتك
الهدى لعل على من بعثت برسالتك وادب الدين بعدك وفصل قضايتك بين

الضمير

الهدى لعل على من بعثت برسالتك وادب الدين بعدك وفصل قضايتك بين خلقتك
ودين الدين بعدك وفصل قضايتك بين خلقتك سيد العابدين اللهم صل على
بن علي عبدك وخليفك في ارضك باقر علم النسيب اللهم صل على جعفر بن محمد
عبدك وولي دينك وخليفك في ارضك باقر علم النسيب اللهم صل على
بن جعفر عبدك والحق في خلقتك انما خلق خلقتك ونجى على برئيتك
اللهم صل على بن موسى ارضا الرضا عبدك وولي دينك القادر بعدك
الهدى لعل على دينك ودين آباءه القادرين صلوة لا يورث احصائها غيرك اللهم
محمد بن عبدك وولي دينك القادرين باقر علم النسيب اللهم صل على
عبدك وولي دينك اللهم صل على حسن بن ابي نعيم القادرين في خلقتك
مؤد عز نسبيك وول دينك في خلقتك محمد بن ابي نعيم القادرين في خلقتك
طاهر رسولك صلواتك جميعين اللهم صل على عبدك وولي دينك القادرين في خلقتك
نائبه باقر علم النسيب صلوة لا يورث احصائها غيرك اللهم صل
الهدى لعل على بن علي وولي دينك القادرين باقر علم النسيب اللهم صل على
واصف علي بن الحسين صلواتك واهل بيوتهم القادرين في خلقتك
تقول السلام عليك يا ولي الله السلام عليك يا حجة الله السلام عليك يا نور الله في
الارض السلام عليك يا حمود الدين السلام عليك يا وارث آدم صفوة الله
عليك يا وارث نوح بن علي السلام عليك يا وارث ابراهيم خليل الله
عليك يا وارث اسمعيل نوح بن علي السلام عليك يا وارث موسى كليم الله
عليك يا وارث داود النبي السلام عليك يا وارث محمد رسول الله السلام عليك يا وارث
امير المؤمنين والى الله السلام عليك يا وارث فاطمة الزهراء السلام عليك يا وارث
عيسى بن مريم السلام عليك يا وارث ابي جعفر الطاهرين في خلقتك
محمد بن الحسين سيد شباب اهل الجنة السلام عليك يا وارث علي بن الحسين

مؤد

العابدين

مستس عبد رب وادب في

انوار بغيره وادب في الحق وادب في الحق
الشيخ الفاضل من الله

ترفع عنك اسبابا ولا تستقام في الدنيا وترفع عنك الدنيا في الآخرة **واما** في الدنيا
تريد ان الله عز وجل لا يرفعك عنك ولا يرفعك عنك ولا يرفعك عنك ولا يرفعك عنك
نقاء **واما** في الآخرة ان الله عز وجل لا يرفعك عنك ولا يرفعك عنك ولا يرفعك عنك
وان عليك ان لا تتعرض لخطيئتك في الدنيا والآخرة ولا في الآخرة
واما في الآخرة ان الله عز وجل لا يرفعك عنك ولا يرفعك عنك ولا يرفعك عنك
لا ترفع عنك عنك ولا ترفعك عنك ولا ترفعك عنك ولا ترفعك عنك
مجلس احدا ولا تعاقب احدا وان ترفع عنك عنك عنك عنك عنك
ونظروا فيك ولا ترفعك عنك عنك عنك عنك عنك
انك بلك قصدته وافتتت عنك عنك عنك عنك عنك
تطيع ولا تعصيه الا في ما لا يضر دينك ولا دنياك ولا آخرة
بم سلطان فان تعلم ان الله عز وجل لا يرفعك عنك ولا يرفعك عنك
لهم كمال الدار الحسنة ونظروا فيك عنك عنك عنك عنك
الغوة عليهم **واما** في الآخرة ان الله عز وجل لا يرفعك عنك
انك من العلم وفتح لك من غايته فان احسن في تعليم الناس
هم ولم يرفعك عنك عنك عنك عنك عنك عنك عنك
بهم عنك عليهم العلم عنك عنك عنك عنك عنك عنك
تلك **واما** في الآخرة ان الله عز وجل لا يرفعك عنك
من الله عز وجل عنك عنك عنك عنك عنك عنك
نزعها لا ترفعك عنك عنك عنك عنك عنك عنك
تعليم ان خلقك فيك واهن ابيك واهن ابيك واهن ابيك
خلف شيئا من جوارحه ولا خرجت له رزقا ولا كلف الله شيئا من خلقه

فخره من الشمس في

عليه وسبوا كذا ياد لخطك كذا ما تيه من خير اية فانك احسن اليك احسن اليك
فان كبرته مستبدك به ولم تعذب خلق الله تعالى ولا قوة الا بالله **واما** في الآخرة
فان تعلم ان الله عز وجل لا يرفعك عنك ولا يرفعك عنك ولا يرفعك عنك
احدا ولا تعاقب احدا وان ترفع عنك عنك عنك عنك عنك
وتسوك وتغفر وتطيق وتغفر وتطيق وتغفر وتطيق
شكرا ان يكون الله وتوفيقه **واما** في الآخرة ان الله عز وجل لا يرفعك عنك
لهم كمال الدار الحسنة ونظروا فيك عنك عنك عنك عنك
واستكره عنك عنك عنك عنك عنك عنك عنك
البيك في جمل الدنيا بخير وسنة وانك تسؤل عما تيه من خسران الاديان
الد لا تملح في ربه عز وجل جملة عنك عنك عنك عنك عنك
معاقبة الاساسية اليه **واما** في الآخرة ان الله عز وجل لا يرفعك عنك
في معصية الله ولا ترفعك عنك عنك عنك عنك عنك
فليكن الله اكرم عليك من ولا قوة الا بالله **واما** في الآخرة ان الله عز وجل لا يرفعك عنك
انفق فيك ما لا وادع بك من ذل ارق ودمية الى عز المحنة وانها قاطعة
اسم الملك وفك عنك في العبودية وادع بك من التبحر فيك عنك
عبادة ربك وتعلم ان اولي الخلق بك في جملتك وموتك وان نصرته عليك
بنك وما احتاج اليك منك ولا قوة الا بالله **واما** في الآخرة ان الله عز وجل لا يرفعك عنك
ان الله عز وجل عنك عنك عنك عنك عنك عنك
ميراثه اذ الركن لدرهم مكافاة لا انقشت من ملك وفي الآخرة محنة **واما** في الآخرة
عليك فان شكركم وذكركم وذكركم وذكركم وذكركم
تعال فاذا احدثت ذلك كنت قد شكرته بمرأ وعانية ثم ان قدرت على مكافاة

سفرت میں حضور اقدس صلی اللہ علیہ وسلم
 حضور اقدس صلی اللہ علیہ وسلم

أَفْعُو بِالْفَتْحِ الْعَيْبَ وَتَضَمُّ
نِيَابَ

الخطبة الشريفة والشرع في فرضه في الملوك والامراء
والسلطانين

51

ع
الصغير

والتحقيق من

الفرق بين النوعين

الاشارة بانك تعلم ان هذا هو الحق والغيره فافهم
انما ليس بهو الاكل والاشارة وان لم يكن في
نادر استعمله في الاشياء وغيره من الاشياء
لا تفرق بينه وبين

فرد
از من بخواه که این را بفرستد
که در این کتاب که در این کتاب
که در این کتاب که در این کتاب
که در این کتاب که در این کتاب

فتمثل المصروفات في الاستهلاك الذاتي المصروفات

ووقفوا وحدها واودوا ولم يتركوا فقال الله تعالى ولا تقف ما ليس لك به
 علم ان السبع والبرص والقواذ كل اولئك كان عنه مستورا وقال الله تعالى وقفوا
 بالسننكم وتقولون يا فواكهكم ليس لكم علم وتجبوا به شيئا وهو عند الله عظيم ثم
 استعبدوا بالطاعة وقال عز وجل يا ايها الذين آمنوا اذكروا ما اجدوا من الله واعبدوا
 ربكم واعبدوا اخيرا لعلمكم تفوتون . فلهذا فرأيت جماعة واجبة على الخروج وقامت ان
 السبعة قد فارقوا مع الله اعداء . يعنى بابا جد الوعد واليدين والكبير
 الابيان فقلت خروج من كل من استمر ان يشهد عليكم معكم ولا ابصاركم
 جلودكم يعنى بالبحر والفروج ثم خرج كل واحد من جوارحه بقدر نفس عليه
 على السبع ان لا يقف على السبع على السبع على وقدر ان يخرج من الكلب ان اذا
 سبعة ايات تبينوا وبقيت في السبع معكم حتى يخرجوا في الحبس فخرجوا فخرجوا
 منهم وقال عز وجل يا ايها الذين آمنوا يخرجون في الدنيا فخرجوا من حبسهم في حبسهم
 ثم استمر خروج من موضع السبع ايات واما من كلب السبع فلهذا
 الذكر مع الثور الثقلين . وقال في السبع ايات واما من كلب السبع فلهذا
 يتبعون حسنة اولئك الذين يدرهم الله اولئك هم اولوا الالباب . وقال
 واذا امروا بالجنون تركوا ما . وقال عز وجل والذين اذا سمعوا بالتفويض اعرضوا عنه فلهذا
 ما فرض الله تعالى على السبع وهو عند وقوف على البصر ان لا يقف على جرم السبع
 عليه فقال عز وجل من قبل المؤمنين يقفوا من ابصارهم ويخطوا فخرجهم وخرجهم
 فخطوا اذ لم يخرجوا وقوف على السبع ان اقرأوا العبر عن السبع فلهذا
 قولوا آتينا الله وما نزلنا السبع الا . وقال عز وجل قولوا اننا من حسن . وقال
 على السبع هو امر يخرج الذرير تعقل وتفهم وتعلم من امره رايه فقال عز وجل
 كرهه فلهذا مطيعين بالابيان الاية وقال تعالى من احسنهم قوما اعطوا الامان فقام

21

۶۴۴

مرح کفرج اشتر و بطر و خال و شط و تخمرق

رفیق کفر صحت

ولم يؤمن قلوبهم فقال تعالى الذين قالوا آمنا بآياتهم ولم يؤمن قلوبهم و
قال تعالى لا تذكرا قلبين القلوب . وقال عز وجل وإن تبدوا ما في أنفسكم
تخفوه بحاسبكم . إنه يفكر ويخبر . من أتى الله . وقوله البين أن لا تزد
الآ حرم أنه عز وجل من يك أن يستعمله بطاعة فقال عز وجل يا أيها الذين آمنوا
إذا قرئ القرآن فاستمعوا له وهموا ولعلكم تاتقون . واستمعوا له وهموا
لعلكم تاتقون . وقال تعالى في الذين كفروا أفخر الغر . وقوله
الرجلين أن تستعمل في طاعة وإن لأشئ بهما شئ . فإني قال عز وجل لا
في الأرض مما أتكم من الخلق إلا رزقنا لكم . فإني قال عز وجل لا
عند ربك مكرها . وقال عز وجل اليوم نقيم على آياتهم . وكفى لهم شر
يكسبون . فإني قال عز وجل اليوم نقيم على آياتهم . وكفى لهم شر
جاء ربك فاقبل استجاب . واستعمل بطاعة . وقوله إن ربك أشت
كرك . فإني قال عز وجل اليوم نقيم على آياتهم . وكفى لهم شر
والصلى بمجاهد . ولزمه في الآية . واستعمل بطاعة . وقوله إن ربك أشت
في الآية . فإني قال عز وجل اليوم نقيم على آياتهم . وكفى لهم شر
عنه . فإني قال عز وجل اليوم نقيم على آياتهم . وكفى لهم شر
القبالة . فإني قال عز وجل اليوم نقيم على آياتهم . وكفى لهم شر
أدفع . فإني قال عز وجل اليوم نقيم على آياتهم . وكفى لهم شر

ثم انظر الى من كان بين يديك في المجلس
ابن جعفر بن محمد بن الحسين بن موسى بن
في مدينة البصرة بن عبد الله بن جعفر بن محمد بن الحسين
بن عبد الله بن جعفر بن محمد بن الحسين

چند روز قبل سے ہی اس وقت ہے۔

از شد استفاده مطابق حق مع قضای
در شد ایند برقی

الى ما هو بمنزلة كذا منهم فقام شمر فيركب فلوخذ بالآخرة فقلت فان وافق كما فهمت فخير
 من غير ان جيبا قال ذلك ان كذا فانه حرق اياك فان الوقوف عند الشبهة
 خير من الاتهام في المسئلة **باب في القضاة** قال رسول الله صلى الله عليه وسلم
 بئس بالقضاة القضاة القضاة وهو غضبان . وقال الصادق عليه السلام اذا كان الحاكم
 يقول لمن عن يمينه ومن عن يساره ما نقول ما نرفع ذلك عنه الله تعالى واللائمة
 الناس جميعا لا يقوم من مجلس فخير من مكانه وان رجع زال علي بن ابي طالب
 فكنت عنه ايا ثم يقدم اليه في كونه ثم يذكر له علي عليه السلام قال علي بن ابي طالب
 قال نعم قلت فقال فان رسول الله صلى الله عليه وسلم لم يزل يضايقهم الا
 خصه . وقال الصادق عليه السلام من اصاب من الناس من غيبه رضى ربه ان يغيبه
 وروى عنه صاحبنا قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اذا اصابك رجلان فان اصابك
 احدهما فاحذر من الآخر فانك اذا غيبت ذلك تسببت لك القضاة وقال علي عليه السلام
 زلت بعدا فاضا وقال النبي صلى الله عليه وسلم فقه القضاة . وقال امير المؤمنين عليه السلام
 يا شريح لاش اراها في مجلسك اذا غيبت فقه ولا تقضين وانت غضبان
 وروى عنه صاحبنا قال جعفر عليه السلام قال فصر رسول الله صلى الله عليه وسلم ان يقدم صاحب
 المجلس فاجلس له . وروى عنه صاحبنا عن عبد الله بن سنان عن ابي عبد الله
 قال اذا قدمت مع خصم الى وال او الى قاض فكن عن يمينه يعني بين يمينه
 النبي صلى الله عليه وسلم بل بالقضاة فليس او منهم في الاشادة والنظر في المجلس . وقال الامير
 المشير جاسر بن شمر لا تكثر العكس وتصل واضطهاد ومن يدفع حقوق الناس
 اهل الصدقة والى زعمى تدلى باعمال المسلمين الى الحكم فكل شخص
 منهم ولي العفا كواله بار قال سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول من اصاب من المسلمين
 ومن لم يكن له عفا ولا دار ولا مال فلا يسئل عفا ولا يعلم انه لا يحسن ان يسئل عفا

فهم من امره في نفسه في حجة بلور و...

100

سنة الف و مائة و ثمانين

بغیر نودیم، شخصیت فرنگیوں کے لئے میں صدمہ

انظر وار الحکم مسدود و منقطع
فقد الحکم و السیف بالبرق
اراد ان یخبر ان قد قد و نه و انما الی الحکم
خبرت السیف کون قد و نه و انما الی الحکم
انظر وار الحکم مسدود و منقطع
فقد الحکم و السیف بالبرق
اراد ان یخبر ان قد قد و نه و انما الی الحکم
خبرت السیف کون قد و نه و انما الی الحکم

خوارزمی

مسند الخليفة

الحمد لله
الغفور الرحيم

10

در طلب غلبه و ابر و زهر و قهقهه گویا غلبه
قی

فاحسن على العفا قال فقال ليا عبد الله اعلم ان ثلثة ارفعوا سبعة اعاث قال نعم
فقال ولنعلم ان خمسة ارفعوا خمسة عشر قال نعم قال فاكلت انت سبعة اعاث
ثمانية وبقى لك واحد واكمل هذا امر خمسة عشر ثمانية وبقى سبعة واكمل ايضا
بغيرها سبعة اعاث وامن خبرك انت الواحد الذي ارفع من خبرك فصايب و
سكن ثمانية اعاث فلقد اسبغوا ارجل كل شئ درهم وكذا ثلث الثلث درهم
فخذ انت درهما واعطه سبعة درهم **باب** احمد الزور وعمر عبد الله
ابو يعقوب قال قلت لابي عبد الله عليه السلام ما يعرف عدو الرجل حتى يغيب شيئا منه ثم
يظهره فقال ان يعرفه بالستر والعفاف وكذب البطن والفرج والبيت ويعرف جنته
الكلية التي اودعها من وجوه عبد الله من شئ سيجوز الزنا والراية وغشوق اليه
والفرار من الرضي وخوفه لك والعلانية في ذلك فانه يكون سائر اهل بيته حتى
يكره على المسلمين ما رواه ذلك من خزانة وعيوبه ونفيسه ورا ذلك ويجب عليهم
واظهاره اليه في ان سس ويكون فيما بعده للصلوات التحصيل فاولوا به حين وكلف
مواقيتهن بحضور جماعة من المسلمين وان لا تخلف عن جماعة من صلواتهم الا من عذر
فاذا كان كذلك لازما لصلاة عند حضور الصلوات التحصيل والاضيق عند قبلة وكلف
ما رأيت ان الاجراء مواظبا على الصلوات متعابا لا وقت في صلاة فان ذلك خير شئ
وهو ان بين الناس وذلك ان الصلوة مستمرة وكثرة التدنوب وليس لكل صلاة
الاجراء بالصلاة فان كان بحضور صلاة وتعبا بجماعة المسلمين وانما جعل الاجراء
الى الصلوة لكي يعرف من يصلي من الناس ومن يخلف مواقيت الصلوة من يضعف
ذلك اكبر عدو ان يشهد على آخره بصلاح فان من يصلي فاصح من ليس بمسلم فان
رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول في من لم يذكر بحضور الجماعة المسلمين فذلك من
يصلي في بيته فلم يشهد ذلك فكيف يغيب شيئا منه انما من جرحه

۱۳۲

11

انه وقع غلاما في بئر فقتله فاجازته المرأة وورثه رداءه عن اجدادها عليه السلام في اربعة
 شهور واثنتي عشرة ليلة فقلت انما يكون فطر اليها انت ورجل واحد واما قال فقل شهادته
 وسأل عبادته بن الحكم باجدادته عليه السلام عن امرأة شذت عا رجل انه وقع حبسا في بئر
 قال لا الرجل بربع دية العبد بشهادة المرأة وورثا من ابا عبد الرحمن بن الحسن قال العبد في
 ابا الحسن بن ابي حمزة عليه السلام قال كيت اليه في رجلات ولام ولد ودفن جعل له مسجدا
 في حيوته ثم مات قال كتب عليه السلام ما انا بها بسيدة لثاني في حيوته معروف
 لما تفرقت ذلك شهادة الرجل والمرأة وانما لم يفرق بينهما وورثه عن اجدادها عليه السلام
 قال ابن رسول الله اجازته شهادة النسوة في اثنين واربستين رجلا ورجل واحد
 محسوب عن عمر بن زيد قال مات ابا عبد الله عليه السلام عن جاراته وترك امراته وورثه
 فوضعت بعد موته خلفا ثم مات بعد ما وقع الى الانا في شذت المرأة التي قبلها
 استعمل حتى وقع الى الارض ثم مات بعد ذلك الا ان امران بغير شهادة في رجل
 القمام وفي رواية اخرى انك انت امرأتين تجوز شهادتهما في نصف البراءة وان كنت
 ثلث نسوة جازت في ثلث اربع اجزاء فان كنت اربع اجازت شهادتهن في البراءة
باب حكم شهادة اربعة نسوة ففى رسول الله شهادة ثلث نسوة
 وقال عليه السلام من جرت بك شهادته ثلث نسوة فليس بها عورة ولا حياء ولا حياء
 جوارق وورثه عن عمر بن الخطاب عن محمد بن مسلم عن ابي جعفر عليه السلام قال كان
 الامام الباقى اجازته شهادة الرجل وانما لم يفرق بينهما وورثه عن اجدادها عليه السلام
 انه عروضا في الدال فلما **باب حكم شهادة امرأتين** وورثه عن اجدادها عليه السلام
 حاتم ان ابا الحسن بن محمد بن ابي عبد الله عليه السلام في امرأتين وورثه عن اجدادها عليه السلام
 عن ابي عبد الله ان رسول الله اجازته شهادة النسوة في اثنين واربستين رجلا
 حتى **باب حكم شهادة اربعة نسوة** ففى رسول الله شهادة ثلث نسوة

انه اجازته اربعة نسوة
 انما هو واحد فمحمّد

استعمل بغير رافع حجة ولا دليل
 شهادة اثنين

لغيره من غير رافع حجة ولا دليل
 العبد بغير رافع حجة ولا دليل
 العبد بغير رافع حجة ولا دليل

في الرجل يشهد حساب العبد ثم يدعى الى الشهادة قال ان شأه وان رشا
 لم يشهد وورثه عن اجدادها عليه السلام عن محمد بن مسلم عن ابي جعفر عليه السلام
 في الرجل يشهد حساب العبد ثم يدعى الى الشهادة قال يشهد وورثه عن اجدادها عليه السلام
 قال سالت ابا الحسن عليه السلام عن رجل طهرت امراته من حبسا فقال له طهرت
 فم يسمعون كذا ولعلهم لم يشهدوا يقع الطلاق عليها قال نعم هذه شهادة
 معتقة قال مصنف هذا الكتاب في سنة خمس مائة وثمانين وخمسة عشر
 حجاب العبد ان كان عا ذلك حتى يفر من الشهود فم يسمع ان صاحبها
 ولا يجرى حده الا بشهادة وجب عليه قاضيا ولم يكن له كتمانها فقد قال الصادق عليه السلام
 العبد شهادة اذا كان حيا حجة مطلوبة **باب** الاستماع من الشهود واما
 اقامتها وتأكيدها وكتمانها وورثه عن محمد بن فضال قال العبد الصادق عليه السلام
 يدعى الى الشهادة ان يتقاضى عنه وورثه عن محمد بن مسلم عن ابي عبد الله عليه السلام
 عروضا وانما الشهادة اذا دعوا قال قبل الشهادة وفي قوله عروضا ومن يكتبها فانه
 امره قد قال بعد الشهادة وورثه عن محمد بن عيسى عن بعض اصحاب ابي عبد الله
 قال قلت لرجل من اخواني تكون عند الشهادة فليس كتمانها حجة فقلت قال
 حلت استماعه فم يسمع لكل وجه حتى يقع الحق وورثه عن اجدادها عليه السلام
 من كتم الشهادة او شهد بها لغيره او لم يسمع او لم يسمع او لم يسمع او لم يسمع
 يوم القيامة ولوجه طهره في جهنم كوجه توفقه في النار بسنة وشبهه ومن
 بشهادة لغيره قال لم يسمع له يوم القيامة ولوجه نورده البصر في النار بسنة
 ثم قال ابو جعفر انما امران استعروا من يقول واقموا الشهادة بيته وقال له
 عروضا ومن يكتبها فانه امره قد قال في قوله **باب شهادة الزور** وما جاز فيه
 روى محمد بن ابي عبد الله عن محمد بن مسلم عن ابي عبد الله عليه السلام في شهادة الزور قال

في
 امره

تقاضى عروضا

امرته ان يكتب بغير رافع حجة ولا دليل
 امرته ان يكتب بغير رافع حجة ولا دليل
 امرته ان يكتب بغير رافع حجة ولا دليل

وكانت له من الدنيا ما لم يكن لها من قبل

جلده ضرب بسوط ق
وقت الشراء من هذه

كان الشئ قايما بعينه رد على صاحبه وان لم يكن قايما فليس له رد ما انفق من ثمنه
الرجل وورسها على عبد الله عليه السلام قال شهودوا اني قد جددت له رجلا وورسها
وقت ذلك لي الامام ويطاف حتى يعرفوا ولا يعودوا قلت فان تابوا واصلوا فاقبل
بعده فقال اذا تابوا تاب الله عليهم وقتلت شيئا وكن على عيسى من اخيه
زور في ان غريبا بعث به الى جده وان كان سويا بعث به الى سواد ثم يطاف به
يجب انما يتم على سبيده وورسها من عبد الله عليه السلام على بصيرته على طريقت
في امره شهد عليها ما بان بان زوجها مات فمروا به ثم رزقها الاول قال
لها العريضا استحق من زوجها الاخير فليشرب الشهد بان الله وانفك ان المذموم
ثم تفتت وترجع الى زوجها الاول وورسها من عبد الله عليه السلام على بصيرته على طريقت
محمد بن علي بن جعفر عليه السلام في حديثه عن رجل غاب عنه امراته انطلقا ففقدته
المرأة وتزوجت ثم ان الزوج الغائب قدم ففرغ منه بطريقا والكذب نفسه امره
فقال يا سبيل لا خير فيها ويؤخذ منه في امره لا يشهد بوجع فرددت الاخر وتزوجت
بينما وقعت من الاخير ولا يربها الا في حق تفتت عدتها وورسها من عبد الله عليه السلام
برستان عن عبد الله عليه السلام قال ان شهودا جددوا رجلا لرجل ليس له وقت ذلك
الامام ويطاف به حتى يعرفهم انفسهم وورسها من عبد الله عليه السلام على بصيرته على طريقت
ثم انفقوا من الدنيا ما لم يكن لها من قبل قال كذب نفسه في رومها
حيث يفرسب ويغتر به فزوج في ان فعل ذلك فمهرت ثوبه قال رسول الله صلى الله عليه وآله
كل امرئ مثدور من بين يديه كما هي ثوبا مقوده من انزله كذلك من ثمنه
ورسها من عبد الله عليه السلام قال ما من رجل يشهد ما دونه في رجل ليس
ليقطع ما كذب له في شك من ان وورسها من عبد الله عليه السلام عن اخيه عن اعدائه في الله
اذا شهدوا على رجل ثم جوا عن شيئا ثم قد قضى على الرجل فشهدوا به وورسها

الزور
توبة
ثبوت نكاح امرئانه في
الملك بصيرته
المرأة ما فرم اداهه كغيره من

قد

النف من وجهه ومن

الرجل

فردا
حقا

حقه

فان لم يكن حتى يثبت شيئا ثم وورسها من عبد الله عليه السلام على بصيرته على طريقت
امدق بالتحديث ان كانت لينة وورسها من عبد الله عليه السلام على بصيرته على طريقت
او ارضى صاحب الحق بيمين المتكلمة في شهادته فحلف ان لا حق له في الدية
بجنيته حتى ولا دعوى له قلت وان كانت لينة عادلة فالقسم وان اقام لعدا
بالدخيل من ما كان من حق فان ايمين قد ابلت كما او عاه قبل ما قد استخلف
قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم من سلككم به فإضاحه فاعطوه
مصنف هذا الكتاب حتى تدعوني جارا ارجع اليه فحلف على حق ما يابا وحلف عليه معا
في فعل ما جاب الحق ان ياخذ منه انفسه ما يرضى الرجل ويرد عليه نصف الدية
وجن ما يثبت وورسها من عبد الله عليه السلام على بصيرته على طريقت
في هذا الكتاب في باب هو بعد اثباته ثابا الحكم باليمين بطلان
بالكلام في جرح رجل عن اعدائه عليه السلام قال ان اقام مدعي اليمين فليس عليه ميراث
او غير اليمين وورسها من عبد الله عليه السلام على بصيرته على طريقت
على الميت فحلف اقامته اليمين وورسها من عبد الله عليه السلام على بصيرته على طريقت
قال قت الشئ ينع موسى بن جعفر عليه السلام عن اخيه عن رجل يدين في رجل الحق فحلف
له بيمينه بما قاله فحينئذ في حلف فخرج له وان رد اليه على المدعي فمهرت
له وان كان مخطوبا فحينئذ قدمت واقبت عليه بيمينه فحق المدعي اليمن ما يبدد الدرر الا
لعدمت فان وان حتى حلفه فان حلفه وان اقامه في لانا لا ندر رفق او فاه بيمينه
موضعهم او بغيره قبل الموت فمن ثم حاربت عليه ليس مع اليمين فان ادعى ما يثبت
لان المدعي عليه ليس بغير ولو كان جارا لزم اليمن او ايجي او بيمينه فمن ثم ارجع
حقه ثابا الحكم باليمين في جن يقيم كونه اية منها اليمين على انه لا روم
ابا بغيره عن اعدائه عليه السلام ان حلفا عليه السلام انه قوم يفتنون في خبره

سفر المرأة بسفره بمسوره
كثف عز وجلها فمراة في

١٥

مجلس

بسم الله الرحمن الرحيم

فصل في كيف

١٠٠

قال الله تعالى في سورة النحل
فلا تأكلوا أموالكم بينكم بالباطل

29

221

۱۰۰

١٢٠

هو تركب المركب موضع البصرة في نخل الكلب
كسرب ونوع الينوع هو ان الكلب في
فيه قال السيد رايان في كتابه الكلب وهو الكلب
كسرب والبصرة انه تركب في داره في جوار البصرة
في داره الكلب

لا تفرق بينه وبين غيره من الناس في الحقوق والواجبات
ولا تفرق بينه وبين غيره من الناس في المراتب والدرجات
ولا تفرق بينه وبين غيره من الناس في المناصب والأعمال
ولا تفرق بينه وبين غيره من الناس في الألقاب والتitles

الاسم والعدد المسمى والعدد المسمى في

— 124 —

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لَكَ شَاكِرِينَ

三

55A

بدان فرستاد و بعد از آنکه او را به آنجا فرستاد و بعد از آنکه او را به آنجا فرستاد

انہاں کیسے ہوگا؟

استغفره
استغفره
استغفره

وكنت اتي جذبان يزوجني رجلا واشدت له ثوبه مسرعة فلبس ثوبا
 وليت اتي فزنته من يزوجني فاقامت ايتة فقال لي يا امير المؤمنين انما كنت
 ولعلني انما خلت عن ابوك حتى زوجتني امرتي فقال لها ما تقولين فقالت قد
 يا امير المؤمنين فقال لها انك ببيتك فقلت هو لا يشهدني شيئا
 ما تقولون قالوا انشدناها قالت انشدوا اتي فدخلت فانا عن ابوك لم يزوجني
 واتي ما كنت لا امر بغير ان يزوجني فانا فقال انشدكم علي فلبس ثوبا
 قال فتشهدون انما احببت العزل كما احبته ابوك قالوا لا قال ابوك لا يا بنة
 واتقوا فان الزوج في هذا فلبس ثوبا بارك الله لك فيها فقالت يا امير المؤمنين
 اتي ما احببت العزل وانه بعد بعلي اياه قبل النكاح فقال لي يا امير المؤمنين
 فاقبت وكنت واهل النكاح وروى عن داود بن الحصين عن عمر بن الخطاب
 قال سالت عن رجل قال لا فخطب فانه فخطب من شئ مما قال من صدق
 فخطب من شئ او شطط فذلك رضى وولدت له ولما شئت من ذلك فخطب
 له وولد له الصداق وغير ذلك مما طوبه وسأله فاباح اليه انك ذلك قال نعم
 لما نصف الصداق منه وذلك هو الذي صنع حقا فدا لم يشهد له عليه ذلك
 قال له ان تزوج ولا يكون ولي فيما بينه وبين الله عز وجل لان الله تعالى
 انما تعالون فاما ما كتمت عروفي او سرتي باحسان فان لم يضر فانه ما تضر
 بين الله عز وجل وان الحكم الظاهر حكم الله عز وجل فانا ان تزوج و
 روى محمد بن ابي عمير عن حماد بن عمار عن ابي عبد الله عليه السلام في رجل تزوج
 في امر من الامور واشد له ليلته من تمام الوكيل فخرج لا مضى الا امره
 انشدوا اتي فدخلت فانا عن ابوك قال ان الوكيل يعني ان امره وحقه
 ان يعزل عن ابوك فان امره واقع فخطب ما مضى الوكيل كره الوكيل امره فقلت

تزوج المرأة طهينة

الوكيل يعني ان يعزل عن ابوك فخطب ما مضى الوكيل كره الوكيل امره فقلت
 قلت فان بعد العزل ان يخطب لامرته فخطب حتى مضى فخطب حتى مضى فخطب
 اذا تزوج ثم قام فخطب من امره فخطب بها والوكيل انما يخطب العزل عن ابوك لا يخطب
 او شئت فقل فخطب عن ابوك له وروى محمد بن الحسن عن ابي عبد الله عليه السلام انه قال في رجل
 وكنت امرأة امرأته ذات خراب او جارة له لا يخطب امرأته فخطبها فخطبها
 بها قال فخطبها لم يخطبها ولا يخطبها في العزل فخطبها في العزل فخطبها في العزل
 فقالت تزوجني فانا فقال لا تزوجك حتى تشهد من امرك بغيره فخطبها
 فقال عند التزوج فخطبها فخطبها فخطبها فخطبها فخطبها فخطبها فخطبها
 ان ذلك امره وروى محمد بن الحسن عن ابي عبد الله عليه السلام انه قال
 امره ان يخطب من امره فخطبها فخطبها فخطبها فخطبها فخطبها فخطبها
 ابي عمير عن غيره عن ابي عبد الله عليه السلام انه قال في رجل تزوج امرأته
 ثم ماتت هل لها ان تطالب زوجها بصدقه او قبضت بالقبض ما قال عليه السلام
 وكنت قبضت صدقها من زوجها فليس ان تطالبه وان لم يكن وكنت بذكرها فخطبها
 الزوج في ورثة ابيها بذكرها الا ان يكون حبيبة في حجره فخطبها فخطبها
 فخطبها وخطبها فخطبها فخطبها فخطبها فخطبها فخطبها فخطبها فخطبها
 يزوج ذلك كقولك قال الله عز وجل انما ان يعزل او يعزل امره وعقده النكاح
 الاب وبالله توفقه المرأة وتوفقه المرأة من ربح او فراقه وغيرهما **باب الحكم بالهوى**
 روى محمد بن عيسى عن ابي عبد الله عليه السلام انه قال في رجل تزوج امرأته
 بنت عمران ووجوه من وجوه وخطبها فخطبها فخطبها فخطبها فخطبها فخطبها
 ستم ثم اسدوا في يونس ثم لم يركب مع قوم فخطبها فخطبها فخطبها فخطبها
 فوقع السهم على يونس ثلث مرات قال فخطب يونس صدقته فداخوت

ان يخطب وان يخطب
 بنية
 وثمة
 روى محمد بن ابي عبد الله
 روى محمد بن ابي عبد الله
 روى محمد بن ابي عبد الله

قبض

[illegible]

فصل فی بیان احوال و سیرت

الحمد لله الذي هدانا لهذا
الذي كنا لنهتدي لہ
البرہۃ و قد تم بحمدہ

۱۰۰

دودمان بنی نصرانی
صورت و اندام و لباس و غیره
766

[illegible]

نیست که از کتب و از احوال و از فقرت آنها
آنها بیایند و از فقرت آنها

دکن

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

[illegible]

[illegible][illegible]

2

[illegible]

٧٤٠

[illegible]

رایه دار
مشرک و مشرک
ایضا

البداهة في معرفة الحقائق بغير كلامه في الفقه

[Handwritten notes in Persian script]

2

حسن بن علی

فولم و کرم و پند و نیرات ملک فلول
در جبین و ذکاب فی وراثت الولد
سها م

Handwritten signature: *James M. Smith*

مجلسه اول در تاریخ ۱۳۰۲/۱۰/۱۵

وحيث بعد الجملاء وحيث بعد الجملاء

وحيث بعد الجملاء وحيث بعد الجملاء

الارسة اشرف فوسفه بمرح قال فخرج واقتصر حتى ت و لكن لم يستلج

وحيث بعد الجملاء وحيث بعد الجملاء

وحيث بعد الجملاء وحيث بعد الجملاء

وحيث بعد الجملاء وحيث بعد الجملاء

وحيث بعد الجملاء وحيث بعد الجملاء

وحيث بعد الجملاء وحيث بعد الجملاء

منى ولكن احببت ان يراني الله تبارك تعالي مستغنيا عما به قال خدا فوجي

وحيث بعد الجملاء وحيث بعد الجملاء

بسم الله الرحمن الرحيم

61

ابو ناسم البصري عن الرضا عليه السلام قال من الفد قطع الدرهم والدينار
 المتواء وسأل الحسن بن عمارا با عبد الله عليه السلام عن ادنى الا سراف فقال اصب
 بقلته وقص الامانة تريد وقد حكى لنا اجداه هكذا . وروى ابو زيد بن مريح عن
 عليه السلام قال ثمانية وعشرون خادما يجلب لهم اوقال ابو عبد الله وهو بهم وهو قال
 كير سبغ ثمن الفداء اربعين الف الف نفقة في وجه فيقول لهم ارضي فيقولون برك
 فقال لهم اجعلوا لكل رجل الى الطب وارجعوا هذه امرأة فيقول لهم فرق بيني وبينها
 فيقولون قد رجول لم اجعل امرأة لكل ليك . وقال عليه السلام كفى بدار الثمان البضع
 من يعول . وقال ثم من سعادة الدار ان يكون الفقير في جوار . وقال النبي صلى
 الله عليه وسلم من يتبع من يعول . وقال ثم الكفاية عالة من حال كافي في بيتي
 وروى محمد بن جابر عن ابي عبد الله قال لا تتعرضوا للخلق فاذا ارادتم ان تصبروا
 وقال الرضا عليه السلام لا تخونك من نفسك ما ضره عليك اكثر من نفعه لهم . وروى
 عمر بن زياد عن ابي عبد الله قال اياك والكل والفجر فانها ماضية
 ان من كسل يؤذو حقا ومن نجح لم يصبر حقا . وقال ابو الحسن موسى حفيضا عليه السلام
 ان الله تبارك تعاقب بعض عبد الفارغ وان الله تبارك تعاقب بعض العبد
 وقال الصادق عليه السلام بشير النبأ ان ازلقت شئ شي فافترسه . وروى الحسن
 عن ابي عبد الله عليه السلام قال شكى رجل الى رسول الله انه اخذ فقال نظروني حقا
 ثم بها ما خرجت فيه فافترسه . وقال الصادق ثم يشترى كذا امورك فتشك وبها
 منها الى غيرك فيقول ضرب امي شئ فقال ضربت اشربة الفار وما اشبهها .
 وروى عن ابي عبد الله عليه السلام قال قال ابو عبد الله عليه السلام لا تخون ودار في الاسواق ولا تلي
 وقائق الاشياء فتشك فيك في الناس في اللز السهم في الدين ومحبان على قاي
 الاشياء تنف ما فعلت اشياء فاذا ينسب في الدين ومحبان فيمنه

و در ویرجین بر محبوس علی و ولاد قاتل ابی عبد الله علیه السلام باز فرموده از اجل
 اعمال السلطان یسیر کسب الامنی لعل و انما عتبه و انزل علی خلیفین یحکم الی
 ربنا امری بالدرهم و الکفة و قد قاتل عدو من ذلک فقال کذلک و قد منعتک
 و عبد النور و در ویرجین ابی صفوان بن ابی جعفر علیه السلام و انما عتبه و انزل
 امر بالاعمال و انی اعلم فیما بالدرهم اخذ قال نعم قلت و ارجب یا قال نعم جبر
 عن علی بن یحیی بن قاتل ابی الحسن بن جعفر علیه السلام ان سید تاک قطع السلطان
 اولیا و یخرج بهم عن اولیایه و فی خبر آخر اولیک عتبه الله من لماره و قال ابی صفوان
 کفارة عمل السلطان قضایا و ارجع الاخوان و در ویرجین سید بن زرارة و انما عتبه
 ابی عبد الله علیه السلام رجلا بنی فدا الله فقال انما انقضی حکمک و در ویرجین جبر
 مسلم قال ابی صفوان بن ابی جعفر علیه السلام ان سید تاک قطع السلطان
 من ان قضاة فی نفسه ما و در ویرجین بن ابی العلاء قاتل ابی عبد الله علیه السلام
 و یحکم لرجل من اوله فقال قوتی بغيره سی و اذا انقضی الله قاتلک لقیل و کثیر
 الله انت و ما لک لایک فقال من انا جاب الی رسول الله فقال لیار رسول الله جاب
 و قد غلبت امری من لقی فخره الی ابی جعفر الله فقال علی الله فقال انت و ما
 لایک و لم یکن لرجل شئی الا ان سأل رسول الله بحکم الی ابن و در ویرجین جبر
 عن عبد الله بن سنان عن ابی عبد الله علیه السلام قال یسیر لماره مع زوجها امری فی حق
 و لا صدقه و لا تدبره و لا یبذل و لا یفذل و لا یبذل و لا یفذل و لا یبذل و لا یفذل
 صدق الله ما و در ویرجین جبر علیه السلام قال سماع الهم من غیر فخر جبر
 و قال القیاد قیام حجت حیثا قال قال فاعتد مضیا قال قال فاعتد حیثا
 قال فاعتد کث قال قال فارج الی اهلک فبهم فانه منک صبر صدقه و انی جبر

[illegible]

وقيل لعادى بن عبد السلام بن النضر بن برون
رسالة من ابيه عبد الله بن النضر بن برون
لا تقول لغيري ولا النضر بن برون
فقال عبد السلام قول النضر بن برون
فقال النضر بن برون

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

في الاذان كسب وناخذ على غيرهم ان اجروا وقال عن اخذني غيرهم ان اجروا
 خط يوم القيمة وروى محمد بن سكين عن ثيب الاعشى قال قلت لابي عبد الله عليه السلام
 اني اتقوا ان تغدوا الى السيد فاقبها قال لا قلت اني اراد ان لا اشد رط قال لا يثبت
 لم تغدوا انك ان يتركك قال قلت لا قال لا تغدوا وروى عن عيسى بن عيسى عن
 ياتيه ان سمع ياخذني ذلك جرح فقلت يا ابا عبد الله عليه السلام بنى فقلت عني
 فسادك انما هو كسب من عني اليهم وكنتم اخذون الاجرة وقرئ في وسن اخذوا
 بقلابكم وقد ثبت اني اخذوا من قبل في ثمن مني فقلت نعم من لا تغدوا وقال انما
 عليه السلام من تربيتين فدا بلسان ياكن من ثمار ولا يكن مع منها شيئا **باب**
و اعترض وروى محمد بن محبوب عن عبد الرحمن بن عمار عن ابي عبد الله عليه السلام قال اخذوا
 من غلبه الذين وغلبه الرجال واولاد اليم وروى السكوني عن جعفر بن محمد عن ابي عبد الله عليه السلام
 قال رسول الله يا ايكم والذين فانه شين للدين وفاقطعت ايكم والذين فانه شين
 واول بانها وفاقطعت ايكم والذين فانه شين للدين وفاقطعت ايكم والذين فانه شين
 وفاقطعت في الاجرة وروى عن عيسى بن عيسى عن ابي عبد الله عليه السلام قال ان
 بعد من لا اندامات وعبدنا ان ابن فليس على النبي فم وقال صلوا على من حكمكم
 اخذنا بعض قرابة فقال ابو عبد الله ذلك محض ثم قال ان رسول الله قد اخذنا
 ليقتلوا واولدنا بعضهم على بعض ولا يستحقوا بالدين وقد مات رسول الله وعبدوا
 امير المؤمنين فم وعبدوا بن وعبدوا بن وعبدوا بن وعبدوا بن وعبدوا بن
 وروى عن عيسى بن بكر عن ابي الحسن الاول عليه السلام قال طلب الرزق من عدة فقلت من
 على الله فاجعل على رسول الله وروى عن عيسى بن عيسى عن ابي عبد الله عليه السلام
 يستعرض الرزق قال نعم اني نظرك رزق الله فاجعل فم وعبدوا بن وعبدوا بن

تغیر
نقطہ ۱۱

۲۶۷

بکریہ خصوصاً تعلیم یا کجی لغو نہ و جہت خود جہت
تعلیم فرمودہ است خودم کا ترجمہ ہم الفیادہ اراکام
الاجرائی خود خط و اہم و خود الفیادہ نہ کہ ہم الفیادہ
و نہ لایہ علاقہ نہ اہم و اراکام نہ جہت نہ اہم
عقبہ الفیادہ بل عدم اہم اہم

[illegible]

دکتر
میترا طرا
مهرت اشراف
بایده

قلت يستقرض في تزوج حاله

تولید و اکثر اعطای عیال
فهرست اربابان نظامی
التوریج فان دانگ چون
و ان نام ایام کی بود حقیقت بدست تاریخی
ترتیب و تفسیر از دست نوشته امجد اول شاه قزوین
از نام و درجه و شغل و اولاد و اولاد نام و سایر کتب
الحکم آن حضرت که به شرح این کتاب

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

[illegible]

مجله

١٠

انجو رسم مقام مصدق فرموده علی تم
و دعاء رسول الله یوم الطایف فاتحاً فقال
الکرم طالع انجوا فقال ما اتخذه و لکن الله اتخذه
وقد استدرله ثم انه جیه

[illegible][illegible]

ان غرض المسألة ان المسألة قد تم

الحمد لله الذي جعلنا من عباده
العلماء خير خلقه

مسقط و مسكنه في دار السلام
في سنة ثمان و ثمانين
من شهر ربيع الاول
سنة ١٢٠٠

و ما به فضل ملوک

۱۲۸۰

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعل القرآن
موسى عليه السلام
الذي جعل القرآن
موسى عليه السلام

ارفع يدك عن المسلمين بقدر طاقتك
 والهدوء بالكلية والفرقة بيننا وبينهم
 ليست يكتسبوا هذه المدة في طاعتهم
 الغنائم والبينة والفرقة بيننا وبينهم
 ارفع يدك عن المسلمين بقدر طاقتك
 والهدوء بالكلية والفرقة بيننا وبينهم
 ليست يكتسبوا هذه المدة في طاعتهم

179

[illegible]

imposed by
the government

سید القایدین

وذكر ان يقع على الزوائد في غير المقصود انما هو
زوائد على المقصود انما هو الزوائد في غير المقصود

تَجِ الْوَعْدَ وَالْحَقَّ فِي

[illegible]

6

571

1871

برج منبر امام و در آنجا که بعد از شهادت و بعد از آن
از جوفای فتح و شکست آمد
نایب مورخ شاه جهان

الحمد لله الذي جعلنا من عباده
مستغفرين له

ترجمه ذکر الاموات و ذکر ائمه
نفسی ترجمه اهدام بنو قیصر

فاشته روگردان من قال لرجل انطلق فاستوف حجتك قال لا بأس به وروى
ابن مسكان عن علي بن ابي عبد الله عليه السلام انه قال في رجل ابتاع من رجل طعاما بدينار
فبسطه ثم جاء بعد ذلك وقد ارتفع الطعام وانقص فقال ان كان يوم ابتاعه
كفرا وكذا فبذلك كان له يمين مسخرة فانما لا سعة له قال في الرجل يكون له
من طعام واحد وسعرها سوا واحد مما خرج من آخر ثم يخلطها جميعا ثم يبيعها بغيره
قال لا يصح لان بعض الغش السليم حتى يبيعه وروى عن ابن عباس
قال قلت لابي عبد الله عليه السلام رجل يبيع الطعام فيخبره بغيره قبل ان يبيعه قال
لا يجب ان يبيعه لو كان فيه فضل اخذه وروى عن علي بن ابي طالب
قال لا يصح للرجل ان يبيع بضاعه بخراسان وروى عن عبد الله بن مسعود
قال لا يصح للرجل ان يبيع طعاما بدينار ثم يبيع الطعام من الرجل الى ابن عباس
الطعام من حره فيقول عيشه رزاقه قال قد نزلت به بغيره قال لا يصح ان يبيعه
طعاما لم يشره او منى قال لا تأخذ مني شيئا ويطيبك قال لا تأخذ مني شيئا
عديته دحق وروى عن علي بن ابي طالب قال لا يصح للرجل ان يبيع
طعاما يكون احسن له والاتق ان يبيعه من غير ان يبين ما فيه فقال لا يصح
ذلك ولا يبيعه من غير ان يبين ما فيه الزيادة فلا بأس ان كان الغش السليم
يبيع وروى عن ابن مسكان عن علي بن ابي طالب قال لا يصح للرجل ان يبيع
يدخلون السفيديين من الطعام فيسبون في ثمره ثم يبيعه بغيره
يبيعون من الطعام فيكون صاحب الطعام هو الذي يبيعه اليهم ويقبضون فقال لا
تأمر اسم لا وقدرت ركه قلت ان صاحب الطعام يبيعها لغيره وانما
فيغيره وانه يبيعه بغيره قال لا بأس ان يبيعه في ثمره وروى عن علي بن ابي طالب
قال قلت لابي عبد الله عليه السلام رجل يبيع الطعام من الرجل الى ابن عباس
فيلقيه في البحر او في النار او في الماء او في غيره من ذلك قال لا بأس به

ترجمه ذکر ائمه و ذکر ائمه
نفسی ترجمه اهدام بنو قیصر

ترجمه ذکر ائمه و ذکر ائمه
نفسی ترجمه اهدام بنو قیصر

ترجمه ذکر ائمه و ذکر ائمه
نفسی ترجمه اهدام بنو قیصر

ترجمه ذکر ائمه و ذکر ائمه
نفسی ترجمه اهدام بنو قیصر

ترجمه ذکر ائمه و ذکر ائمه
نفسی ترجمه اهدام بنو قیصر

ترجمه ذکر ائمه و ذکر ائمه
نفسی ترجمه اهدام بنو قیصر

اشترته قبل ان يقبضه قال لا بأس ان يبيع الى ابن عباس اشترته وبيع
ان تدفع قبل ان يقبضه قلت فاذا قبضته فقلت ان كان في ان ادفعه بغيره
لا بأس بذلك اذا رضوا وقال علي بن ابي طالب اشترته في مديرا ويطبخ
فروى عن جعفر بن محمد عن ابي الحسن النعماني قال اشترت من رجل طعاما بدينار
فبسطته ثم جاء بعد ذلك وقد ارتفع الطعام وانقص فقال ان كان يوم ابتاعه
كفرا وكذا فبذلك كان له يمين مسخرة فانما لا سعة له قال في الرجل يكون له
من طعام واحد وسعرها سوا واحد مما خرج من آخر ثم يخلطها جميعا ثم يبيعها بغيره
قال لا يصح لان بعض الغش السليم حتى يبيعه وروى عن ابن عباس
قال قلت لابي عبد الله عليه السلام رجل يبيع الطعام فيخبره بغيره قبل ان يبيعه قال
لا يجب ان يبيعه لو كان فيه فضل اخذه وروى عن علي بن ابي طالب
قال لا يصح للرجل ان يبيع بضاعه بخراسان وروى عن عبد الله بن مسعود
قال لا يصح للرجل ان يبيع طعاما بدينار ثم يبيع الطعام من الرجل الى ابن عباس
الطعام من حره فيقول عيشه رزاقه قال قد نزلت به بغيره قال لا يصح ان يبيعه
طعاما لم يشره او منى قال لا تأخذ مني شيئا ويطيبك قال لا تأخذ مني شيئا
عديته دحق وروى عن علي بن ابي طالب قال لا يصح للرجل ان يبيع
طعاما يكون احسن له والاتق ان يبيعه من غير ان يبين ما فيه فقال لا يصح
ذلك ولا يبيعه من غير ان يبين ما فيه الزيادة فلا بأس ان كان الغش السليم
يبيع وروى عن ابن مسكان عن علي بن ابي طالب قال لا يصح للرجل ان يبيع
يدخلون السفيديين من الطعام فيسبون في ثمره ثم يبيعه بغيره
يبيعون من الطعام فيكون صاحب الطعام هو الذي يبيعه اليهم ويقبضون فقال لا
تأمر اسم لا وقدرت ركه قلت ان صاحب الطعام يبيعها لغيره وانما
فيغيره وانه يبيعه بغيره قال لا بأس ان يبيعه في ثمره وروى عن علي بن ابي طالب
قال قلت لابي عبد الله عليه السلام رجل يبيع الطعام من الرجل الى ابن عباس
فيلقيه في البحر او في النار او في الماء او في غيره من ذلك قال لا بأس به

ترجمه ذکر ائمه و ذکر ائمه
نفسی ترجمه اهدام بنو قیصر

ترجمه ذکر ائمه و ذکر ائمه
نفسی ترجمه اهدام بنو قیصر

ترجمه ذکر ائمه و ذکر ائمه
نفسی ترجمه اهدام بنو قیصر

ترجمه ذکر ائمه و ذکر ائمه
نفسی ترجمه اهدام بنو قیصر

ترجمه ذکر ائمه و ذکر ائمه
نفسی ترجمه اهدام بنو قیصر

ترجمه ذکر ائمه و ذکر ائمه
نفسی ترجمه اهدام بنو قیصر

[illegible][illegible]

لا بد انما عجزه عيب او اوطيت وكن
برج بقية ال عيب وكن عيب
بجلی ازادشیر

[illegible]

۱۰۰

فَقَالَ لَهُ

قَالَ لَمْ يَلِجْ لِي شَيْءٌ مِنْ رَجُلٍ مِمَّنْ جَاءُوا رَسْمًا وَهُوَ خُصَّ بِهِ وَخَوَّاهُ كَيْفَ الْخَطِيئَةِ لَمْ يَشْرِبْ شَيْئًا
وَلَمْ يَتَخَضَّرْ قَالَ إِنَّهُ إِنْ كَانَ يَكُونُ مِنْهُمْ لَاحْتِاجُهُ بِكَرَّ كَيْفَ يَجُوزُ مِنْهُ نَادِيًا ۝ وَنَادِيًا سَاحِلًا
الْبَيْتُ شَيْءٌ وَهُوَ فِي الْفَتْحِ هَالِكٌ إِنَّ يَحْتَجُّ لَكَ مِنْكَ كَرَّةٌ فَتَقُولُ شَيْءٌ مِنْ رَسْمٍ كَرَّةً
الْمَرْفُوعُ كَرَّةً وَفِي مَرْفُوعِهِمْ سَمِيٌّ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ فِي الْفَتْحِ وَهُوَ خُصَّ بِهِ كَرَّةً فَإِنْ لَمْ يَكُنْ كَرَّةً
رَوَاهُ أَبُو سَمِيْعٍ بْنُ خَالِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَمْ يَلِجْ لِي شَيْءٌ مِنْ رَجُلٍ مِمَّنْ جَاءُوا رَسْمًا
وَجِيءَ بِهِ رَأْسُهُمْ وَخَرَجَ الْفَتْحُ وَالشَّجَرُ وَالْأَجَامُ وَهَاصِبُهُ وَالسَّكَّ وَالظِّمْرُ وَهُوَ لَا يَرُدُّ
جَاءَ لَا يَكُونُ إِلَّا الْيَكُونُ الْيَشْتَرِيهِ وَفِي بَيْتِهِ زَيْنٌ يَشْتَرِيهِ وَيَقُولُ هَالِكٌ وَأَعْلَى مِنْ
ذَلِكَ شَيْئًا وَاحِدًا هَالِكٌ فَتَقُولُ وَتَقُولُ ۝ وَرَوَاهُ عَنْ سَمَاعٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ
الْجَرِي شَيْءٌ الْعَبْدُ هُوَ الْبَقِيَّةُ قَالَ لَمْ يَلِجْ لِي شَيْءٌ مِنْ رَجُلٍ مِمَّنْ جَاءُوا رَسْمًا أَحَدٌ وَهُوَ
مِنْكَ جَاءَ الشَّيْءُ وَجَبَكَ كَيْفَ أَوْ كَيْفَ أَفَافَ لَمْ يَلِجْ لِي شَيْءٌ مِنْ رَجُلٍ مِمَّنْ جَاءُوا رَسْمًا هَالِكٌ
وَرَوَاهُ عَنْ يَحْيَى بْنِ شَيْبَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ رَجُلٍ كُنِيَ عَلَيْهِ هَالِكٌ
فَيَسْتَأْذِنُ بِيَاءَهُ لِي فِيهِ أَهْلٌ مِنْ كَيْفَ لَمْ يَلِجْ عَلَيْهِ فَخَذَهُ بِجَارِهِ فَقَالَ لَا بَأْسَ بِكَ وَكَأَنَّ
عَنْ رَجُلٍ كُنِيَ لَعْلَى أَتَاهُ بِكَ كَرَّةً مِمَّنْ لَمْ يَلِجْ عَلَيْهِ فَيَقُولُ هَالِكٌ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ كَرَّةً
قَالَ لَمْ يَلِجْ لِي شَيْءٌ مِنْ رَجُلٍ مِمَّنْ جَاءُوا رَسْمًا هَالِكٌ فَخَذَهُ بِجَارِهِ فَقَالَ لَا بَأْسَ بِكَ
كَذَلِكَ سَمِيٌّ تَعْنِي نَفْسَ هَذَا الْكَلِمَةِ نَادِيًا وَنَقْصَرُ بَابِهَا أَنْفَذَهُ أَنَّهُ كَذَلِكَ لَمْ يَلِجْ
بِاسْمِهِ ۝ وَرَوَاهُ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَنْ شَيْءٍ مِنْ بَيْتِهِ قَالَ
يَا أَسْسُ كُلَّ كَرَّةٍ سَمِيٌّ مَعْلُومٌ فَإِنَّهُ الْبَيْتُ وَيَجُوزُ أَنْ يُقَالَ الْهَامُ قَالَ لَا بَأْسَ
رَوَاهُ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو قَالَ لَمْ يَلِجْ لِي شَيْءٌ مِنْ رَجُلٍ مِمَّنْ جَاءُوا رَسْمًا هَالِكٌ
فَخَرَّضَ رَأْيَهُ أَتَاهُ شَيْئًا وَاتَّزَنَتْهَا ثُمَّ أَخَذَ سَابِيَهُ عَنْ ذِكْرِ هَالِكٍ قَالَ لَا بَأْسَ ۝ وَكَرَّرَ
هَذَا عَنْ أَهْلِ بَيْتِ عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَجُلٍ كُنِيَ لَمْ يَلِجْ لِي شَيْءٌ مِنْ رَجُلٍ مِمَّنْ جَاءُوا رَسْمًا
قَالَ نَعَمْ ۝ وَرَوَاهُ عَنْ أَبِي سَمِيْعٍ قَالَ لَمْ يَلِجْ لِي شَيْءٌ مِنْ رَجُلٍ مِمَّنْ جَاءُوا رَسْمًا هَالِكٌ

۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱
 ۴۷۲
 ۴۷۳
 ۴۷۴
 ۴۷۵
 ۴۷۶
 ۴۷۷
 ۴۷۸
 ۴۷۹
 ۴۸۰
 ۴۸۱
 ۴۸۲

قوله و انما نريد ان نذكر من ان كان فيك
 بعض من هذه الاوصاف فانه لا بد ان يكون
 فيك من هذه الاوصاف فانه لا بد ان يكون
 فيك من هذه الاوصاف فانه لا بد ان يكون
 فيك من هذه الاوصاف فانه لا بد ان يكون

مفتی

[illegible]

ذو الحجة

استاذون عظماء

الانصارى

الکرمات

الشيء الذي هو الحق
الشيء الذي هو الحق
الشيء الذي هو الحق
الشيء الذي هو الحق

الفصل الرابع في معرفة بعض
الصفات التي هي من صفات الله تعالى

卷之四

17

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

لا اله الا الله محمد رسول الله

کاشته طبعین استهوان قطع
قصبات و ان و بر وجه و در فرجه

وہو چش

محبوب کیاں قدر اربہ افقہ صبح اجڑا
جہان فانی

الحسن الباقی من ذریع الارض فادر صوب فی

و بعد از آنکه در این شهر رسید و در آنجا اقامت نمود و در آنجا
در روزهای اول ماه رجب سال ۱۰۸۰ هجری قمری در روز شنبه

فزجها بغير اذن صاحبها فلا يقع الزرع صاحب الارض فقال لا ريب بغير اذن في زرع
 لي وعلى ما انقضى فلذا راع زرع له صاحب الارض كرا راضه وورع عن غيره
 برحوب قال كتب رجل الى الفقيه يسأل في رجل كانت له ارض على نهر قرية والقرية
 او بعلين فزارها صاحب القرية ان يسوق الماء الى قرية في غير جدار النهر فله حصة
 الماء ذلك ثم فوقع عليه حق الله ويعين في ذلك بجمع خوف ولا يضره انما هو من
 رجل كانت له ارض في قرية فزارها رجل آخر من غير اذن اخر فوقع له يكون بينهما في ارضه
 بالارض خور في ارضه اذا كانت حصة او روضة فوقع في حجب ان لا يضره ارضه بالارض
 وقضى رسول الله ان يكون بين القبايل اذا كانت ارض فخذ ان يكون بينهما
 ارض واولى من ارض حصة يكون بينهما حصة ارض وقضى ان الميراث بين الاربع
 ذراعا لا يتجاوز اربعة اذرع وورع عن رجل من سنان عن ابي الحسن عليه السلام
 عن ابي الهيثم عن ابي عبد الله عليه السلام في رجل كان له ارض فزارها رجل آخر
 في رجل باع ارضه لغيره فزارها رجل آخر فزارها رجل آخر فزارها رجل آخر
 اوقع صفحا بينه وافرقتا فلا يقع الارض اية حصة ارضه قال لا ريب في ذلك
 واخذ الارض ان كانت ارضه فزارها رجل آخر فزارها رجل آخر فزارها رجل آخر
 فبوقته ويكون البيع لازما والوفاء بما لم يبيع فان لم يكن في ذلك مكان غير الارض
 فان شئت المشتري ارضه يستخرج فخره له وان شئت رده واخذ اياك له وورع
 محمد بن مسلم قال سأل عن رجل يهودي وارضاه في ارضه فقال يسكن باس وسكن
 رسول الله صلى الله عليه وسلم في ارضه في ارضه في ارضه في ارضه في ارضه في ارضه
 لو اشتريت منها شيئا وابتاع قوم اخوة شيئا من ارضه فخره له فخره له فخره له
 النبي صلى الله عليه وسلم في ارضه في ارضه في ارضه في ارضه في ارضه في ارضه
 فزاره رسول الله صلى الله عليه وسلم في ارضه في ارضه في ارضه في ارضه في ارضه

وبعضه من ارضه

في اهل البوادر من لا يبيعوا ارضهم
ولا فضل الكفار وقضى الله

جربا معلوما بجهة كرا على ان يعطيه من ارضه فقال حرام قلت فذلك ان
 اشتهر من ارضه بكن معلوم ونظم من غيره فقال باس نك وورع عن
 اربع اشياء على رجل في ارضه عليه السلام قال لا يشتري من رجل ارضه اهل البوادر
 من كانت له ارضه فزارها رجل آخر فزارها رجل آخر فزارها رجل آخر
 على عبد الله عليه السلام قال يسئل في رجل باع ارضه لغيره فزارها رجل آخر
 وشجره فقال لا ريب في ذلك وورع عن رجل من سنان عن ابي الحسن عليه السلام
 او عين وقد في سنان له والى والقرية نصف العشر وورع عن رجل
 سنان او معاوية وانفق فيه ثمنه ثم بدله في بيعه ذلك قال لا يشتريه باقر فان
 طعامه وورع عن رجل من سنان عن ابي الحسن عليه السلام قال لا يشتريه باقر
 ذلك على النبي صلى الله عليه وسلم وورع عن رجل من سنان عن ابي الحسن عليه السلام
 وكان له ابن وابنة فباع ابنه في البئر وماتت المرأة فادعت ابنتها ان حصة
 ثلثها ارضا وباعت اشقاها منها وبقيت في اليد ارض فوقع الى حجب واربع من ارضه
 فهو كجزء من ارضه بغير اذن الابن وما يخوف من ارضه بغير اذن الابن
 خبره فقال ومنه كغاب قلت من سنان كرهه فقال يتطهر فيه فخره سنان ثم يشتريه
 كتب محمد بن الحسن ارضا رضى الله عنه الى ابي محمد عليه السلام في رجل اشتريه من رجل
 له في ارضه جميع حقوقه وخودته ارضه بغير اذن الابن في حقوق البيت الا ان كان
 له كسب الا ما اشتريه له باس وسكنه ارضه بغير اذن الابن في حقوق البيت الا ان كان
 ان جميع ارضه في موضع كذا وكذا وكذا وكذا وكذا وكذا وكذا وكذا وكذا وكذا
 من ارضه في موضع كذا وكذا وكذا وكذا وكذا وكذا وكذا وكذا وكذا وكذا
 وكتب له في رجل كانت له ارض فزارها رجل آخر فزارها رجل آخر فزارها رجل آخر
 لم يكن من استقام ما في بيعه وارضه وورع عن رجل من سنان عن ابي الحسن عليه السلام

ارضه له ارضه فزارها رجل آخر فزارها رجل آخر فزارها رجل آخر

فزارها رجل آخر فزارها رجل آخر فزارها رجل آخر

فزارها رجل آخر فزارها رجل آخر فزارها رجل آخر

الفضل القصة من ارضه فزارها رجل آخر

بج

الشر من ارضه فزارها رجل آخر فزارها رجل آخر فزارها رجل آخر

[illegible]

فصل فی شرح انواع و اقسام کتب و اوراق
مکتوبه و کتب و اوراق و کتب و اوراق
مکتوبه و کتب و اوراق و کتب و اوراق
مکتوبه و کتب و اوراق و کتب و اوراق

طیغ و تیر

مجلس اول

إلى الكهنة والشموس

ع. پ. رض. ا. خ. ر. د. ر.

المعروف

۱۲۱

514

المختوم الصالح ق

فتیہ

التي هي الرأفة في شدة وكبره في الخلق والفرقة
التي هي الرأفة في شدة وكبره في الخلق والفرقة
والمشاهدة في شدة وكبره في الخلق والفرقة
والمشاهدة في شدة وكبره في الخلق والفرقة

بسم الله الرحمن الرحيم
والله اعلم
الزيت وخرق الزعفران
الزيت وخرق الزعفران

الربوبية في حق الله تعالى

یافت

الدریس جو اندازہ و سبب
و بقیہ کتاب
قولہ اولیٰ یا سبب و در حدیث ان دریاں و دریاں
قبلاً از تفریق و در حدیث ان دریاں و دریاں
مدریس و در حدیث ان دریاں و دریاں

[illegible]

112

[illegible][illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

فصل فی

من عند صاحب دار

من خدایان و ملایک و ارباب

الطريق الذي سلكه
ومن ثم قد استخرج

۱۰۰

[illegible]

امامی

[illegible]

[illegible]

قال فخر

تو که در این کتب حق تعالی شهادت داده است که او را هیچ
دین و دهر نیست و با خود هر چه خواهد کرد از آن بی خبرند
چون بخواهد از زمین و آسمان برآورد و آنچه بخواهد
بفرستد و آنچه بخواهد ببرد و آنچه بخواهد بداند و آنچه
بخواهد بنماید و آنچه بخواهد نباشد و آنچه بخواهد
باشد و آنچه بخواهد نکند و آنچه بخواهد کند و آنچه
بخواهد نماند و آنچه بخواهد ماند و آنچه بخواهد
نشد و آنچه بخواهد شد و آنچه بخواهد نبود و آنچه
بخواهد بود و آنچه بخواهد نماند و آنچه بخواهد ماند
و آنچه بخواهد نشد و آنچه بخواهد شد و آنچه بخواهد
نبود و آنچه بخواهد بود و آنچه بخواهد نماند و آنچه
بخواهد ماند و آنچه بخواهد نشد و آنچه بخواهد شد

قولہ کانت میراث میں بدل علی ایسے کہ نہ ملکیت
فصل فی دفع الحوائج آیا بعد دفع خیرات و

فوله ما يستحق مني في حاشية المحل
وهو في الشفاط وهو الذي في حاشية
في حاشية المحل

فوله هر که از متفق بهاء و اولیای تصدیق از حق
اولیای حکیم و از خرد و انوار الهی می یابند
چرا از این فوله ما حق را با حجت ان است می یابند
که اینها در

قوله فانت احق بما ارضى عن قضاة اهل
الهند من اهل القدرى مد او يحفظه وان يحفظه
مرد
محمد مشقة والكل الفس قس

قولہ تم فیہ لیس اصحابہ لعل منہ و عی ان صاحبہ
اخرجا عن ملک و از ان منہ او او اخذہ
تم

فان

الحمد لله الذي جعل في كل شيء
دلالة على قدرته وجلته
والصالحين في كل زمان ومكان
والذين هم على كل شيء قائلون

مستور و قولی است که بعد از تولد منتهی به شرف

[illegible]

وقال الصادق عليه السلام في النطق اذا وجدته الا ياخذ ولا يترك
لما قالوا ان النطق ينكر كما ينكر ونسب الى صاحبه فاجابه وقال كان النطق دون كبره
لا تعرفنا وان وجدت لسانا في مغارة فخره على لسانك لصاحبه ثم خرجوا بصاحبه
ثم قالوا وان وجدت لسانا في مغارة فخره على لسانك لصاحبه ثم خرجوا بصاحبه
باب ما يكون حكم النطق **باب ما يكون حكم النطق** وروى الشيخان في الاثر عن حماد بن عيسى عن
سألت ابا عبد الله عليه السلام عن رجل من المسلمين ووجد رجل من النصوص دراهم او
والسليم لم يرد عليه قال يرد عليه فان امكن ان يرد عليه فاجب فعله الا ان كان في
بئر له النطق ليس بها فوجدها قال ان احببها وان تصدق بها فان احببها فاجب فعله
خبره بين الامم والمزعم فان اخذوا من قوله وان اخذوا من قوله وكان لا حول
قال الصادق عليه السلام البنية في التوراة عاقبة وقال تعالى واتوا بها وقال الصادق
سألني ابي ثم قال نعم الشئ البنية اتم احبته وقال رسول الله صلى الله عليه وآله
لا حبث ولا يدرى الا ان لا يحبث وقال الصادق عليه السلام في النطق ما فيه اسع
وكان عليه السلام يرد عليه الطبيب وحده واني على ما في البنية والبنية البنية
قالوا يا امير المؤمنين اليوم التوراة في اليوم الحادي عشر من رزاة وروى انه قال
لو اننا كل يوم وروى عن ابن ابي عمير عن ابي عبد الله عليه السلام قال انك تسمع
فعل من واهب ففعل من واهب ففعل من واهب ففعل من واهب ففعل من واهب
واهدى الناس لا يندبر اليك وقال الصادق عليه السلام في البنية ما فيه اسع
وبنية من واهب وروى عن الحسن بن محبوب عن ابي عبد الله عليه السلام قال انك تسمع
عن ابي عبد الله عليه السلام في البنية ما فيه اسع وروى عن ابي عبد الله عليه السلام
يتقربون بذلك ليدفع الله اليهم من مصلحتهم قلت بل قال فيقولون من مصلحتهم
وقال ان يوتي الى الطبيب ثمن طعام وعنده قوم فتمشكوا ايضا يعني انما

589

كانت القطة 12
الطبيب احمد بن محمد
الطبيب احمد بن محمد
في يوم من ايامه
لا تعرفه وان كنت

فان في هذا الموضع
من قوله تعالى
الساكنين في
الارض والذين
يؤمنون

١٥٠

[illegible]

10

قوله رحمه الله لا تسبق في الرد والافتقار لا نفهم
منه وجهه ولا في الافتقار لا نفهم من قوله لا تسبق
منه ان لا يرد الا في الافتقار لا نفهم من
الافتقار ان لا يرد الا في الافتقار لا نفهم من

29

فیروزانہ

[illegible]

التي هي في كل واحد من هذه من جهة الالهي والكل في كل واحد من هذه من جهة البشري والكل في كل واحد من هذه من جهة الربوبية والكل في كل واحد من هذه من جهة...

قال قلت رسول الله صلى الله عليه وسلم ان الله يركب اركان اربعة وهي العفة والحرية والعدل والبر...

قوله رسول الله صلى الله عليه وسلم ان الله يركب اركان اربعة وهي العفة والحرية والعدل والبر...

قوله رسول الله صلى الله عليه وسلم ان الله يركب اركان اربعة وهي العفة والحرية والعدل والبر...

بسم الله

استبكر اذ اباح فضل شيمه وروى محمد بن قيس عن ابي جعفر عليه السلام قال ان من...

قوله رسول الله صلى الله عليه وسلم ان الله يركب اركان اربعة وهي العفة والحرية والعدل والبر...

قوله رسول الله صلى الله عليه وسلم ان الله يركب اركان اربعة وهي العفة والحرية والعدل والبر...

در این کتب و سیم
دارش و قین و غیره
نظیر اوسطیست
و در حده

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين
الطراز الكرام الميامين

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين
الطراز الكرام الميامين

5127

[illegible]

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

موضع الصوت

[illegible]

فصل في

أحسن البصر في
الأمراض في
الأمراض في
الأمراض في

[illegible]

اشمیں

تَوَلَّاهُ قُلُوبُ رُؤَسَاءِ الْيَهُودِ هَرُاقْلُسَ بْنِ الْعِيسَى

فان شمر که در اصل اسم فعلی که در معانی آمده
فعلی از کتب لغوی نقل یافته اند مستحسن قلم
سپید است و بسیار مراد

حقوا حوالیہ جغرافیہ حقا ارض قوا به و استند ادوا
حسن

از فصل سیم از فصل ص

والتوجه إلى مكة في كل سنة مرة واحدة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ابنه ورجا الطوق شيع ممره الكوا

الْبَيْعُ الْبَرُّ

مدرسه علمیه اصفهان در زمان قاجاریه

١٠٠

الحمد لله

انخوان الكسره ما لو كل هذه معرب من

فت استختمه

لعلهم يسرعوا انقضاء ميثاقه العجز بغيره العجز

مستقیم در

قوت الشریعہ

2.

[illegible]

لَقَدْ أَقْنَمَهُ مِنَ الْأَرْضِ فَمَا رَاقِبَهُ وَمَعْقُوطُ قِي

فترت باقی بکسر و در مرکب قمره یا قفسه قمره
اندرو یا حسن القدم ق

فقال لكتبه في تكملة الامم

کتاب اول طبع

بقا و القسمة

المراعاة في

فصل الحکم فی مضافه این صورت الی این صورت

الحقیرت کا راز اور اس کی حقیقت

کتابخانه

بسم الله الرحمن الرحيم

387

لما اذعنوا له فخرجوا واما بعد فانه

سبحانك يا ذا الجلال والإكرام

استیضاح الایمان و التمام فی الاستیضاح

الحمد لله الذي هدانا لهذا الذي كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

بسم الله الرحمن الرحيم

وفاط الحراج و...

...

[illegible]

۱
 ۲
 ۳
 ۴
 ۵
 ۶
 ۷
 ۸
 ۹
 ۱۰
 ۱۱
 ۱۲
 ۱۳
 ۱۴
 ۱۵
 ۱۶
 ۱۷
 ۱۸
 ۱۹
 ۲۰
 ۲۱
 ۲۲
 ۲۳
 ۲۴
 ۲۵
 ۲۶
 ۲۷
 ۲۸
 ۲۹
 ۳۰
 ۳۱
 ۳۲
 ۳۳
 ۳۴
 ۳۵
 ۳۶
 ۳۷
 ۳۸
 ۳۹
 ۴۰
 ۴۱
 ۴۲
 ۴۳
 ۴۴
 ۴۵
 ۴۶
 ۴۷
 ۴۸
 ۴۹
 ۵۰
 ۵۱
 ۵۲
 ۵۳
 ۵۴
 ۵۵
 ۵۶
 ۵۷
 ۵۸
 ۵۹
 ۶۰
 ۶۱
 ۶۲
 ۶۳
 ۶۴
 ۶۵
 ۶۶
 ۶۷
 ۶۸
 ۶۹
 ۷۰
 ۷۱
 ۷۲
 ۷۳
 ۷۴
 ۷۵
 ۷۶
 ۷۷
 ۷۸
 ۷۹
 ۸۰
 ۸۱
 ۸۲
 ۸۳
 ۸۴
 ۸۵
 ۸۶
 ۸۷
 ۸۸
 ۸۹
 ۹۰
 ۹۱
 ۹۲
 ۹۳
 ۹۴
 ۹۵
 ۹۶
 ۹۷
 ۹۸
 ۹۹
 ۱۰۰

۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱
 ۴۷۲
 ۴۷۳
 ۴۷۴
 ۴۷۵
 ۴۷۶
 ۴۷۷
 ۴۷۸
 ۴۷۹
 ۴۸۰
 ۴۸۱
 ۴۸۲

می

والله اعلم
بما لا يعلمون

بیتا غرضی صفتی و
بیتا غرضی صفتی و

[illegible]

الحلف بان لا يفتي في شيء من هذه المسائل الا بعد استشارة
العلماء الكبار والفقهاء المشهورين

الحلف بان لا يفتي في شيء من هذه المسائل الا بعد استشارة
العلماء الكبار والفقهاء المشهورين

الحلف بان لا يفتي في شيء من هذه المسائل الا بعد استشارة
العلماء الكبار والفقهاء المشهورين

الحلف بان لا يفتي في شيء من هذه المسائل الا بعد استشارة
العلماء الكبار والفقهاء المشهورين

قال اذا قال رجل اقسمت او حلفت في شيء من هذه المسائل بان لا يفتي في شيء من هذه المسائل الا بعد استشارة
العلماء الكبار والفقهاء المشهورين

الحلف بان لا يفتي في شيء من هذه المسائل الا بعد استشارة
العلماء الكبار والفقهاء المشهورين

الحلف بان لا يفتي في شيء من هذه المسائل الا بعد استشارة
العلماء الكبار والفقهاء المشهورين

الحلف بان لا يفتي في شيء من هذه المسائل الا بعد استشارة
العلماء الكبار والفقهاء المشهورين

الحلف بان لا يفتي في شيء من هذه المسائل الا بعد استشارة
العلماء الكبار والفقهاء المشهورين

الحلف بان لا يفتي في شيء من هذه المسائل الا بعد استشارة
العلماء الكبار والفقهاء المشهورين

الحلف بان لا يفتي في شيء من هذه المسائل الا بعد استشارة
العلماء الكبار والفقهاء المشهورين

الحلف بان لا يفتي في شيء من هذه المسائل الا بعد استشارة
العلماء الكبار والفقهاء المشهورين

(Faint handwritten text from another manuscript page)

ان تزوج امرأه بعث اليها من ينظر اليها وقال شتم لبيها فان طالب لبيها
 عرفها وان ارم كعبا عظم كعبها قال مصنف هذا الكتاب رضي الله عنه الذي
 والعرف الى الطيب قال تبارك وتعالى وعلمهم فيما لهم رطبها لهم وقد قيل
 فعرف العود الطيب الى وقال درهم كعبا ار كعبا يقال امرأه اذا كانت كثيرة
 لحم القدر والكعب والكعب الفرج وقاله اذا اراد احدكم ان يتزوج فليان من
 كعبا من عن وجهها فان الشعر احد الباليين وقال عبيد بن ربيعة بكلمة الطيب الى الطيب
 التي اذا انفتحت انفتحت معروف واذا اامسكت امسكت بمعروف فذلك معنى
 وحاصل ما يجب وهو ان عبد الله عبيد بن ربيعة بكلمة التي ان غضبت او غضبت
 زوجها يدري بك لا انك تعلمين خبره حتى وهو ورع عاين زيات على جرة الشدا
 جابر بن عبد الله الانصاري قال كنت حديث رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم
 بعض فقال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم لا يجزى بكلمة لا يجزى بكلمة لا يجزى
 ان بكلمة الولد والود السيرة العفيفة العزلة في اهلها الذي لا يتزوج بعدا بغيره مع زوجها
 خصا بغيره التي تسع قوله وتطيع امرأه اذا اخطى بها بذلت له ما اراد منها ولم تبدل
 تبدل له الرجل وقال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم ما استخاد امرأه مسلم فادته بعد الاسلام فصل
 زوجها مسلمية ثمرة او نظر اليها وتطيعه او امرأه وتحفظ او اغتاب عنها في نفسها وما
 جاء رجل الى رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم ان لي زوجة اذا غضبت فاقضني واذا خرجت فبعني واذا
 راني معي فقلت ما لي بك ان كنت تسمع رزقك فقل لفلان بك رزق وان كنت تسمع
 رزقك فادرك الله بما قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم ان من خرج من حاله لم يخط
 الشبهة **باب المذموم من افلا في الله** وهو من عدا الله برسالة من يخطى
 اغتاب الاعداء الذين زوجة السوء وقال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم من خطبت
 العقول سلب لذي لب سكت وقاله انما الله عورة واسترو العورت بلبس

قال

يقى ما كلفت بفضل روفت من
 قد كره
 تترجت انوت ربتنا من جابت في
 تبدل احد تبتل من ربتنا من جابت في
 ان بين فاعل تبدل من ربتنا من جابت في
 فادرك لسانه الا وادرك لسانه من جابت في
 ترك الرجل فكم رزق

عق و
 اعبر الى شرف وعبادة اذها في الكلام
 لا يستدرك في

هذا هو
 هذا هو
 هذا هو
 هذا هو
 هذا هو

شهر

استروا الحق بآب كوت وقاله ان الله اخذ استحقاقه وورثه من
 ثباته عن امر المؤمنين قال مصنف هذا الكتاب رضي الله عنه الذي
 الارزقة نسوة كاشفات عاريات متبرجات من العبدان اغتات في الفسق والعين
 الشبهوات سبقت الى الذوات مستحبات مستحبات مستحبات في جنود اهل
 على نسوة فسلم عيسى ثم قال يا معشر النساء ما ريت نواخص عقول دين اذ لم ينجو
 وورث الاباب سكت اني قد ريت انكم اكثر من ان يكون يوم القياس فغير من الى الله عز وجل
 ما استطعن فقلت امرأه منهن يا رسول الله ما نقصان ديننا وعقولنا قال ما نقصان
 ولكن فتنفس الذي يعينك فتنك الذي يعينك ما ريت ان الله لا يقبل ولا يصوم ما ريت ان الله لا يقبل
 فتنها ما ريت انما شهاوة المرأة نصف مشهاوة الرجل وقال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم
 ان يكلم قائل بالي يا رسول الله فخرنا قال من شئت بكتم الذي يذ في اهلها من جابت في
 العقيم محمود التي لا تتزوج من القسيس المتبرجة اذا غاب عنها زوجها اهلها معروضا
 تسع قوله لا تطيع امره فاذ اخطى بها فاذ اخطى بها فاذ اخطى بها فاذ اخطى بها فاذ اخطى بها
 ذمها وقام النسب ثم خطبنا فقال يا النساء ما لكم وخضرا الذين قبل رسول الله
 خضرا الذين قال المرأة الحسن اني شئت السوء وقاله ان المرأة السوداء اذا كانت
 احب الى من احبها والعفسر **باب الوصية** قلت انه روي عن النبي صلى الله عليه وآله وسلم
 قال تعوا الله في الضعيفين يعني في كل سيرة والت **باب تزوج المرأة لما جاز**
 ولديها روي عن ابن عباس عن النبي صلى الله عليه وآله وسلم قال اذا تزوج الرجل المرأة لما جاز
 لم يرق ذلك فان زوجها لم ينها رزقه الله عوض جازيا وما لها **باب الاكف**
 روي عن ابن عباس عن النبي صلى الله عليه وآله وسلم قال انك تبت الى ابن جبر الذي في عيسى لم يرض خطبتي
 من خطبتي اليكم فخرت بدينه وادناه كما يما كان في رزقه وان لا تقوله كمن فتنه في
 وفي اكره وقال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم انما ابنتكم تزوجكم فكم وانكم انما فخرت فان يكره

او من ابنتكم من جبر رزقكم او من ابنتكم من جبر رزقكم
 وخرجت اليكم فقامت به من ابنتكم من جبر رزقكم
 او من ابنتكم من جبر رزقكم او من ابنتكم من جبر رزقكم
 او من ابنتكم من جبر رزقكم او من ابنتكم من جبر رزقكم
 او من ابنتكم من جبر رزقكم او من ابنتكم من جبر رزقكم

3

113

اول سبک و آواز چنانست
 که آواز چنانست که آواز چنانست
 قیاس است که آواز چنانست
 آواز چنانست که آواز چنانست
 آواز چنانست که آواز چنانست
 آواز چنانست که آواز چنانست
 آواز چنانست که آواز چنانست
 آواز چنانست که آواز چنانست

۱۱

تصغيره و همچون او بارگاه قائم را بر زمین خودی

۱۰۸

[illegible]

٢٠
 ٢١
 ٢٢
 ٢٣
 ٢٤
 ٢٥
 ٢٦
 ٢٧
 ٢٨
 ٢٩
 ٣٠
 ٣١
 ٣٢
 ٣٣
 ٣٤
 ٣٥
 ٣٦
 ٣٧
 ٣٨
 ٣٩
 ٤٠
 ٤١
 ٤٢
 ٤٣
 ٤٤
 ٤٥
 ٤٦
 ٤٧
 ٤٨
 ٤٩
 ٥٠
 ٥١
 ٥٢
 ٥٣
 ٥٤
 ٥٥
 ٥٦
 ٥٧
 ٥٨
 ٥٩
 ٦٠
 ٦١
 ٦٢
 ٦٣
 ٦٤
 ٦٥
 ٦٦
 ٦٧
 ٦٨
 ٦٩
 ٧٠
 ٧١
 ٧٢
 ٧٣
 ٧٤
 ٧٥
 ٧٦
 ٧٧
 ٧٨
 ٧٩
 ٨٠
 ٨١
 ٨٢
 ٨٣
 ٨٤
 ٨٥
 ٨٦
 ٨٧
 ٨٨
 ٨٩
 ٩٠
 ٩١
 ٩٢
 ٩٣
 ٩٤
 ٩٥
 ٩٦
 ٩٧
 ٩٨
 ٩٩
 ١٠٠

[illegible]

[illegible]

تذوق عروس تجار شاد و فرستادن
مهر آج

[illegible]

أول ما في العلم هو العلم بالعلم
والعلم بالعلم

مطهر

فالعريس المزوج ونحوه من النكاحين لولد ولعده اثنان وثلاثة والرجل شريك
الدار والركب والرجل يقدم من مكة **باب** ما يقع الرجل اذا وقت اهل قلب
الصديق عليه لم يعطى حجاب اذا نكحت عليك اهلك فختبنا صديقا واستقبل بها القوم
بغير ما كانت اعتدتها ولكلها كس احتلت فختبنا فاني ضيقت في منها ولدا فاجل
سوءا ولا تجعل للشيطان فيه شركا ولا نصيبا **باب** الاوقات التي يكره
الجماع **باب** رور سليمان بن جعفر الجعفري عن ابي الحسن بن جعفر فيها من قال سمعت
سليحا ابيد في محال الشريعة لم يقطعه ولده وورور حسن بن محبوب عن ابي ابراهيم
عن عمرو بن عثمان عن ابي جعفر عليه السلام انه كبره في محال في سائر احوال فانه
يكره في ليلة خلت فيها القوم اليوم من ترك في شمس فيا بين غروب الشمس
يعيب الشفق وبين طلوع الفجر الى طلوع الشمس في اربع السدود والجمعة والاعشاء والاربعاء
والعقبات رسول الله صلى الله عليه وسلم في ليلة خلت فيها القوم فكل ليلة فانه من شئ
وقالت له زوجته يا رسول الله يا بن انت وامى الكل هذا البغض فقال ايكم تحدث يا اخي
في النساء فحدث ان الله عز وجل في ليلة خلت فيها القوم فكل ليلة فانه من شئ
من الله تعالى يقولوا سبحان من كرم وابرارته لا يجي مع احد في هذه السمات ان
لا يتركها فزني **باب** فزني من جاهد ولده فانه من شئ هذا الحديث فيمن راجع وقال الصادق عليه السلام لا يجتمع
اول الشهر ولا في وسطه ولا في آخره فان من فعل ذلك فليس له سقطه لولد فان لم يكن
يكون محبوبا لا تراه ان يكون اكثر ما يجره في اول الشهر وفي وسطه وآخره **باب** وقال
ابن ابي عمير عن الصادق عليه السلام فيمن قطع وهو صغارا رسول الله صلى الله عليه وسلم
اجتمع وانما عيان قال ولا يستقبل القبلة ولا يستدبره **باب** وقال في ما يجتمع في ليلة
وقال رسول الله صلى الله عليه وسلم ان شئ من اجل امراته وقد احتلم فقتل من احل له امره
فان في من خرج لولد فوجوه فان يكون من لا تقه **باب** وقال رسول الله صلى الله عليه وسلم من امراته

2.7

رجل سوزن خنجر در دست و در میان دو کلاه

الحمد لله الذي جعل في كل شيء حكمة

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

الزوجة فقيهاً عتيقاً بما يصح

4

١٠٠
 ١٠١
 ١٠٢
 ١٠٣
 ١٠٤
 ١٠٥
 ١٠٦
 ١٠٧
 ١٠٨
 ١٠٩
 ١١٠
 ١١١
 ١١٢
 ١١٣
 ١١٤
 ١١٥
 ١١٦
 ١١٧
 ١١٨
 ١١٩
 ١٢٠
 ١٢١
 ١٢٢
 ١٢٣
 ١٢٤
 ١٢٥
 ١٢٦
 ١٢٧
 ١٢٨
 ١٢٩
 ١٣٠
 ١٣١
 ١٣٢
 ١٣٣
 ١٣٤
 ١٣٥
 ١٣٦
 ١٣٧
 ١٣٨
 ١٣٩
 ١٤٠
 ١٤١
 ١٤٢
 ١٤٣
 ١٤٤
 ١٤٥
 ١٤٦
 ١٤٧
 ١٤٨
 ١٤٩
 ١٥٠
 ١٥١
 ١٥٢
 ١٥٣
 ١٥٤
 ١٥٥
 ١٥٦
 ١٥٧
 ١٥٨
 ١٥٩
 ١٦٠
 ١٦١
 ١٦٢
 ١٦٣
 ١٦٤
 ١٦٥
 ١٦٦
 ١٦٧
 ١٦٨
 ١٦٩
 ١٧٠
 ١٧١
 ١٧٢
 ١٧٣
 ١٧٤
 ١٧٥
 ١٧٦
 ١٧٧
 ١٧٨
 ١٧٩
 ١٨٠
 ١٨١
 ١٨٢
 ١٨٣
 ١٨٤
 ١٨٥
 ١٨٦
 ١٨٧
 ١٨٨
 ١٨٩
 ١٩٠
 ١٩١
 ١٩٢
 ١٩٣
 ١٩٤
 ١٩٥
 ١٩٦
 ١٩٧
 ١٩٨
 ١٩٩
 ٢٠٠

الاسماء والصفات والصفات والصفات
مردود

فابيض فحسب الولد مجذوما واد ابرص فبنا من الالف **باب** التبرع عن النكاح
 قال الصادق عليه السلام اذا اتي احدكم اهل بيته ذكر الله عز وجل فانه من اهل بيته ذكر الله عز وجل عنه
 وكان من الله وان يترك الشيطان ويعرف ذلك نجاة **باب** الصدقة
 التي يجوز فيها تركها حتى لمن غدا له ثوبه وهو صرغ فان من يحيى قال سالت ابا عبد الله
 عن ارجل تكون عنده المرأة اثبت يديك عنها الا تشهد والسنه لا يقربها ليس اليه
 بما يكون لها سبب ان يكون في تلك اثباتا فان ذكرها اربعة اشهر كان اثباتا بعد ذلك
باب ما حل الله فزوج من النكاح وهو عام منه وهو رجل لم يفرغ من النكاح قال قال
 عبد الله عليه السلام لا تزوج المرأة المستحل بالزنا ولا تزوج الرجل مستحل بالزنا الا ان
 منها التوبة وهو رواه من سأل عن زنا زوجه عن ابي عبد الله قال قال سأل عن
 الله عز وجل انما جاء لايحيا الا اذان او مشرك قال ليس بشيئا وسورات بالزنا او يجهل
 بالزنا **باب** ما سئل عن اليوم منكم ثم لم يبق الاقيم عليه الزنا وشبهه بالزنا او يجهل
 لاهدان يملك حتى يعرف منه التوبة وقال في انكم وتزوج المملكات ثلث في مجلسه
 فائس تدوم الدواجم وهو صحيح عن الحسن بن علي عن ابي عبد الله عليه السلام في
 يزوج المرأة وقد طلق ثلثا كذا في بعض ما قال يدعي حتى يطلعكم في زوجه ومعه
 فيقول قد طلق فلانة فاذا قال نعم ثم كذا شئ اشهر ثم خطبها الى نفسه وفي جزاء
 عليه السلام ان طلقكم لا يخل بغيركم وطلقتم بغيركم لا تملك من النكاح شيئا وهم يوجبونها
 فان من سأل عن يدين يدين قوم زنت احكامهم وهو محسن من محسوب عن موسى
 وبن جبره من سأل عن ابي عبد الله قال سالت عن ارجل من سأل تزوج النكاح
 واليهودية فقال اذا اصاب منه فليصنع باليهودية والهضرا فقلت يكون زنيا
 السور قال فان فعل فليس منه ما شئت بآخر وكل حكم اخبره واعلم ان عليه في دينه
 تزوجا يا ابا غسانه وهو الذي يحسن من محسوب عن الحسن بن رزين عن علي بن مسلم

五

[illegible]

الشيخ الفاضل المصنف المجلد

7. A

[illegible][illegible]

دربخ الکرم و در افق کف و در اربع الکاف

عنه ثم قدر وضعه بين امرأة وتعلل كان ذلك
منه بين فحل واحد مرة

۱۰۰

३.७

فقد ارجعته الى رقبته ووجهه وسميت به وخرجت
في وقت مبكر فخرج فان الترويح بعد الصبح
انما يكون في جانب الرجل

[illegible]

الاعقاب من ابناء الكوفة

جعفر بن محمد بن عیسیٰ علیهم السلام ان علیاً عیسیٰ قال اذا اذخعت امرأة فاقضت فلیکسر
قیضها فانکنت قوه فلیکسر الصدق . وقال الصادق ع انی رجل اقرانه فغضب رجلاً فبانت
وقد ولدت بحاربه من الغضب قال فزاد تجارته وولد له من الغضب اذا اقره ذلك
ما کنت عیدت به . وروى عن الصادق ع ان الحسن بن علی بن ابراهیم قال فزاد ابراهیم اقرانه
فقد تده منظره او تده من بناته ثم خرج کما عاده الی زوجها . وروى عن رجل من اصحابنا
قال کنت اشد اجمع عرس کون لثبات الحار فزوج واحدة منهن ولم یسم العی
زوج الزوج ولا الشهود وقد کان الزوج فیض له صدقاً فتابع ابن بدیل من ابنته الزوج فلیق
الزوج ابناً الکبر وکان الزوج یسب ابناً تزوجت منک العصور من سبک فقال اجمعوا ان کان
الزوج حراً من کلین ولم یسم له واحدة منهن فالتوا فی ذلك قال لا یثبت الاب فیما بین
الصدوقین ان یقع الی الزوج بحاربه العی فی غیره من زوجها یا عده عقد النکاح وان کان الزوج
لریره من کلین لم یسم واحدة منهن عقد النکاح فانکسر باطوره وروى عن رجل من
محبوب عن رجل من اصحابنا قال فزاد ابراهیم اقرانه فزاد ابراهیم اقرانه
على ابراهیم اقرانه فزاد ابراهیم اقرانه فزاد ابراهیم اقرانه فزاد ابراهیم اقرانه
انقرم الصدوق والایوب واحده منها امرأته حتى تقضى العدة فاذا اقضت العدة صار کما
امرأة منها الی الزوج الا ان کان النکاح فلیس له فان ما تباع قبل انقضائها العدة فلیزوج الی
بنصف الصدوق علی مثل وثمنها ویرثها انما الرجلان یفرقان مات الرجلان وجمعی فی العدة فان
ترثها ولها نصف المهر وعلیها من العدة بعد ما تفرقان من العدة الا ان تفرقان عده المتوفی
عنه ابراهیم وروى عن رجل من اصحابنا عیسیٰ بن جریب قال کنت اشد اجمع عرس کون لثبات
ابنته فامر بعض اخوته ان یزوجها بنته الی خطبتها وان الرجل اخطأ باسم حاربه وکان
فستاً ما یفراسها ویسب الرجل ابنته باسم الزوج فوقع عدا لیس وروى عن رجل من
زید بن جعفر بن محمد بن عیسیٰ علیهم السلام ان علیاً عیسیٰ قال کان النکاح الیوم فی الاسلام

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

والتعريض
والنقد
والمدح
والشتم

۱۶۴۲

باجاره بان بقول اهل غلظت که اگر او را استعانت از تو دخی احکام و اینک قال
حرام لانه نشن رقبته و بی حق بهر **هـ** و فی حدیث آخر ان ملک نما که ای سخی که می
خویش ای سخی بی بیوت قبل لوف ادم لا یفونی با تم الایین **و** در و حسن بن محبوب
تر پس بل عن ابی عبیده الله قال سئل ابو جعفر عن خصی فروج امرأة و حی تعلم
خصی قال جاز فی ذلک مع ما مات الله ثم طلقها بن عبد الله فأنقسم المهر و قد
سنة قبل فی ذلک من عبد الله فیکون منها و منه غسل قال کان ملک سنة انت فار
فان عبد الله غسل قبل فذلک برجع بشی من الله ان اذا طلقها قال **و** در و شراب بن
عن عبد الله بن بکر عن ابيه عن حماد بن عبد الله عن خصی لخصی فادارة سنة فزوجها فقال
بنها ان شات المرأة و یوجع راسه قال ان رغبته و ان شات مع لیکن لا بعد ان
ان تالی **و** در و صفوان بن سخی عن ابی جریز القری قال سالت امامی عن ازوج اخي فم
اخي سأل فی قال ابو الحسن علیه السلام زوج انما اياه او زوج اياه **هـ** و در و محمد بن
ابی جعفر انه قضی رجل زوج امرأة و احد قته بی و اشتراط عیدین بیدایه و ایضا
قال فانما السنة و ولیت فجاءت باه و قضی ان عبد الله قال و میده ایضا و الطاهر
و ذلک السنة و قضی امیر المومنین عن ابی امرئین کله اجدید رجل ثم طلقها و حبس فی
خطب احتها فخصی فی معها قبل ان تنقع احتها المطلق و لوله فادارة بان یطلق الاخر و قضی
احتها المطلق و لوله ثم خطبها و یصدقها هذا امرتین **و** قضی امیر المومنین علیه السلام
على لانه و لا یسک الا علی الحرة و من تزوج حرة فانه قسم لفرقة ضعیفی فیسک لانه
و نفقه و لانه ان شات لوله و غنی **و** در و حسن بن محبوب عن حماد بن مسلم
عن ابی عبد الله عن حماد بن جعفر و ذیة علی سلیة قال یفرق بینها و یضرب فی الله اثنا عشر
و نصف فان رغبته لیسک ضرب فی الله و لم یفرق بینها قلت و کیف یضرب نصف
لوفه الموطأ نصف فیضرب **و** در و بی سر محسوب عن حماد و ابی عن محمد بن مسلم

20

[illegible]

و اما مع مشاهد و جزایه و مع
موقع خاص که از این درستی و حکمت مشاهداتی
و فان علیهم السلام جزایه و الله در این کتب
علیه و بعضی نسخ از این کتب در کتب معتبره است
فصلی است در حواله تقدیر و تولد
و اصل از جریان و الله در این کتب معتبره است

قوله ففقدني ان عليا لصدائق اول علي الشرف
الفاقد فاسد ولا تبطل القيمة

توفاه في المطبق الاخر بعد ان تم الطلاق
بمع الغدير ثم انطلق الى الكوفة فمعه
وغيره الصديق بن عمر واطفاله فاحضروا في
المنطق

المصنف عاشر

ورد

ضعفه مشاءه و احتفا في انشا لو كون انما نصف
معه في النفس عطف نصف حقه ان في ان في نصف
جسدي الماكول و الميكس الا قد انش لازم في ان كون
و قد انش في ان الميكس مود

غير من غير واحد من بس كم قال قت الرجب يكون غدة المرأة تخرج اخرها ان غدتها
فمن انك نت كذا فبعد ايامه وانك نت ثانيا فثلاثة ايامه وروى الحسن بن محبوب عن ابي
الكنزي قال سالت ابا عبد الله ع عن رجل اربع غدة فحييت غدة ثلث مشيها ليس
بسن فاذابت غدة الرابعة في لبسها لم يستم فمضى عني في هذا الشيء قال نعم عليه
غدة في لبسها ويغسل غدة بصبغها وليس عليه ان يجامعها اذ لم يزد ذلك وروى
محمد بن سلم قال سالت عن رجل يكون غدة امرأتان احداهما احب اليه من الاخر فقارن
بأيهما ثم لبس لبسها وان خسر لم يستم فاش وان تخرج اربع غدة كان لكل امرأة غدة واحدة
لان الفخذ يغتسلها بعض لم يكن اربع قال قال ابو جعفر فتخرج اثنان على المائدة ولا تخرج
الاثنان على المائدة فليكن الاثنان ولا تخرج الاثنان وليد وروى موسى بن بكر عن
قال ان ضرب كان تحت ابنته ثم ان فجل لبسها ان لا يتزوج عليها ولا تستمر البواقي في حياتها
موتها على ما يحب ان يفسر لا يخرج جسده وجعل يغسلها كل يوم والنعمة والسهر والغدة
لها مكانة في مسكن وفي كل عبد لها حزن ان لم يفسد كذا ما منها لفساد جسمها في الدنيا
فذكر ذلك فقال ان لا تستمر ان حقا ومن لم يفسد ذلك ان لا تقول اي اذهب فتخرج
وتستر فان ذلك ليس بشيء في الجاه بعد ذلك فستر فولدت بعد ذلك ولدا وروى
عن يونس عن عبد الله بن جابر عن ابي عبد الله ع قال سالت عن رجل يتزوج ولدا فها
باسن لما يكره في الفاروا وما قوله لم يصبك انما المرأة وما قال قت فافس شره في
الولد الزنا قطا قال باسن وروى عن رجل عن شرة في رجل ان يفسد ع قال قت لا تفسد
فانك
رجل وانك تخطب امرأة الى نفسها وما خرج فزوجة نفسها وما خرج فزوجة المرأة على
نعم قال ليس بشيء ففعل رجل ان تزوج قال نعم وسال حماد بن عيسى ابا عبد الله ع
كتر تزوج العبد قال لا بل ع قال ع لا يزوج امرأتين وفي حديث آخر تزوج العبد

هجرة فان تزوجت حرة على م
 واد بالقسمة الزوجية انقبه

اولاد اولاد

الفرج محمد عابد ص

2

منه على ان لا يفرغ من شغل حتى يفرغ من شغل
وحذا ان يفرغ من شغل حتى يفرغ من شغل
منه على ان لا يفرغ من شغل حتى يفرغ من شغل

قوله في جميع ذلك لئلا يشك في صحة ما
انه متحقق في جميع ذلك لئلا يشك في صحة ما
كان من فعله في هذه الحالة
فانه لم يكن له في هذه الحالة
تتصف به ولم يكن له في هذه الحالة
فانه لم يكن له في هذه الحالة
قوله في جميع ذلك لئلا يشك في صحة ما

[illegible]

حسن بن محمد بن حسن
قوله في قوله
قوله في قوله
قوله في قوله
قوله في قوله
قوله في قوله

[illegible]

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

[illegible][illegible]

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

[illegible]

تسريح المرأة تطيقها في
قرو لها ما احدثت تسريحها
ليس لها ما احدثت تسريحها
فجوابه ان لها تسريحها
والا فليس تسريحها
سبحان الله الذي خلقها

[illegible]

(Faint handwritten notes in Persian script)

[illegible]

تعلی الماده بایست که در کتاب کشف الحقائق
چون در این مصنف می باشد

[illegible]

المستقبل العظيم
المستقبل
بنية المستقبل
في سنة مائة
لنحو

تقریباً ۱۰۰ نفر از غنیان و اشراف و اعیان
نزدیکه ۱۰۰ نفر از اعیان و اشراف و اعیان
۱۰۰ نفر

فولم كدرته البخار او صباغته في قبح فعلها
انه اثر في البخار بل في قبح ما يقبل الكدرة من غير
ان يكون البخار او في ريش وعلته او في اللطيف حده

22

البيع بالکسر البیاض مع مسح ق

وخلقت راسها ولبس الحسج فبلغ ذلك النبي فقال ان ذلك لا يغفر شيئا **باب**
استبراء الامارة وروى عبد الله بن الحفص عن عبد الله بن سنان قال قلت لابي عبد الله
اشترى رجلا من اهل الامون فخيرني انه لم يستبأ منه فقلت خذوه وطهرت قال
يا خير ان يا تيمم حتى تستبأ منه فخيرته ولكن لم يخر لي من وادى فخرجت ان الذي استبأه
ثم يا تيمم من قبل ان يستبأه من فادى ليك رثاة يا مولاهم وقال ابو جعفر عيسى وادى
الرجل حابة وهر لته دك وقد تمس بحض فباستين بن راسبتر بها وروى
محمد بن سنان قال سالت عن رجل اشترى حابة ولم يكن صاحبها ابدا يستبأه من رثاة فقلت
جارية لم تحض كيف يصح بها قال لا رثاة له فان انا فادى لتي حتى يستبين رثاة جارية
قلت لا في كتم يستبين ل ذلك قال في ثوب واربعة سيرة واثقة **الحكم**
يتزوج بغير اذن سبيته وروى موسى بن بكر عن زرارة قال سالت ابو جعفر عن رجل تزوج
عبدته امرأة بغير اذنه ففضل بها ثم اطعم على ذلك مولاه قال ذلك مولاه ان شاء الله
وان شاء اباه رثاها فان فعلت فزوج بها فله رثاة اهاه قبا الا ان يكون اعمه رثا فادى
عده اقل كسرة فان اباه رثاها ففادى بها كسرة الا ولا نقضت لابي جعفر فانه في مثل الحكم
فادى بها فقال ابو جعفر انه اني شيئا حلالا وليس بعاصية ان ارضى سبيته وروى
عز وجل انك ليس بائنا ما حرم الله عليه من كل في ثوبه واسباه ذلك وروى
ابن بن عثمان ان رجلا قال لابي عبد الله الطائفي قال قلت لابي عبد الله اني كنت
رجلا موقعا فزوجت بغير اذن مولاي ثم ارضيتني فادى بها كسرة فقال لا رثاة
لك تزوجت كسرة فادى بها كسرة وروى عن اباه رثاها فادى بها كسرة فقال لا رثاة
لك **باب** الرجل يشترى رجلا رثاة ورجل يبيع رجلا رثاة وروى عن اباه رثاها فادى بها كسرة
بن رثاها فادى بها كسرة وروى عن اباه رثاها فادى بها كسرة فقال لا رثاة
بئس صنع قتلها فادى بها كسرة وروى عن اباه رثاها فادى بها كسرة فقال لا رثاة

الحمد لله الذي جعل في كل شيء
دلالة على قدرته وكرمه
وآياته العظمى والجليلة
والتي لا يحيط بها عقل ولا عين

۲۱۵

و اما منتهی علیه السلام و آله و سلم
در حال غایت فقر و تنگدستی

فقد جفت فدايانه و فدايانه خدا را

وغيره واوله على غير الراجح واما على غير الراجح

الكرامة خاتين فعل القدر

تعالی و حضرت امیرالمومنین علیه السلام
حضرت امام علی علیه السلام

في حقه قوله

34

[illegible]

قبول العبد لانه قبول من جانب العبد فيكون

و کفر است و اینها یعنی العبد تو را بدو باید و نباید هر دو
و هر دو را از او بداند و از حق و باطل و از هر دو طرف

ابن ابی ذر السید الجعفی فی شهر رجب ۱۰۸۰

فی باب السلوک که تیرجیع بغیر از آن رسیده ام و قوله

مسابقہ

۲۲

للعقد والحقه قد وقع كذا لا بأس بكتا واعلم انه الحق منها **باب** **طلب في العدة** الطلاق
 العدة وانما اذا اراد الرجل ان يطلق امراته طلقا على علم من غيره حتى يثبت برين عدلين ثم
 يراجعها من يومه ذلك وبعده لا يقبل ولا تحضر وليه حتى يثبت على وجهه حتى يتحقق فاذا خرجت
 يخطبها طلقا طهيتا اخر من غيره وليه يشهد على ذلك ثم يراجعها متى قبل ان تحضر
 يشهد على رجعتها ولو اتعها وكون من ادان تحضر الحجة الثانية فاذا خرجت من حضانة طلقا
 وهي طاهر من غيره وليه يشهد على ذلك فان فعل ذلك فثبتت منه ولا تحل له حتى تنكح زوجا
 غيره وادنى المراجعة ان يلقيا او ينكح الطلاق يكون الكسار الطلاق راجعة ويجوز الرجوع
 شهودا كما يجوز الرجوع وانما يكره المراجعة بغير شهود من جهة احد وود واهوارب واستساق
 ومنطلق امرأة للعدة ثلثا واحد اجد واحد كما وضعت فزوجت المرأة زوجها آخر وليس بطلانها
 او مات عنها قبل الدخول بها فحدث لمرأة ذكر زوجها الاول ان تزوجها حتى يترجمها رجل آخر
 مسيلتها ثم طلقها او موت عنها فعدة من ثم ان اراد الاول ان تزوجها حتى فان تزوج
 رجل متعة ودخل بها او فارها او مات عنها لم يكن له زوجها الاول ان تزوجها حتى يترجمها
 آخر تزويجا ثانيا ويضمن ما يكون قد دخلت في مثل ما خرجت منه ثم طلقها او يموت عنها
 من ثم ان اراد الزوج الاول ان تزوجها حتى فان تزوجها بعد فمواحد النازح وكذا
 امرأة للعدة فكل زوجها غيره ثم تزوجها ثم طلقها للعدة فكل زوجها غيره ثم تزوجها ثم طلقها
 فثبتت منه ولا تحل له بعد تسع طلاقات ابداء ورجوعه ففصل بين هذا وبين الذي عليه
 قال ابن تيمية ان من دخل من نكح من امرأة المتعداة قال الرجل طلق حتى اذا كانت
 ان نكحوا جازا رجعتا ثم طلقها ففصل ذلك ثلث مرات فبقي ما خرج من ذلك ورجوعه
 عند الذكر من عرضي حسن بن زياد عن ابي عبد الله قال لا ينفق على رجل من طلاق امراته
 ثم يراجعها وليس فيها حجة ثم طلقها فعدة الا ان طلقها من غير طلاق
 الا نكاحا وروي انه من الرجع الحق في عرضي من نكاح ان اباحه الله تعالى

۲۴۷

[illegible]

وان لم يسم لها مراهقاً شيئا ويسل للمنفق عنها زوجها كسني ولا نفقة. **وسئل** عنها
 اباعدها بعد ثمن من تزوج امرأة بلفم رسم فاداما ابها فوشبها له وقالت انما فلك
 فطقتا قبل ان يدخل بها قال يبيع عليها بثمان مائة درهم. **وروي** عن علي بن رباب عن زرارة
 عن جعفر قال سئل عن امرأة وابنه دخل بها او لم يدخل ونمض قبل ان يطلق. **وقضى** امرأته
 في المرأة توفي عنها زوجها ولم يسمها قال لا شيء حتى تعد اربعة اشهر وعشرة ايام بعدة المتوفى
 عنها زوجها والمطلق تعد من يوم طلقها زوجها والمتوفى عنها زوجها تعد من يوم طلقها
 لان هذه تعد والمطلق لا تعد. **وكتب** محمد بن الحسن البصري الى ابي محمد الحسن بن عبيد الله في امرأة
 عنها زوجها وهي في عدة نسبه وهي تحب ان لا تحل له ان يتفق عليها ويخرج لها من كل يوم
 لها ان يخرج وتخرج من منزلها للعلم والى ما قد وقع من لا باس لئلا يسهل الله تعالى. **وسئل**
 الت باطل باعدها بعد ثمن من المرأة يموت عنها زوجها هل يحل ان يخرج من منزلها في عدة
 نعم وتختص بدين وتعلم في مشط وتبيع وتبيع وتبيع وتبيع ما رت بغير زينة
 وفي خبر آخر قال لا باس بان يخرج المتوفى عنها زوجها وهي في ذمتها وتقتل من منزلها
 منزلها **باب طلاقها** **روي** عن زرارة عن جعفر قال طلق امرأته واحدة فاداما
 وضعت ما في بطنها تعد بانته من وقتها واولات الاحمال اجلس ان يضع
 فادامتها الرض فوضعت من يومها ومن بعد هذا انقضت عليها وجاز لها ان يخرج
 لا يدخل بها زوجها حتى تظهر وانجلى المطلق تعد باعد الاجلس ان مضت بها ثمانية اشهر
 تضع هذا النفقة عدتها من ولكتها لا تزوج حتى تضع فان وضعت قبل ان تضع ثمانية اشهر
 انقضت عليها وانجلى المتوفى عنها زوجها تعد باعد الاجلس ان وضعت قبل ان تضع ثمانية
 اشهر وعشرة ايام لم تضع عدتها حتى تضع اربعة اشهر وعشرة ايام وان مضت لها
 اشهر وعشرة ايام قبل ان تضع لم تضع ثمانية اشهر حتى تضع. **وروي** عن زرارة عن جعفر
 عندها ثمة قال سمعت يقول انجلى المطلق تنقض عليها حتى تضع عدتها وهي احر بولدها ان

في بطنها

بغير

بما تعد امرأة اخر يقول انه خروج من انفس والدة بولدها ولا يولد له بولده. **وسئل** الوارث
 من ذلك اباعها بثلثمائة دينار بغير رضاها ويسل ان تاخذ في رضاها فوفى ثمن
 كما طهر فان اراد المطلق قبل ذلك عن تراخي منها كان حسنا والمطلق هو المظالم
 روي محمد بن الفضل عن ابي الصباح الكوفي عن ابي عبد الله في المرأة وانجلى المتوفى عنها
 تنقض عليها سن ثلثة اشهر في بطنها. **وفي** رواية السكوني قال قال علي بن محمد
 المتوفى عنها زوجها من جميع المال والديني بدينار الكافي وروي محمد بن الحسن
 عن جعفر قال قال علي بن الحسن بن عبيد الله في امرأة توفي عنها زوجها وهي في عدة
 تنقض اربعة اشهر وعشرة ايام ثم خرجت تنقض لغير ثمن لان خطبها حتى تنقض
 فان اولها المرأة الكحل اياما وان شراوا مسكولا فان مسكولا ردا عن ثلثة اشهر
 عبد الرحمن بن يحيى ابا ابراهيم عن محمد بن يحيى بطريقها زوجها ففقد سقطا ثم روي
 مضطرا تنقض بذلك عدتها فقال الحسن بن عبيد الله في ثمنها ثم روي بغير ثمن
 عدتها وان كانت مضطرا قال سمعت يقول انطلق الرجل امرأته فادامت انما جلي نظرت
 ثلثة اشهر فان ولدت وان اعدت ثلثة اشهر ثم عدت منه. **وروي** عن ابي
 عن ابي الحسن بن ابي سعيد عن ابيان عن غياث عن جعفر بن محمد عن عبيد الله بن محمد
 قال روي انجلى المرأة ثلثة اشهر وانما تنقض لستين. **وروي** عن ابي الحسن بن محمد بن عبيد الله
 عن ابي عبد الله في الرجل يطلق امرأته ويخرجها قال يطلقها قلت يراجعا قال لا
 يراجعا قلت فانما يراجعا ما راجعا ان يطلقها قال لا حتى تضع. **وسئل** الصادق
 عن امرأة تطلق زوجها ثم يراجعا ثم يطلقها ثم يراجعا ثم يطلقها ان كانا
 منه ولا تحل له حتى تنكح زوجا غيره **باب طلاق** **روي** عن ابي جعفر عن ابي عبد الله في
 انجلى المتوفى عنها زوجها ثم يراجعا ثم يطلقها ثم يراجعا ثم يطلقها ان كانا
 حكيم عن عبد الصالح قال قلت له انجلى المتوفى عنها زوجها ثم يراجعا ثم يطلقها ثم يراجعا

مسلم ابو جعفر

البرهان

عند حاجته ولا يبرئ من عند شهود من البرج لمن لازم وإن أمرت وهو لم يبرئ
وإن تجوز لا يشكرن الكثير إذا شغل العقل ليس يحرق ويحفظ الشريعة بها فليس
ويجوز من في الطغيان ويصدق من المشيطان قد أروهن على كل حال أحسنه ليس
لنفسه حسن الفعل وروى عنه ابن مسكان عن أبي عبد الله قال إن الله عز وجل خلق
يملكهم لا خلق في حقكم فأنتم في حقهم والله عز وجل وأمره الله في الدنيا
منها فذكره عشرة أبيضين والقائه العبر وكشفكم حسن الحق والحق فيكم
والشجاعة والروية وقال رسول الله من أراد الدنيا أولاً فقد خسر الدنيا وما فيها
ويحفظ الروايات ويقرر في سنة الله قبل رسول الله وما عهد الله أن يفعل قال قتادة بن
إذا قامت المرأة عن مجلسها فجلس احد في ذلك المجلس حتى يبرأ وقال الصادق
ثم بعد من البدن وربما قتل رجل يحارب على البطون والفتيان على الاستار ويكفح الجباة
وقال ثمة من اعتاد من البر من علم الشر وتبني الثوب والحق الامانة وقال في حكمة
الرواية ان بيت الرجب عن سره لا يبرأ من بعده وقدرت بطون ملعون من خلعهم
وقال رسول الله خيركم خيركم لا يهدوا ولا يخرمكم لا يمل وقال في حكمة الرضا
الصادق ورجل حسن خلقه الى امرائه وقال ابو الحسن موسى بن جعفر في حكمة الرضا
فمن اعلم الله عليه نفعه فهو من امرائه فان لم يفعل او شكك في نفعه فقال في حكمة
في حكمة لانه خير من يفتي يا بني اذا فويت في قولك طاعة الله او اخفقت فاضعفت
فخرج ان يستطقت ان لا تملك المرأة من امرها ما جاوز نفسها فافق فانه او يوم لها
لها ما وحسن لكانها فان المرأة ديانة وليست بقرابة فدارها في كل حال حسن
لها لم يضره شك وروى عنه ابن مسكان عن أبي عبد الله قال انكروا الشرم عند حالكم
في شدة في المرأة والذابة والدارق ما شوم المرأة فكثره مبرأ وموقوف زوجها واما المرأة فقلوبها
ومعها طهره واما الدار فليس مباحا وشربها وكثرة عيوبها وروى عن جابر بن عبد الله

نظم

قال رسول الله قال من سجد لسانه لربها من دابة حتى يبارك كثره فهو ليل
فان كثره فهو من ليل سبع اربعين يوما ليلته وروى عن سليمان بن جعفر الجعفري
عنه ابن مسكان عن أبي عبد الله قال في حق من سجد لسانه لربها كثره فهو ليل
ان الله عز وجل كره لكم اثبات الامة اربعين وخمسين خصالا منها كرهنا كره كمال العبد في
وكره الله في الصدقة وكره الخبيث من السجود وكره القطع في الله وكره النظر الى عورة
الانثى وقيل في سنة النبي وكره الكلام عند الجاهل وقال في حكمة من سجد لسانه لربها
الآخرة وكره الحديث بعد الصلاة الآخرة وكره الفل تحت السماء ان يميزه كره الجاهل
وكره دخول الدار من غير رخصة وكره الدار من غير رخصة من البيت وكره دخول الدار
بغير رخصة وكره الكلام من الاذان والاقامة في صلاة الفداء حتى تنقضي الصلاة وكره ركوب
في بيت الله كره النوم فوق سطح غير محرم قال من نام على سطح غير محرم فميت منه لانه وكره ان
ينام الرجب في بيت الله وكره للرجل شرب المرأة وبيع طيفه ان شربها فخرج الولد منه
او ابرس فدا من الله وكره ان يمشي الرجل للمرأة وقد اقبل حتى يغسل من غسله
دارق فعل فخرج الولد مجسونا فدا من الله وكره ان يمشي الرجل للمرأة قد اقبل حتى يغسل من غسله
وينتفع زدرار وقال في حكمة من كره ان يمشي من الله وكره البول على سطح حرم
وكره ان يحدث الرجل تحت شجرة شجرة قد اجتمعت او قد اجتمعت في اثره وكره ان يشعل النار
ويفوقه وكره ان يدخل الرجل البيت العظيم الا ان يكون بين يديه سراج او نار وكره
منع في الصلاة وقال في حكمة من لا يخلو احد ان يمشي في المسجد الا ما دخل على غيره من
سكان من البيت فانهم يسمون وقال الصادق في حق العبد بن مريم ما كلك تخرج فقال
بالتبريد قالوا لولده كلك لدقان ما صنع بالاولاد ان شوا اقتوا وان ما تواروا خولوا وان
النسب في قولهم في دنياه اللهم اني اعوذ بك من ان يكون عني قسمة ومن ان يكون عني قسمة
ومن زوجة تشين قبل والاشي من خيل ما عينا ترائي وتليد برحاني ان راخي

ان يوجب وقال من لم يرض بما قسم الله له من الرزق وثبت مكواه ولم يصبر يوم
لم يرفع له حسنة وعلق استخفافه في يوم القيامة ان الله ان يوجب وثبت ان يقال ان
مشية وقال من يسلق بافتال في حياض الله به من شجر جبرم وكان قرن قارون
لانه اول من اختل خلف الله بعبادة الاضغ من اختل فقد نزع الله في جبروته وقال
من ظلم امرأه مودة فهو عند الله ان يقول الله عز وجل يوم القيامة جبرم من جملتك امي على حدة
فلم توف بعد وطلعت امي فبوعده من حسنة في دفع اليها بقدرتها فاذا اتى الله حسنة
به الى الله ربحه الله ان الله كان سئولا ومن كان له مشادة وقال من
فاته التوبة والاعمال بعد على راس الحياض وهو قول الله عز وجل لا تحزنوا ان الله غفار رحيم
من يكتم ما فاته التوبة وقال من لم يرض بما قسم الله له من الرزق وثبت مكواه ولم يصبر يوم
لم يرفع له حسنة وعلق استخفافه في يوم القيامة ان الله ان يوجب وثبت ان يقال ان
مشية وقال من يسلق بافتال في حياض الله به من شجر جبرم وكان قرن قارون
لانه اول من اختل خلف الله بعبادة الاضغ من اختل فقد نزع الله في جبروته وقال
من ظلم امرأه مودة فهو عند الله ان يقول الله عز وجل يوم القيامة جبرم من جملتك امي على حدة
فلم توف بعد وطلعت امي فبوعده من حسنة في دفع اليها بقدرتها فاذا اتى الله حسنة
به الى الله ربحه الله ان الله كان سئولا ومن كان له مشادة وقال من
فاته التوبة والاعمال بعد على راس الحياض وهو قول الله عز وجل لا تحزنوا ان الله غفار رحيم

على

لما سئل عن رسول الله ان يبيع الله عونا جارة وقال من شبع من العون جارة
استخيره يوم القيامة ووثق الي نفسه ومن لم يخل الى نفسه فما اشبه حاله وقال اي امرأة
زوجها بفسنها لم يقبل الله منها حرفة ولا عذرا ولا حسنة من غيرها حتى ترضى وان كانت
وقامت ليديها واهتفت الرقاب حملت على حياءه في سبيل الله كانت اول من
النار وكذلك اجزاء الاكل من لظلم حرم الله عليه ووجهه الله عطاءه يوم القيامة
وحشده من عذره حتى يرضى من الله ان يوجب ومن مات وفي قلبه حسنة لم يمسح الله
في خطيئته واصبح كذلك حتى توب ومن عصى الله في حق الله من كتاب الله لم يمسح الله
وتعصم من عذره وجاز يوم القيامة يفرح من عصى الله في حق الله من كتاب الله لم يمسح الله
فان مات قبل ان يتوب لم يمسح الله حرم الله عليه ووجهه الله عطاءه يوم القيامة
الغفارة وحاشه الخطاة الله اجر شهيد الا ومن يقول على حدة في عيشه سعيه في حق الله
عنه رواه عنه النبي في الدنيا والآخرة فان يمول يرداه وهو فاعلى ردها كان عليه
من فاته سبعين مرة وثبت رسول الله صلى الله عليه وسلم عن عيسى انه قال من مات في الدنيا
لم يرد الى الدنيا ثم ادرك الموت مات على غير الحق وعلق الله به عذره في حق الله
شهادة زور على احد من الناس فحق بئس الذم في حق الله في حق الله في حق الله
ومن استمر رجاؤه وهو يعلم فوكا لدرهنا ومن حجب عن اخيه مسلم شيئا من حرمه
الله عليه بركة الرزق الا ان يتوب الله ويحسن فاحش فاف ما فوكا لدرهنا ومن احب
اليه اخوه مسلم في قرض هو يقدره فلم يفعل حرم الله عليه ربحه الله ومن حجب عن اخيه
شيئا من حرمه الله عليه في ذلك الاجر اعطاه الله ثوابه الا ان يتوب الله ويحسن فاحش
ترقى بزوجها وحده على لا يقدر عليه وما لا يطيق يقبل الله منها حسنة وعلق الله به عذره
الا ومن كرم الله عليه مسلم فاف ما فوكا لدرهنا ومن حجب عن اخيه مسلم شيئا من حرمه
وقال من لم يرض بما قسم الله له من الرزق وثبت مكواه ولم يصبر يوم

صبر

ان خبر من استأجرت القوم لا من قال انما شيع يا بنيت يا اوتى من ذخر غنمته في الخ
والاس من ابن غنمه قالت يا ابت اني مكنت قدامة دارك من غنم من غنمك فان ضللت
فارسه بيني الى الطريق فانهم لا ينظرون اذ دارت **وقال رسول الله يا ايها الناس**
انظروا من لديكم فان من كان فيكم شيئا فليأت اهل **دروا** فان من علم بغير علمه
من حرمه على بصيرة قال استأجرت اجد الله من الرجل يعرض الامانة ان يشترى بها
يا من ان ينظر الى ما حسنه ويستحسنه ما ينظر الى ما شيعه في النظر اليه **يا عاقل**
قال رسول الله ابن عجل بني آدم عند اعظم عند اسد غنم من جمل غنم شيعه او هم لم يكتف
التي حبس الله فيها لعباده او افرغ ما فيه في امرأة خرافة **وقال رسول الله** انما يورث
الغنى ويورثه الديار بلع **وقال** ما تجت الارض لي ربا كعجب من شئ مني من ربا كعجب
عليها وانفتحت من ربا او انهم عليها قبل طويش **وفي رواية** عبد الله بن مسعود عن
محمد بن سيبه عليه السلام قال قال العجوب **يا بنو يوسف** يا بني لا تزلن فال بطير ولا تزلن
رئيس **دروا** وروى عن ابى المقداس عن ابى بيشر بن جعفر قال قال نيا اوجى اسد غنم الى ابو
بن خراش من زنارني بدار وفي العقب من عبد **يا موسى** بن خراش عفا بكنة
موسى بن خراش انما اوردت ان يكفر من كيك انما يا بن خراش ككاهن من خراش
بعد رسول الله النبي فقال لعنه الله لكلم الله يوم القيامة ولا ينظر اليهم ولا يكرمهم ولا يورثهم
الشيخ الزاني والديوث والمرأة تولى فراس من رجا **دروا** عن ابى بيشر بن جعفر
قوات في بعض الكتب قال اسد تبارك تعالا انيس من رضى يعرض ليمان النكاحه ولا
منى يوم القيامة من كن زانية **وقال الصادق** خير من ابى كره كره انما كرهه فحقوا
الناس تعفت اكرم **وفي رواية** ابراهيم بن ابى البكر قال كانت امرأة من عبيد اوتى
يا تبارك رجل يستكرهها على نفسها قال فاني اسد غنم من جمل غنمك فقلت لا املك انما تني توترة
وعذا اهلك من يا تبارك قال فذمت اهل جود خذ اهل رجلا فاني لا املك او تة فقال عني

۱۲۸

اني انا لم يوت الى احد قال ما اكلت حديثه اذ وجدته ابي قال وحي اسد فويل الى ابي
 حقل كما تدعى من تدان . وروى العلاء بن رستم بن سلم قال قال ابو جعفر اذ اراني الزاني خسر
 الايمان فانك ستفقد عاذا اليه قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله اني اراي من زنى وهو مومن ولا
 يشرب الشرب يشرب حبس يشرب . وهو مومن قال ابو جعفر عاذا اليه قال قال ابو جعفر اذ اراني الزاني
 فارقد روح الايمان قلت من يفسد الايمان شي او قد اتخلى جميعا قال لا بل يفسد
 قام عاذا اليه روح الايمان **باب** في محبة العزير والجم والفقير وضيق في الزنا
 العاظم من محمد بن عبد الله بن شريك بن سليمان بن هاشم قال قال ابو جعفر عاذا اليه
 فقال جعفر ما اكل الرجل من الرجل في الحاف واحد فقال واخبر فقال قال ابو جعفر
 ثلثين سوطا ثلثين سوطا قال فانه قال ان كان دون الثلث فحي وان هو كان ثلثه
 قاتل ثم ضرب ضربا بالسياط فخذ السيف منها اصد فقال ثلث لوفو فقال قال ابو جعفر
 فانه ما مات مع امرأة في الحاف واحد فقال ان مات محرم قتله قال من ضرورة قتله
 قال نعم ان ثلثين سوطا ثلثين سوطا قلت فانه ففعلت قال ففعلت ذلك عليه فقال في
 ثلثه وقال الحمد . وروى محمد بن حريز بن ابي جعفر عاذا اليه ان عياض وجد رجلا مع امرأة في
 واحد فغضب كذا واحد منها ما يه سوطا سوطا . وروى محمد بن الفضل عن ابي الصباح الكوفي
 قال سأل عن رجل اذ اذ وجد في الحاف واحد فقال اجد ما يه جلد ما يه جلد
 مصنف هذا الكتاب في حرام الزنا بل كما استغفرت الله اذ وجد الرجل مع الرجل اذ اذ وجد
 والرجل مع المرأة في الحاف واحد من ضرورة ففعلت عياض فان لم يكن ذلك من ضرورة ففعل
 حال كرهه يضره كذا واحد منها ثلثين سوطا يضره ان بذلك واذ كان منها اذ اذ وجد
 كذا واحد منها ما يه جلد ما يه جلد وذلك سمي اقرا بئلك . وشهد عياض اربعة عدول في
 في الحاف واحد وقد علم ان ما مات ففعلت ما يوجب الحمد الا انه لم يضره ولا يضره عياض
 عدول يضره ما يه سوطا سوطا لا يضره او لم يضره عياض بل يضره فيقتضيه ذلك سوطا واحد

فائدہ میں ضرورت ہو

2

قائما والمرأة قائدة ويضرب كل من خذو ترك
الوجه وانما اكبر في رواية سمانه من عبد الله

فیہ

محمد بن مسلم عن جعفر بن محمد عن الحسن بن سعيد قال كان الحسن بن سعيد
 رفع عنه قال بعد المسبح قطعت بناه او حكت حتى بقي قارب واحد بعد ذلك قطع منه
 بناه فان عاد بعد ذلك فبقي من سببين قطعت يده ولا يضيغ حد من حدوده
 وجار رجل الى امير المؤمنين فاقربته فقال له امير المؤمنين ع انما اسبغ من
 غزوه في نهر سيرة البقرة فقال قد وبيت يدك بسيرة البقرة فقال انما اسبغ
 من حدوده فقال له ما يدريك ما به اذا قامت الحيلة فليس لك امام ان يعفو او اذا اقر
 نفع فذاك لا لا امام اسبغ وان اسبغ قطع وفي رواية مسكوني قال في رسول
 لا قطع في نهره كثر والكثرة ما يحاربه وروى محمد بن عيسى عن جعفر بن محمد عن
 في نهره واكثر ما يحاربه فاشبهوا بغيره فاشبهوا بغيره فاشبهوا بغيره فاشبهوا
 فقتلوا بغيره فاشبهوا بغيره فاشبهوا بغيره فاشبهوا بغيره فاشبهوا بغيره
 رجل سرق من الغنم فحجب عليه القطع قال فظنكم انكم ترضون فان كان المذنب
 جزر ووقع اليه تمامه لا وان كان المذنب فاشبهوا بغيره فاشبهوا بغيره فاشبهوا
 ثمن مجن وبيع وبيع وبيع وبيع وبيع وبيع وبيع وبيع وبيع وبيع وبيع وبيع وبيع
 عن رجل كثر حرا واقل الى العبيد فاشبهوا بغيره فاشبهوا بغيره فاشبهوا
 على اصحابه ومع الذرفوب فاشبهوا بغيره فاشبهوا بغيره فاشبهوا بغيره
 امير المؤمنين ع اذا سرق الرجل ولا يقطع يمينه فانما قطع يمينه فانما
 وانفق يمينه بن لال وروى عن الحسن بن سعيد في الجرح فاشبهوا بغيره
 يمينه قال في رجل يبيع وبيع وبيع وبيع وبيع وبيع وبيع وبيع وبيع وبيع وبيع
 فاشبهوا بغيره فاشبهوا بغيره فاشبهوا بغيره فاشبهوا بغيره فاشبهوا
 المذنب فاشبهوا بغيره فاشبهوا بغيره فاشبهوا بغيره فاشبهوا بغيره
 يمينه اذا قطع يمينه وروى محمد بن عيسى عن جعفر بن محمد عن الحسن بن سعيد

في رجل سرق فقتلته يمينه ثم سرق فقتلته يمينه ثم سرق فقتلته يمينه
 قال كان امير المؤمنين ع يخطبه في المسجد ويقول اني لا استحي من ربك ان اذبح يميني
 ولا رجلي يميني بهما لاجل ما قال في رجل كان اذا قطع يمينه قطع يمينه وانما قطع
 قطع يمينه الكعب قال كان لا يرسل يمينه في سبيل الله وروى محمد بن عيسى
 عن محمد بن عيسى بن رباط عن ابن سنان عن الحسن بن سعيد قال اذا قطع يمينه
 فاشبهوا بغيره فاشبهوا بغيره فاشبهوا بغيره فاشبهوا بغيره فاشبهوا
 فاشبهوا بغيره فاشبهوا بغيره فاشبهوا بغيره فاشبهوا بغيره فاشبهوا
 في مقام واحد بغيره فاشبهوا بغيره فاشبهوا بغيره فاشبهوا بغيره
 سببهوا بغيره فاشبهوا بغيره فاشبهوا بغيره فاشبهوا بغيره فاشبهوا
 لا قطع في المذنب فاشبهوا بغيره فاشبهوا بغيره فاشبهوا بغيره
 المذنب فاشبهوا بغيره فاشبهوا بغيره فاشبهوا بغيره فاشبهوا بغيره
 القيس لا سفل فاشبهوا بغيره فاشبهوا بغيره فاشبهوا بغيره فاشبهوا
 انه اذا اصاب القيس فاشبهوا بغيره فاشبهوا بغيره فاشبهوا بغيره
 كانت او حجبته فان سرق فقتلته يمينه فاشبهوا بغيره فاشبهوا بغيره
 بيت مال مسدود فاشبهوا بغيره فاشبهوا بغيره فاشبهوا بغيره
 سببهوا بغيره فاشبهوا بغيره فاشبهوا بغيره فاشبهوا بغيره فاشبهوا
 عبد الله ع ليس له ان سرق من ماله ولا يقطع يمينه لاجل سرق بعضه
 انما سببهوا بغيره فاشبهوا بغيره فاشبهوا بغيره فاشبهوا بغيره
 امير المؤمنين ع اذا قطع يمينه فاشبهوا بغيره فاشبهوا بغيره
 فاشبهوا بغيره فاشبهوا بغيره فاشبهوا بغيره فاشبهوا بغيره
 فاشبهوا بغيره فاشبهوا بغيره فاشبهوا بغيره فاشبهوا بغيره
 فاشبهوا بغيره فاشبهوا بغيره فاشبهوا بغيره فاشبهوا بغيره
 فاشبهوا بغيره فاشبهوا بغيره فاشبهوا بغيره فاشبهوا بغيره

ان نصف قديمها خمسين دينار ونصف العدة قال مصنف في الكتاب ان اروش من النصف
 جميع ما رثه وان افقدت فيه مائة لا تحسب بسم اربع قديمها ثمانية وعشرون دينار
 وثلث فان كانت مائة فبريت وانما كانت قديمها خمس عشرة روية النصف مائة دينار
 اربع فبقي حساب ذلك ان كانت مائة في احد من الطرفين الى الخمس ومائة في اخر من
 قديمها عشرة روية النصف لانه النصف في اخر من الطرفين خمسون دينار وان كانت
 الزمية افقدت في احد من الطرفين او في الخمس الى اخر النصف فديته ست وستون دينار
 وثلث دينار وانما افقدت الشفعة العليا واستوفت قديمها نصف العدة خمسين دينار وقطع
 منها في ذلك قال مصنف قديمها الانسان ثم دويت فبريت وانما كانت
 جرحا او حكمة في خمسين روية الشفعة دينار وقطع منها في ذلك ان كانت مائة
 شيئا فبقي قديمها مائة دينار وستة وستون دينار وثلث دينار قال مصنف في
 الكتاب ان الشفعة في مائة روية النصف مائة روية النصف مائة روية النصف مائة روية
 انما كانت كذلك روية الشفعة النصف افقدت واستوفت ثمانية روية النصف مائة
 وستة وستون دينار وثلث دينار وقطع منها في ذلك ان كانت مائة روية النصف
 سيد منها الانسان ثم ريت وانما كانت قديمها ثمانية وعشرون دينار وثلث دينار
 وانما اربع فبقيت شيئا فبقي قديمها ثمانية وعشرون دينار وثلث دينار وقطع
 قال مصنف انما جرحا او حكمة في ذلك قال مصنف انما جرحا او حكمة في ذلك قال مصنف
 والعظم من الانسان فذلك فبقيت في حكمة وفي احد اذ كانت قديمها مائة روية النصف
 جرحا او حكمة في ذلك قال مصنف انما جرحا او حكمة في ذلك قال مصنف انما جرحا او حكمة
 دينار وانما كانت مائة في احد من الطرفين الى الخمس ومائة في اخر من
 وانما كانت روية النصف في العظم حتى يخذ الى الحكة قديمها مائة وخمسون دينار
 جعل منها خمسين دينار والموت في ذلك ان كانت مائة في احد من الطرفين الى الخمس ومائة في اخر من

في شئ من الوجه قديمها خمسون دينار فان كان الانسان قديمها ثمانية وعشرون دينار
 موصفا وان كان جرحا او حكمة في ذلك قال مصنف انما جرحا او حكمة في ذلك قال مصنف
 الوجه مائة روية النصف مائة روية النصف مائة روية النصف مائة روية النصف مائة روية
 فوق ذلك قديمها ثمانية وعشرون دينار وانما كانت مائة في احد من الطرفين الى الخمس ومائة في اخر من
 الحكة وفي مواضع الاراس خمسون دينار فانما كانت مائة في احد من الطرفين الى الخمس ومائة في اخر من
 دينار فانما كانت مائة في احد من الطرفين الى الخمس ومائة في اخر من
 وثلث وعشرون دينار وثلث دينار وقطع منها في ذلك ان كانت مائة في احد من الطرفين الى الخمس ومائة في اخر من
 وجعل الانسان سواء وكان قبل ذلك مائة في احد من الطرفين الى الخمس ومائة في اخر من
 الانسان في اربعة اربعين دينار وانما كانت مائة في احد من الطرفين الى الخمس ومائة في اخر من
 عشرة من دينار فانما كانت مائة في احد من الطرفين الى الخمس ومائة في اخر من
 فانما كانت مائة في احد من الطرفين الى الخمس ومائة في اخر من
 دينار وانما كانت مائة في احد من الطرفين الى الخمس ومائة في اخر من
 سودا قديمها ثمانية وعشرون دينار وانما كانت مائة في احد من الطرفين الى الخمس ومائة في اخر من
 سقطت بعد مائة روية النصف مائة روية النصف مائة روية النصف مائة روية النصف مائة روية
 وفي القصة اذا كانت مائة في احد من الطرفين الى الخمس ومائة في اخر من
 اربعة اربعين دينار وانما كانت مائة في احد من الطرفين الى الخمس ومائة في اخر من
 وذلك في خمسة اجزاء من ثمانية اذ كانت مائة في احد من الطرفين الى الخمس ومائة في اخر من
 عشرة من دينار وانما كانت مائة في احد من الطرفين الى الخمس ومائة في اخر من
 مائة دينار فانما كانت مائة في احد من الطرفين الى الخمس ومائة في اخر من
 مائة روية النصف مائة روية النصف مائة روية النصف مائة روية النصف مائة روية
 مائة روية النصف مائة روية النصف مائة روية النصف مائة روية النصف مائة روية

وان افقدت دار

اربع

وعشره ون دينار وثلاثة دينار وفي موضعها ثمانية دينار وثلاثة دينار وفي موضعها
 ستة وعشرون دينار وثلاثة دينار وفي موضعها ثمانية دينار وثلاثة دينار وفي موضعها
 دوية المنفصل الا على من الابهايم وهو ان في الذئب عظم عشرة دينار وثلاثة دينار وفي
 موضعها اربعة دينار وسبعة في موضعها ثمانية دينار وثلاثة دينار وفي موضعها اربعة دينار
 عشرة في موضعها ثمانية دينار وثلاثة دينار وفي موضعها ثمانية دينار وسبعة دينار
 دية الرجل عشرة دينار وثلاثة دينار وفي موضعها ثمانية دينار وسبعة دينار
 مناسنة عشرة دينار وثلاثة دينار وفي موضعها ثمانية دينار وسبعة دينار
 منس ثمانية دينار وثلاثة دينار وفي موضعها ثمانية دينار وسبعة دينار
 دية جمل عشرة دينار وثلاثة دينار وفي موضعها ثمانية دينار وسبعة دينار
 وثلاثة دينار وفي موضعها ثمانية دينار وسبعة دينار وفي موضعها ثمانية دينار
 دينار وثلاثة دينار وفي موضعها ثمانية دينار وسبعة دينار وفي موضعها ثمانية دينار
 من الاصابع الاربع التي فيها العظم اذا قطع فدية سبعة وعشرون دينار واربعه
 دينار ودية كسرة خمسة دينار واربعه دينار ودية جمل عشرة دينار وسبعة دينار
 موضع دينار وثلاثة دينار وفي موضعها ثمانية دينار وسبعة دينار وفي موضعها ثمانية دينار
 دية كسرة دينار واربعه دينار وفي موضعها ثمانية دينار وسبعة دينار وفي موضعها ثمانية دينار
 مائة دينار وخمسة وعشرون دينار وفي موضعها ثمانية دينار وسبعة دينار وفي موضعها ثمانية دينار
 خصية كسرة فدية اربعة دينار وان في موضعها ثمانية دينار وسبعة دينار وفي موضعها ثمانية دينار
 دية ثلث مائة دينار فان احب منها العظم فدية ثمانية الف دينار والفقير فدية ثمانية الف دينار

ستة فروعها بلغت دية الف في الجارية اذا كانت في العانة فخرق السفين فدية
 اربعة في احد الخصيتين فدية مائة دينار فخرق العانة وفي العانة فدية اربعة فروع
 فخرق في شئ من الرجل من اطراف فدية ثمانية دية مائة دينار وفي العانة فدية اربعة فروع
 في مريض فدية ثمانية فدية ثمانية فدية ثمانية فدية ثمانية فدية ثمانية فدية ثمانية فدية ثمانية
 زوجا فدية وخمسة الف على زوجا ولا فدية على صبي وفي امرأة دية مائة دينار وفي امرأة
 ان لها نصف دية مائة دينار وفي موضعها ثمانية دينار وفي موضعها ثمانية دينار وفي موضعها ثمانية دينار
 مائة دينار في ثلث نصف الدية مائة وست وستين دينار وفي موضعها ثمانية دينار وفي موضعها ثمانية دينار
 صدق مثل شرب القوم واكثر رواية احب في ذلك الدية كما كانت احب
 ان سوال الله ما يقضيها والحق على من لا يحل له ان يقتل اذا كان خيرا او خطارا
 ان من ساء على من احب الله ان يقتل ان لا يحل له ان يقتل اذا كان خيرا او خطارا
 فقال بينا انك ساء ما اقول لكم واعطوا فقال ان اذركم في هذا الموقف بعد
 جازم قال اني يوم اعظم حرمة قالوا جازم اليوم قال فامرهم ان يمشوا في هذا الشهر فقاموا
 بعدة اعظم حرمة قالوا جازم اليوم قال فامرهم ان يمشوا في هذا الشهر فقاموا
 في جملتهم الى يوم تقوم الساعة فامرهم ان يمشوا في هذا الشهر فقاموا
 ومن كانت عنده امانة فليؤدها الى من ائتمن عليها فان لا يحل له ان يسلمها ولا ان يبيعها
 فلا تطعموا الفساق ولا ترجعوا بعدي كفارا ولا يدعوا عليكم شيئا منكم حتى تنصروني بغير حق
 اني جئناكم بالبرهان فمن احسن مني فليسمع قال رسول الله لا يبع ثمن رجل الدار حتى يخرجه
 فان له عند الله فاق لا يموت قالوا يا رسول الله وما قال لا يموت فقال ان الله لا يبع ثمن رجل الدار حتى يخرجه
 بس لم يزل يبع ثمن الدار الى ان مات في موضع من دياره فبع ثمنها فقاموا
 فلو لم ينفع الله الموتى ولا الحيوان في فسادهم في الدنيا فليزيم الله الناس في الدنيا فليزيم الله الناس في الدنيا
 فليزيم الله الناس في الدنيا فليزيم الله الناس في الدنيا فليزيم الله الناس في الدنيا فليزيم الله الناس في الدنيا

هشتم آنکه از مصلحتین بر خداوند تعالی
 ابو عبد الله علیه السلام من بداند خداوند تعالی
 عیب ندارد و در وی

۴۵۵

۱۰۵

في الحفقت

[illegible]

12

१२४

من التوبة

[illegible]

والمجرب في كتابه رسول الله صلى الله عليه وسلم
والمجرب في كتابه رسول الله صلى الله عليه وسلم

بسم الله
الحمد لله

[illegible]

ل
ف

برجل قد ضرب رجل حتى انقضت من لحيته قد اجعل من لسانه ثم اراد ان يقطعها فاقطع
 من لحيته فاقطعها ودية ما انقضت من لحيته وورود من غير كبر على الجسد الصالح في حق
 رجل بجسده فلم يرفع عنه العصا حتى مات قال يرفع الى ارباب الحقول ولكن لا يرفع جثته ولا يرفع
 عليه سيف وورود من غير كبر عن عبد من سنان عن عبد الله قال لا يرفع او يقطع
 من لسانه في كل من يجرع غير اضطرار فيحكم من لم يحكم بما اذن الله في ذلك ثم
 وورود من غير كبر من عبد الله في رجل فاقطع من لحيته ودية ما انقضت من لحيته قال ان كان في حق
 ذلك عبد اقتصر منه ثم لم يترك ان كان ضرب بغيره واحدة فابعد ذلك ضربت فقتل ولم يقتل منه وورود
 من غير كبر عن ابي ابيوب عن ابي عبد الله عن ابي جعفر قال ان في لسانه ان خشيتم
 وذكرا انقضت من لحيته ودية ما انقضت من لحيته كالماء وورود من غير كبر عن ابي جعفر
 قال سمعت ابا عبد الله يقول قضي امر مؤمنين في الرجل يضرب جثته فلا يرفعها
 ولا يرفعها في ذلك لدية كالماء وورود من غير كبر عن ابي جعفر عن ابي عبد الله
 سالت ابا جعفر عن رجل ضرب رجل بعود فسطط على راسه فمضى فاقطعها فاقطعها
 العثر على دمه فذهب عقله فقال ان كان الضرب لم يقتل منها العترة ولا يقتل ما قال ولا
 فانه يقطع بدمه فارتفعت فيه منه ومن السند اقدية ضاربة وان لم يمت فيها منه ومن
 ولم يرجع الى عقله اغرم ضاربة لدية في مال الدواب عقله قال فقلت له فامر عترة في الجثث
 ان انضرب بغيره واحدة فقتل العترة جانيه لا لزمه جانيه ما جنت الضربة بان فالزمته
 بجانيه تسعين وهر لدية ولو كان ضرب بغيره تسعين فقتل العترة جانيه لا لزمته
 جانيه ما جنت الضربة تسعين كانا كالماء الا ان يكون فيها موت فيفاد بغيره ويخرج
 قال ان ضربت ثلث ضربات واحدة لدية واحدة فقتل جانيه ما جنت الضربة ما جنت الضربة
 الضربات كليات ما كثر ما لم يكن فيها موت فيفاد بغيره قال ان ضربت عترة فقتل
 جانيه واحدة الزمة لدية جانيه التي جنتها العترة الضربات كليات ما كثر ما لم يكن فيها موت

جده

الى

فيما

الامام

تقديم اخرا

من غير كبر عن ابي عبد الله عن ابي جعفر عن ابي عبد الله عن ابي جعفر عن ابي جعفر
 من رجلين من المؤمنين فقال لا يجب بقطع لسانه لرجل من المؤمنين لدية ولا يقطع لسانه
 لانه انما يقطع لسانه لانه لا يرفع عنه العصا حتى مات قال يرفع الى ارباب الحقول ولكن لا يرفع جثته ولا يرفع
 عليه سيف وورود من غير كبر عن عبد الله في رجل فاقطع من لحيته ودية ما انقضت من لحيته قال ان كان في حق
 ذلك عبد اقتصر منه ثم لم يترك ان كان ضرب بغيره واحدة فابعد ذلك ضربت فقتل ولم يقتل منه وورود
 من غير كبر عن ابي ابيوب عن ابي عبد الله عن ابي جعفر قال ان في لسانه ان خشيتم
 وذكرا انقضت من لحيته ودية ما انقضت من لحيته كالماء وورود من غير كبر عن ابي جعفر
 قال سمعت ابا عبد الله يقول قضي امر مؤمنين في الرجل يضرب جثته فلا يرفعها
 ولا يرفعها في ذلك لدية كالماء وورود من غير كبر عن ابي جعفر عن ابي عبد الله
 سالت ابا جعفر عن رجل ضرب رجل بعود فسطط على راسه فمضى فاقطعها فاقطعها
 العثر على دمه فذهب عقله فقال ان كان الضرب لم يقتل منها العترة ولا يقتل ما قال ولا
 فانه يقطع بدمه فارتفعت فيه منه ومن السند اقدية ضاربة وان لم يمت فيها منه ومن
 ولم يرجع الى عقله اغرم ضاربة لدية في مال الدواب عقله قال فقلت له فامر عترة في الجثث
 ان انضرب بغيره واحدة فقتل العترة جانيه لا لزمه جانيه ما جنت الضربة بان فالزمته
 بجانيه تسعين وهر لدية ولو كان ضرب بغيره تسعين فقتل العترة جانيه لا لزمته
 جانيه ما جنت الضربة تسعين كانا كالماء الا ان يكون فيها موت فيفاد بغيره ويخرج
 قال ان ضربت ثلث ضربات واحدة لدية واحدة فقتل جانيه ما جنت الضربة ما جنت الضربة
 الضربات كليات ما كثر ما لم يكن فيها موت فيفاد بغيره قال ان ضربت عترة فقتل
 جانيه واحدة الزمة لدية جانيه التي جنتها العترة الضربات كليات ما كثر ما لم يكن فيها موت

عن زائدة

من ضرب رجل من المؤمنين فقتل
 من يخطي عليه الصوت فاذن على الصوت
 فمكنته ثم

[illegible]

في المسح الزاوية انما تكتب في المسح
ورور المسح من تحت بنو عثم
قال

[illegible]

الحمد لله

۱۰۰

۱۰

وانه نقض في الية له وكذا وجدناه في كتاب امير المؤمنين ثم قال الحكم فقلت ان الية
 انما كانت تؤخذ من اليوم من بل من الحق والحق فقال انما كان ذلك في اليوم الذي كان
 فاما هذا اليوم من بل من الحق في الكتاب امير المؤمنين ثم قال الحق قال الحكم فقلت
 ارايت من كان من بل من الحق والحق في اليوم الذي كان ذلك في اليوم الذي كان
 الحق بل من الحق في اليوم الذي كان ذلك في اليوم الذي كان ذلك في اليوم الذي كان
 غير ما في اليوم الذي كان ذلك في اليوم الذي كان ذلك في اليوم الذي كان ذلك في
 الحق ان كان الكتاب **باب** الرضا بقول بعض الاولياء ويريد بعض فقود بعض الية
 رواية جميل بن ابي ابي قال قضي امير المؤمنين ثم في رجل فقلت له ان بعض الية
 الا ان الحق قال بقول بعض الاولياء المتقول في الية نصف الية وروى الحسن بن محبوب
 اني وانه الحق قال في الية انما كان ذلك في اليوم الذي كان ذلك في اليوم الذي كان
 الحق قال في الية انما كان ذلك في اليوم الذي كان ذلك في اليوم الذي كان ذلك في
 الية ويعطى رتبة الحق في الية انما كان ذلك في اليوم الذي كان ذلك في اليوم الذي كان
 عالج ولا قال في الية انما كان ذلك في اليوم الذي كان ذلك في اليوم الذي كان ذلك في
 الكتاب فقال لا يقول في الية انما كان ذلك في اليوم الذي كان ذلك في اليوم الذي كان
 روى عن امير المؤمنين في الية انما كان ذلك في اليوم الذي كان ذلك في اليوم الذي كان
 مالك بن خنيس عن امير المؤمنين في الية انما كان ذلك في اليوم الذي كان ذلك في اليوم الذي كان
 غير ذلك في الية انما كان ذلك في اليوم الذي كان ذلك في اليوم الذي كان ذلك في
 من بل من الحق في الية انما كان ذلك في اليوم الذي كان ذلك في اليوم الذي كان ذلك في
 قرابة في الية انما كان ذلك في اليوم الذي كان ذلك في اليوم الذي كان ذلك في
 حق من بل من الحق في الية انما كان ذلك في اليوم الذي كان ذلك في اليوم الذي كان ذلك في
 مع رسول في الية انما كان ذلك في اليوم الذي كان ذلك في اليوم الذي كان ذلك في

وفسل عن قرابة من الحسين في الية انما كان ذلك في اليوم الذي كان ذلك في اليوم الذي كان ذلك في
 فاجمع اليك ثم انظر ان كان هناك من الية انما كان ذلك في اليوم الذي كان ذلك في اليوم الذي كان ذلك في
 فاما الية وخذ بها في ثلث سنين وان لم يكن من قرابة الية في الية انما كان ذلك في اليوم الذي كان ذلك في
 قرابة سواء في الية انما كان ذلك في اليوم الذي كان ذلك في اليوم الذي كان ذلك في
 الحمد كورين من الحسين ثم اجعل من قرابة من بل من الحق في الية انما كان ذلك في اليوم الذي كان ذلك في
 ثلث الية وان لم يكن من قرابة من بل من الحق في الية انما كان ذلك في اليوم الذي كان ذلك في
 الحسين ثم خذ من الية انما كان ذلك في اليوم الذي كان ذلك في اليوم الذي كان ذلك في
 ولا قرابة من بل من الحق في الية انما كان ذلك في اليوم الذي كان ذلك في اليوم الذي كان ذلك في
 انما كان ذلك في الية انما كان ذلك في اليوم الذي كان ذلك في اليوم الذي كان ذلك في
 وان لم يكن من بل من الحق في الية انما كان ذلك في اليوم الذي كان ذلك في اليوم الذي كان ذلك في
 مع رسول في الية انما كان ذلك في اليوم الذي كان ذلك في اليوم الذي كان ذلك في
 الحسن بن محبوب عن امير المؤمنين في الية انما كان ذلك في اليوم الذي كان ذلك في اليوم الذي كان ذلك في
 بخون من قرابة الية انما كان ذلك في اليوم الذي كان ذلك في اليوم الذي كان ذلك في
 لا تروى في الية انما كان ذلك في اليوم الذي كان ذلك في اليوم الذي كان ذلك في
 خرو وروى الحسن بن محبوب عن امير المؤمنين في الية انما كان ذلك في اليوم الذي كان ذلك في اليوم الذي كان ذلك في
 يحل في الية انما كان ذلك في اليوم الذي كان ذلك في اليوم الذي كان ذلك في
 الية وانه روى في الية انما كان ذلك في اليوم الذي كان ذلك في اليوم الذي كان ذلك في
 علق في الية انما كان ذلك في اليوم الذي كان ذلك في اليوم الذي كان ذلك في
 محمد بن ابي ابي في الية انما كان ذلك في اليوم الذي كان ذلك في اليوم الذي كان ذلك في
 قوسب الضر وبنا في الية انما كان ذلك في اليوم الذي كان ذلك في اليوم الذي كان ذلك في
 لانه في الية انما كان ذلك في اليوم الذي كان ذلك في اليوم الذي كان ذلك في

منہ

فما شئ عليه الا التعزير لانه ما كان من
وهم صاف فذلك للمؤلف وما كان من
وهم اسودم

[illegible]

قلبى

الشيخ محمد بن محمد

۱۰۰

[illegible]

روى السكوني عن جعفر بن محمد قال قال علي بن مسعود في نهضة جده ابو عبد الله وروى ابو عبد الله
 لا يبعدون من شدة غيرة علي بن ابي طالب **باب** الرجل يقبل فوجد متفرقا وروى جده
 عن طه بن زينة عن فضيل بن عثمان عن ابي عبد الله في الرجل يقبل فوجد رأسه في قفله
 ورأسه وبيده في قفله والباقي في قفله قال يده على من وجد في قفله فخذاه وبيده وبقية
 عليه ورسول الله في رجل يقبل فوجد متفرقا فليقبل على قفله يلقى في القفلة
باب الشجاع واماؤه قال الحسن بن الشجاع انه رآه في رجل يقبل فوجد متفرقا
 ورسول الله في رجل يقبل فوجد متفرقا فليقبل على قفله يلقى في القفلة
 التي اخذت في العلم ورسول الله في رجل يقبل فوجد متفرقا فليقبل على قفله يلقى في القفلة
 ورسول الله في رجل يقبل فوجد متفرقا فليقبل على قفله يلقى في القفلة
 وضع العظم منها فمات ورسول الله في رجل يقبل فوجد متفرقا فليقبل على قفله يلقى في القفلة
 فامسح العظم فمات ورسول الله في رجل يقبل فوجد متفرقا فليقبل على قفله يلقى في القفلة
 فمات ورسول الله في رجل يقبل فوجد متفرقا فليقبل على قفله يلقى في القفلة
 ورسول الله في رجل يقبل فوجد متفرقا فليقبل على قفله يلقى في القفلة
 ير فضال بن طريف بن صالح عن ابن بن عثمان عن ابي بصير عن ابي جعفر في رجل يقبل فوجد
 ثم فرغ فلم يجد شيئا قال ان كان له مال فخذ منه وانما اخذ من الاقرب قال قوت وروى
 الحسن بن علي بن فضال عن ابي بن كير عن عيسى بن زرارة عن ابي عبد الله في الرجل يقبل فوجد
 اجد من القفل قال ان علي بن ابي عبد الله وروى عنه في رجل يقبل فوجد متفرقا فليقبل على قفله يلقى في القفلة
 والشجاع واماؤه قال الحسن بن الشجاع انه رآه في رجل يقبل فوجد متفرقا فليقبل على قفله يلقى في القفلة
 خست لعل في القفلة التي دون متفرقا وروى عن ابي عبد الله في رجل يقبل فوجد متفرقا فليقبل على قفله يلقى في القفلة
 اجد من القفل الذي في القفلة وروى عن ابي عبد الله في رجل يقبل فوجد متفرقا فليقبل على قفله يلقى في القفلة
 فوجد من القفل الذي في القفلة وروى عن ابي عبد الله في رجل يقبل فوجد متفرقا فليقبل على قفله يلقى في القفلة

ر
صدرة

صلى

صالح بن زبير عن ابي جعفر قال قال ابي عبد الله في رجل يقبل فوجد متفرقا فليقبل على قفله يلقى في القفلة
 مقام واحد فمات الرجل قال عيسى بن ابي عبد الله في رجل يقبل فوجد متفرقا فليقبل على قفله يلقى في القفلة
 الحسن بن علي بن عبد الله قال قال ابي عبد الله في رجل يقبل فوجد متفرقا فليقبل على قفله يلقى في القفلة
 الشجاع في ابي عبد الله في رجل يقبل فوجد متفرقا فليقبل على قفله يلقى في القفلة
 كما مر في ابي عبد الله في رجل يقبل فوجد متفرقا فليقبل على قفله يلقى في القفلة
 الا انك لو وجدته متفرقا فليقبل على قفله يلقى في القفلة
 فمات من القفل الذي في القفلة وروى عن ابي عبد الله في رجل يقبل فوجد متفرقا فليقبل على قفله يلقى في القفلة
 وقال ابو عبد الله في رجل يقبل فوجد متفرقا فليقبل على قفله يلقى في القفلة
 وروى عن ابن بن عثمان عن ابي عبد الله في رجل يقبل فوجد متفرقا فليقبل على قفله يلقى في القفلة
 في جارية ركبت جارية فماتت جارية اخر فقضت الركوبة فماتت الركوبة فماتت الركوبة
 برئها فماتت من القفلة وروى عن ابن بن عثمان عن ابي عبد الله في رجل يقبل فوجد متفرقا فليقبل على قفله يلقى في القفلة
 قال قال علي بن ابي عبد الله في رجل يقبل فوجد متفرقا فليقبل على قفله يلقى في القفلة
 عن ابي عبد الله في رجل يقبل فوجد متفرقا فليقبل على قفله يلقى في القفلة
 سوطا من النار وروى عن ابن بن عثمان عن ابي عبد الله في رجل يقبل فوجد متفرقا فليقبل على قفله يلقى في القفلة
 اربعون درهما وروى عن ابن بن عثمان عن ابي عبد الله في رجل يقبل فوجد متفرقا فليقبل على قفله يلقى في القفلة
 من اربعين درهما وروى عن ابن بن عثمان عن ابي عبد الله في رجل يقبل فوجد متفرقا فليقبل على قفله يلقى في القفلة
 ابا جعفر يقول كانت بقعة رسول الله في رجل يقبل فوجد متفرقا فليقبل على قفله يلقى في القفلة
 من اربعين درهما وروى عن ابن بن عثمان عن ابي عبد الله في رجل يقبل فوجد متفرقا فليقبل على قفله يلقى في القفلة
 ستمائة درهم وروى عن ابن بن عثمان عن ابي عبد الله في رجل يقبل فوجد متفرقا فليقبل على قفله يلقى في القفلة
 اربعين درهما وروى عن ابن بن عثمان عن ابي عبد الله في رجل يقبل فوجد متفرقا فليقبل على قفله يلقى في القفلة
 اربعين درهما وروى عن ابن بن عثمان عن ابي عبد الله في رجل يقبل فوجد متفرقا فليقبل على قفله يلقى في القفلة

١٥٠

يحيى

له وارت قريب ولا بعيد فيحيى به كثر حيث كان له وارت قريب اوله
 له بخران يحيى كثر من الشئ وادوا يحيى بكثر من الشئ وادوا الشئ وادوا يحيى
 فادوا به اسمعيل بن زيار السكوني عن جعفر بن محمد عن ابي اسحق انه سئل عن رجل
 ولا وارت له ولا عتبه قال بارت بما له حيث في السكينة واليسر واليسر
 حديث مفتوح وانما جعفر بن محمد بن يحيى **باب** وفيه من قتل نفس متعمدا وروى الحسن
 محبوب عن ابي ولاد قال سمعت ابا عبد الله يقول من قتل نفس متعمدا فهو في النار
 خالد ايها قبل له ارايت ان اوصى بوقت ثم قتل نفس من عتقه وقتله
 ان كان ويحيى قبل ان يحد حدثا في نفس من جرائه وفضل اجرت وفيه في الشئ وان
 كان اوصى بوقت وقد احدث في نفس جرائه او فعل الموت لم يجر وقت **باب**
 يوصى اليه فيقتله ولا يحد منه نصف لانه كتب جعفر بن محمد عن ابي اسحق عن
 رجل اوصى الى رجلين لا يحد من ولا يحد من ولا يحد من ولا يحد من ولا يحد من ولا يحد من
 يحد الفانيت ويحد على حسب ما امر به ان الله لا يحد ولا يحد ولا يحد ولا يحد ولا يحد
 كتاب جعفر بن يعقوب القتيبي عن جعفر بن محمد عن ابي اسحق عن جعفر بن محمد عن ابي اسحق
 داود بن ابي يزيد بن محبوب قال ان رجلا مات وادعى الى رجلين قال جدهما لصاحبه
 نصف ما ترك اعطى النصف مما ترك فاني عليه قال لا ابا عبد الله فقال انك لا
 نصف هذا الكتاب لست اخفي بهذا الحديث بل اخفي بما عذر خط الحسن بن علي
 مع جعفران جميعا فكان الواجب لانه يقول لا خير كما امر به الصادق ثم وذلك ان الاربعة
 له وجود ومعاني وكل عام اعلم بانه واحكامه من غيره من الباقين **باب**
 بلشئ من ابا عبد الله السهم والكثيره هجره وروى عن ابن تغلب عن ابن جعفر بن محمد
 عن رجل اوصى بلشئ من ما له فقال الشئ في كتاب علي بن ابي طالب من سنة وروى
 عن ابي عبد الله انه سئل عن رجل اوصى بسهم من له فقال السهم واحد من ثلثه

الناظر

واحد من

يعرفها

انما القصد فانت للفقراء واما كين والعاشرين عليه السلام فادعهم في القرب والفاقرين
 وفي سبيل الله وابل سبيل الله وقد روي عن الحسن بن محمد قال نصف هذا الكتاب
 بسهم من سهم الكوفة كان السهم واحد من ثمانية وادعهم في القرب والفاقرين
 فتشفي الكوفة على ما يحد من امره الحقن وروى الحسن بن علي بن فضال عن ابي عبد الله
 سالت ابا عبد الله عن رجل اوصى بجزء من له فقال جزء من عشرة قال اوصى بجزء
 كثر من ثلثه جزءا كانت جملته **باب** وروى عن رجل عن الحسن بن علي بن فضال عن ابي عبد الله
 قال سالت عن رجل اوصى بجزء من له قال ربعه **باب** قال نصف هذا الكتاب كان ابا عبد الله
 فيما مضى يحدون اموالهم قسم من كل جزء اربعة عشر ومنهم من يحد في سبيل الله
 في ارضي بوقت ومثل ذلك لا يوصى به الا من يفهم القصد ويعلم انه وانه يحد من ثلثه
 او صاها الا بالعلوم والدر لا يحتاج الى تفسير بانه قد اوصى رجل بال كثير او نذر ان يحد
 بال كثير فالكثير ما نون وما زاد او نذر ان يحد برك تعالى الله عما يشرك في موطن كثيره
 ثمانين موطئا **باب** الرجل اوصى بال في سبيل الله وروى عن جعفر بن محمد
 الحسن بن داود قال سالت ابا عبد الله عن رجل اوصى بال في سبيل
 فقال سبيل الله شيئا وروى عن جعفر بن محمد عن جعفر بن محمد عن ابي اسحق
 قال لا يحد الله ان رجلا اوصى لثلاثين في سبيل الله فقال اوصى في كل واحد
 قال امره في كل فاني لا اعلم سبيل الله سبيل الله من شيء **باب** قال نصف هذا الكتاب
 يحيى بن شقيق قال سالت ابا عبد الله عن رجل اوصى لثلاثين في سبيل الله فموتوا
 لغير الله فاسبى لثلاثين **باب** فموتوا لغير الله اوصى اربعة اوصى باليت وروى
 بسبيل الله عن رجل كان عن ابي عبد الله قال سئل عن رجل اوصى بثلثه
 في سنة قال نعم بوقت ويجعلها في حكم اوصى به فان الله عز وجل يقول من اراد
 فانما على الذين جملته وروى الحسن بن محبوب عن جعفر بن محمد عن ابي عبد الله

۱۰۰

الحمد لله

१११

المسجد قال لا ثم

والعقبة منتهى القدر القابل له

۲۹۲

انصاف

FF7

۱۷۰

فان ترك خالاب ام واخا لام فخلخت من لام السين ما بقى فخلخت من الاب والام فان ترك
اخوة واخوات لاب ام واخا لام فخلخت من لام السين ما بقى فبين الاخوة
الاب والام لذلك مشروط ان لا يبين فان ترك خالاب ام واخا او اخا لام فخلخت
او اخا من لام السين لما تحت لاب الام الباقى فان ترك اخوين او خنتين لام
اكثر من ذلك اخوة لاب ام فخلخت او اخوات من قبل الثلث بينهم مكية وما بقى فخلخت
من الاب والام وان لم يكن من الام ذكر كان او انثى اذا كان واحدا فله السين
كما لو اكثر من ذلك ذكر او انا وانما فخلخت الثلث لا زادون على الثلث ولا ينقصون
اذا كان واحدا قال صديقه فخلخت لان كان رجلين لم يترك له او امرأة ورجل او امرأتين
منها السين فان كانا ذكرين من ذلك فخلخت من كل واحد من الثلث فان ترك اخا وامه فخلخت
واخا وامه فخلخت من لام السين ما بقى فخلخت من الاب والام لم ينقص
اخوات
الان من الاب فان ترك اخوة واخوات لا يم واخوات لاب ام واخوة
لاب فخلخت واخوات من الام الثلث المذكور انثى فيسه سواء ما بقى فخلخت من اخوات
من الاب الام لذلك مشروط ان لا يبين وسقط الاخوة واخوات من الاب فان
لام واخا لاب ام واخا لاب فخلخت من الام السين وما بقى فخلخت من الاب والام
وسقطت الاخوة من الاب فان ترك اخين لام واخنتين لاب وام واخنتين لاب
فخلخت من الام الثلث ولا فخلخت من الاب والام ما بقى ليراث وسقط الاخوات
الاب فان ترك خالاب وامه فان للاخوة واخوات من الام الثلث المذكور انثى فيسه
وما بقى فخلخت من الاب والام وسقط ابن الاخ لان ترك اخا لاب ابن اخ لام
فالان لذلك من الاب فان ترك اخا لام وابن اخ لام فالان الاخ من الام وسقط
ابن الاخ لان الاب والام وعط الغنى من الاب في هذه المسئلة فالان الاخ من الام السين
ما بقى فخلخت من الاب والام واخيه في ذلك كما هو مضمون فان كان ابن الاخ له اخوة

وَأَخِي عَمْرٍو

f. 6

خالد بن خزيمة إلى الربيع

كثر وادوا فلهذا ورد في قوله تعالى **وَمِنْهُمْ مَّنْ يَّهْدِي اللَّهُ فَمَا لَهُ هَدًى**
 يقول بعد بقائه في قوله **وَمِنْهُمْ مَّنْ يَّهْدِي اللَّهُ فَمَا لَهُ هَدًى** وروى ابن أبي عمير عن ابن مسكان عن ابن أبي عمير
 عن ابن عبد الله قال قلت لرجل من بني كنانة **وَمِنْهُمْ مَّنْ يَّهْدِي اللَّهُ فَمَا لَهُ هَدًى** وفي رواية
 يونس عن سيف بن عميرة عن ابن أبي عمير عن ابن أبي عمير قال قلت لابي عبد الله عليه السلام
 في سبعة اخوة وجد قال **السبعة** وروى ابن محبوب عن عبد الله بن مسكان عن
 عبد الله بن قيس عن ابن عمر عن ابن مسعود قال قلت لابي عبد الله عليه السلام
 المال بينهم لذكر كل واحد من السبعة وروى ابن محبوب عن عبد الله بن مسعود
 عن ابن عمر قال قلت لابي عبد الله عليه السلام **وَمِنْهُمْ مَّنْ يَّهْدِي اللَّهُ فَمَا لَهُ هَدًى**
 عن عبد الله بن قيس عن ابن عمر عن ابن مسعود قال قلت لابي عبد الله عليه السلام
 عن عبد بن بن خلف عن بعض اصحابه بل عبد الله بن قيس عن عبد الله بن قيس
 الشان وما بقي فلهذا ورد في قوله تعالى **وَمِنْهُمْ مَّنْ يَّهْدِي اللَّهُ فَمَا لَهُ هَدًى**
 ما لم يكن له من السبعة وروى ابن محبوب عن عبد الله بن قيس عن عبد الله بن قيس
 ان الله لا يهدي من يشاء وروى ابن محبوب عن عبد الله بن قيس عن عبد الله بن قيس
 جازم جسمه فلهذا ورد في قوله تعالى **وَمِنْهُمْ مَّنْ يَّهْدِي اللَّهُ فَمَا لَهُ هَدًى**
 قضيت بغيره بعضا بعضا وقال بعض من مشاء ان اخوانا اخوة لابي عبد الله عليه السلام
 يرث ويسقط حيث يسقط وعلق الفاضل في ذلك ان يكره يرث مع ولد لولده وكره يرث مع
 ويرث بغيره من الاب وروى ابن محبوب عن عبد الله بن قيس عن عبد الله بن قيس
 وابن اخ يرث من اخوة ولا يرث مع الاخ كيف يكون اخوة لابي عبد الله عليه السلام
 ويسقط حيث يسقط بل يكره الاخوة لابي عبد الله عليه السلام فان يكون ابا عبد الله عليه السلام
 ويسقط حيث يسقط فلا يورث الفاضل من السبعة وروى ابن محبوب عن عبد الله بن قيس
 عن ابن قيس قال قلت لابي عبد الله عليه السلام في سبعة اخوة وجد ان احدكم كاهن واه

سنة

الثالث

فقره

فلهذا ورد في قوله تعالى **وَمِنْهُمْ مَّنْ يَّهْدِي اللَّهُ فَمَا لَهُ هَدًى**
 يقول بعد بقائه في قوله **وَمِنْهُمْ مَّنْ يَّهْدِي اللَّهُ فَمَا لَهُ هَدًى** وروى ابن أبي عمير عن ابن مسكان عن ابن أبي عمير
 عن ابن عبد الله قال قلت لرجل من بني كنانة **وَمِنْهُمْ مَّنْ يَّهْدِي اللَّهُ فَمَا لَهُ هَدًى** وفي رواية
 يونس عن سيف بن عميرة عن ابن أبي عمير عن ابن أبي عمير قال قلت لابي عبد الله عليه السلام
 في سبعة اخوة وجد قال **السبعة** وروى ابن محبوب عن عبد الله بن مسكان عن
 عبد الله بن قيس عن ابن عمر عن ابن مسعود قال قلت لابي عبد الله عليه السلام
 المال بينهم لذكر كل واحد من السبعة وروى ابن محبوب عن عبد الله بن مسعود
 عن ابن عمر قال قلت لابي عبد الله عليه السلام **وَمِنْهُمْ مَّنْ يَّهْدِي اللَّهُ فَمَا لَهُ هَدًى**
 عن عبد الله بن قيس عن ابن عمر عن ابن مسعود قال قلت لابي عبد الله عليه السلام
 عن عبد بن بن خلف عن بعض اصحابه بل عبد الله بن قيس عن عبد الله بن قيس
 الشان وما بقي فلهذا ورد في قوله تعالى **وَمِنْهُمْ مَّنْ يَّهْدِي اللَّهُ فَمَا لَهُ هَدًى**
 ما لم يكن له من السبعة وروى ابن محبوب عن عبد الله بن قيس عن عبد الله بن قيس
 ان الله لا يهدي من يشاء وروى ابن محبوب عن عبد الله بن قيس عن عبد الله بن قيس
 جازم جسمه فلهذا ورد في قوله تعالى **وَمِنْهُمْ مَّنْ يَّهْدِي اللَّهُ فَمَا لَهُ هَدًى**
 قضيت بغيره بعضا بعضا وقال بعض من مشاء ان اخوانا اخوة لابي عبد الله عليه السلام
 يرث ويسقط حيث يسقط وعلق الفاضل في ذلك ان يكره يرث مع ولد لولده وكره يرث مع
 ويرث بغيره من الاب وروى ابن محبوب عن عبد الله بن قيس عن عبد الله بن قيس
 وابن اخ يرث من اخوة ولا يرث مع الاخ كيف يكون اخوة لابي عبد الله عليه السلام
 ويسقط حيث يسقط بل يكره الاخوة لابي عبد الله عليه السلام فان يكون ابا عبد الله عليه السلام
 ويسقط حيث يسقط فلا يورث الفاضل من السبعة وروى ابن محبوب عن عبد الله بن قيس
 عن ابن قيس قال قلت لابي عبد الله عليه السلام في سبعة اخوة وجد ان احدكم كاهن واه

فرد

فان تركبته اخت لاب ابن ابن اخت لاب وام فاما لاب اخت لاب لاب لاب
فان تركبته بنى ابنة اخت لاب ام وثمة بنى ابنة اخت لاب ثمة بنى ابنة اخت لاب
فبنى ابنة الاخت من لام السمسر وما بقى فبنى خمسة الاخت للاب والام وسقطوا
ابنة الاخت من الاب وعظم الفضل من ان في هذه المسئلة واسبابها كما ترى
الاخت للاب الام الصف وبنى ابنة الاخت من لام السمسر ما بقى برة عليهم
انما هم فان ترك ابنة اخيه لامية وامه وابنة اخته لامية فاما لابنة الاخت للاب
فان ترك ابنة الاخت للاب والام فان ترك عشرة بنات بنى لام وابنة اخت لاب وام
فبنات الاخت للام السمسر وما بقى فلابنة الاخت للاب للام فان ترك بنى اخين نام
اخت لاب وام فلما بنى الاثنين للام الش وثما بقى فابنة الاخت للاب والام فان
عشرة بنات اخوة متعقبن وثمة بنات اخوات متعقبات فاصل جابر مسرته لابنة الاخت
من لام وابنة الاخت من لام الثلث سمان وكلوا احدتها سمع وبقى الش لابنة الاخت
من لاب والام الثلث من بن الش ثلثة لابنة الاخت من لام الش وثما فاسمهم
خضر مائة ستة في ثمة فبنى فمانية عشة لابنة الاخت من لام وابنة الاخت من الثلث
اسمهم ثمان وبقى ثمانا عشرة لابنة الاخت للاب الام من ثمانية ولابنة الاخت
والاب اربعة فان ترك ابنة الاخت لاب ام وابنة ابن الاخت للاب فاما لابنة
الاب للام لان الاخت للاب لا يرث مع الاخت للاب الام وكذلك من يحرب كركب
ابن الاخت للاب لا يرث مع ابنة الاخت للام ويسمى العصبه من بن مائة فبنى كركب
رسول الله فان ترك ابن لام وهو ابن اخ لاب وترك ابن اخت لاب ام
فلما بنى الاخت للام السمسر ما بقى فلما بنى الاخت للاب والام فان ترك ابنة اخت
وهي خمسة اخ لاب وابنة اخت لاب وام فلما بنى اخت للام السمسر ما بقى فابنة
الاب والام فان ترك لابنة اخت لام وبنى ابنة اخت لاب وابنة اخت لاب ابنة اخت

الم

21

ولا يرأس الابنة الثالث فان ترك بن ابنة وابنة ابنة اخ فرغ من الابنة نصف
 وابنة الابنة الاخر النصف وكذلك ان ترك عشر بنات ابنة وابنة ابنة اخ فرغ من
 بنات الابنة نصف عشرة اسم من عشر بنات ابنة وابنة ابنة اخ فرغ من الابنة
 كذلك ان ترك عشرة بنات ابنة وابنة ابنة اخ فرغ من ابنة الابنة نصف
 الابنة الاخر النصف فان ترك بن ابنة وابنة ابنة اخ فرغ من بنات ابنة ابنة
 فذو من عشرة بنات ابنة الابنة ستة اسم وان بن ابنة الابنة ستة اسم منها كل
 منها ستة اسم وثلاث بنات ابنة الابنة ستة اسم لكل واحد منها ترك بن ابنة
 وابنة ابن ابنة جدهما واحدة وابنة ابنة اخ فرغ من ابن ابنة ابنة ابنة
 ولا بنات ابنة الابنة سهم ولا بن ابنة الاخر ثلثه اسم فان ترك بن ابنة ابنة بنات
 متفرقات فالل لكل ابن ابنة الابنة وليس بث بنات الاخوة والاقوات مع بنات
 البنات وان غلب شيئا فان ترك امرأة ابن ابنة او ابنة ابنة زوجها واخا لها
 اول بها واخا وابن عمها فلزوج الربع وعاقب فولد الابنة فان ترك اربع بنات وابن
 ابنة فالل لكل ولد الابنة وسقط العلم من جنتين احدهما لان ولد الابنة سهم
 والعم والجد ولدت لعم اعم واخا واخوت من ولد الجد وانما الاخر فرغ من
 العلم ومن الميت ثلثه بطون لان العم يقرب بهجد واخا يقرب بالاب والاب يتفرق
 بنجد وابن ابنة الابنة ومن الميت بطون لان ولد الابنة يتقربون بالابنة وبابنة
 يقرب بنفسها فولد الابنة اقرب في البطن واقرّب النسب اجد لا يرث مع الولد
 والعم اخا يقرب بمن لا يرث وولد الولد يتقربون بمن يرث فهم اعم من اعم لاقوة
 وبالنسب والاق والولد الاخي في هذا ابنة ترك العلم لا يرث فان ترك ابنة ابنة ابنة
 ابنة فالل ابنة الابنة وابن الابنة منها لولد كرش خط ابنة ابنة فان ابنة اخ لا يرث
 وابن اخ لا يرث وحصة فلانة الاخ لا يرث من ميراث مولى فلانة الاخ لا يرث من ميراث
 وصية

٢٠٧

عنه لابت ام وعنه لابت لال
لعبه من الاب والام فان

لام

للكر من خطا فخبين فان ترك
بنات فان بني فلال بنهم

الباقي

فان ترك عا و ابن لابت فلال بن لابت فان ولد الاخوة يكونون مقام الاخوة
والعلم يقوم مقام الجدة وان ولد الاخوة من ولد الاب والعم من ولد الجد وان ابن
الاخ يركب الجدة وابن الجد لا يركب من الاخ عنه جميع وكذلك ان ترك عا وابن عا فلال
الاخ فان ترك بنت عم لابت ام وابنة عم لابت فلال بنهم لابت ام السكون ما بقي فلال بنهم
من الاب والام وكذلك بنت فلال ام وابنة فلال لابت ام فلال بنهم لابت ام السكون
ما بقي فلال بنهم لابت ام والام فان ترك بنات عم وبني عم فلال بنهم لابت ام السكون
فلا سوا فان ترك بن عم وابنة عم فلال بنهم لابت ام السكون فلال بنهم لابت ام
فلال بنهم وابنة فلال بنهم لابت ام السكون فان ترك عم لابت ام فلال بنهم لابت ام
الابن فلال بنهم لابت ام السكون فان ترك بنت عم فلال بنهم لابت ام السكون
لابنة العم فان ترك بنت عم وابنة عم فلال بنهم لابت ام السكون فلال بنهم لابت ام
المنصف لباقي فان ترك عمه لابت ام وعنه لابت ام فلال بنهم لابت ام السكون
فان ترك بنت عم من اب وام وابنة عم من اب وام فلال بنهم لابت ام السكون
وان ترك بنت ام السكون فلال بنهم لابت ام السكون فلال بنهم لابت ام السكون
ابني عم وابنة عم فلال بنهم لابت ام السكون فلال بنهم لابت ام السكون
فان ترك بنت عم من اب وام وابنة عم من اب وام فلال بنهم لابت ام السكون
شقوق فوال بنهم لابت ام السكون فلال بنهم لابت ام السكون فلال بنهم لابت ام
فان ترك بنت عم من اب وام وابنة عم من اب وام فلال بنهم لابت ام السكون
وما بقي فلال بنهم لابت ام السكون فلال بنهم لابت ام السكون فلال بنهم لابت ام
عم لابت ام وابنة عم فلال بنهم لابت ام السكون فلال بنهم لابت ام السكون
العم لابت ام وابنة عم فلال بنهم لابت ام السكون فلال بنهم لابت ام السكون
فلال بنهم لابت ام السكون فلال بنهم لابت ام السكون فلال بنهم لابت ام السكون

لعبه

وقد اخذت من سكت

سقطت ابنة عم امه فان ترك عم لابت ام وعنه لابت ام السكون فلال بنهم لابت ام
فلال بنهم لابت ام السكون فلال بنهم لابت ام السكون فلال بنهم لابت ام السكون
من الاب والام خمسة اسكت لابت ام وعنه لابت ام السكون فلال بنهم لابت ام
الفتين وبوسنة من ثمانية عشر ولعبه لابت ام السكون فلال بنهم لابت ام السكون
فلال بنهم لابت ام السكون فلال بنهم لابت ام السكون فلال بنهم لابت ام السكون
فان ترك امه زوجا وفلان وعنه فلال بنهم لابت ام السكون فلال بنهم لابت ام السكون
الفتين على العم فلال بنهم لابت ام السكون فلال بنهم لابت ام السكون فلال بنهم لابت ام
الربع ولعبه لابت ام السكون فلال بنهم لابت ام السكون فلال بنهم لابت ام السكون
الاخوان فلال بنهم لابت ام السكون فلال بنهم لابت ام السكون فلال بنهم لابت ام السكون
من سكت فلال بنهم لابت ام السكون فلال بنهم لابت ام السكون فلال بنهم لابت ام السكون
لام وعنه لابت ام السكون فلال بنهم لابت ام السكون فلال بنهم لابت ام السكون
عنه لابت ام السكون فلال بنهم لابت ام السكون فلال بنهم لابت ام السكون
فلال بنهم لابت ام السكون فلال بنهم لابت ام السكون فلال بنهم لابت ام السكون
اولادهم شيا فان اولاد الاخوة وان اخواتهم من اولاد الاخوة وان اخواتهم من اولاد
من لابت ام السكون فلال بنهم لابت ام السكون فلال بنهم لابت ام السكون فلال بنهم لابت ام السكون
لام وعنه لابت ام السكون فلال بنهم لابت ام السكون فلال بنهم لابت ام السكون
وابن بن عم فلال بنهم لابت ام السكون فلال بنهم لابت ام السكون فلال بنهم لابت ام السكون
امه وخاله وعنه فلال بنهم لابت ام السكون فلال بنهم لابت ام السكون فلال بنهم لابت ام السكون
جد امه لابت ام السكون فلال بنهم لابت ام السكون فلال بنهم لابت ام السكون
واحد لابت ام السكون فلال بنهم لابت ام السكون فلال بنهم لابت ام السكون
وابنة اخيرة لابت ام السكون فلال بنهم لابت ام السكون فلال بنهم لابت ام السكون

فان ترك

ایک روز

639

f. 9

انہی میں وہ ایک ملک ہے

مشرقی

تجلیات ان فی الرجال و ما لبثت

قَالَ فَتَعْلَمُ مَنْ جَاءَهُ

والتحقيق هو

۱۰۰

احمد حسن

جسٹس

1

التقريب في بيانها

3

موسیٰ بن ابراہیم الخفصی بن مر

فولکلور

[illegible]

يا علي من خاف الله فوجع الخاف الله من كل شيء ومن لم يخف الله خاف من كل شيء
 لا تقبل منهم الصلوة العبد الا في خروجه الى الله وان شئوا فوجعها من كل شيء
 فانك لو خافوا ما جارية هدرت كقصة خيرة واما ما هم قوم يصلون بهم وهم لا يهتدون ولا يسمعون
 والذين انذروا في الفيل الخياط يا علي اربع من كل شيء بنى الله فوجع من كل شيء
 التبريد ورحم الضعيف المتفق على الله ورفق بملوكه يا علي ثلث من الخاف الله فوجع من كل شيء
 الناس من الخاف الله فوجع من كل شيء من ورجع عن كل شيء فوجع من كل شيء
 الناس من كل شيء من الخاف الله فوجع من كل شيء من الخاف الله فوجع من كل شيء
 الخاف في كل شيء من الخاف الله فوجع من كل شيء من الخاف الله فوجع من كل شيء
 ولا اله الا الله والله اكبر ولكن لا دور على ما يحرم الله فوجع من كل شيء من الخاف الله فوجع من كل شيء
 الضمير فلو كان الله واهلك فداك واما لا تصنعون من كل شيء من الخاف الله فوجع من كل شيء
 وقور من خفيف يا علي سمعتم من كل شيء من الخاف الله فوجع من كل شيء من الخاف الله فوجع من كل شيء
 وقور من خفيف يا علي سمعتم من كل شيء من الخاف الله فوجع من كل شيء من الخاف الله فوجع من كل شيء
 لا من يني يا علي لعن الله ثلثه اكل اوده وحده وراكب الفلاة وحده واليا لم في بيت وحده
 يا علي ثلثه تخوف من الخاف الله فوجع من كل شيء من الخاف الله فوجع من كل شيء
 يا علي ثلثه يحسن فيسركم في كل شيء من الخاف الله فوجع من كل شيء من الخاف الله فوجع من كل شيء
 ثلثه يحسن فيسركم في كل شيء من الخاف الله فوجع من كل شيء من الخاف الله فوجع من كل شيء
 من خاف الله فوجع من كل شيء من الخاف الله فوجع من كل شيء من الخاف الله فوجع من كل شيء
 ترمع ورجع من خاف الله فوجع من كل شيء من الخاف الله فوجع من كل شيء من الخاف الله فوجع من كل شيء
 لعمري من خاف الله فوجع من كل شيء من الخاف الله فوجع من كل شيء من الخاف الله فوجع من كل شيء
 محمد وجميع من الكبر يا علي اربع من الخاف الله فوجع من كل شيء من الخاف الله فوجع من كل شيء
 اربع يا علي ثلث درجات وثلث كدارات وثلث ملكات وثلث نجات فاما الدنيا فاما الدنيا

الاتفاق من

الوضوء في السبرات واشتراط الصلوة بعد الصلوة واشتراط السجدة والاشارة الى الجنة واما الكفا
 فافق الله السلام والطعام والطمع والتجدي بالسر والسر من كل شيء واما الملكات فتخرج من
 يوم تسبح والنجاب والرجل من كل شيء واما النجاسات فتخرج من كل شيء
 والقرع وكله العدل في الرضا والخط يا علي لا رضاء بعد رضاء ولا تسبح بعد تسبح يا علي
 بر والملك بر سنة من كل شيء من كل شيء من كل شيء من كل شيء من كل شيء من كل شيء
 وحده تترادف ايمان ايمان في الله خمسة ايمان ايمان ايمان ايمان ايمان ايمان ايمان ايمان
 عليك يا علي استغفار يا علي ثلث علامات الصلوة والركن والقيام والخط يا علي
 يتلقى اذا خضع وبقاب اذا غاب ويثبت بالحيطة ولا تظلم ثلث علامات تفر من دونه
 من فوقه بالحيطة وبطائر الفلك وتعلم اي ثلث علامات يمشط اذا كان في الله من كل شيء
 وحده ويحب ان يجر فرج من كل شيء من كل شيء من كل شيء من كل شيء من كل شيء من كل شيء
 واذا اتممت فان يا علي ثلث اشياء التورث النسيان اكل الخبز من كل شيء من كل شيء من كل شيء
 وسورته فافق الله فوجع من كل شيء من الخاف الله فوجع من كل شيء من الخاف الله فوجع من كل شيء
 اما اذا ركع يا علي العيش ثلثه ايرقور او جارية حسنا او فوسقيا او قال مصنف هذا
 سمعت رجلا من اهل المدينة يقول انفس القبا الضامر ليطر يقال لرس اقب ثلث
 من كل شيء من كل شيء من كل شيء من كل شيء من كل شيء من كل شيء من كل شيء
 في احسانها ثلثه القهر جمع الصبر وهو الذي يثيب لونه الى الجنة وهذا اللون يكون كالحمار
 والماجي الطير اربع اشياء من كل شيء من كل شيء من كل شيء من كل شيء من كل شيء من كل شيء
 ترفد فوق الانسية اربع اشياء من كل شيء من كل شيء من كل شيء من كل شيء من كل شيء من كل شيء
 ومن حدث حدثا او خيرا فليعلم الله فحين يارسول الله واما ذلك فحدث قال علي يا علي
 من كل شيء من كل شيء من كل شيء من كل شيء من كل شيء من كل شيء من كل شيء
 السيات يا علي لو اني خذ ايمان يا علي في الله وبقض الله يا علي من كل شيء من كل شيء

الخير في دونه

سفر دانا

५५५

مختصر کم الی اربعۃ اشعاع

استدلال بر ائمه و انصاف اولی الامر

[illegible]

[illegible]

کتاب

[illegible]

من قصص

اپنی آخری خسرو

[illegible]

الحمد لله رب العالمين

مکتبہ اسلامیہ

FFA

و محمد بن یحییٰ العطار و احمد بن اسحاق
و الحسن بن الحسن بن مسلم بن علی بن محمد

fff

بن النوكل عن عبد الله بن محمد بن الحسين عن الحسن بن محبوب عن علي بن
ريباب عن صفوان وداكان بن عيسى عن مصعب بن زياد عن الانصار عن ابي ابي بصير عن
روثة عن ابي محمد بن الحسن عن سعد بن عبد الله عن احمد بن محمد بن عيسى عن علي بن الحكم عن ابي
محمد عن عمار الشيباني عن يونس بن ابراهيم عن يحيى بن ابي الكاظم عن عثمان بن عمار عن ابي بصير
عن الانصار عن ابي الحسن بن علي بن محمد بن علي بن ابي بصير عن ابي بصير عن ابي بصير
عن علي بن زيد عن روثه عن علي بن ابي محمد بن الحسن عن سعد بن عبد الله عن احمد بن محمد بن عيسى عن
بن محمد بن عمار عن احمد بن محمد بن علي بن ابي بصير عن داكان بن عيسى عن ابي الورد قدس سره عن ابي الورد
عن احمد بن محمد بن الحسن بن علي بن محمد بن الحسن بن محبوب عن علي بن ريباب عن ابي الورد
وكان بن عيسى عن الفضل بن قرة السند قدس سره عن ابي محمد بن الحسن بن علي بن ابي بصير
احمد بن عبد الله بن ابي بصير بن ابي بصير عن الفضل بن قرة السند قدس سره عن ابي بصير
عن الوصافي قدس سره عن محمد بن ابي بصير عن محمد بن ابي بصير عن احمد بن محمد بن عيسى
قدس سره عن عبد الله بن الوصافي وداكان بن عيسى عن الوليد بن عيسى قدس سره عن ابي بصير
بن ابراهيم بن ابي بصير عن محمد بن الحسن بن احمد بن عبد الله بن محمد بن عيسى
عن ابي بصير عن ابي محمد بن الحسن بن احمد بن عبد الله بن محمد بن عيسى
عن صفوان بن عيينه عن ابي بصير عن احمد بن محمد بن علي بن ابي بصير
عن الحسن بن ابي بصير عن روثه عن محمد بن الحسن بن احمد بن عبد الله بن محمد بن عيسى
عن ابراهيم بن ابي بصير عن الحسن بن ابي بصير المعروف بابن بنت ابي بصير
عن الحسن بن ابي بصير قدس سره عن ابي محمد بن الحسن بن احمد بن عبد الله بن محمد بن عيسى
بن ابي بصير عن احمد بن الحسن بن يحيى بن احمد بن الحسن بن ابي بصير
عن ابي بصير عن محمد بن ابراهيم بن ابي بصير عن الحسن بن ابي بصير
وكان بن عيسى عن ابي بصير بن احمد بن محمد بن الحسن بن احمد بن عبد الله بن محمد بن عيسى

عن محمد بن حسان م

مکتوب

۴ علی بن موسیٰ حر

قسم

مختار
مختار
۱۲۵

الدریسی
غیر معلوم

۱۰۰

من مسمی

وانس من محمد

مفتوح

[illegible]

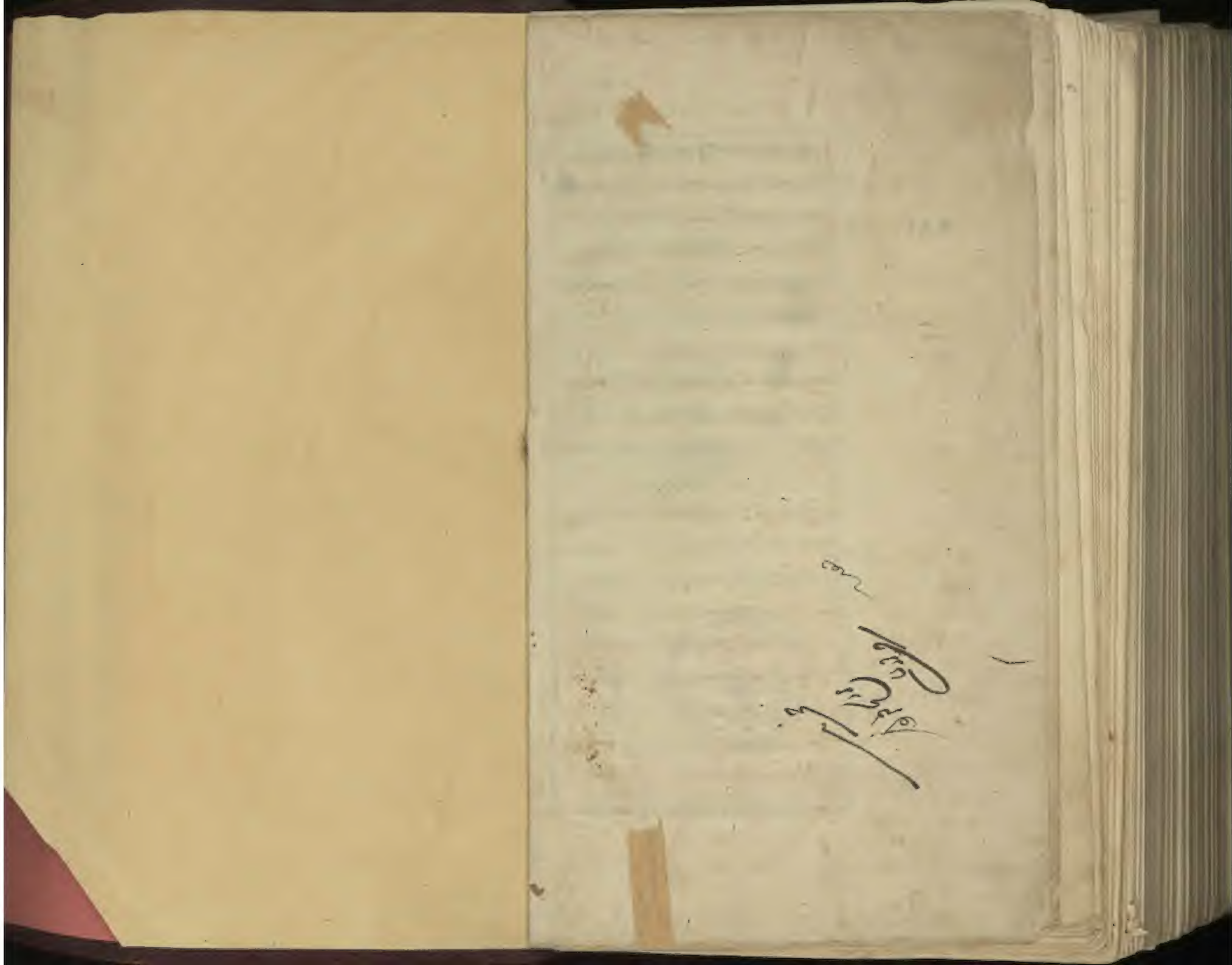
پن جہاں

701

ابن خلدون

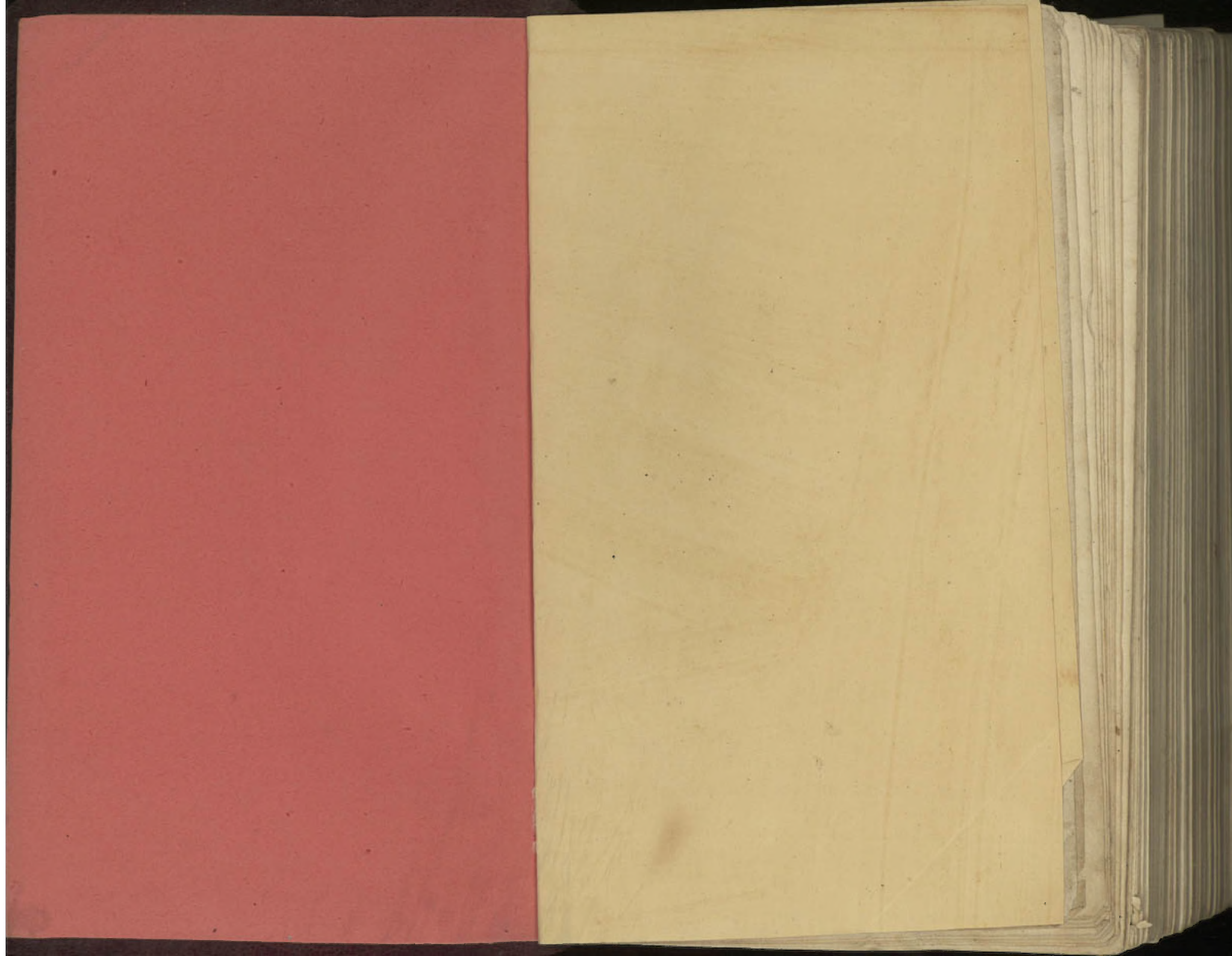
الحسين

تجدد الحکومت



Handwritten signature or mark in the lower right corner of the right page.





100

